

سخن نو

در تفسیر قرآن

(به ترتیب نزول)

جلد نهم

از : جمال گنجه ای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه کتاب

نام کتاب : سخن نو در تفسیر قرآن – جلد نهم

نام مولف: جمال گنجه ای

تاریخ انتشار ویرایش جدید در فضای مجازی:

تابستان ۱۴۰۰

<https://tafsir.ganjei.com>

jamalganjei@gmail.com

فهرست

صفحه	موضوع
۵	مقدمه
۶	فهرست الفبائی همه سوره ها
۱۴	فهرست مندرجات هر جلد از سایر کتب تفسیر
۱۷	تفسیر سوره انشراح
۲۲	تفسیر سوره حج
۶۱	تفسیر سوره بقره
۲۳۶	تفسیر سوره بینه
۲۴۱	تفسیر سوره ماعون
۲۴۴	تفسیر سوره عادیات
۲۴۷	تفسیر سوره صف
۲۵۵	تفسیر سوره محمد (ص)
۲۷۶	تفسیر سوره انفال
۳۱۸	تفسیر سوره حشر
۳۳۴	تفسیر سوره منافقون
۳۴۰	تفسیر سوره جمعه
۳۴۷	تفسیر سوره آل عمران

مقدمه

تفسیر قرآن، کوششی است مستمر برای فهمیدن، و بهتر فهمیدن پیام وحی.

همانطور که در هر تلاش و کوشش بشری، مجهز بودن به ابزار مناسب و درخور، یاریگر و بلکه لازمه رسیدن به هدف و مقصود است، مفسر قرآن هم در تفسیر کلام خداوند بی نیاز از ابزارهای لازم و مناسب نیست.

با مطالعه تفاسیر کلاسیک قرآن می‌توان دید که مفسران سرشناس، هر چند در بالاترین درجات عالی علم و فضل هم بوده‌اند، ولی چون ابزار مناسب برای چنین تلاش مهمی نداشته‌اند، بعضاً به خطا رفته‌اند و از مشهورترین و معتبرترین تفاسیر کلاسیک هم می‌توان اشکال‌های زیادی گرفت.

رویکرد نو ما در «تفسیر تحلیلی قرآن»، ابزاری به مفسر قرآن پیشنهاد می‌کند که امیدواریم مورد توجه اهل فن قرار گیرد و دوره‌ای نو در ادراک پیام خداوند آغاز شود.

برای آشنایی با مبانی این روش توصیه می‌کنم :

۱۶۰ صفحه ابتدایی کتاب «علوم قرآنی» ما مطالعه شود. (در سایتی که در اول این کتاب نشانیش داده شده) برای دانشمندانی که تنگی وقت‌شان در این حد هم مجال نمی‌دهد توصیه می‌کنم ۹۰ صفحه ابتدایی را از دست ندهند.

چندین کلیپ ویدئویی کوتاه در معرفی این روش تهیه شده است که به علاقمندان توصیه می‌کنم در سرویس‌های رایج اشتراک ویدئو با جستجوی «تفسیر تحلیلی قرآن مجید» مشاهده کنند.

فهرست الفبائی همه سوره ها

ردیف	نام سوره	جلد
۱	ابراهیم	۶
۲	احزاب	۱۰
۳	احقاف	۵
۴	اسراء	۶
۵	اعراف	۷
۶	اعلی	۲
۷	آل عمران	۹
۸	انبیاء	۶
۹	انشراح	۹
۱۰	انشقاق	۳
۱۱	انعام	۷
۱۲	انفال	۹
۱۳	انفطار	۳

۴	بروج	۱۴
۹	بقره	۱۵
۲	بلد	۱۶
۹	بینہ	۱۷
۴	تبت	۱۸
۱۰	تحریم	۱۹
۱۰	تغابن	۲۰
۲	تکائر	۲۱
۳	تکویر	۲۲
۱۰	توبہ	۲۳
۱	توحید	۲۴
۱	تین	۲۵
۵	جاثیہ	۲۶
۹	جمعہ	۲۷
۴	جن	۲۸

٣	حاقه	٢٩
٩	حج	٣٠
٧	حجر	٣١
١٠	حجرات	٣٢
١٠	حديد	٣٣
٩	حشر	٣٤
١	حمد	٣٥
٥	دخان	٣٦
٣	دهر	٣٧
٤	ذاريات	٣٨
٣	رحمان	٣٩
٨	رعد	٤٠
٨	روم	٤١
٥	زخرف	٤٢
١	زلزال	٤٣

۸	زُمر	۴۴
۵	سباء	۴۵
۸	سجده	۴۶
۶	شعراء	۴۷
۱	شمس	۴۸
۵	شوری	۴۹
۶	ص	۵۰
۶	صافات	۵۱
۹	صف	۵۲
۱	ضحی	۵۳
۱	طارق	۵۴
۱۰	طلاق	۵۵
۳	طور	۵۶
۷	طه	۵۷
۹	عادیات	۵۸

۵۹	عبس	۲
۶۰	عصر	۱
۶۱	علق	۲
۶۲	عنكبوت	۸
۶۳	غاشیه	۳
۶۴	فاطر	۸
۶۵	فتح	۱۰
۶۶	فجر	۲
۶۷	فرقان	۸
۶۸	فصلت	۵
۶۹	فلق	۱
۷۰	فیل	۴
۷۱	ق	۳
۷۲	قارعه	۱
۷۳	قدر	۱

٢	قریش	٧٤
٧	قصص	٧٥
٣	قلم	٧٦
٤	قمر	٧٧
٣	قیامت	٧٨
٢	کافرون	٧٩
٤	کوثر	٨٠
٧	کهف	٨١
٨	لقمان	٨٢
١	لیل	٨٣
١٠	مائده	٨٤
٩	معاون	٨٥
١٠	مجادله	٨٦
٩	محمد	٨٧
٤	مدثر	٨٨

٣	مرسلات	٨٩
٧	مریم	٩٠
٢	مزل	٩١
٣	مطففین	٩٢
٤	معارج	٩٣
٨	ملک	٩٤
١٠	ممتحنه	٩٥
٩	منافقون	٩٦
٥	مومن	٩٧
٦	مومنون	٩٨
٤	نازعات	٩٩
١	ناس	١٠٠
٣	نباء	١٠١
٢	نجم	١٠٢
٨	نحل	١٠٣

۱۰	نساء	۱۰۴
۱۰	نصر	۱۰۵
۷	نمل	۱۰۶
۴	نوح	۱۰۷
۱۰	نور	۱۰۸
۳	واقعه	۱۰۹
۲	همزه	۱۱۰
۶	هود	۱۱۱
۵	یاسین	۱۱۲
۷	یوسف	۱۱۳
۶	یونس	۱۱۴

برای یافتن سوره ها ئی که به بیش از یک نام معروف میباشند نام های دیگرشان نیز ذیلا ذکر شده که توصیه میشود به نامی که در فهرست الفبائی فوق ذکر شده مراجعه شود :

اخلاص : توحید - انسان : دهر - الم سجده : سجده - براءت : توبه - حم سجده : فصلت - شرح : انشراح - فاتحه الکتاب : حمد - قتال : محمد - غافر: مومن - ملائکه: فاطر - مسد : تبت -

فهرست مندرجات هر جلد کتاب تفسیری (بدون ذکر صفحه)

جلد ۱

۱ عصر - ۲ توحید - ۳ حمد - ۴ زلزال - ۵ قارعه - ۶ ضحی - ۷ فلق - ۸ ناس - ۹ تین - ۱۰ لیل - ۱۱ شمس - ۱۲ طارق - ۱۳ قدر

جلد ۲

۱۴ علق - ۱۵ قریش - ۱۶ تکوین - ۱۷ بلد - ۱۸ همزه - ۱۹ فجر - ۲۰ نجم - ۲۱ عبس - ۲۲ کافرون - ۲۳ اعلی - ۲۴ مزمل

جلد ۳

۲۵ انفطار - ۲۶ تکویر - ۲۷ حاقّه - ۲۸ مرسلات - ۲۹ قلم - ۳۰ غاشیه - ۳۱ نباء - ۳۲ طور - ۳۳ واقعه - ۳۴ رحمان - ۳۵ دهر - ۳۶ مطفین - ۳۷ قیامه - ۳۸ انشقاق - ۳۹ ق

جلد ۴

۴۰ مدثر - ۴۱ نازعات - ۴۲ نوح - ۴۳ قمر - ۴۴ فیل - ۴۵ بروج - ۴۶ مسد - ۴۷ معارج - ۴۸ ذاریات - ۴۹ جنّ - ۵۰ کوثر

جلد ۵

۵۱ دخان - ۵۲ زخرف - ۵۳ فصلت - ۵۴ جائیه - ۵۵ احقاف - ۵۶ مومن - ۵۷ یس - ۵۸ شوری - ۵۹ سباء

جلد ۶

۶۰ مومنون - ۶۱ ابراهیم - ۶۲ اسراء - ۶۳ هود - ۶۴ شعراء - ۶۵ یونس - ۶۶ انبیاء - ۶۷ صافات - ۶۸ ص

جلد ۷

۶۹ قصص - ۷۰ نمل - ۷۱ مریم - ۷۲ یوسف - ۷۳ حجر - ۷۴ طه - ۷۵ انعام - ۷۶ اعراف - ۷۷ کهف

جلد ۸

۷۸ فرقان - ۷۹ سجدہ - ۸۰ زمر - ۸۱ لقمان - ۸۲ عنکبوت - ۸۳ نحل - ۸۴ فاطر - ۸۵ روم - ۸۶ رعد - ۸۷ ملک

جلد ۹

۸۸ انشراح - ۸۹ حج - ۹۰ بقرہ - ۹۱ بینہ - ۹۲ ماعون - ۹۳ عادیات - ۹۴ صف - ۹۵ محمد - ۹۶ انفال - ۹۷ حشر - ۹۸ منافقون - ۹۹ جمعہ - ۱۰۰ آل عمران

جلد ۱۰

۱۰۱ تغابن - ۱۰۲ حدید - ۱۰۳ احزاب - ۱۰۴ نساء - ۱۰۵ نور - ۱۰۶ طلاق - ۱۰۷ فتح - ۱۰۸ ممتحنہ - ۱۰۹ نصر - ۱۱۰ توبہ - ۱۱۱ حجرات - ۱۱۲ مجادلہ - ۱۱۳ تحریم - ۱۱۴ مائدہ

مرحله نهم

هجرت بزرگ
و تشکیل حکومت مسلمین
و آغاز نقطه عطف
در تاریخ اسلام

سوره انشراح

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) به علت کم حجم بودن سوره برایتان مستقیماً ممکن و نتیجه مطابق ذیل است:
درس: تقویت روحیه پیامبر و تشویق او به درگیر شدن با مشکل بزرگ

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

به علتی که فوقاً در باره کمی حجم سوره عرض کرده ایم، راه دوم نیز ضروری نیست.

۳ - سوالات

- ۱- عسر و یسر دو آیه ۵ و ۶ را با توجه به «درس» معنی کنید.
- ۲- چرا مطلب آیه ۵ در آیه ۶ تکرار شده؟

۴ - پیشگویی های تحقق یافته

آیه های ۵ و ۶ که در حقیقت یک آیه بیشتر نیست، «راه» آن حضرت را به او نشان می دهد که ای پیامبر! تو پیامبر دوره بلوغ بشریت هستی و به زودی الگوی میلیاردها نفر در سراسر جهان و در طول قرون و اعصار خواهی شد، تو باید طوری رفتار کنی که قابل تقلید باشد و اگر برای حل مشکلات انتظار کمک های معجزه ای داشته باشی الگو و قابل تقلید نخواهی بود لذا به طریق درگیری مستقیم با مشکل و حل آن اقدام کن و انتظار تأییدات الهی از طریق معجزات (از قبیل عصای چند منظوره موسی-ع و غیره) نداشته باش، با مشکل بطور مستقیم درگیر شو خواهی دید

سختی که تحمل خواهی کرد حل مشکل را آسان خواهد کرد. چنانکه می‌دانید پیامبر ما نه کشتی نوح، نه عصای موسی، نه مرده زنده کردن عیسی و نه گلستان شدن آتش ابراهیم، نه شتر صالح، را، نداشت و معجزه‌اش هم از جنس کلام و استدلال و محاجه و تمثیل و تشویق و تحذیر بود، و خلاصه اینکه روش پیامبری آن حضرت در طول آن مدت طولانی پیامبریش تفسیر همین دو آیه ۵ و ۶ است.

اگر به روح سوره دقت کنید خواهید دید که این سوره به نوعی متضمن «وعدۀ موفقیت» به پیامبر(ص) است و از این لحاظ در مجموعه «وعدۀ‌های تحقق یافته» قرار می‌گیرد و عنصر اعجازی دارد.

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

کل آیات این پاراگراف «برجسته» است و برجستگی می‌تواند دو ملاک داشته باشد که یکی از آنها مربوط به معانی بلند آیات مربوطه، و دیگری مربوط به اقبال مردم و نخبگان جامعه به آن آیات باشد، و این آیات واجد هر دو ملاک می‌باشند. زیرا در باره عالی بودن معانی، بقدر کافی دیده اید و از لحاظ اقبال نخبگان هم واجد هست، بطوریکه موضوع کار هنرمندان خوشنویس بوده و در قاب‌های زیبای تابلوهای خوشنویسی جای گرفته و در سر درب‌ها و بالای محراب‌های بسیاری از مساجد و نیز دور گنبد‌ها و جاهای اصلی دیگر را مزین نموده و به صورت کاشی و معرق‌کاری و طرق دیگر نیز جلوه گری میکند.

۶ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

تقویت روحیه پیامبر و تشویق او به درگیر شدن با مشکلات بزرگ.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره‌ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی: چنانکه معلوم است آیه ۳ فرع بر آیه ۲ است، به عبارت دیگر پُرانتری

است، و همچنین آیه‌های ۵ و ۶ گرچه فرع بر آیه‌ای نیستند اما پُرانتزی هستند، و امتحانش هم این است که اگر خواننده انتهای آیه ۴ را به ابتدای آیه ۷ وصل کند، خواهد دید که موضوع «یکدست» شده، و از همین جا معلوم می‌شود دو آیه ۵ و ۶ پُرانتزی است.

دو آیه مذکور (که در حقیقت یک آیه مؤکد بیشتر نیست) یک متن مستقل است اما در محلی قرار گرفته که حالت پُرانتزی پیدا کرده است.

تَبَّ مطلب : آیات ۱ و ۲ و ۴ همگن بوده و مفهوم آنها برشماری برخی از نعمت‌های الهی است که به پیامبر (ص) اعطا فرموده، و دو آیه آخر توصیه‌های عبادتی است.

یعنی در مقابل این نعمت‌ها، این رفتارها را کن.

نعمت‌هایی که خداوند یادآوری نموده، از جنس نعمتهائی است که در حوزه مدیریت و رهبری کاربرد دارد و لذا مجموع مفهوم دو قسمت اینطور می‌شود که:

«ای پیامبر! ما در حوزه رهبری کمک مهمی به تو کرده‌ایم، پس به این عبادات بپرداز»

ترتیب نزول : به دلایلی که ذیلا عرض میشود محل این سوره نمیتواند درست پس از سوره ضحی باشد. دلایلی از قبیل:

۱- در آیه ۱ فرموده به تو «شرح صدر» دادیم، درحالی که در سوره حجر که تقریباً ۸ سال از شروع و نحل که تقریب ۱۲ سال از شروع نزول وحی فاصله دارد فرموده «میدانیم از... دلتنگ هستی»

۲- در آیه های ۳ و ۲ فرموده «بار کمر شکن را ازدوشت برداشتیم» در حالی که در اوایل وحی بار کمر شکنی بر دوش ایشان نبود زیرا در همان سوره ضحی دیدیم ایشان از انقطاع موقت وحی ملول و فسرده شده بود.

۳- در آیه ۴ فرموده «مشهورت کرده ایم» در حالی که در مقطع زمانی نزدیک به نزول سوره ضحی آنحضرت چندان شهرتی نداشت و شهرت ایشان «محمد امین» و «بن عبدالله» و بر حسب کنایه دشمنان «یتیم ابوطالب» بود.

شهرت آنحضرت، در حد آیه ۴ این سوره، بعد از هجرت بلند شد.

لذا چاره ای نداریم جز اینکه این سوره را در اول لیست سوره های مدنی در نظر بگیریم.

نعمت‌های بسیار بزرگ

البته همه نعمت‌ها از جانب خداوند می‌باشند اما نعمت‌ها از لحاظ ارزشی بسیار با هم تفاوت دارند. یک جرعه آب نعمت است و قدرت دریافت وحی هم نعمت است، اما این کجا و آن کجا.

نعمت‌هایی که خداوند در این‌جا آنها را به یاد پیامبر(ص) آورده از نوع نعمت‌های خیلی خیلی بزرگ بوده و عبارتند از:

۱- افزایش ظرفیت‌های شخصیتی پیامبر(ص).

۲- کمک مستقیم به پیامبر(ص) برای مشکلات بسیار بزرگ بطوریکه آن حضرت خودش با آن‌ها درگیر شود و حل کند.

۳- پراکنش حسن شهرت و ایجاد اعتبار زیاد برای آن حضرت.

اگر خوب دقت کنیم خواهیم دید که این سه مورد، نعمت‌هایی است که در حوزه رهبری اجتماعی به کار می‌آید و هیچ رهبر موفق اجتماعی نیست که از آن‌ها بی‌بهره باشد و بتواند رهبری موفقانه‌ای بروز بدهد.

رهبران موفق اجتماعی که واقعاً توانسته‌اند مردم خویش را در نردبان انسانیت یک پله به بالا ببرند، بدون استثناء یک عنصر محبوبیت داشته‌اند که توانسته‌اند سخنان را به دل مردم بنشانند و آن‌ها را دنبال خویش بکشانند و اگر دقت کنید این سه نعمت ذکر شده از نوع نعمت‌های کاریزماتیک است، و تاریخ هم نشان می‌دهد که پیامبر(ص) دارای محبوبیت قوی بود و مردم آنحضرت را بسیار دوست می‌داشتند و حتی دشمنان آنحضرت نیز ایشان را می‌ستودند.

سختی و آسانی

آیه‌های ۵ و ۶ که در حقیقت یک آیه بیشتر نیست، «راه» آن حضرت را به او نشان می‌دهد

کدام مهم‌تر است؟

در دو آیه آخر می‌فرماید ای پیامبر پس از اینکه مشکلی را حل کردی به نماز بایست و به‌سوی خدا رغبت کن.

این یعنی چه؟

یعنی اینکه ای پیامبر! فکر نکن این روش کم اهمیت‌تر از روش عصای موسائی است. عصای موسی یک نوع نعمت است، آن سه عنصر هم یک نوع نعمت است، و هر دو هم از جانب خداست. لذا وقتی که مشکلی را حل کردی، (مانند پیامبران سابق، که در اثر تأییدات معجزه‌ای، به حل مشکل موفق می‌شدند، پس از حل مشکل به سوی خدا می‌رفتند و شکر و دعا می‌کردند) تو هم (صرف نظر از روش حل مشکل) به -

سوی منبع این سرمایه و نعمت برو و شکر و دعا کن.
خلاصه اینکه ای پیامبر! مبدا این سرمایه‌ای را که در آیات ابتدای این سوره برایت بر
شمرديم کمتر از عصای موسی و معجزات سایر انبیاء حساب کنی.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

ای پیامبر! آیا سینه ات را گشاده نگردانديم؟ (۱)
و آن بار سنگین را از دوش بر نداشتيم؟ (۲) همانکه برایت کمر شکن بود (۳)
و آوازه ات را بلند نگردانديم؟ (۴)

پس، دیگر حالا باید بدانی که حتما همراه با آن سختی‌ها آسانی هم هست (۵)
البته با آن سختی‌های بار رسالت که به دوش میکشی آسانی هست (۶)

پس هنگامی که از هر سختی فراغت یافتي به نماز و دعا بایست (۷) و بسوی
پروردگارت مایل شو (۸)

سوره حج

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾ يَوْمَ تَرَوْهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿٢﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ ﴿٣﴾ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ لِّنَبِّئَنَّ لَكُمْ وَنَقَرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِنَبْلُوَكُمْ أَشَدُّكُمْ مِنْكُمْ مِّنْ يُتَوَقَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَبْتَتَتْ مِنْ كُلِّ رَفْجٍ بَخِيجٌ ﴿٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُخَيِّبُ الْمُبْتَاتِ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ ﴿٨﴾ ثَالِثٍ عَطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿٩﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَالِمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿١٠﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١١﴾ يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْصُرُهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿١٢﴾ يَدْعُو لَمَن ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِ لَبِئْسَ الْمُؤْمِنُ وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ ﴿١٣﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿١٤﴾

پیش تفهیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفهیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: ای مسلمانان! به تکالیف عبادی که از سوی خدایتان مقرر شده و لو اینکه سخت به نظر آید رو کنید، و راه خود را کاملاً از کافران جدا نمائید.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مردم! چنین آینده هولناکی (قیامت) برای همگان در پیش است، و امری معقول و مفهوم هم هست. به مورد فوق بی توجهی نکنید، و ای مسلمانان! درباره خداوند بدون علم بحث نکنید و از شیطان پیروی ننمائید. کافران چنین می اندیشند و چنین می کنند، راهتان را از آنان جدا کنید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾ يَوْمَ تَرَوْهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿٢﴾

ریزدرب: ای مردم! چنین آینده هولناکی ممکن است در پیش رویتان باشد.

۲

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ ﴿٣﴾ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿٤﴾

ریزدرب: ای مردم! آینده هولناک پیشگفته اینطور رقم میخورد.

۳

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن نُّرَابٍ ثُمَّ مِّنْ نُفُفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عُلقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لَّئِبِينَ لَّكُمْ وَنُقُرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّنْ يَتَّقُو وَيَصْلَحُ وَمِنْكُمْ مَّنْ يَئِدْ إِلَىٰ أَرْدَلٍ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُخَيِّ الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِي الْقُبُورِ ﴿٧﴾

ریزدرب: ای مردم! زندگی بعدی حتمی است.

۴

وَمَنْ النَّاسُ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٨﴾ ثَانِي عَطْفُهُ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٩﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿١٠﴾ وَمَنْ النَّاسُ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١١﴾ يَدْعُو مَنْ دُونَ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا نَفْعَ لَهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿١٢﴾ يَدْعُو لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَيْسَ الْمَوْلَى وَلَيْسَ الْعَشِيرُ ﴿١٣﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿١٤﴾

ریزدرب: ای مردم! آینده بد اینطور رقم میخورد.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

۱- معنی «ثانی عطفه» (آیه ۹) چیست؟

۳- معنی «عشیر» (آیه ۱۳) چیست؟

۴ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱ و ۲ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. همچنین است آیات ۵ تا ۷ و ۱۴.

۵ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - چنین آینده هولناکی در پیش است. به مورد فوق بی توجهی نکنید.
- ۲ - ای مسلمانان! درباره خداوند بدون علم بحث نکنید و از شیطان پیروی ننمائید. کافران چنین می اندیشند و چنین می کنند، راهتان را از آنان جدا کنید
- ۳ - ای مردم! وقوع قیامت امریست معقول و مفهوم.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۴ و ۶ و ۷ و ۱۲ و ۱۴ ، بقیه پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

آفرینش از «خاک»

اگر در آیه ۵ دقت کنید، ترتیب عکسِ تطوراتِ جنین در داخل رحم اینطور است:

۱- طفل.

۲- مضعه.

۳- علقه.

۴- نطفه.

۵- خاک.

این مرحله «خاک»ی کدام مرحله است؟

واضح است که مرحله ایست که هنوز نطفه تشکیل نشده است.

یعنی نطفه که دو مؤلفه دارد، مؤلفه نرینه اش فعلاً در بدن مرد است (یعنی به صورت

اسپرم) و مؤلفه مادینه اش فعلاً در بدن زن است (یعنی به صورت تخمک)

خوب پس این «خاک» کجاست؟

نکته ظریفی در اینجا هست که بسیاری از خرافات را حل می کند. (لطفاً دقت کنید)

«خاک» مورد بحث همین اسپرم مرد و تخمک زن است.

توضیح مطلب این است که اسپرم مرد و تخمک زن جزء وجودشان نیست.

مثلاً اگر مرد یا زنی کلیه نداشته باشد به او مرد ناقص و زن ناقص می گویند.

اما اگر اسپرم یا تخمک نداشته باشند به آنها مرد ناقص و زن ناقص نمی گویند.

این اسپرم یا تخمک در بدن تولید می شود برای اینکه خارج شود و لذا جزء وجود

مرد یا زن نیست.

چرا به این اسپرم یا تخمک «خاک» گفته شده؟

زیرا از غذا تولید می‌شود و غذا یا منشاء گیاهی دارد یا منشاء حیوانی و منشاء گیاهی مستقیماً خاک است و منشاء حیوانی (با یک واسطه) آن هم از خاک است.

لذا اینکه در قرآن درباره حضرت عیسی (ع) فرموده «خلقه من تراب» (= او را از خاک آفرید) به این معنی نیست که مُشتی از خاک را برگرفت و در آن دمید و حضرت عیسی به وجود آمد، زیرا می‌دانیم حضرت عیسی (ع) مادر داشت و تولد او مانند من و شما بود و اگر هم پدر نداشت «قائم مقام پدر» داشت که در سوره مریم دیدیم جبرئیل امین نقش قائم مقامی پدر را انجام داد.

لذا «از خاک آفریده شدن» مخالفتی با مادر داشتن ندارد.

اگر همین زنجیره فکری را دنبال کنیم می‌توانیم به این موضوع برسیم «خلقه من تراب»ی که درباره حضرت آدم (ع) هم گفته شده مخالفتی با تولدی شبیه تولد من و شما ندارد.

اینک با این تعبیر عبارت «من تراب» (= «از خاک») را بهتر فهمیده‌ایم.

یعنی اینکه اسپرم مرد و تخمک زن، یک محصول تولید شده از خاک هستند.

آنها می‌خواهند «خداوند» با آنها هماهنگ باشد

موضوع آیه ۱۱ به این معنی است که خداوند را در هماهنگی با خودشان می‌خواهند نه اینکه خود را آنطور که خدا می‌خواهد هماهنگ کنند. و آیه‌های ۱۲ و ۱۳ توضیح آیه ۱۱ است.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

ای مردم از پروردگارتان پروا کنید،

که لرزه قبل از قیامت موضوع بسیار مهمی است (۱)

روزی که آنرا ببینند شیردهندگان شیرخواران خویش را از یاد می‌برند و حامله‌ها می‌زایند و مردم را می‌بینی که مستند در حالیکه مست نیستند ولیکن عذاب خداوند شدید است (۲)

و از مردم کسانی هستند که بدون اینکه علمی داشته باشند درباره خداوند مجادله می‌کنند و هر شیطان شروری را پیروی می‌نمایند (۳)

چنین مقرر شد که هر کس او را به دوستی و سرپرستی گرفت گمراهش کند و بسوی عذاب سوزاننده هدایتش نماید (۴)

ای مردم! اگر درباره برانگیختگی روز قیامت شکی دارید توجه کنید که ما شما را از خاکی، و سپس از نطفه ای، و سپس از علقه ای، و سپس از مضغه ای، شکل گرفته یا نگرفته، آفریدیم، تا برایتان بیان کنیم.

و در رَحِمِ ها آنچه بخواهیم تا سرآمدی معین قرارمیدهیم، سپس شما را بصورت طفلی بیرون می آوریم تا به نیرو برسید

و از شما کسانی هستند که میمیرند و کسانی هم هستند که به فرتوتی میرسند تا پس از اینکه به علم رسیده بودند به حالتی درآیند که علمی به چیزی نداشته باشند، و زمین را می بینی که افسرده است و تا آب بر آن فرو فرستیم فوراً به جنبش در می آید و فربه میشود و هر گونه گیاه شادابی میرویانند (۵)

این بخاطر آن است که خداوند حق است و هموست که مرده را زنده می کند و اینکه بر همه چیز تواناست (۶)

و اینکه روز قیامت خواهد آمد، و اینکه خداوند کسانی را که در قبرها هستند برخواند انگیزت (۷)

و از مردم کسانی هستند که درباره خداوند بدون اینکه علمی یا هدایتی و یا کتاب نورافشانی داشته باشند جدل می کنند (۸)

از روی تکبر پهلوی خویش را میگردانند تا مردم را از راه خدا گمراه کنند.

آنها در دنیا خواری خواهند داشت و روز قیامت به آنها عذاب آتش خواهیم چشاند (۹) در آنجا به آنان خطاب میشود این بخاطر آن چیزهائی است که از پیش فرستادی و خداوند نسبت به بندگان خویش ظالم نیست (۱۰)

و از میان مردم کسانی هستند که خداوند را بر طریق انحراف عبادت می کنند، اگر چیزی که آن را خیر حساب میکنند به آنان برسد دلگرم میشوند و اگر چیزی که بلا حسابش میکنند به آنها برسد روی خویش را از حق برمیدارند.

آنها زیانکار دنیا و آخرتند که همان زیانکاری آشکار است (۱۱)

یا اینکه چیزی را بجز خداوند به پرستش میخوانند که سودی و ضرری برایشان ندارد و گمراهی دور همین است (۱۲)

چیزی را به دعا میخوانند که ضررش از نفعش نزدیک تر است. چه یار و چه همدم
بدی است! (۱۳)

خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند داخل بهشت هائی
میکند که نهرها در کف آن جاری است. خداوند هر چه بخواهد می کند (۱۴)

حج ۲ آیات ۱۵ تا ۲۵

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ ﴿١٥﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِيَ مَنْ يُرِيدُ ﴿١٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغِينَ وَالنُّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١٧﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقٌّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿١٨﴾ هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ نِيَابٌ مِّن تَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿١٩﴾ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ﴿٢٠﴾ وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ ﴿٢١﴾ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٢٣﴾ وَهَدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهَدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ ﴿٢٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدْفُهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای مسلمانان! به تکالیف عبادی که از سوی خدایتان مقرر شده و لو اینکه سخت به نظر آید رو کنید و راه خود را کاملاً از کافران جدا نمائید.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای مردم! حرکت پیامبر رو به پیروزی است، به او ببیوندید و وضع مومنان و کفار در آخرت بسیار متفاوت خواهد بود و راهتان را از آنها جدا کنید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ ﴿١٥﴾

ریزدرب: کافرانی که فکر میکنند خداوند به آنحضرت کمکی نخواهد کرد این تجربه را بکنند ببینند دردشان تسکین پیدا میکند!

۲

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِيَ مَنْ يُرِيدُ ﴿١٦﴾

ریزدرب: خداوند آیت های روشن کننده را برای کسانی که لیاقت هدایت را دارند چنین نازل میکند

۳

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١٧﴾

ریزدرب: خداوند در قیامت صاحبان عقاید مختلف را از هم جدا میکند

۴

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿١٨﴾

ریزدرب: همه مخلوقات، چه آگاهانه و چه نا آگاهانه، مسیر الهی را میروند

۵

هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ نِيَابٌ مِّنْ نَّارٍ يَصُبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿١٩﴾ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ﴿٢٠﴾ وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ ﴿٢١﴾ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٢٣﴾ وَهَذَا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهَذَا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ ﴿٢٤﴾

ریزدرب: مثالی برای تفاوتِ عاقبتِ اخرویِ کافر و مومن

۶

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ يَلْحَاقْ بِظَلَمِ نَذْقُهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿٢٥﴾
ریزدرب: فعالان کفر بد عاقبتی خواهند داشت

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندیِ ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای مردم! قیامت را درپیش دارید لذا از خداوند پروا کنید و به نکوهش بحث و جدل بدون علم و پیروی القائنات شیطانی می پردازد و اینکه خداوند همانطور که شما را از اجزائی ساده آفرید میتواند دو باره این کار را بکند و درباره خداوند مجادله بیجان کنید و درباره عبادتش به انحراف متمایل نگردید .

در این پاراگراف می فرماید: ای کفار! مگر شما فکرنمی کردید این پیامبر ص-هرگز موفق نمیشود؟ (اینک که او از دسترستان خارج شده) در فکر و کارهایتان تجدید نظر کنید و اینکه البته در آخرت بین کافرو مومن فرق زیادی هست، اما از میان کافران آنهایی که «مفسد فعال» باشند وضعشان خیلی سخت تر خواهد بود.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اینک (دوره نزول آیات ۱۵ تا ۱۸) پیامبر خدا(ص) از دسترس کافران دور شده و آسیب رسانی به او یک درجه مشکل تر شده است.

اینک روحیه مسلمانان، چه آنانکه با پیامبر(ص) هجرت کرده اند و چه آنانکه هنوز

هجرت نکرده‌اند اما آرزویش را دارند، بسیار بهتر و قوی‌تر شده است و این کاملاً برای کفار محسوس است و همین سبب غیظ و ناراحتی فوق‌العاده آنان است. (و آیه ۱۵ آنان را به عقلانیت دعوت می‌کند)

در این پاراگراف سه نکته را می‌فرماید:

۱- خداوند هر کار که بخواهد می‌کند اما یکی از عناصر اصلی فعل خداوند این است که به مؤمنان کمک کند. ۲- اعمال کفار در جهت جلوگیری از الطاف الهی کمکی نمی‌کند. ۳- هدایت بدست خداست.

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۸ یک حالت «مو بر اندام راست کن» عجیبی دارد، که قابل توصیف نیست، و از این لحاظ جزء آیات برجسته است.

۶ - آیات مشکل

آیه ۱۵ از این لحاظ که مفسران مختلف نظرات متفاوت و بلکه متضاد در باره آن ابراز کرده اند، از آیات مشکل قرآن است، و البته ما هم نظر خویش را ذیلاً عرض کرده ایم.

آیه ۱۸ از این لحاظ که به مخلوقات مختلف جهان و طرز عبادتشان اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

۷ - زاویه با تفاسیر رایج

چون موضوع مفصل بود، و در بخش «شرح مختصر» در باره اش عرضی کرده ایم، به همانجا ارجاع می‌دهیم.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۱۹ تا ۲۵ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. همچنین است آیه ۱۷.

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

آیه پر مناقشه

آیه ۱۵ از آیه های پر اختلاف مفسران است، ولی ما با توجه به اصول تفسیری خویش اشکالی در آن نمی بینیم، چنانکه ذیلاً عرض میکنیم:
خلاصه محتوای سوره میگوید:

درس: ای مسلمانان! به تکالیف عبادی که از سوی خدایتان مقرر شده و لو اینکه سخت به نظر آید رو کنید و راه خود را کاملاً از کافران جدا نمائید.
خلاصه محتوای پاراگراف میگوید:

درب: ای مردم! حرکت پیامبر رو به پیروزی است، به او بپیوندید و وضع مومنان و کفار در آخرت بسیار متفاوت خواهد بود و راهتان را از آنها جدا کنید.
چیزی که در هر دو عصاره پررنگ است این است:

۱ - نكوهش کافران، ۲ - اعلام منصور بودن آنحضرت از سوی خداوند.
خوب، حالا اگر به آیه ۱۵ برگردیم و این دو نکته را در آن پیگیر شویم، خواهیم دید همه عناصر مفهوم است:

«ه» در «ینصره» به پیامبر (ص) مربوط میشود.

«من کان یظن ان لن ینصره الله» به گمان کافران در باره آنحضرت مربوط میگردد.
«یذهبن کیده» به خداوند مربوط میشود که در طول این مدت طولانی از بعثت تا هجرت، انواع و اقسام کیدها و توطئه های عظیم کفار را از آنحضرت برگرداند و خنثی نمود.

«ما یغیض» به انگیزه کفار برای آنهمه مکائد و توطئه ها اشاره دارد که همه آنها به علت «غیظ»ی بوده که آنان از آنحضرت و مانع شدن خداوند از به ثمر رسیدن کید آنها، به دل داشتند.

با توجه به مجموع آنچه عرض شد تفسیر آیه این میشود:

کسانی از کافران که فکر میکردند خداوند هرگز پیامبر را یاری نخواهد کرد، بهتر است به جایی بروند که دید وسیع تری داشته باشند (الی السماء) و ذهن خویش را از احساسات درونی شان خالی کنند (ثم لیقطع) و نیک بنگرند (فلینظر) که آیا

توطئه هایشان میتواند از بین ببرد (هل یذهبن کیده) آنچه را که علت غیظ شان است که عبارت باشد از آنهمه الطاف الهی نسبت به پیامبر؟
 یعنی اینکه ای کفار! بس نیست؟ اگر میتوانستید موفق شوید تا حالا که او درجنگ شما بود می باید موفق شده باشید، حالا که او از جنگ شما خارج شده، و هجرت کرده، وقت آن نرسیده که بخود آید؟
 این بود تفسیر ما، حال ببینید تفاسیر در این مورد چه مطالب عجیب و غریبی گفته اند.

ترجمه تفسیری آزاد

کافران که گمان میکردند خداوند هرگز در دنیا و آخرت به پیامبر (ص) کمک نخواهد کرد، یکطوری به جای مرتفعی بروند، آنگاه نظر خود را از چیز های دیگر قطع کنند، آنگاه در آن حالت به این بیندیشند آیا نیرنگشان میتواند الطاف الهی نسبت به این پیامبر را ازبین ببرد؟ (۱۵)

و آن قرآن را چنین نازل کردیم که آیاتی با دلایل روشن است،
 و چنین است که خداوند هر کس را لیاقت داشته باشد هدایت می کند (۱۶)

خداوند در روز قیامت بین مسلمانان و یهودیان و ستاره پرستان و مسیحیان و زرتشتیان و مشرکان حکم می کند. خداوند بر هر چیزی گواه است (۱۷)

ای انسان! آیا نمی بینی که آنچه در آسمانها و زمین است، و آفتاب و ماه و ستارگان، و کوه ها و درختان، و جنبندگان، و بسیاری از مردم، و نیز بسیاری از کسانی که عذاب بر آنها فرود آمد، خداوند را سجده می کنند؟ و کسی را که خداوند بخواهد خوار کند کسی نمیتواند گرمای بدارد. خداوند هرچه بخواهد می کند (۱۸)

دو گروهند که درباره پروردگارشان مجادله می کنند و کافران پیراهنی از آتش برایشان اختصاص یافته و از بالای سرشان چرکابه جوشان بر آنها ریخته میشود (۱۹)

که پوست و آنچه را که در شکمها ست می گدازد (۲۰) و گرزهایی از آتش خواهند داشت (۲۱)

هر وقت که به علت فشار ناراحتی بخواهند از آن خارج شوند، به آن برگردانده میشوند و به آنان گفته میشود عذاب آتش را بچشید (۲۲)

خداوند مومنان دارای عمل صالح را داخل بهشت هائی می کند که از کف آنها نهرها جاری است. دستبند هائی از طلا و مروارید به دست می کنند و لباسشان در آنجا حریر است (۲۳)

و به گفتار نیکو و راه پسندیده هدایت میشوند (۲۴)

البته به کافرانی که مردم را از راه خدا و مسجد الحرام، که آنرا برای بومی و غیر بومی یکسان قرار دادیم، باز می دارند، و نیز کسی را که در آن انحراف و ظلم بخواهد، از عذابی دردناک می چشانیم (۲۵)

حج ۳ آیات ۲۶ تا ۳۷

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٢٦﴾ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾ ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾ ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُنْتَلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿٣٠﴾ حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطُّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴿٣١﴾ ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّمَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿٣٢﴾ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِنَّكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ فَلُوحُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُقِفُونَ ﴿٣٥﴾ وَالْبُذُنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٧﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای مسلمانان! به تکالیف عبادی که از سوی خدایتان مقرر شده و لو اینکه سخت به نظر آید رو کنید و راه خود را کاملاً از کافران جدا نمائید.
 برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: حج واحکام مرتبط با آن سبب رشد و تعالی شما مسلمانان است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٢٦﴾

ریزدرب: اساسا تعیین مکان خانه کعبه، از اساس، برای مرکزیت توحید و عبادت بود

۲

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَاكْلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَمْرَ اللَّهِ الْغَنِيِّ ﴿٢٨﴾ ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾

ریزدرب: ابراهیم (ع) مامور برپایی حج شده بود

۳

ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُنْتَلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿٣٠﴾ خُفْيَاءَ اللَّهِ عِزِّ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطُّيُورُ أَوْ يَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴿٣١﴾ ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَفَوُّي الْقُلُوبِ ﴿٣٢﴾ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ يَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٣٣﴾

ریزدرب: بطور کلی، اهمیت دادن به دوری از موارد حرام، نزد خداوند مهم است

۴

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِنَّكُمْ إِلَىٰ وَاحِدٍ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣٥﴾

ریزدرب: روش های عبادات عملی هر امتی ممکن است فرق کند

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾ لَّن يَنَالَهُ اللَّهُ خُلُوبُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِن يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٧﴾

ریزدرب: قربانی کردن، از اعمال عبادی، و به نفع مردم، و سبب مزید تقواست

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای مردم! قیامت را درپیش دارید لذا از خداوند پروا کنید و به نکوهش بحث و جدل بدون علم و پیروی القائنات شیطانی می پردازد و اینکه خداوند همانطور که شما را از اجزائی ساده آفرید میتواند دوباره این کار را بکند و درباره خداوند مجادله بيجانکنید و درباره عبادتش به انحراف متمایل نگردید .

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای کفار! مگر شما فکرنمیکردید این پیامبر ص-هرگز موفق نمیشود؟ (اینک که او از دسترستان خارج شده) در فکر و کارهایتان تجدید نظر کنید و اینکه البته در آخرت بین کافرو مومن فرق زیادی هست، اما از میان کافران آنهایی که «مفسد فعال» باشند وضعشان خیلی سخت تر خواهد بود.

در این پاراگراف می فرماید: ای مردم! حج و احکام امور مرتبط با آن سبب تعالی انسانی شما است.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اینکه، در دوره نزول آیات ۱۵ تا ۱۸، پیامبر خدا (ص) از دسترس کافران دور شده و آسیب‌رسانی به او و همراهان هجرت کرده اش یک درجه مشکل‌تر شده است. اینک روحیه مسلمانان، چه آنانکه با پیامبر(ص) هجرت کرده‌اند و چه آنانکه هنوز هجرت نکرده‌اند اما آرزویش را دارند، بسیار بهتر و قوی‌تر شده است و این کاملاً برای کفار محسوس است و همین سبب غیظ و ناراحتی فوق‌العاده آنان است. و آیه ۱۵ آنان را به عقلانیت دعوت می‌کند.

در آیات فوق سه نکته را خاطر نشان می‌فرماید:

۱- خداوند هر کار که بخواهد می‌کند اما یکی از عناصر اصلی فعل خداوند این است که به مؤمنان کمک کند.

۲- اعمال کفار در جهت جلوگیری از الطاف الهی کمکی نمی‌کند.

۳- هدایت بدست خداست.

۵ - پیشگویی‌های تحقق یافته

در آیات ۲۶ تا ۳۷ با شرح و تفصیلی که در مورد احکام حج داده در حقیقت یک پیشگویی واضح نموده که شما به حج خواهید رفت و این مناسک را انجام خواهید داد.

۶ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

حج واحکام مرتبط با آن سبب رشد و تعالی شما مسلمانان است.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث مننی

کل این پاراگراف (آیه های ۲۶ تا ۳۷) یک پُرانتز است، دلیلش هم اینکه اگر انتهای آیه ۲۵ را به ابتدای آیه ۳۸ وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی اغوجاج خواهد بود.

دریافت‌های مستقیم کوتاه

آیه ۲۸: چنین فهمیده می‌شود که حلال کردن گوشت حیوانات برای آدمی لطف بزرگی بوده که به انسان شده و پاسخ آن نیز عباداتی مانند حج و انفاق در راه خداست.

آیه ۳۱: چنین فهمیده می‌شود که اعتقاد به خداوند واحد «ریشه» آدمی است و هرکس که خود را از چنین اعتقادی محروم می‌کند خود را «بی‌ریشه» و «بی-صاحب» کرده و عادی است که در این جهان پهناور بفوریت و سهولت نابود شود.

آیه ۳۶: واقعاً تصورش را بکنید یک شتر بالغ معمولی با آن هیكل بزرگ چنان در مقابل انسان رام است که یک بچه ده ساله نیز آنرا اینطرف و آنطرف می‌برد.

در رابطه با عمل عبادی حج

در این پاراگراف مطالبی راجع به حج آمده است که از آن این نکات فهمیده می‌شود:

۱- مسجدالحرام از جهاتی برای ساکن و مسافر یکسان است (آیه ۲۵) (البته اینکه از چه جهت یکسان است ذکر نشده و در آیات سوره بقره یا روایات ذکر خواهد شد)

۲- در مسجدالحرام اراده ظلم و انحراف ممنوع است (آیه ۲۵) البته اینکه ظلم و انحراف موردنظر دقیقاً چه مواردی باشد معین نشده و در آیات و روایات بعدی تعریف خواهد شد.

۳- مقام کعبه و مسجدالحرام بسیار رفیع است زیرا خداوند یک پیغمبر مهم خویش را مأمور خدمت در آن نموده است (آیه ۲۶)

۴- حج، یک عبادت عام مردمی است و شامل همه افراد اعم از فرادست و فرودست می‌شود (آیه ۲۷)

۵- معامله و تجارت در حج نه تنها اشکالی ندارد بلکه یکی از اهداف حج است (آیه ۲۸)

۶- عبادات خاص حج در مدت معینی انجام می‌شود (آیه ۲۸)

۷- مردم باید نظافت کنند (آیه ۲۹) (البته نوع نظافت را ذکر ننموده و در آیات و روایات بعد ذکر خواهد شد)

۸- مردم باید نذرهای خویش را ادا کنند (آیه ۲۹)

۹- طواف «خانه کهن» (کعبه) پس از نظافت و ادای نذرهاست (آیه ۲۹)

۱۰- کعبه قبل از حضرت ابراهیم(ع) نیز وجود داشته و مقدس و محترم هم بوده است (آیه ۲۹)

۱۱- خوردن چارپایان (غیر از استثنائاتی) برای مردم حلال است (آیه ۳۰)

۱۲- رابطه‌ایست بین حلالیت چارپایان و عدم پرستش‌ها بت‌ها (آیه ۳۰)

۱۳- همچنین رابطه‌ایست بین حلالیت چارپایان و اجتناب از گفتار ناروا (آیه ۳۰)

۱۴- حج برای مردم دارای منافع است. (آیه ۳۳)

۱۵- انتهای عمل حج «بسوی خانه کهن» (کعبه) است (آیه ۳۳)

۱۶- قربانی کردن نیز از جمله اعمال حج است (آیه ۳۶)

۱۷- «چارپا»ئی که بیشتر از همه در آن روزها (برای قربانی) رایج بود، شتر است (آیه ۳۶)

۱۸- قبل از نزول این آیات رسم بود که گوشت و خون قربانی را به خدا (خدایان) تقدیم کنند اما در اسلام این رسم منسوخ شده است (آیه ۳۷)

۱۹- حج یکی از عبادات بسیار مهم است (آیه‌های ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۰ و ۳۲)

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! هنگامی را یاد کن که ابراهیم را در محل آن خانه جای دادیم، و گفتیم چیزی را شریکم مکن، و خانه ام را برای طواف کنان و نمازگزاران و رکوع و سجده کنان پاکیزه دار (۲۶) و در میان مردم اعلام حج کن که بسویت بیایند. چه پیاده، و چه بر مرکب‌های لاغری که از هر دره عمیقی آمده باشند (۲۷) تا به منافع خویش برسند، و نام خداوند را در روزهای معینی بر چارپایان زبان بسته ای که روزیشان کرده ایم ببرند و قربانی کنند، که از آن بخورید و به تنگدست فقیر نیز بخورانید (۲۸) آنگاه باید چرکها را زدوده، و نذرهایشان را ادا، و بر این خانه کهن طواف کنند (۲۹) چنین است. و هر کس که حرمت‌های خداوند را پاس بدارد، برای او نزد پروردگارش بهتر است. و ای مردم! چارپایان برای شما حلال شد، غیر از آن چیزهایی که بر شما خوانده میشود. پس، از پلیدی ناشی از بت‌ها و نیز از گفتار نابجا دوری کنید (۳۰) برای عبادت خداوند معتدل باشید و مشرک م باشید، و هر کس که شرک ورزد مانند آن است که از آسمان سقوط کرده و پرندگان او را ربوده باشند، یا اینکه باد او را به مکانی دور بیفکند (۳۱) چنین است. و هر کس که شعائر خداوند را بزرگ دارد نشانه تقوای دلهاست (۳۲) برایتان تا سر آمدی معین در آن اعمال حج منافی

است، آنگاه پایان آن مراسم، بسوی آن خانه کهن است (۳۳)

و برای هر امتی روشی قرار دادیم تا نام خدا را بر آنچه از چارپایان روزیشان کرده ایم یاد کنند. و خدایتان یکی است، پس تسلیم او شوید، و ای پیامبر! فروتنان را مژده ده (۳۴)

همانها که وقتی خداوند یاد میشود دلهاشان میلرزد و بر آنچه به آنان از ناگواریها میرسد صبر می کنند و نماز بها میدارند و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق می کنند (۳۵)

و ای مردم! قربانی شتران تنومند را برایتان از شعائر خداوند قرار دادیم که در آن برای شما خیر است، پس نام خدا را بر آنها هنگام ایستادنشان ببرید. و وقتی که پهلویشان به زمین آمد، از آنها بخورید و به فقیر وسائل بخورانید. بدینگونه آنها را رام شما کردیم شاید شکرگزار باشید (۳۶)

هرگز گوشت و خون آنها به خداوند نمیرسد ولیکن تقوای شما به او میرسد. چنین برایتان رامشان کردیم تا خداوند را برای هدایتی که برایتان پیش آورد به بزرگی یاد کنید و ای پیامبر! نیکوکاران را مژده ده (۳۷)

حج ۴ آیات ۳۸ تا ۵۷

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿٣٨﴾ أُوذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ أَنْ يُفْلِحُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ هَلْكَامَتْ صَوَامِعُ وَبُيُوعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٤١﴾ وَإِنْ يَكْذِبُونَكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَهَمُودٌ ﴿٤٢﴾ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ﴿٤٣﴾ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبُيْرٌ مُعَطَّلَةٌ وَقَصْرٌ مَشِيدٌ ﴿٤٥﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَنْظُرُوا كَيْفَ يَفْعَلُونَ بِمَا أُوذِنُوا أَنْ تَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّمَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴿٤٦﴾ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ﴿٤٧﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ ﴿٤٨﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٤٩﴾ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٥٠﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِرِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٥١﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكُمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٢﴾ لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٤﴾ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٌ عَقِيمٌ ﴿٥٥﴾ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿٥٧﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای مسلمانان! به تکالیف عبادی که از سوی خدایتان مقرر شده و لو اینکه سخت به نظر آید رو کنید و راه خود را کاملاً از کافران جدا نمائید.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، سبب رشد و تعالی شما مسلمانان است به آن اهمیت دهید، و القائنات شیطانی در جهت مخالف رشد و تعالی انسان، و آرزوهای پیامبران در جهت موافق رشد و تعالی انسان است، و ای پیامبر! اینک که با چنین مخالفانی روبرو هستی وظایفها را با صبر پیگیری کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿٣٨﴾ أُوذِيَ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ هَلَّامَتْ صَوَامِعُ وَبُيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ غَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٤١﴾

ریزدرب: جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، سبب رشد و تعالی شما مسلمانان است، به آن اهمیت دهید.

۲

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَهَودٌ ﴿٤٢﴾ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ﴿٤٣﴾ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَبْرِىٰ مُعْتَلَّةٌ وَقَصْرِ مَشِيدٍ ﴿٤٥﴾ أَنْتَلَمَّ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَنَّاكَ أَتَىٰ قُلُوبُهُمْ فَلْيُؤْمِنُوا بِالْعَدَابِ وَلَا تَتَمَنَّ الْأَنْبِيَاءُ وَلَكِنْ تَعَمَّى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴿٤٦﴾ وَتَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنْ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مَّا تَعْدُونَ ﴿٤٧﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ ﴿٤٨﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٤٩﴾ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٥٠﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٥١﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اینک که با چنین مخالفانی روبرو هستی وظایفها را با صبر پیگیری کن.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٢﴾ لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٤﴾ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٥٥﴾ أَلَمْ لِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ بِحُكْمٍ بَيْنَهُمْ فَأَلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي حَنَاتٍ النَّعِيمِ ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿٥٧﴾

ریزدرب: القائنات شیطانی در جهت مخالف رشد و تعالی انسان و آرزوهای پیامبران در جهت موافق رشد و تعالی انسان است.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای مردم! قیامت را درپیش دارید لذا از خداوند پروا کنید و به نکوهش بحث و جدل بدون علم و پیروی القائنات شیطانی می پردازد و اینکه خداوند همانطور که شما را از اجزائی ساده آفرید میتواند دو باره این کار را بکند و دوباره خداوند مجادله بيجانکنید و دوباره عبادتش به انحراف متمایل نگردد.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای کفار! مگر شما فکرنمیکردید این پیامبر ص-هرگز موفق نمیشود؟ (اینک که او از دسترستان خارج شده) در فکر و کارهایتان تجدید نظر کنید و اینکه البته در آخرت بین کافرو مومن فرق زیادی هست، اما از میان کافران آنهایی که «مفسدفعال» باشند وضعشان خیلی سخت تر خواهد بود.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای مردم! حج و احکام امور مرتبط با آن سبب تعالی انسانی شما است.

در این پاراگراف می فرماید: عمل به احکام جهاد و دفاع و امر به معروف و نهی از منکر سبب تعالی است و ای پیامبر! رسالت را با همان روش پیشین خویش پی گیر. خداوند مواظبت است و حفظت میکند.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۳۹ فهمیده میشود پس از هجرت، از سوی مشرکان مکه کسانی برای عملیات ایدائی فرستاده میشدند، و آنها با اعمال چریکی جنگ و گریزی انجام میدادند و اذیت و آزاری میرساندند، و آیه ۳۹ مجوز برخورد با آنها را میدهد و فلسفه این مقابله را در آیه ۴۰ چنین میفرماید که کار خودتان را خودتان باید انجام دهید و در این مورد چشم تان به آسمان نباشد.

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه های ۳۸ تا ۴۱ علاوه بر اقبال هنرمندان به آن، از لحاظ محتوا نیز برجستگی خاصی دارد و اگر به ترتیب نزول نگاه کنیم، اولین بار است که خداوند با این صراحت سخن میگوید که کار خودتان را خودتان انجام دهید و مانند اقوام پیشین نباشید که دائما چشم شان به آسمان بود.

۶ - آیات مشکل

آیات ۵۲ تا ۵۴ از آنجا مفسران در مورد آنها به اختلافات زیادی دچار شده و تفسیرهای مختلف و بلکه متضادی نموده اند، از آیات مشکل قرآنی میباشند. البته ما نظر خویش را ذیلا عرض کرده ایم، بخوانید و قضاوت کنید.

۷ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۳۸ تا ۴۱ به واضح ترین شکلی این موارد را پیشگویی نموده:

- ۱ - پیروزی مسلمانان مهاجر
- ۲ - حق طلبانه بودن دعوا و جنگ شان که منجر به پیروزی مذکور خواهدشد
- ۳ - موثر بودن مبارزات مذکور در جهت حفظ ایده آل های اصلی

در آیات ۴۲ تا ۴۵ با نمونه آوردن اقوام پیشین و عاقبت رفتار اصراری تکذیبی آنها پیشگوئی تلویحی موفقیت آنحضرت را نموده است.

۸- زاویه با تفاسیر رایج

در این مورد، در بخش «شرح مختصر» عرضی کرده ایم.

۹- در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۴۵ و ۴۶ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل. همچنین است آیه ۴۸.

آیه ۴۷ از آن لحاظ که به «نسبیت زمان نزد ما و نزد خداوند» اشاره دارد، برای ما هم «بالاتر از ذهنیت» است چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

آیات ۵۲ تا ۵۴ که به نقش شیاطین و رابطه آنها با انبیاء سخن میگوید، از آنجا که شیطان و کارکردش برای ما مجهول است، بالاتر از ذهنیات ما قرن بیست و یکمی ها است چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیات ۵۵ تا ۵۷ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۱۰- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۴۲ تا ۴۴ و ۴۹ تا ۵۱ و ۵۶ و ۵۷، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

دو آیه ۴۶ و ۴۷ پرانتری هستند.

مشکلات کمتر شده، اما هنوز زیاد وسنگین است

درست است که پیامبر(ص) هجرت کرده بود اما در محل جدید، اینطور نبود که همه برای اظهار ایمان صف کشیده باشند و البته اوضاع خیلی بهتر شده بود، اما مشکلات آن حضرت کما فی السابق بود زیرا:

۱- سران مشرکان درمکه ناراحت تر و در دشمنی فعال تر شده بودند.

۲- اکثریت قاطع یهودی های محل جدید اسلام را رقیب دینی خویش تلقی کرده بودند.

۳- منافقین موجود در «یثرب» هم توطئه میکردند.

این پاراگراف را باید در این چارچوب دید.

شیطنت شیطان در رابطه با پیامبران چه میتواندست بوده باشد؟

در رابطه با آیه ۵۲ این پرسش پیش میاید که پیامبران چه آرزویی می کردند؟ معلوم است.

آرزوی پیامبران این است که «همه» مردم به راه حق بیایند و ایمان بیاورند و از کفر و کارهای زشت دوری کنند و امثال این.

شیطان چه چیزی می تواند در آرزوی پیامبران بیاندازد؟

بدیهی است که شیطان اصل آرزوی آنها را نمی تواند تغییر دهد، مثلاً اینکه پیامبران آرزو کنند که مردم همگی کافر باشند و غیره بلکه چیزی که شیطان می تواند القاء کند «روش رسیدن» به آن آرزوست.

مثلاً ممکن است آنها آرزو کنند که کاش می شد چنان معجزاتی بر دست من پیامبر ظاهر می شد که چاره ای جز ایمان نباشد و یا ای کاش خداوند چنان نیروئی به من می داد که از ترس آن همه ایمان می آوردند و امثال آن.

مطابق آیه، پیامبران پس از اینکه چنین آرزوهائی می کردند، فوراً متوجه می شدند که این از ناحیه خداوند نیست زیرا ایمان مبنای عقلی دارد و زوری حاصل نمی شود و لذا با استغفار و دور کردن شیطان به اصل آرزوی خود که همانا جنبه مثبتِ مطلب بود برمی گشتند.

بنابراین، فتنه ای که در آیه ۵۳ اشاره شد، ممکن است مثلاً معجزاتی که هیچ حرفی در آن نباشد، یا ثروت و قدرتی که خیلی بالاتر از ثروت و قدرت رایج آن زمان باشد،

می بوده که فوراً تنبه حاصل، و با استغفار از ذهن پیامبران خارج می شد. بدیهی است بهترین روش همان روشی است که پیامبران به دستور خدا عملاً انجام دادند یعنی صبر، استدلال، زحمت، بیان، حوصله، آموزش، زندگی در میان و در متن مردم، دلسوزی برای آنان، و غیره. و روشی که رشد و تعالی شخصیت انسانها را در پی دارد، چنین روشهایی است نه روش معجزات و زور و ثروت و امثالهم.

بدیهی است که پیامبران معجزه‌هایی هم داشتند اما معجزه آنها ایمان‌زا نشد. آیا آن همه معجزات حضرت موسی سبب ریشه‌کنی کفر در بنی اسرائیل شد؟ نه. دلیلش هم همان گوساله سامری.

ایمان، یک امر عقلی است که کم‌کم و بتدریج ایجاد و قرص و قوی می‌شود و با معجزه و زور و پول و غیره حاصل نمی‌شود.

اما گاهی که به پیامبران فشار زیادی وارد می‌شد آرزوهایی می‌کردند مانند سلیمان که گفت خدایا به من چنان سلطنتی بده که پس از من هم به هیچ کس نداده باشی. و احتمالاً خیال می‌کرد با چنین سلطنتی دیگر همه نوع کفر ریشه‌کن خواهد شد. و البته به محض وفاتش، اوضاع قبلی دوباره حاکم شد و سلطنت عظیم او کمکی به گسترش ایمان نکرد.

ملاحظه فرمودید که ما با کمک «درس» و «درب» موضوع را چطور راحت فهمیدیم و بیان کردیم اما مفسران محترم در آیه ۵۲ و ۵۳ بحث‌های خیلی مختلف و متنافر و متضادی فرموده‌اند که بسیاری از آنها نسبتی با مدلول آیه ندارد.

ترجمه تفسیری آزاد

خداوند از مومنان دفاع میکند. خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست نمیدارد (۳۸)

به آنانکه مورد هجوم قرار گرفتند اجازه داده شد بجنگند، چونکه مورد ظلم قرار گرفتند و البته خداوند به یاری آنها تواناست (۳۹)

همانهایی که از شهرهایشان به ناحق اخراج شدند، و اگر اینطور نبود که خداوند بعضی از مردم را بدست بعضی دیگر دفع میکند حتما صومعه‌ها و کلیساها و کنشت‌ها و مساجدی که در آن نام خدا بسیار یاد میشود منهدم میشد، و خداوند کسانی را که یارایش کنند یاری میکند، که خداوند قوی و پیروزمند است

(۴۰)

همانهائی که وقتی در زمین توانمندی شان دادیم نماز بپا میدارند و زکوة میدهند و امر بمعروف و نهی از منکر میکنند و عاقبت همه کارها بسوی خداست (۴۱)

و اگر کافران تکذیب می کنند چیز تازه ای نیست و قبل از آنها پیامبران سابق توسط قوم نوح و عاد و ثمود نیز تکذیب شدند (۴۲)
و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط (۴۳) و اهل مدین نیز، و موسی نیز تکذیب شد و به کافران مهلت دادم آنگاه بگرفتمشان و تعرضم چگونه بود؟ (۴۴)

و چه بسا شهرهائی که هلاکشان کردیم که ظالم بودند و علیرغم بناهای بر پا ایستاده، چاه های بلااستفاده، و قصرهای محکم خالی بر جای گذاشتند (۴۵)

آیا این کافران در زمین نگشته اند تا ذهن هائی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوشهائی که با آن بشنوند؟ و البته چشمها کور نیست ولیکن قلبهائی که در سینه هاست کور است (۴۶)

و از تو آن عذاب را به عجله میخواهند، در حالیکه خداوند وعده اش را خلاف نمی کند، و البته یک روز نزد پروردگارت مانند هزار سال از آن سالهائی است که می شمارید (۴۷)

و چه بسا شهرهائی که مهلتشان دادم با آن که ظالم بودند، آنگاه بگرفتمشان، و بازگشت بسوی من است (۴۸)

ای پیامبر! بگو ای مردم جز این نیست که من برای شما هشدار دهنده ای آشکارم (۴۹)

و آنانکه ایمان آورده و عمل شایسته نموده اند آمرزشی و روزی گرامی خواهند داشت (۵۰)

و آنانکه در آیاتمان میکوشند که ما را به خیال خود عاجز کنند اهل جهنمند (۵۱)

و قبل از تو هیچ رسولی و هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه وقتی آرزویی میکرد

شیطان چیزی در آرزوی او القاء میکرد، و خداوند آنچه را که شیطان القاء میکرد از بین میبرد، آنگاه آیاتش را محکم میکرد، و خداوند دانای حکیم است (۵۲)
تا آنچه را که شیطان القاء کرده برای کسانی که در دلشان مرضی هست و نیز برای سنگدلان فتنه ای قرار دهد و البته ظالمان در گمراهی دور میباشند (۵۳)

و کسانی که به آنان علم داده شده بدانند که آن قرآن حق و از جانب پرودگارتوست. و به آن ایمان آورند و قلوبشان برای آن نرم شود و البته خداوند هدایت کننده مومنان بسوی راهی درست است (۵۴)

و کافران همیشه درباره آن در شک خواهند بود تا اینکه قیامت یا عذابِ روزی بی حاصل بر آنان در آید (۵۵)

فرمانروائی در آن روز از آن خداوند است که میان آنها حکم میکند.
آنگاه کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در بهشتیانی پر نعمت خواهند بود (۵۶)

و کسانی که کفر ورزیده و آیاتمان را تکذیب نمودند عذابی خوار کننده خواهند داشت (۵۷)

حج ۵ آیات ۵۸ تا ۷۸

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٥٨﴾ لِيَدْخُلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿٥٩﴾ ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُعِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرْنَهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ﴿٦٠﴾ ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٦١﴾ ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٦٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٦٣﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦٤﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَاءً فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَمُتَّسِكِ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٦٥﴾ وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ﴿٦٦﴾ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ ﴿٦٧﴾ وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٨﴾ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٦٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧٠﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٧١﴾ وَإِذَا تَنَلَّى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ ذُكِّرُوا النَّارَ وَعَدَها اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيُنْسِ الْمَصِيرُ ﴿٧٢﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرِبْ مَثَلًا فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْنَهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَفِيدُوهُ مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ ﴿٧٣﴾ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٤﴾ اللَّهُ يَصْطَلِفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٧٥﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٧٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٧﴾ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمِيعٌ مُسْلِمٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَبِيلٍ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای مسلمانان! به تکالیف عبادی که از سوی خدایتان مقرر شده و لو اینکه سخت به نظر آید رو کنید و راه خود را کاملاً از کافران جدا نمایید. برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: مهاجرت، و پیگیری به حق، سبب رشد و تعالی شما مسلمانان است به آن اهمیت دهید و الگوی سایرین باشید. کافران عقیده شان باطل و رفتارشان غلط و عاقبتشان خسران است، راهتان را از آنها جدا کنید و به این همه لطف و نعمت پروردگار تان توجه نموده و احکامش را که سبب رشد و تعالی تان است عمل کنید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٥٨﴾ لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ خَلِيمٌ ﴿٥٩﴾ ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَصْرُنَّهُ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ﴿٦٠﴾ ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٦١﴾ ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٦٢﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! مهاجرت، و پیگیری به حق، سبب رشد و تعالی شما مسلمانان است به آن اهمیت دهید.

۲

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتَصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٦٣﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ ﴿٦٤﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٦٥﴾ وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ﴿٦٦﴾ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعَنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ ﴿٦٧﴾ وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٨﴾ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَحْتَلِفُونَ ﴿٦٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! این خداوندتان است که برای هر قومی متناسب با اوضاعشان احکام قرار داده، پس نباید با تو مخالفت کنند.

۳

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٧١﴾ وَإِذَا تَنَادَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونُ بِالَّذِينَ يَثْلَوْنَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَتُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَُم النَّارُ وَعَذَابُ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَنْسُ الْمُصِيرُ ﴿٧٢﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْأَلُهَامُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ ﴿٧٣﴾ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٤﴾ اللَّهُ يَصْطَلِفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنْ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٧٥﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٧٦﴾

ریزدرب: ای مردم! خدایانی که مشرکان برمیگیرند بی نفع و ضررند و علت روکردن به آنان ندانستن قدر خداوند است.

۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٧﴾ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! به این تکالیف آسان عمل کنید تا خداوند را سرپرست و کمک کننده خویش بر گرفته باشید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای مردم! قیامت را درپیش دارید لذا از خداوند پروا کنید و به نکوهش بحث و جدل بدون علم و پیروی القائنات شیطانی می پردازد و اینکه خداوند همانطور که شما را اجازتی ساده آفرید میتواند دو باره این کار را بکند و درباره خداوند مجادله بجانکنید و درباره عبادتش به انحراف متمایل نگردید .

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای کفار! مگر شما فکر نمی کردید این پیامبر ص- هرگز موفق نمیشود؟ (اینک که او از دسترستان خارج شده) در فکر و کارهایتان تجدید نظر کنید و اینکه البته در آخرت بین کافرو مومن فرق زیادی هست، اما از میان کافران آنهایی که «مفسد فعال» باشند وضعشان خیلی سخت تر خواهد بود.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای مردم! حج و احکام امور مرتبط با آن سبب تعالی انسانی شما است.

در پاراگراف ۴ می فرماید: عمل به احکام جهاد و دفاع و امر به معروف ونهی از منکر سبب تعالی است و ای پیامبر! رسالت را با همان روش پیشین خویش پی گیر. خداوند مواظبت است و حفظت میکند.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! خداوند می تواند همه را یکجا به ایمان هدایت کند اما تو بهتر است با همان روش مألوف کارت را پیگیری کنی و مانند سابق اعتقادات و رفتارهای کافران را برایشان تحلیل کن و هشدارشان ده و برای پیروان این نکته را واضح کن که عمل به تکالیف دینی گرچه ممکن است به نظرشان دشوار آید اما خواهند دید که واقعا دشوار نیست اما خیلی به نفع شان است و سبب رشد و تعالی انسانی شان خواهد شد و ای مسلمانانی که هنوز مهاجرت نکرده اید جدی تر باشید.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۵۸ فهمیده میشود فعالان کفر در مکه از مهاجرت مسلمانان با خشونت جلو گیری میکردند، و در این فرایند کسانی هم کشته میشدند.

۵ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

بطور قطع عرب ۱۴۰۰ سال قبل چیزی از کرویّت زمین و گردش آن بدور خورشید نمیدانست و لذا مکانیزم فرو نمودن شب در روز و فرو نمودن روز در شب (آیه ۶۱) نمیدانست و این چیزی است که چندصد سال طول کشید تا مردم این مکانیزم را فهمیدند. همچنین است بی اطلاعی مخاطبان اولیه از مکانیزم تشکیل و بارش باران که در آیه ۶۳ ذکر شده، و نیز نگهداری آسمان که بر زمین نیفتد که ۱۰۰۰ سال بعد در چارچوب قوانین جاذبه عمومی بیان شد (آیه ۶۵)، در آیه ۶۴ به آیاتی از علم و قدرت الهی اشاره شده، بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه حتی مخاطبان تا چند قرن بعد نیز، بوده است. همچنین است نیمه اول آیه ۶۵، نیز آیه ۷۰، نیز آیه ۷۴، همچنین آیه های ۷۵ و ۷۶،

آیه ۶۹ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. همچنین است آیه ۷۲.

۶ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - مهاجرت، و پیگیری به حق، سبب رشد و تعالی شما مسلمانان است به آن اهمیت دهید و احکامی که برایتان پسندیده شده سخت نیست. اما سبب رشد و تعالی تان است. به آن اهمیت دهید و الگوی ساینده باشید.
- ۲ - کافران عقیده شان باطل و رفتارشان غلط و عاقبتشان خسران است، راهتان را از آنها جدا کنید و به این همه لطف و نعمت پروردگار تان توجه نموده و احکامش را که سبب رشد و تعالی تان است عمل کنید.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۶۱ تا ۶۶ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۴ و ۷۶، بقیه «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۷۰ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشد پرانتزی است. دلیلش هم اینکه اگر انتهای آیه ۶۸ را به ابتدای آیه ۷۱ وصل کنیم می بینیم روال سخن صاف و یکدست و بی دست-

انداز است.

«درباره دین هیچ دشواری برای شما قرار نداده» یعنی چه؟

در رابطه با آیه ۷۸ آیا نماز و وضو و غسل و روزه و حج و جهاد و مهاجرت و امر بمعروف و نهی از منکر، و غیره و غیره کارهای دشواری است؟ حقیقت این است که اینها دشوار نیست زیرا چه بسیار مردمی هستند که برای زندگی معمولی‌شان به دفاع و جنگ و مسافرت و مهاجرت و غیره و غیره می‌پردازند که تازه انگیزه آن نیز کسب زندگی بهتر برای این چند سال محدود زندگی این جهان است. لذا انجام همان اعمال برای امتثال امر خدا و کسب بهشت جاودان کاملاً و کاملاً موجه است بعلاوه اینکه دشوار هم نیست. دین چنانکه قبلاً هم در جای خویش عرض شده «زندگی طبیعی» است. و زندگی طبیعی دفاع و جنگ و رژیم غذایی و زحمت هم دارد.

اما اگر خودمان در اثر کج فهمی دین را برای خویش مشکل کرده باشیم چه؟ البته به همین سؤال اکتفا می‌کنیم و جلوتر نمی‌رویم اما آنچه بدیهی است این است که چه بسیار چیزهایی هست که بنام دین تبلیغ می‌شود اما نسبتی با حقیقت دین ندارد، و موضوع آیه فوق، چه بسا ناظر به این امور اصطلاحاً «من درآری» است که «بنام دین» مشهور است اما با «حقیقت دین» نسبتی ندارد، و همان هم هست که مایه زحمت است و اگر بخواهیم شواهدی ارائه کنیم زیاد است اما چون خواننده فهیم است به آن نمی‌پردازیم.

«شما بر مردم گواه باشید» یعنی چه؟

در رابطه با موضوع فوق در آیه ۷۸، باید عرض شود که مفهوم رسول(ص) بر ما گواه است را قبلاً در سوره‌های پیشین دیده‌ایم و خلاصه مطلب این است که در صحرای قیامت پیامبر(ص) شاکی و گله‌مند است که ای خداوند این قوم (یعنی مسلمانان) قرآن را مهجور (مراجعه نشده، عمل نشده) قرار دادند. یعنی اینکه پیامبر(ص) ناظر و ارزیاب اعمال و رفتار ما است. اما اینکه ما مسلمانان گواه بر سایر مردم باشیم به چه معنی است؟

اگر اندکی توجه و دقت کنیم خواهیم فهمید که ما مسلمانان علیرغم اینکه کمی و کاستی که در جهت فهم قرآن و عمل به آن داریم، باز هم نسبت به سایر ملل (مثلاً

مسیحیان که عیسی(ع) را پسر خدا می‌دانند و یهودیان که توراتشان تحریف شده و مطالب بسیار غلط و غیر قابل قبولی دارد و رفتارشان هم بی نهایت از روح تعالیم انبیاء دوراست) از لحاظ داشتن قرآن در بین خویش و نیز اعتقادات صحیح و نیز اعمال عبادی منسجم، (حتی با همین کاستی‌های موجود) از آنها خیلی بالاتر هستیم، و نسبت ما به آنها مانند نسبت پیامبر(ص) است به ما.

حق جهاد را به جا آورید یعنی چه؟

باز هم در رابه با همان آیه ۷۸ که فرموده حق جهاد را بجا آورید یعنی به این مراتب پائین جهاد قانع نباشید.

چنانکه می‌دانیم جنگ مراتبی دارد.

مثلاً کمک مالی برای جهاد، خدمات پشت جبهه، کمک به مجروحان، کمک‌های فنی، و سخت‌ترین قسمت آن حضور در خود میدان جنگ و فرار نکردن در هنگام سختی و گذاشتن تمام توش و توان هنگام درگیری است. لذا احتمالاً عبارت «حق آن»، اشاره به این قسمت دارد.

ترجمه تفسیری آزاد

و کسانی که در راه خدا مهاجرت کرده و کشته شدند یا مردند البته خداوند به آنها روزی نیکو خواهد داد و خداوند بهترین روزی دهنده است (۵۸)
تا آنها را به جایگاهی شایسته داخل کند که به آن راضی باشند و خداوند دانای فرزانه است (۵۹)

چنین است. و اگر کسی به اندازه آنچه آزار دیده پیگیری کند، سپس به او تعدی شود، خداوند یاریش خواهد کرد که خداوند بخشنده آمرزگار است (۶۰)
این به آن سبب است که خداوند شب را در روز و روز را در شب فرو میبرد و شنوای بیناست (۶۱)

این بدان علت است که خداوند حق است و آنچه غیر از او می‌خوانند باطل است و او والا مرتبه بزرگ است (۶۲)

آیا نمی بینی از آسمان آبی می‌فرستد و زمین سرسبز می‌شود؟ خداوند نازک بین آگاه است (۶۳) آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست و همو بی نیاز ستوده

است (۶۴) آیا نمی خداوند آنچه را در زمین است برایتان رام کرد و نیز کشتی که در دریا به امر او راه می رود؟ و مانع میشود آسمان، مگر به اجازه اش، بر زمین بیفتد؟ البته خداوند نسبت به مردم دلسوز مهربان است (۶۵) و هموست که شما را زنده کرد سپس شما را می میراند و سپس زنده تان می کند. انسان البته ناسپاس است (۶۶)

برای هر مردمی راه و روشی قرار دادیم که مطابق آن عمل می کنند، پس، ای پیامبر! نباید در آن امر با تو جدال کنند و تو مردم را بسوی پروردگارت دعوت کن زیرا که بر هدایتی مستقیم هستی (۶۷) و اگر با تو جدال کردند بگو خدا به اعمال شما دانایتر است (۶۸) خداوند در روز قیامت بین شما درباره چیزهایی که در آنها اختلاف دارید حکم می کند (۶۹)

آیا نمی دانی که خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟ البته آن در کتابی هست. البته این برای خدا آسان است (۷۰)

و بجز خداوند چیزی را عبادت می کنند که دلیلی برایشان نفرستاده و علمی هم راجع به آن ندارند و ظالمان یآوری نخواهند داشت (۷۱) و هنگامی که آیات روشنگر ما بر آنها خوانده می شود در چهره های کافران ناخوشایندی می بینی، نزدیک است به کسانی که آیاتمان را بر آنها می خوانند دست تعدی بکشایند. بگو آیا به بدتر از این خبرتان بدهم؟ همان آتشی که خداوند وعده اش را به کافران داده و بازگشتگاه بدی است (۷۲)

ای مردم مثلی برایتان زده می شود گوش فرا دارید! آنهایی را که بجز خداوند به دعا می خوانید یک مگس هم نمی آفرینند ولو اینکه همه با هم در این کار مجتمع شوند. و اگر هم مگس چیزی از آنها برآید نمی توانند از آن پس بگیرند. طالب و مطلوب هردوشان ضعیفند (۷۳)

قدر خداوند را آنطور که شایسته اش است، ندانستند. خداوند البته قوی پیروزمند

است (۷۴)

خداوند از میان ملائکه فرستادگانی انتخاب می کند و از میان مردم نیز همچنین.
خداوند شنوای بیناست (۷۵)
آنچه را که در جلوی روی آنهاست و آنچه را که پشت سر شان است میداند و همه
امور بسوی او باز میگردد (۷۶)

ای مسلمانان رکوع و سجده نموده و پروردگارتان را عبادت نمائید و کار های خیر
انجام دهید شاید رستگار شوید (۷۷)
و در راه خدا آنطور که حق آن است جهاد کنید.
همو شما را برگزیده و درباره دین هیچ دشواری برای شما قرار نداده.
دین پدرتان ابراهیم که همو شما را قبلا مسلم نامیده و در این خصوص رسول باید
بر شما گواه باشد و شما هم باید الگوی سایرین باشید.
پس نماز بپادارید و زکات دهید و به خداوند بستگی محکم داشته باشید که همو
سرپرست شماست و چه سرپرست خوبی و چه یاور نیکوئی است (۷۸)

سوره بقره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾

الم ﴿١﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَالِيَوْمَ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا لُقُوا بِالَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ ﴿١٤﴾ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الصَّلَاةَ بِالْهَدَىٰ فَمَا رَحِمَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾ مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾ صُمُّ بَكْمٌ غَنِيٌّ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِم مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از

طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
 برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: معرفی جامعه ای که قلمرو ماموریت پیامبراست (مجموعه ای از مومن و کافر و منافق)

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

الم ﴿۱﴾

۲

ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۵﴾

ریز درب: معرفی جامعه ای که قلمرو ماموریت پیامبراست (معرفی مومنان)

۳

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۶﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۷﴾

ریز درب: معرفی جامعه ای که قلمرو ماموریت پیامبراست (معرفی کافران)

۴

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُم بِمُؤْمِنِينَ ﴿۸﴾ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يُخْدِعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿۹﴾ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۰﴾ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿۱۱﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ ﴿۱۲﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ آمَنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ ﴿۱۳﴾ وَإِذَا لَفُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ ﴿۱۴﴾ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ

وَمَدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَغْمَهُونَ ﴿١٥﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَىٰ فَمَا رَبَحَتِ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾ مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يَبْصُرُونَ ﴿١٧﴾ صُمُّ بَكْمٌ غُمِّي فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ أَوْ كَسَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَنُقُورٌ يَّجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِم مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَّشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾

ریزدرب: معرفی جامعه ای که قلمرو ماموریت پیامبر است (معرفی منافقان)

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - چرا در آیه ۲ بجای «ذلک» (مثلاً) نفرموده «تلك»؟
- ۲ - در همان آیه، «لاریب فيه» چه موقعیت تفسیری دارد؟
- ۳ - آیه های ۳ و ۴ نسبت به آیه ۲ چه وضعی دارند؟
- ۴ - در آیه ۶ «کفروا» یعنی چه؟ (ایمان نیاورده ها؟ فعالان کفر؟)
- ۵ - چرا خداوند مهر زدن بر چشم و گوش و دل آنها را به خویش نسبت داده؟
- ۶ - چرا خداوند در آیه ۱۰ ازدیاد مرض آنها را به خویش نسبت داده؟
- ۷ - منظور از «شیاطینهم» (آیه ۱۴) چیست؟
- ۸ - در آیه ۱۵ چرا خداوند «یمد هم فی طغیانهم» را به خویش نسبت داده؟
- ۹ - در آیه ۲۰ نوعی «مهلت دادن» دیده میشود. چه سابقه ای از این موضوع در سوره های (به ترتیب نزول) قبلی به یادتان می آید؟
- ۱۰ - چرا در آیه ۱۹ منافقان را کافر نامیده؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

مطلب تحت تیترا فوق را به علت طولانی بودن در بخش «شرح مختصر» قرار داده ایم.

۵ - پیشگویی های تحقق یافته

در این پاراگراف به خوبی پیشگویی فرموده که ای پیامبر! خطر منافقان بسیار بیش از خطر کافران است، و این چیزی است که خیلی زود تحقق آن آشکار شد.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

کل آیات این پاراگراف (از ۱ تا ۲۰) «برجسته» است و برجستگی می تواند دو ملاک داشته باشد که یکی از آنها مربوط به معانی بلند آیات مربوطه، و دیگری مربوط به اقبال مردم و نخبگان جامعه به آن آیات باشد، و این آیات واجد هر دو ملاک می باشند.

زیرا در باره عالی بودن معانی، بقدر کافی دیده اید و از لحاظ اقبال نخبگان هم واجد هست، بطوریکه موضوع کار هنرمندان خوشنویس بوده و در قاب های زیبای تابلوهای خوشنویسی جای گرفته و در سر درب ها و بالای محراب های بسیاری از مساجد و نیز دور گنبدها و جاهای اصلی دیگر را مزین نموده و به صورت کاشی و معرق کاری و طرق دیگر جلوه میکند.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱ از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱ تا ۷، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

دریافت‌های کوتاه مستقیم

آیه ۲: فهمیده می‌شود قرآن هدایت هست اما می‌تواند اهل تقوا را هدایت کند یعنی سبب تقویت تقوای آنها بگردد.

اهل تقوا همان کسانی هستند که به پیام‌های الهی که از طریق رسولش می‌رسد پاسخ مثبت می‌دهند و خود را با آن هماهنگ می‌کنند.

طبعاً این نوع اشخاص با تکمیل و تعالی پیام‌ها نیز تکامل و تعالی بیشتر می‌یابند. یعنی اینکه از لحاظ هدایت، قرآن شرط لازم هست اما شرط کافی نیست.

این نکته در قرآن عبارات گوناگون تکرار شده مثلاً این آیه مشهور که می‌فرماید «و نزل من القرآن ما هو فيه شفاء و رحمت للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خساراً» (و از قرآن چیزی نازل می‌کنیم که در آن برای مؤمنان شفاء و رحمت است ولی به ظالمان جز خسارت چیزی نمی‌افزاید)

آیه ۷: چنانکه بارها عرض کرده‌ایم معنی آیه این است که رفتار آنها، چنان خصوصیتی در آنها ایجاد کرده که گوئی بر قلبهایشان و گوششان مهر زده و بر چشمهایشان پرده‌ای هست (که در مقابل حقایق وحی تأثیرپذیری ندارند)

آیه ۹: یعنی اینکه به خیال خودشان دارند به خداوند و مؤمنان نیرنگ می‌زنند اما واقعیت این است که با در نظر گرفتن آخرت، و نتایجی که در اثر عمل خویش به آن دچار می‌شوند، در حقیقت بدون اینکه متوجه باشند، دارند به خودشان نیرنگ می‌زنند.

آیه ۱۰: به این معنی است که آنها مانند اهل تقوا (که قبلاً معرفی شده‌اند) اشخاص سالم و معمولی نیستند و ایراد شخصیتی دارند و «مرض»ی که در اینجا مطرح است همان است که عرض کردیم.

آیه ۱۷: مثال مطرح شده به این معنی است که خداوند مسیر کلی حرکت تاریخ بشریت را پیش می‌برد و آنها در هر برهه‌ای که هستند، یک جریان غیرطبیعی و مصنوعی ایجاد می‌کنند اما این جریان چون با جریان خدائی هماهنگ نیست نمی‌توانند در «بلند مدت» به اهداف خویش برسند و جریان مسیر کلی تاریخ بشریت را مطابق خواسته خویش کنند.

آیه ۱۹: مثال مطرح شده به این معنی است که آنها (برعکس مؤمنان) از خودشان نوری ندارند که بواسطه آن راه را بشناسند و در آن حرکت کنند و چون جریان کلی تاریخ بشریت طوریت که مخالف خواسته‌هایشان است، آنها با زحمت کارهایی می‌کنند، و حرکاتی انجام می‌دهند، اما موفقیتشان کوتاه مدت است. اما همین موفقیت

آنها نیز معلول امکان و مهلتی است که خداوند به آنها می‌دهد.

اوضاع و احوال روزهای نزول این سوره (مومن و کافر و منافق)

زمان نزول این سوره نیز، مانند سوره علق یک نقطه عطف است. پنج آیه اول سوره علق شروع بعثت است و این پاراگراف اولین بیانیه رسمی پس از شروع هجرت است. در سوره علق نیز، «جامعه مورد مأموریت» پیامبر را برایش تشریح می‌کند و در اینجا نیز.

در اینجا جامعه‌ای مطرح است که در آن سه گروه مشخص مطرح هستند: مؤمنان واقعی، کافران مخالف فعال، و منافقان.

امروز اگر بخواهیم مؤمنان واقعی آن روز را با اسم و مشخصات معرفی کنیم می‌توانیم. و همچنین اگر بخواهیم کافران مخالف فعال را نیز با دقت بشناسیم می‌توانیم. اما چنان وضعی ایجاد شده که امروز علیرغم اینکه منافقان را می‌شناسیم نمی‌توانیم آنها را معرفی کنیم.

نفاق یک جریان قوی و بلکه قوی‌ترین جریان در تاریخ اسلام است که اساساً مسیر حکومتی اسلام را تنها حدود ۴۰ سال پس از وفات پیامبر چنان برگرداند که دیگر چیزی از روح اسلام در آن نمانده بود و حکومت‌های باصلاح اسلامی، به حکومت چنگیز و آتیلا بسیار شبیه‌تر بودند تا آنچه قرآن و سنت توصیه می‌کرد.

این چه جریان قویی بود که در ظرف مدت فقط ۴۰ سال توانست چنین ارتجاع عظیمی ایجاد کند و چه قدرتی بود که کاری کرد که هنوز پس از نزدیک پانزده قرن نیز کمتر کسی جرأت دارد آنان را با اسم و مشخصات معرفی کند.

در هر حال، در این پاراگراف، «جامعه مورد ادامه مأموریت» رسول اکرم (ص) معرفی می‌شود که در آن سه گروه هستند:

- ۱- مؤمنان واقعی، که در آیات ۲ تا ۴ معرفی شده‌اند (سه آیه)
 - ۲- کفار لجوج مخالف فعال، که در آیه ۶ معرفی شده‌اند (یک آیه)
 - ۳- و بالاخره منافقان (سیزده آیه) بعلت اهمیتی که این «مخالفان پنهان داخلی» داشته‌اند خداوند در چنین حجمی به معرفی آنها پرداخته و سیزده برابر کفار برای توصیف و تشریح آنها فضای کلامی اختصاص داده است.
- بعلت اهمیت شناخت آنها بهتر است در ذیل بطور دقیق به جزئیات مشخصات آنها بپردازیم:

الف) از لحاظ شخصیتی: دچار آسیب شخصیتی شدید هستند. مثلاً:

- ۱- متوجه حقایق نیستند (آیه‌های ۹ و ۱۲)،
- ۲- در قلبه‌هایشان مرضی هست (آیه ۱۰)، ۳
- استعداد افزایش مرض مذکور را دارند (آیه‌های ۱۰ و ۱۵)،
- ۴- مفسد می‌باشند (آیه ۱۲)،
- ۵- کوردلند (آیه ۱۵)،
- ۶- کر و لال و کورند و باز نمی‌گردند (آیه ۱۸)،
- ۷- مردم را کم خرد می‌دانند (آیه ۱۴)،
- ۸- گمراهی را به هدایت ترجیح می‌دهند (آیه ۱۶).

ب) از لحاظ رفتاری:

- ۱- دروغ می‌گویند (آیه ۱۰)،
 - ۲- اظهار ایمان می‌کنند ولی مؤمن نیستند (آیه ۸)،
 - ۳- مردم را مسخره می‌کنند (آیه ۱۴)،
 - ۴- با مردم نیرنگ می‌کنند (آیه ۹)،
 - ۵- هنگام ملاقات مسلمانان می‌گویند ایمان داریم اما در خلوت انکار می‌کنند (آیه ۱۴)،
 - ۶- با گمراه‌کنندگان، دوستی و ارتباط نزدیک دارند (آیه ۱۴)،
 - ۷- فرصت‌طلب هستند و اگر شرایط بیرونی را مساعد دیدند در جهت افکار خویش حرکتی می‌کنند اما اگر مساعد نبود متوقف می‌شوند (آیه ۱۷)،
 - ۸- اگر به آنها گفته شود فساد نکنید می‌گویند اصلاً حگ‌ریم (آیه ۱۱)
- اینها عمده مشخصات درونی و بیرونی منافقان است که در اینجا مطرح شده و چنانکه در سوره عنکبوت که برای اولین بار سخن از این نوع افراد در آن ذکر شد عرض کردیم، آن سوره هنگامی نازل گردیده بود که نهضت اسلام آنقدر قوی شده بود که عده‌ای حسابگر و اپورتونیست و نان را به نرخ روز خور، وقتی دیدند این جریان در آینده نزدیک بسیار مهم و پررنگ و تأثیرگذار خواهد بود، بدون اینکه اهمیتی به حقانیت پیام آن و بطلان عقاید جبهه مخالف آن بدهند و فقط برای استفاده از مزایای «فردای بهتر»، خود را در صفوف مسلمانان جا زده و اظهار ایمان کردند. بعدها هم - به شهادت تاریخ - هر جا صحنه‌ای از فداکاری و جنگ و خطرپذیری بود، آنها غایب بودند و در هیچ جنگی، کشته‌ای از آنها ثبت نیست اما

هنگام سهم و غنیمت و ریاست و مزایا همه جا آنها را می‌بینیم که جلوتر از دیگران هستند، آنهم با سر و صدای زیاد و ادعاهای بزرگ.

اینها بزرگ‌ترین بلا به جان اسلام و عامل اصلی انحراف آن پس از پیامبر(ص) می‌باشند و اینکه امروز در جهان اسلام فقط ظاهری از آداب و مناسک هست اما از روح و محتوای آن خبرقابلی نمی‌بینیم به علت توطئه‌هایی است که آنها انجام دادند و مسیر عملی اسلام را از جهت صحیح به جهت باطل مطلوب خویش منحرف نمودند. از این سوره به بعد، تا آخر نزول وحی همواره شاهد این هستیم که در قرآن انتقادات صریح و تند و قوی از آنها شده و صفات آنها برای مسلمانان باز گفته می‌شود تا آنها را بشناسند و صفوف خود را از آنها جدا کنند.

اما هیئات از مردم، که از لحاظ عقلی آنقدر رشد یافته نبودند که این پیام‌ها را بگیرند و مصادیق آن را جستجو کنند و کاری کنند که توطئه آنها خنثی شود. و البته مشکل اصلی هم همین بود زیرا اگر مسلمانان معمولی کمی رشد یافته‌تر بودند به راحتی می‌توانستند دست منافقان را رو کنند و آنها را به حاشیه برانند و لذا درد بزرگ‌تر پیامبر(ص) این بود که اکثر مؤمنان و پیروان او اشخاصی سطحی و ساده لوح، و رشد نیافته بودند.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

الم (۱)

این کتاب که شکی در آن نیست هدایتی برای پرواداران است (۲)

همانها که به غیب ایمان دارند و نماز بها میدارند و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق می‌کنند (۳)

و همانها که به آنچه بر تو نازل شده و نیز به آنچه قبل از تو نازل شده ایمان می‌آورند و به آخرت نیز یقین دارند (۴)

آنها بر هدایتی از جانب پروردگارشان استوار هستند و رستگارانند (۵)

البته آنانکه کافرند برایشان فرقی نمی‌کند که هشدارشان بدهی یا ندهی. ایمان نمی‌آورند (۶)

خداوند بر دلهاشان و گوششان مَهر زده و برچشمهاشان پرده ای هست و عذابی عظیم خواهند داشت (۷)

و از مردم کسانی هستند که می گویند به خدا و آخرت ایمان آورده ایم ولی مومن نیستند (۸)

با خدا و مومنان نیرنگ می کنند، در حالیکه جز با خودشان نیرنگ نمی کنند و متوجه نیستند (۹)

در دلپایشان مرضی هست، و خداوند هم بواسطه آن دروغی که میگویند مرضی به آن افزوده، و عذابی دردناک خواهند داشت (۱۰)

و اگر به آنها گفته شود در زمین فساد نکنید میگویند جز این نیست که ما اصلاحگریم (۱۱)

بدانید که آنها مفسدند ولیکن متوجه نیستند (۱۲)

و اگر به آنها گفته شود مانند مردم ایمان بیاورید، خواهند گفت: آیا مانند این کم خردان ایمان بیاوریم؟

بدانید که آنها خودشان کم خردند ولیکن نمیدانند (۱۳)

و هنگامیکه مسلمانان را ملاقات می کنند میگویند ایمان داریم. و هنگامی که با شیاطین خویش تنها میشوند میگویند با شمائیم و جز این نیست که مسلمانان را مسخره میکنیم (۱۴)

البته این خداوند است که مسخره شان نموده و در طغیانشان کمکشان میکند و آنها کوردلند (۱۵)

گمراهی را بجای هدایت خریدند اما تجارتشان سودی نمی کند و هدایت یافته نیستند (۱۶)

مثال آنان مانند کسی است که آتشی روشن کرده، و بمحض اینکه دور و برش روشن شد خداوند نورشان را می برد و آنها را در تاریکیهای وامیگذارد که چیزی نمی بینند (۱۷)

کر و لال و کورند و باز نمیگردند (۱۸)

یا اینکه وضع آنان مانند کسی است که در بارانی سخت گیر کرده باشد که از آسمان بیاید و تاریکیها و رعد و برق داشته باشد که انگشتهایشان را در گوشهایشان کنند و تا حد مرگ از صاعقه ها بترسند، و خداوند برکافران احاطه دارد (۱۹)

نزدیک است برق روشنائی چشمشان را ببرد، هر وقت که محیط برایشان روشن شود

در آن راه میروند و هنگامیکه تاریک شود می ایستند. و اگر خداوند میخواست
شنوائی و بینائی آنها را میبرد، که خداوند بر هر چیزی تواناست (۲۰)

بقره ۲ آیات ۲۹ تا ۲۹

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ هُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعْضُهُ فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٢٧﴾ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: دعوت مردم به عبادت و تقوا از طریق استدلال به حجیت قرآن و وعده بهشت جاودان، و ای مردم! به آیات و نعمت های خداوند توجه نموده و از کفر و سرپیچی دوری کنید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾

ریزدرب: دعوت مردم به عبادت و تقوا از طریق استدلال به آیات و نعمت های الهی.

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ هُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾

ریزدرب: دعوت مردم به عبادت و تقوا از طریق استدلال به حجیت قرآن.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٢٧﴾ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمُوتَاتًا فَاخْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّنْكُمْ ثُمَّ يُخَيِّبْكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾

ریزدرب: انذار مردم که مبادا به کفر و فسوق بگرایند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

نَبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی) در این پاراگراف می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبران شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند.

۴- سوالات

- ۱- در آیه ۲۳ در مورد استشهاد به چه نکته‌ای بر می‌خورید؟
- ۲- در آیه ۲۴ کدام دو کلمه بارعجازی دارد؟
- ۳- در آیه ۲۵ «قالوا هذا الذی رزقنا من قبل» چطور ممکن است؟
- ۴- در همان آیه «متشابه» از چه لحاظ؟

۵- آیات برجسته این پاراگراف

آیه های ۲۲ و ۲۳ مشهور به آیه های تحدّی از برجسته ترین آیه های قرآنی میباشند و این مطلب نیاز به شرحی ندارد.

۶- در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۲۲ از این لحاظ که به آفرینش اشاره دارد، از آنجا جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل. همچنین است آیه ۲۹.

آیه ۲۵ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۷ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۲۳ میفرماید: و اگر درباره آنچه بر بنده مان نازل کردیم شکی دارید، سوره ای مانند آن بیاورید، و غیر از خداوند گواهانتان را دعوت کنید اگر راستگو میباشید.

آیه فوق ما را به این حقیقت منتقل می کند:

دشمنان اسلام اعم از داخلی و خارجی، در این بیش از ۱۴۰۰ سال که به انواع و اقسام توطئه ها و خیانت ها و جنایت ها دست زدند و جنگ های بزرگ به راه انداختند و چه و چه که نکردند، علیرغم آن همه سرمایه های نظامی و اقتصادی از اجابت این خواسته که به نظر ساده می آید سر باز زدند. در حالیکه ظاهراً ساختن یک سوره کوچک به نظر چندان مشکل نمی آید. در این بیش از ۱۴۰۰ سال، این مبارزطلبی که همواره وجود داشته پاسخی نیافته است و هر روز که می گذرد، کتاب قطور این پیشگوئی تحقق یافته قطورتر می گردد.

اتحاد شوروی در طول ۷۵ سال سلطه سنگین و سیاه خود که طی آن هزاران مسجد را ویران کرده و صدها نفر از علماء و فعالان اسلامی را کشت، با آنهمه قدرت علمی و دانشگاهی و تحقیقی که در اختیار داشت، اگر ساختن سوره ای مانند یکی از سوره های قرآن ممکن و عملی بود از آن چشم می پوشید؟

اسرائیل (و به دنبال آن آمریکا) که علاوه بر تجاوز به اراضی مسلمین و اجرای نقش پلید کنترل شاهرگ حیاتی خاورمیانه (یعنی نفت) به نفع استکبار و به ضرر مردم مسلمان و هدایت پول های منطقه به جیب اسلحه فروشان امریکا و اروپا، دائماً با مسلمین درگیر است و خودش هم دچار مشکلاتی جدی است، آیا با استفاده از ظرفیت علمی علماء یهود که در کل دانشگاه های جهان هستند، در صورتیکه بتوانند سوره ای مانند یکی از سوره های قرآن بسازند و باین ترتیب ریشه اسلام را بزنند و هویت مسلمانان را سست کنند، آیا ذره ای از این کار که ارزش آن از کل زرادخانه های عالم هم بیشتر است چشم می پوشند؟ علت اینکه آنها نکردند و اینها نیز نمی کنند این است که آنها نتوانستند و اینها نیز نمی توانند.

در هر حال این مبارزطلبی هنوز هم وجود دارد، و این میدان هنوز هم باز است، و هر روز که بگذرد و این مبارزطلبی بی‌پاسخ بماند، دلیل تازه‌ای است بر حقانیت صاحب این دعوت و نیز صحت محتوای آن.

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

دعوت مردم به عبادت و تقوا از طریق استدلال به حجیت قرآن و وعده بهشت جاودان و ای مردم! به آیات و نعمت‌های خداوند توجه نموده و از کفر و سرپیچی دوری کنید.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه‌های ۲۱ تا ۲۳ و ۲۸ و ۲۹، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

دریافت‌های کوتاه مستقیم

آیه ۲۲: «میوه‌جات» ذکر شده، ترجمه کلمه «ثمرات» است و منحصر در میوه‌های درختی نیست بلکه می‌تواند شامل هر چیزی باشد که «محصول» نامیده می‌شود. آیه ۲۴: آتشی که مطرح شده، از این لحاظ که مردم می‌توانند «گیرانه» آن باشند قابل درک است زیرا «مردم» قابل سوختن هستند، اما اینکه «سنگ‌ها» هم بتوانند گیرانه آن باشند، معلوم می‌شود آن آتش از نوع آتشی است که ما می‌شناسیم نیست، مثلاً در سوخت و سازی که در راکتورهای اتمی انجام می‌شود نوعی فلز، «گیرانه» آن آتش خاص است و هنوز هم برای عموم کاربردی نشده، و در انحصار دولتهای قوی است. آتش مورد بحث باید چیزی پیشرفته‌تر از آن باشد، بطوری که، هر «سنگ»ی هم بتواند «گیرانه» آن باشد، و علم بشر هنوز به جایی نرسیده که بتواند این نکته را هضم کند اما می‌تواند تصور دوری از آن داشته باشد.

معجزهٔ همیشگی

شبیه مفهوم آیه‌های ۲۳ و ۲۴ قبلاً نیز بصورت‌های مختلف در سوره‌های قبلی (مثلاً سوره‌های اسراء، هود، یونس و غیره) آمده بود و اینجا در اوج حالت مبارزطلبی مطرح شده است زیرا «کل قرآن»، و «ده سوره» مطرح شده در موارد قبلی را به

«یک سوره» تخفیف داده و دیگر اینکه به وضوح اعلام کرده که «هرگز نخواهید توانست» و به اینصورت غیرت کسانی را که ممکن بود در خود امکان عملی نمودن آن را ببینند تحریک کرده و با وجود اینکه می‌بینیم بیش از ۱۴۰۰ سال از اعلام این مطلب گذشته، و هنوز این میدان باز است، اما، تاکنون، علیرغم اینکه کوشش‌های زیادی صورت گرفته که ریشه اسلام را بزنند، کسی وارد این میدان نشده، و این مبارزطلبی در طول این مدت طولانی هنوز بلاجواب مانده است.

چنانکه می‌دانیم معجزات، دلایل صدقِ دعویِ پیامبران هستند، زیرا آیاتی نشان می‌دهند که آوردن مانند آنها از عهده بشر، ولو هر قدر هم که دارا و توانا و دانا باشند بیرون است. مثلاً فرعون با آنهمه قدرت و ثروت و توان علمی موجود در دستگاه سلطنتش نتوانست جواب هیچیک از آن‌ه معجزه موسی(ع) را بدهد و لذا چاره‌ای نداشت جز اینکه قبول کند موسی(ع) به جایی وصل است که «آنجا» دارای چنان ثروت و قدرت و دانشی است که برای او و امثال او قابل تصور نیست. در این مورد نیز همینطور است و کسی که آن آیه‌ها را قبول ندارد می‌تواند از تمام توان علمی و قدرتی و ثروتی مخالفان اسلام (که بسیار قوی هم هستند) بهره گرفته و سعی کند سوره‌ای مانند سوره‌های قرآن بیاورد که البته آن سوره باید طوری باشد که مطابق آیه ۲۴ عقلاء عالم قبول کنند که آن معادل این هست و این کار تاکنون انجام نشده و لاف تاکنون به همین دلیل باید حکم به غیربشری بودن مندرجات قرآن بدهیم.

خود بزرگ‌بینی کافران

البته در اینکه پشه نیز یکی از موجودات بسیار پیچیده و دارای ساختمان فیزیولوژیکی بسیار قابل مطالعه‌ایست حرفی نیست و از این لحاظ این قابلیت را دارد که خداوند بعنوان یکی از آثار صنع خویش از آن نام ببرد و به آن مثال بزند اما در آیه آمده که اشاره به آن، و مثل زدن به آن، دو نوع واکنش در پی خواهد داشت:

- ۱- مؤمنان به همین مقدار که بدانند از جانب خداست برایشان کفایت می‌کند.
 - ۲- کافران از «منظور خداوند» درباره آن پرسش می‌کنند. نکته‌ای که در اینجا هست این «خود بزرگ‌بینی کافران» است که قاعداً باید خود را در سطح خدا بدانند که تصور کنند همه منظوره‌ای خدائی در حد درک آنهاست.
- بعبارت دیگر منشاء کفر، تصور ضعیف و غلط درباره خداوند است.

ترجمه تفسیری آزاد

ای مردم! پروردگارتان را عبادت کنید.

همان کسی که شما و پیشینیان تان را آفرید، شاید به تقوا بگرائید (۲۱) همان خدائی که زمین را برایتان فرشی نمود و آسمان را بنائی. و از آسمان آبی فرستاد و از آن میوه هائی بر آورد که روزی تان باشد. پس برای خداوند همتا قرار ندهید در حالیکه میدانید (۲۲)

و اگر درباره آنچه بر بنده مان نازل کرده ایم شکی دارید، سوره ای مانند آن بیاورید، و غیر از خداوند گواهانتان را دعوت کنید اگر راستگو میباشید (۲۳) پس اگر این کار را نکردید و هرگز هم نخواهید کرد، از آتشی که گیرانه آن مردم و سنگ است و برای کافران مهیا شده پروا کنید (۲۴)

ای پیامبر! آنان را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند مژده ده که بهشتهاى خواهند داشت که کف آنها نهرها جاری است. هر بار که از آن میوه ای میخورند میگویند این همان است که قبلا روزی ما شده بود و مانند آنها نیز برایشان می آورند. و در آن همسرانی پاک خواهند داشت و در آن جاودان خواهند بود (۲۵)

خداوند خجالت نمی کشد که حتی به پشه ای و یا کوچکتر آن نیز مثال بزند. اما کسانی که ایمان آوردند میدانند که آن حق و از جانب پروردگارشان است. ولی کسانی که کفر ورزیدند میگویند خداوند از این مثل چه منظوری داشت؟ بوسیله آن عده زیادی را گمراه می کند و عده زیادی را هدایت می کند و بوسیله آن جز فاسقان را گمراه نمی کند (۲۶)

همان کسانی که عهد خداوند را پس از محکم نمودن آن نقض می کنند و چیزی را که خداوند به وصل آن فرمان داده قطع کرده و در زمین فساد می کنند. آنها زیانکارند (۲۷)

ای کافران! چگونه به خداوند کفر میورزید در حالیکه مردگانی بودید که زنده تان کرد، آنگاه شما را می میراند، سپس زنده تان می کند، و سپس بسوی او باز میگردید (۲۸) همو که برای شما آنچه را که در زمین هست تماما آفرید. آنگاه به آسمان رو

کرد و آن را به هفت آسمان سامان داد و همو به همه چیز داناست (۲۹)

بقره ۳ آیات ۳۰ تا ۳۹

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣١﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾ قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٤﴾ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣٥﴾ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿٣٦﴾ فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٩﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: بیان داستان شیرین پیدایش آدم و تعلیم او و تشریع دین.

۲- استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میگردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگانمان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی) در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبران شکی دارید سوره‌های مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند. در این پاراگراف می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

۴- آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۳۰ تا ۳۹ که به داستان خلقت و برگزیدگی آدم پرداخته مشهورتر و برجسته تر از آن است که لازم باشد در باره اش حرفی زد.

۵- آیات مشکل

آیات ۳۰ تا ۳۹ از این لحاظ که مفسران در تفسیرش سخنان مختلف و متفاوت و بعضاً متضادی گفته اند در زمره آیات مشکل قرآنی است.

۶- در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)
آیات ۳۰ تا ۳۹ از این لحاظ که به داستان آفرینش اشاره دارد، از آنجا که جزئیات و مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

۷ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

داستان آفرینش انسان و برگزیدگی آدم و تعلیم او و تشریع دین.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

داستان شیرین پیدایش انسان و برگزیدگی آدم

در موضوع برگزیدگی آدم، و سجده ملائکه، و آن باغ، و اخراج آدم و همسرش، و مطالب دیگری که تحت این عنوان‌ها مطرح شده است، تاکنون بحث‌های زیادی شده اما مطلب طوریکست که کسی نمی‌تواند ادعا کند «حرف آخر» را در آن رابطه زده است. هرچه زمان به جلو می‌رود، و علم و اطلاع و شخصیت بشر پیشرفت می‌کند، جواب‌های بهتری برای آن سئوالها بدست می‌آید.

ما نیز ذیلاً در جهت توضیح آنها، تفسیر خویش را عرض می‌کنیم:

آیه ۳۰: موضوع «جانشین» به این معنی است که خداوند فرموده می‌خواهم در زمین موجودی بوجود بیاورم که آنقدر پیشرفته باشد که بتواند با استفاده از استعدادی که در او قرار داده‌ام، در جهان مخلوق من، صفات کمالیه‌ای از خویش بروز دهد که شما (ای ملائکه) آنها را «صفات خدائی» می‌شناسید.

آیه ۳۰: ملائکه مورد خطاب، از روی اتفاقاتی که در جهان می‌افتاد، می‌توانستند حدس بزنند که چون جهان، جهان محدودیت‌هاست، و نامحدود در محدود نمی‌گنجد، لاجرم وضعیتی بی‌ثبات پیش خواهد آمد.

آیه‌های ۳۱ تا ۳۳: تشریح فرق انسان و ملائکه است که طی آن خداوند جواب ملائکه را داده و آن این است که انسان دو حرکت ذهنی دارد که از عینی به ذهنی (فرضیه- سازی) و از ذهنی به عینی (کاربردی کردن فرضیات) است که با این دو حرکت ذهنی علوم و فنون و تکنولوژی و قدرت بشر تا اینجا رسیده که تازه اول پیشرفت جدی اوست و بشر می‌تواند با این دو حرکت ذهنی، پیشرفت کند و علم و تکنیک جدید دارا شود اما ملائکه خواص ثابتی دارند که از اول تا آخر همان هستند که بوده‌اند و لذا نمی‌توانند به کشف مجهول و پیشرفت و افزایش در علم و فن و قدرت خویش بپردازند.

اینکه در آیات فوق، خداوند «اسامی» ای را به آدمی آموخت (حرکت فکر از عینی به ذهنی) است و سپس واقعیاتی را نشان داد و اسامی آنها را خواست (حرکت فکر از ذهنی به عینی) است و آدم توانست و ملائکه نتوانستند.

آدم توانست زیرا در «استعداد بشر» چنین چیزی هست و ملائکه نتوانستند زیرا در استعداد آنها نیست.

آیه ۳۴: سجده ملائکه، بمعنی «در اختیار بشر قرار گرفتن نهائی عناصر و نیروهای طبیعی این جهانی» است (فعلاً تدریجاً این کار دارد می‌شود)
آیات ۳۵ تا ۳۹: این مطالب را قبلاً در سوره‌های اسراء، طه، اعراف، حجر، کهف، و غیره دیدیم.

و خلاصه‌اش اینکه: داستان آدم را باید در چهار مرحله در نظر بگیریم:

۱- در مرحله تقدیر و برنامه‌ریزی: در این مرحله نه آدم وجود داشت و نه هیچ چیز دیگری که معمولاً هنگام فکر کردن به او به ذهن می‌آید.

در این مرحله آدم و کل بشریت در مرحله تقدیر و برنامه‌ریزی بودند.

و از این لحاظ که در برنامه بودند، وجود داشتند اما از این لحاظ که وجود فیزیکی نیافته بودند، نبودند.

قضیه سجده ملائکه و استنکاف ابلیس در این مرحله است.

«عالم ذر» هم در این مرحله است.

طبیعی است این مرحله «در آسمان‌ها» بوده باشد.

۲- مرحله آزمایش: البته مانعی ندارد که این مرحله هم در مرحله ۱ اتفاق افتاده باشد مانند مخترعان که اختراع خود را آزمایش میکنند، خداوند هم میتواند این مرحله را پس از «تولید نرم افزار آدم» انجام داده و پس از تولید، آن را «آزمایش» کرده باشد، تا اقناع ملائکه برای اطاعت کامل و از عمق دل آنان با «پروژه آدم» حاصل شود.

«عالم ذر» و «داستان باغ» و درخت ممنوعه نیز میتواند در این مرحله و در آسمانها بوده باشد.

۳- مرحله پیدایش: در این مرحله که صدها میلیون سال طول کشید، دریاها و رسوبهای مناسب (یا به تعبیر قرآن گل سیاه متعفن) شکل گرفت و حیات تک سلولی و سپس ماهیان و سپس دوزیستان و سپس حیات زمینی و آنگاه پستانداران و بالاخره بشر پیدایش یافت.

۴- مرحله «برگزیدگی» آدم از میان سایر «بشر»های معاصرش.

ترجمه تفسیری آزاد

هنگامیکه پروردگارت به ملائکه گفت در زمین جانشینی قرار خواهیم داد، گفتند آیا کسانی را قرار میدهی که در آن فساد کنند و خونها بریزند در حالیکه ما تو را به پاکی می ستائیم و تقدیس می کنیم؟ گفت چیزی میدانم که شماها نمیدانید (۳۰) و همه آن نام ها را به آدم آموخت سپس آنها را به ملائکه عرضه کرد و گفت از اسامی اینها خبرم دهید اگر راست میگوئید (۳۱) گفتند ای خدای پاک! غیر از آنچه که خودت بما آموختی چیزی نمی دانیم و خودت البته دانای پر حکمتی (۳۲) گفت ای آدم ! نامهای آنها را به آنان بگو. پس چون نام های آنان را به آنان گفت فرمود آیا به شما نگفتم که نهانی های آسمانها و زمین را میدانم و نیز میدانم که چه چیز را آشکار و چه چیز را پنهان می کنید؟ (۳۳) و هنگامیکه به ملائکه گفتیم به آدم سجده کنید، سجده کردند مگر ابلیس که سر پیچید و سرکشی کرد و از کافران شد (۳۴) و گفتیم ای آدم تو و همسرت در آن باغ سکونت یابید و از هر جایش که خواستید بفراوانی بخورید اما به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمان خواهید شد (۳۵) اما شیطان آنها را لغزاند و آنها را از آنچه در آن بودند بیرون کرد و گفتیم از آن بیرون روید در حالیکه بعضی از شما دشمن بعضی دیگرید و در زمین تا مدتی استقرار و برخورداری خواهید داشت (۳۶) آنگاه آدم از پروردگارش کلماتی فراگرفت و خداوند به او به نظر رحمت بازگشت. زیرا که او بسیار بازگشت کننده مهربان است (۳۷) پس خداوند مقرر کرد همگی از آن باغ بیرون روند، و فرمود اگر هدایتی از جانب من بسویتان آمد ، هر کس که هدایتم را پیروی کرد نه ترسی خواهد داشت و نه اندوهگین خواهد بود (۳۸) و کسانی که کفر ورزیدند و آیتان را تکذیب کردند اهل آتشند و در آن جاودان خواهند بود (۳۹)

بقره ٤ آيات ٦١ تا ٤٠

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ﴿٤٠﴾ وَأَمِنُوا بِمَا أُنزِلَتْ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ﴿٤١﴾ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿٤٥﴾ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٤٦﴾ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِذْ أَخَذْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٠﴾ وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ أَخَذْنَا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لَكُمْ مُّوسَى وَآيَاتُهُ أَنْفُسُكُمْ إِنِّي أَخَذْتُ الْعِجْلَ فَتَوَبُّوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٥﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾ وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنُرِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٥٩﴾ وَإِذْ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ نَضِيبًا فَذَ عَلِمَ كُلُّ أَنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَن نَّصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعَ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثَبِّتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصَلَهَا قَالَ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ هُوَ أَذْنَى بِاللَّهِ هُوَ خَيْرٌ أَمِ هَاطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاوُوا بِغَضَبِ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم: طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره) برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نکوهش یهودیان (برای کفران نعمت و نافرمانی و اذیت پیامبرشان) و دعوت یهودیان به بازگشت به راه حق و ایمان و عمل صالح و...

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی)

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبرتان شک دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نوزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده

شدید و این موقعیت در گرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

در این پاراگراف می‌فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) از سلطه فرعونیان رهایی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی از قبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره در پیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.

۴ - سوالات

- ۱ - «عهد»ی که در آیه ۴۰ مورد اشاره قرار گرفته چه بوده؟
- ۲ - برای پاسخ به سوال فوق در سوره های (به ترتیب نزول) قبلی چه سابقه ای دارید؟
- ۳ - منظور از «عالمین» (آیه ۴۷) چیست؟
- ۱ - چرا در آیه ۴۹ بلیات مذکور به خداوند منسوب شده؟
- ۲ - «فاقتلوا انفسکم» (آیه ۵۴) چه توضیحی دارد؟
- ۳ - آیا میتوان به آیه ۵۶ برای بحث قدیمی «رجعت» استناد کرد؟
- ۴ - «تبدیل قول» (آیه ۵۹) چه توضیحی دارد؟
- ۵ - در آیه ۶۱ منظور از «مصر» چیست؟
- ۶ - خلاف های سنگین بنی اسرائیل را که در آیات ۴۹ تا ۶۱ ذکر شده تشریح کنید.

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات ۴۰ تا ۴۸ فهمیده میشود که یهودیان موجود در مدینه که به سبب «اهل کتاب» بودن از احترامی برخوردار بودند صراحتاً حقانیت آنحضرت را انکار کردند، لذا، مخالفان آنحضرت در ابتدای هجرت عبارت بودند از مشرکان و منافقان و یهودیان.

از آیه ۴۲ فهمیده میشود انکار آنها عالمانه و عامدانه بود و از آیه های ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ فهمیده میشود آنها مامور بودند به آنحضرت ایمان بیاورند و تصدیقش کنند، لذا، رفتار خلاف تعلیمشان میتواند توجیهی در جهت تضاد منافعشان با تعلیم آنحضرت داشته باشد و منفعی که آنها از این راه از دست میدادند قاعدتاً می باید به احترامی که داشتند و به آن عادت کرده بودند و اینک نگران شده بودند که در سایه قرار خواهند گرفت، بوده باشد.

چنانکه از این پاراگراف (آیات ۴۹ تا ۶۱) و نیز از آیاتی که پس از این تا آخر عمر شریف آنحضرت نازل شده، فهمیده میشود یهودیان یک مشکل بزرگتری بوده اند تا

مشركان. زیرا آنها قومی بد رفتار و بد ذات بودند و مروری بر آیات فوق نشان میدهد که وجود آنها تنش زا و همسایگی با آنها سخت و تحمل آنها دشوار بود، و آنحضرت می باید نیروی خویش را دائما در سه جبهه خرج کند، یعنی ضمن اینکه می باید پیروان خویش را به راه تعالی رهنمون میشد، با این دو دشمن جدی نیز می باید مجادله به احسن میکرد.

همچنین، این آیات نوعی کنایه به مسلمانان هم هست که شما هم از الطافی شبیه یهودیان بهرمنند شده اید، و مبادا که رفتارهایی شبیه آنان از شما سر بزند.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۴۸ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه ۴۹ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل. همچنین است آیه های ۵۰ تا ۶۱.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۴۲ تا ۴۴ و ۴۷ تا ۵۳ و ۵۶ و ۵۷، بقیه «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

ترتیب نزول

یک مثال برای نشان دادن اهمیت رعایت ترتیب نزول برای فهم قرآن

کسی که دفعه اول باشد که دارد قرآن را می خواند از این پاراگراف چه می فهمد؟ تقریبا هیچ!

اما اگر اول سوره طه و سپس اعراف را بخواند، و آنگاه به مطالعه این پاراگراف بپردازد، همه اش را می فهمد.

رعایت ترتیب نزول برای فهم و تفسیر قرآن، مزایای بسیار زیادی دارد که یکی از آنها همان چیزی است که عرض شد.

رعایت ترتیب نزول، بدون اغراق نصف تفسیر است.

شناخت یهودیان تا نزول این آیات

الطاف الهی

نجات دادن از بلای بزرگ سلطه فرعونیان (آیه ۴۹)
نشان دادن نابودی فرعونیان به آنان (آیه ۵۰)
دادن کتاب و فرقان به پیامبرشان برای هدایتشان (آیه ۵۲)
حیات مجدد پس از ارائه گوشه ای از تجلیات الهی که تاب آن را نداشتند و مردند (آیه ۵۶)

سایبان طبیعی مداوم و غذا و نوشابه حاضر و آماده (آیه ۵۷)
نشان دادن سرزمین موعود و اجازه دادن به آنان برای استفاده (آیه ۵۸)
جاری کردن ۱۲ چشمه برای آنان که هر قبیله ای صاحب یکی از آنها شد (آیه ۶۰)

بدرفتاریهای آنان

به عبادت گرفتن گوساله (آیه ۵۱)
بهانه آوری آنها که میخواهیم خدا را به وضوح ببینیم (آیه ۵۵)
استنکاف از رفتن به سرزمین موعود (آیه ۵۹)
اعلام دوست نداشتن غذا و نوشابه آسمانی و درخواست سیر و پیاز و عدس و خیار و سبزی (آیه ۶۱)
کفر، قتل انبیاء، عصیان، تجاوز (آیه ۶۱)

ترجمه تفسیری آزاد

ای بنی اسرائیل! نعمتم را که به شما ارزانی داشتم بیاد آورید و به عهدم وفا کنید تا به عهدتان وفا کنم و فقط از من بیم داشته باشید (۴۰) و به آنچه که تصدیق کننده چیزی است که همراه شماست ایمان بیاورید و اولین کافر آن مباحثید و آیاتم را به بهائی اندک نفروشید و فقط از من پروا کنید (۴۱) و لباس حق به باطل میپوشانید و حق را آگاهانه کتمان نکنید (۴۲) و نماز بپادارید و زکات دهید و همراه با رکوع کنندگان رکوع کنید (۴۳)

آیا مردم را به نیکی میخوانید و خودتان را فراموش می کنید؟ در حالیکه آن کتاب را هم تلاوت می کنید؟ آیا خرد نمی ورزید؟ (۴۴) و از صبر و نماز کمک بگیرید، و این کار، جز برای فروتنان دشوار است (۴۵)

همانها که میدانند که پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد و بسوی او باز خواهند گشت (۴۶)

ای بنی اسرائیل! نعمتم را بیادآورید که به شما ارزانی داشتم و شما را بر مردم معاصرتان برتری دادم (۴۷) و از روزی بترسید که هیچکس راجع به چیزی بدرد کسی نمیخورد و از او شفاعتی پذیرفته نمیشود و عوض هم قبول نمیگردد و یاری هم نمی شوند (۴۸)

و بیاد آرید که شما را از فرعونیان نجات دادیم. همانها که بر شما آن عذاب بسیار ناگوار را روا میداشتند که پسرهایتان را میکشند و زنانتان را زنده میگذاشتند و در این، از جانب پروردگارتان، آزمایشی بزرگ بود (۴۹)

و بیاد آرید که دریا را برایتان شکافتیم و نجاتتان دادیم و فرعونیان را غرق کردیم و شما ناظر بودید (۵۰)

و بیاد آرید که با موسی قرار چهل شب را گذاشتیم آنگاه شما گوساله را به پرستش برگرفتید و ظالم بودید (۵۱) سپس شما راعفو کردیم که شاید شکر بگزارید (۵۲) و به موسی آن کتاب جدا کننده حق و باطل را دادیم شاید هدایت یابید (۵۳)

و بیاد آرید که موسی به قوم خویش گفت ای مردم شما بعلت گوساله پرستی بر خویش ظلم کردید پس بسوی پروردگارتان توبه کنید و چنان در توبه بر خود سخت بگیرید که انگار خودتان را میکشید. این برای شما نزد پروردگارتان بهتر است.

آنگاه از شما درگذشت زیرا که بسیار بازگشت کننده مهربان است (۵۴) و بیاد آرید که گفتید ای موسی هرگز بتو ایمان نخواهیم آورد تا اینکه خداوند را به آشکاری ببینیم و صاعقه شما را بگیرد و ناظر بودید (۵۵) آنگاه شما را پس از مرگتان برانگیختیم شاید شکر بگزارید (۵۶)

و ابر را سایبانتان کردیم و من و سلوا را به عنوان خوراک و نوشاک بر شما نازل نمودیم. و خطاب نمودیم از این چیزهای پاکیزه که روزیتان کرده ایم بخورید.

و برما ظلم نکردند ولیکن به خودشان ظلم میکردند (۵۷) و بیاد آرید که گفتیم داخل این شهر شوید و ازهرجای آن که خواستید بخورید و از آن درب به حالت سجده داخل شوید و بگوئید خداوندا گناهان مارا فرو ریز، تا خطایاتان ببخشیم و به نیکوکاران نعمت بیافزائیم (۵۸)

آنانکه ظلم کردند آن قولی را که به آنان گفته شده بود تغییر دادند و عذابی از آسمان بر آنها نازل کردیم برای آن گناهی که میکردند (۵۹) و بیاد آرید که موسی برای قوم خویش آب خواست و گفتیم با عصایت به آن سنگ

بزن. پس دوازده چشمه از آن برجست و هر کسی آبشخور خود را می شناخت. و خطاب کردیم از روزی خدا بخورید و بیاشامید، لیکن در زمین به خرابکاری مکوشید (۶۰)

و هنگامیکه به موسی گفتید هرگز به یکنوع غذا صبر نخواهیم کرد، و از پروردگارت بخواه که برای ما از آنچه زمین میرویانند، از سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز بیرون آورد. گفت آیا چیز بهتر را با چیز پست تر عوض می کنید؟ پس، از اینجا که فعلا هستید به یک شهر فرود آیید که در آن آنچه خواستید داشته باشید، و بر آنان ذلت و بیچارگی مقرر شد و به غضبی از جانب خداوند دچار شدند. زیرا به آیات خدا کفر میورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند. این بدان سبب بود که عصیان کرده بودند و تجاوز مینمودند (۶۱)

بقره ۵ آیه ۶۲

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: خداوند به اسامی کار ندارد. به حقایق کار دارد و می خواهد مردم از لحاظ حقیقی مومن باشند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.
اما، چون این پاراگراف بسیار کم حجم است، نیازی به این کار نمی باشد.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی)
در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبرتان شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده

شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

در پاراگراف ۴ می‌فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی (ع) از سلطه فرعونیان رهایی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی از قبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره در پیش گرفتند. مبادا شما مانند آنان کنید.

در این پاراگراف می‌فرماید: ای مسلمانان! مبادا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت می‌دهد، از هر کس با هر دینی که باشد.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

تصور میشود مسلمانان تازه هجرت کرده و در مدینه جافتاده، در این مقطع زمانی، اینک خیلی مغرور شده و خود را نور چشمی خداوند میدیده و در دیگران به چشم تحقیر می‌نگریسته‌اند، که خداوند با نزول این آیه به نوعی به تنظیم بادا! آنها پرداخته است.

۵ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

خداوند به اسامی کار ندارد. به حقایق کار دارد و می‌خواهد مردم از لحاظ حقیقی مومن باشند.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره‌ها، تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

اگر این آیه را ندیده بگیریم و انتهای آیه ۶۱ را به ابتدای آیه ۶۳ وصل کنیم، خواهیم دید که روال سخن صاف و یکدست و بی دست انداز خواهد شد و لذا این آیه «پرانتری» است.

مسلمان یا کافر شناسنامه‌ای

در بین مسلمانان، کسانی که چیزی از اسلام نمی‌فهمند و به چیزی از دستورات اسلام عمل نمی‌کنند و از چیزی از منهیات اسلام دوری نمی‌کنند، زیاندند.

در مسیحیت و یهودیت نیز همین طور است. این‌ها «شناسنامه‌ای»ها هستند، اولی مسلمانان شناسنامه‌ای و دومی مسیحی شناسنامه‌ای و سومی یهودی شناسنامه‌ای است. آیه می‌گوید ای شناسنامه‌ای‌ها! خداوند به شناسنامه‌تان کاری ندارد. آن اسم مسلمانی هم در آخرت فایده‌ای ندارد. اما اگر آن سه ضابطه را داشتید، ناراحت نباشید، هر اسمی که دارید رستگار خواهید بود. این در حقیقت «دعوت» اهل کتاب و مشرکان هم هست که به راه خدا بیایند.

توضیح بیشتر همین مطلب

«یا ایهاالذین آمنوا» دو معنی دارد: لغوی و اصطلاحی. معنی لغوی خطاب فوق این است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» اما معنی اصطلاحی آن این است: «ای مسلمانان» پس از هجرت، تا آخر نزول وحی، هر جا که در قرآن «یا ایهاالذین آمنوا» آمده (اکثریت قریب به اتفاق) به معنی اصطلاحی است و دلایل هم زیاد است:

- ۱- یک دلیل آن همین آیه است که مدلول «یا ایهاالذین آمنوا» را در کنار یهودی و مسیحی و ستاره پرست قرار داده است.
- ۲- دلیل دیگرش آیه «یا ایهاالذین آمنوا آمنوا بالله...» است که به مدلول‌های «یا ایهاالذین آمنوا» توصیه می‌کند که به خدا ایمان بیاورید و
- ۳- دلیل دیگرش آیه ۲۷ سوره انفال است که به مدلول‌های «یا ایهاالذین آمنوا» می‌گوید «به خدا و رسول خیانت نکنید و ...»
- ۴- دلایل این موضوع زیاد است اما همین قدر کافی است. علت اینکه خداوند مسلمانان را اینطور خطاب می‌کند اولاً تشریف (شرافت دادن) آنان است و ما نیز همینطور صحبت می‌کنیم مثلاً ما به پاسبان‌ها می‌گوییم جناب سروان و یا به آمپول‌زن‌ها می‌گوییم دکتر. ثانیاً خداوند با این طرز بیان قاعداً باید این منظور را هم داشته باشد که سبب تشویق مسلمانان به سعی در بالا کشیدن خود به درجه «مؤمنان» از طریق این نوع خطاب شده باشد.

ترجمه تفسیری آزاد

البته مسلمانان، یهودیان، مسیحیان، و صابئی ها، هر کدام که به خداوند و آخرت ایمان داشته و عمل شایسته کنند نزد پروردگارشان پاداششان را خواهند داشت. نه ترسی داشته باشند و نه اندوهگین باشند (۶۲)

بقره ۶ آیات ۶۳ تا ۸۲

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِمَّنْ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٥﴾ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٦٦﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِصَ وَلَا بَخْرٌ غَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ فافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ ﴿٦٨﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْهَا تَسُرُّ النَّاسَ طَرِينَ ﴿٦٩﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذُلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتُ بِالْحَقِّ فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ نَفْسًا فَاذَارُكُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٧٢﴾ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ قَسَتْ فُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِن مِّن الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِن مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِن مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٤﴾ أَفَتُطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَنْحَرِفُونَ مِّنْ بَعْدِ مَا عَقِلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِغَضَمِهِ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا اتَّخَذْتُمُوهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾ أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾ وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنَّ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ ﴿٧٩﴾ وَقَالُوا لَن نَّمْسَنَ النَّارَ إِلَّا أَيْامًا مُّعْدُودَةً فَلَن اتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَن يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾ بَلَى مَن كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از

طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: نکوهش یهودیان برای ناشکری های مکرر و نافرمانی و آزار پیامبر ارجمندشان
و ای مسلمانان به یهودیان امید نبندید آنها چنین اند! به حقیقتی که نزد خودتان
است متکی باشید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک
«راه دوم» نیز استخراج می‌کردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با
استخراج از راه اول داشت.
اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس
نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه
زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح
میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در
موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا
علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی)
در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت
پیامبران شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت
ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی
رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه
کرده و به خداوند کفر نوززند.
در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده
شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.
در پاراگراف ۴ می فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) ازسلطه
فرعونیان رهایی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی
ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.
در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی
غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هرکس با هر دینی که باشد.

در این پاراگراف به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

۴ - سوالات

- ۱ - میثاق مورد اشاره آیه ۶۳ چه بود؟
- ۲ - «رفعنا فوقکم الطور» در همان آیه یعنی چه؟
- ۳ - «خذوا ما آتیناکم بقوه» در همان آیه چگونه؟
- ۴ - در موضوع مقتولی که قاتلش نامعلوم بود، زدن قسمتی از بدن آن گاو مذبح به بدن آن مقتول ، در آن روز گره گشا بود (آیه های ۷۲ و ۷۳) آیا این موضوع در امروز هم که تعداد این نوع مقتولان رو به افزایش دارد ، چنان فایده ای دارد؟
- ۱ - «تحریف»ی که در آیه ۷۵ ذکر شده از چه نوع است؟ (توجیه و عوض کردن معنی؟ یا تغییر دادن اصل کلمات؟)
- ۲ - منظور از آیه ۷۶ چیست؟ (از آنچه که در تورات به نفع مسلمانان هست به آنها خبر ندهید تا از آن علیه ما (یهودیان) استفاده نکنند؟ یا . . ؟)
- ۳ - موضوع آیه ۷۸ کدام دسته از یهودیان بودند؟ (علماء آنها؟ یا . . ؟)
- ۴ - موضوع آیه ۷۹ چگونه؟
- ۵ - موضوع آیه ۸۰ فقط منحصر به یهودیان است یا ممکن است برخی از ما را هم در برگیرد؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات این پاراگراف میتوان فهمید که یهودیان ساکن مدینه چه بی ادبی ها و چه مته به خشخاش گذاشتن ها و چه چوب لای چرخ گذاشتن ها نسبت به آنحضرت و مسلمانان مرتکب میشدند ، و ضمناً به مسلمانان هم این هشدار را دارد که مبدا از شما هم نسبت به آنحضرت چنین رفتارهایی سرزند.

تصور کنید مسلمانان پس از تحمل آنهمه ناراحتی و فشار و آزار در مدتی بسیار طولانی، در اثر هجرت از دست مشرکان مکه خلاص شده و به مدینه آمدند که عده- ای از اهالی مدینه تازه مسلمان و علاقمند، و عده‌ای هم یهودی هستند. طبیعی است که چون یهودیان هم، بنظر، اهل توحید و دیانت و کتاب می‌آیند، خیلی مایه امید مسلمانان باشند اما واقعیات در جهت خلاف آن بوده است. این پاراگراف طلیعه ایجاد این ذهنیت در مسلمانان است که «به آنان دل نبندید و آنها با شما آنطور نیستند که نشان می‌دهند» و پاراگراف های قبل نیز چنانکه دیدیم، در این جهت

بود که «یهودیان اساساً قوم خوبی نیستند» و در آینده نیز، تا وفات آنحضرت دائماً آیاتی با این زمینه نازل شده است.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۶۳ تا ۶۶ از این لحاظ که به اقوام در گذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

آیات ۶۷ تا ۷۴ از این لحاظ که مکانیزم موضوع، حتی بر ما بشر قرن حاضر نیز، مکشوف نیست، بالاتر از ذهنیات ما نیز هست، چه رسد به مخاطب اولیه.

آیه ۷۷ از آنجا که به آیاتی از علم و قدرت الهی اشاره دارد، بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه حتی مخاطبان قرن حاضر نیز هست.

آیه های ۸۱ و ۸۲ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۶۵ و ۷۷ و ۸۱ و ۸۲، بقیه پاراگراف برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

دریافتهای مستقیم کوتاه

آیه ۶۳: ظاهراً باید اینطور بوده باشد که بنی اسرائیل تحت تسلط فرعونیان بودند و پس از رفع آن اسارتها، خود را یله ورها دیدند و سر به نافرمانی گذاشتند و حضرت موسی هم که نمی توانست مانند فرعون از راه ظلم و بکار بردن نابجای قوه قهریه آنها را به راه بیاورد از خداوند کمک خواست و خداوند با نشان دادن چنین آیتی آنها را ترساند که از حد نگذرانند.

آیه ۶۵: این موضوع را در اواخر سوره اعراف دیدیم.

آیات ۶۷-۷۱: این همان موضوع معروفیست که اسم سوره بقره هم از آن گرفته شده است و نشان می دهد که آنان حرمتی برای پیامبرشان قائل نبودند و با او چنان رفتاری می کردند که گوئی یکی از معمولی ترین افراد خودشان است و گوئی آنهمه

معجزه، چه قبل از رهایی از اسارت فرعونیان و چه پس از آن، بدست او ندیده‌اند و مطالعه خود متن گویاست و چندان شرحی نمی‌طلبد مگر این نکته واضح که اگر همان اول اولین گاوی را که دم دستشان بود کشته بودند به تکلیف عمل کرده بودند، ولی در عمل آنهمه مته به خشخاش گذاشتند و کارشان مشکل شد (و «یراد بنی اسرائیلی» یعنی همین)

آیه‌های ۷۳-۷۲: چنین فهمیده می‌شود که کسی را کشته بودند و قاتلش معلوم نمی‌شد و قسمتی از آن گاو مورد بحث را پس از ذبح به آن کشته زدند و آن مرده زنده شد.

آیه ۷۳: جمله «خداوند چنین زنده می‌کند مردگان را» اشاره به مکانیزمی دارد که برایمان روشن نیست و چه بسا در اثر پیشرفت علم و تکنولوژی روشن شود و در آنصورت در آن روز، این آیه یک معجزه علمی خواهد بود. اما حدسیاتی که فعلاً می‌توانیم بزنیم این است که امروز در آزمایشگاه‌ها با استفاده از گوشه کوچکی از بدن یکنفر، کل وجود او را «شبیه‌سازی» می‌کنند. در این «گوشه کوچک از بدن یکنفر» چه عظمتی هست که کل وجود او را می‌توان از روی آن ساخت. هر چه باشد، در این موضوع نیز باید چنان مکانیزم‌هایی عمل کرده باشند که فعلاً برایمان روشن نیست.

آیه ۷۴: در مورد قلب نرم مثال‌هایی آمده که عبارت است از اشک و دلهره. یعنی اینکه وقتی آدمی در صفات و نعمات و آیات الهی می‌اندیشد هم از چشمش اشک جاری می‌شود و هم دلهره پیدا می‌کند و این چیزی نیست که نادر باشد زیرا بسیاری تاکنون این حالات را داشته‌اند. و این آیه می‌گوید ای بنی اسرائیل شما از این حالات دور شده‌اید.

ادامه یادآوری بدرفتاری های بنی اسرائیل

در پاراگراف های قبل قسمتی از بدرفتاری های بنی اسرائیل را برشمرده، و در این پاراگراف به برخی دیگر اشاره می‌فرماید:

بی اهمیت گرفتن و نقض میثاق الهی (آیه ۶۳)

اهمیت ندادن به مطالب کتاب نازل شده بر خویش (آیه ۶۳)

سنگدلی پس از دیدن آنهمه آیات الهی و ادامه دادن به رفتارهای خلاف دین و اخلاق (آیه ۷۴)

عبرت نگرفتن از آندسته از بنی اسرائیل که به احکام روز شنبه تعدی کردند و (غیر از عذاب آخرت) به همان سبب در همین جهان عذاب شدند (آیه های ۶۵ و ۶۶)

بگومگوی طولانی و خلاف ادب با پیغمبرشان در موضوع ذبح آن گاو که فرمان صریح خداوند بود و نزدیک بود بالاخره از انجامش سرپیچی کنند (آیه های ۶۷ تا ۷۱) مکتوم داشتن مطالبی که در تورات در باره تصدیق دین اسلام وجود داشت که مبادا مسلمانان به کمک آن مطالب با آنان محاجه کنند (آیه ۷۶) توجیه تحریفی مطالب قرآن پس از اینکه میدیدند که در آن مطالبی است که ممکن است خلاف منافع آنان باشد (آیه ۷۵) مراجع تقلیدشان واقعا عالم نبودند بلکه از کتابشان بیگانه بودند و چیزهایی که میگفتند از روی ظن و گمان بود (آیه ۷۸) آنها با دست خویش چیزهایی مینوشتند و آن را به عنوان کتاب خدا به یهودیان ارائه میکردند و از این راه کسب منافع میکردند (آیه ۷۹) آنها این عقیده دروغ را شایع میکردند که ما یهودیان در آخرت عذاب مهمی نخواهیم داشت و اگر هم چیزی باشد بسیار کوتاه و رقیق خواهد بود (آیه ۸۰)

ترجمه تفسیری آزاد

ای یهودیان! بیاد آورید هنگامیکه از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سرتان بردیم و گفتیم آنچه را از تورات به شما داده ایم با قوت بگیرید و از آنچه که در آن است پند گیرید، شاید پروا کنید (۶۳) اما به آن پشت کردید و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود حتما از زیانکاران میشدید (۶۴) و حتما از حال کسانی از خودتان که درباره احکام روز شنبه تعدی کردند خبر دارید که به آنها گفتیم میمون هائی رانده شده باشید (۶۵) و آن را جریمه ای قرار دادیم که مایه عبرت معاصرانشان و آیندگان و موعظه ای برای پروا داران باشد (۶۶) و هنگامیکه موسی به قومش گفت خداوند فرمانتان میدهد که گاوی بکشید. گفتند مسخره مان کردی؟ گفت به خدا پناه میبرم که از جاهلان باشم (۶۷) گفتن پروردگارت را بخاطر ما بخوان که برای ما بیان کند مشخصاتش چیست. گفت میگوید گاوی است نه پیر و نه خردسال و بین این دو حالت است، پس آنچه را که دستور یافته اید انجام دهید (۶۸) گفتند پروردگارت را بخوان که رنگش را برایمان بیان کند، گفت میگوید گاوی است زرد روشن و بینندگان از رنگش شادمان میشوند (۶۹) گفتند پروردگارت را برای ما بخوان که آن را کاملا مشخص کند، زیرا که آن گاو بر ما مشتبه شده و انشاء الله هدایت شویم (۷۰) گفت میگوید گاوی است که نه

رام است که زمین را شخم و کشت را آبیاری کند، و نه نشاندار است، بلکه رهاست، گفتند الان حقیقت را آوردی و ذبحش کردند و نزدیک بود انجام ندهند (۷۱) و بیاد آورید آن هنگامیکه کسی را کشتید و درباره او کشمکش میکردید و خداوند آنچه را که پنهان میکردید بیرون کشید (۷۲) و مقرر کردیم قسمتی از آن گاو ذبح شده را به او بزنید. خداوند مردگان را چنین زنده میکند و آیاتش را به شما می نمایاند شاید تعقل کنید (۷۳)

سپس قلب هاتان پس از آن سخت شد، مانند سنگ، بلکه سخت تر. و از بعضی سنگها نهرها میجوشد و برخی از سنگها میشکافند و از آنها آب خارج میشود و برخی از آنها از خشیت خدا پائین می افتند و خداوند از آنچه میکنید غافل نیست (۷۴)

ای مسلمانان! آیا امیدوارید که یهودیان به عقاید شما ایمان بیاورند؟ در حالیکه عده ای از آنها کلام خدا را می شنوند و پس از اینکه فهمیدند، آگاهانه تغییرش میدهند (۷۵) و هنگامیکه مسلمانان را ملاقات می کنند میگویند ایمان داریم و هنگامیکه با یکدیگر تنها میشوند میگویند آیا شما درباره چیزهائی که خداوند برای شما گشوده با مسلمانها صحبت می کنید تا بعدا نزد پروردگارتان بوسیله همانها علیه شما دلیل بیاورند؟ آیا تعقل نمی کنید؟ (۷۶) آیا نمیدانند که خداوند آنچه را که پنهان یا آشکار می کنند میداند؟ (۷۷)

و از آنها کسانی هستند که علم ندارند، از آن کتاب هم چیزی جز خیال های خام نمیدانند و جز به گمان نمیپردازند (۷۸)

پس وای بر آنان که کتاب را با دستهایشان می نویسند آنگاه میگویند این از جانب خداست تا آنرا به قیمت کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه دستهایشان می نویسد و وای بر آنها از آنچه کسب می کنند (۷۹)

و میگویند آتش جز چند روزی بماند نمیرسد. بگو آیا از خدا عهدهی گرفته اید؟ و البته خداوند از عهدش تخلف نمی کند. یا اینکه راجع به خداوند چیزی میگوئید که نمیدانید؟ (۸۰)

بلی، کسی که گناهی کند و خطاهایش احاطه اش نماید اهل آتش است که در آن جاودان خواهد بود (۸۱) و کسانی که ایمان آورده و عمل صالح کنند از یاران بهشتند و در آن جاودانند (۸۲)

بقره ٧ آيات ٨٣ تا ١٠٣

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٨٣﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرَجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٨٤﴾ ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرَجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٥﴾ أَوَلَيْكَ الَّذِينَ اشْتَرَوْا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ﴿٨٧﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلٍ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَهُ اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾ بِنَسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٩٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نَحْنُ نُؤْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٩٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمِعُوا قَوْلًا سَمِعْنَا وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِنَسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيْمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩٣﴾ قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتُّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٤﴾ وَلَنْ يَتَمَتَّوهَ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٩٥﴾ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَخْرَصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاةٍ وَمَنْ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَخْذُهُمْ لَوْ يَعْمَرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُخْرِجِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعْمَرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ﴿٩٩﴾ أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا تَبَدَّدَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٠﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ تَبَدَّدَ فَرِيقٌ مِنْ

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَزَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾ وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره).
برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: نکوهش یهودیان برای نافرمانی های مکررشان، کفرشان، تکذیب پیامبران، خود را تافته جدا بافته دانستن و...

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.
اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در

موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، وهم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلا هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی) در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبران شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) ازسلطه فرعونیان رهایی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هرکس با هر دینی که باشد.

در پاراگراف ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف قبل و این پاراگراف به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در پاراگراف های پیشین برخی از بدرفتاری های یهودیان را برشمرده بود و اینک ادامه آن:

زیر پا گذاردن میثاق الهی در باره اطاعت نکردن غیر خدا ، احسان به والدین و نردیکان و ایتم و فقراء ، و خوش معاشرتی ، و برپا داشتن نماز ، و پرداخت زکات ، و احتراز از خونریزی ، و احتراز از اخراج همانندان خویش از دیارشان ، و عمل به قسمتی از کتاب (تورات) و بی توجهی به قسمت های دیگر (آیات ۸۳ تا ۸۶)

گردن فرازی در مقابل پیامبران و تکذیب برخی و کشتن برخی دیگر (آیه ۸۷)

کفر (آیه ۸۸)

کفر، به خصوص در مورد پیامبر اسلام که قبل از ظهورش بشارت ظهورش را میدادند و مخالفان خویش را تهدید میکردند که پس از ظهور او بوسیله او بر شما غلبه خواهیم کرد (آیه ۸۰)

اشاعه این عقیده که در آخرت فقط ما (یهودیان) اهل نجات می باشیم (آیه ۹۴)

دشمنی با خدا و ملائکه و پیامبران و جبرئیل (آیه ۹۹)

پیروی از ساحران و یادگرفتن سحر در حالیکه میدانستند با این کار آخرتشان نابود میشود (آیه های ۱۰۲ و ۱۰۳)

۵- زاویه با تفاسیر رایج

در ابتدا از شما دعوت میکنیم متن زیر را که آیاتی از سوره بقره است چند بار بخوانید تا در ذهن تان نقش ببندد:

و هنگامی که فرستاده ای از جانب خدا بسویشان آمد که تصدیق کننده چیز است که با آنهاست عده ای از اهل کتاب ، کتاب خدا را پشت سرشان انداختند که گوئی که اصلا چیزی نمیدانند (۱۰۱) و آنچه را که شیطان ها در فرمانروائی سلیمان خواندند پیروی کردند و سلیمان کافر نبود ولیکن آن شیطان ها کافر بودند ، و به مردم جادو یاد میدادند ، و نیز آنچه را که بر آن دو فرشته در بابل نازل شده بود که اسم آنها هاروت و ماروت بود (به مردم یاد میدادند) (هاروت و ماروت) آن چیزها را به مردم یاد نمیدادند مگر اینکه میگفتند ما وسیله امتحان هستیم پس مبادا کافر شوی ، اما (مردم) از آنها چیزهایی را یاد میگرفتند که بوسیله آنها بین مرد و همسرش جدائی می افتاد و - البته آنها جز به اذن خدا به کسی ضرری نمیرساند- و نیز از آنها چیزهایی یاد میگرفتند که برایشان ضرر داشت و نفعی نداشت در حالیکه میدانستند که کسی که آن را جذب کند در آخرت بهره ای نخواهد داشت ، و چه بداست چیزی که خود را به آن فروختند اگر بدانند (۱۰۲) و اگر ایمان می آوردند و تقوا پیشه میکردند پاداشی که از جانب خداست برایشان بهتر بود اگر میدانستند (۱۰۳)

اینک که متن فوق را خوانده اید حتما مطالبی دستگیرتان شده است، اما از شما دعوت میکنیم اینک همان متن را که مطالب فرعی را از مطالب اصلی - با توجه به درجه فرعی بودن - با { } و { } و { } متمايز کرده ایم مجدداً بخوانید:

و هنگامی که فرستاده ای از جانب خدا بسویشان آمد که تصدیق کننده چیز است که با آنهاست عده ای از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سرشان انداختند که گوئی که اصلا چیزی نمیدانند (۱۰۱) و آنچه را که شیطان ها در فرمانروائی سلیمان

خواندند پیروی کردند {و سلیمان کافر نبود ولیکن آن شیطان ها کافر بودند} {و به مردم جادو یاد میدادند} {و نیز آنچه را که بر آن دو فرشته در بابل نازل شده بود که اسم آنها هاروت و ماروت بود (به مردم یاد میدادند) (هاروت و ماروت) آن چیزها را به مردم یاد نمیدادند مگر اینکه میگفتند ما وسیله امتحان هستیم پس مبادا کافر شوید} {اما (مردم) از آنها چیزهایی را یاد میگرفتند که بوسیله آنها بین مرد و همسرش جدائی می افتاد و - البته آنها جز به اذن خدا به کسی ضرری نمیرساند- و نیز از آنها چیزهایی یاد میگرفتند که برایشان ضرر داشت و نفعی نداشت در حالیکه میدانستند که کسی که آن را جذب کند در آخرت بهره ای نخواهد داشت} {و چه بداست چیزی که خود را به آن فروختند اگر بدانند (۱۰۲) و اگر ایمان می آوردند و تقوا پیشه میکردند پاداشی که از جانب خداست برایشان بهتر بود اگر میدانستند (۱۰۳)}

آیا اینک مطلب را بهتر (و حتی خیلی بهتر) درک میکنید؟
 بله، همینطور است، و این (بهتر فهمیدن)، نتیجهء تشخیصِ مواردِ فرعی نسبت به اصلی، و یکی از کلیدهای مهم تفسیری است.
 البته میشد باز هم به فرعی و اصلی - تا رسیدن به جزء لا یتجزی - ادامه داد، اما لازم نبود و همین مقدار هم مقصود را می رساند.

اینک از شما دعوت میشود متن زیر را بخوانید :

و هنگامی که فرستاده ای از جانب خدا بسویشان آمد که تصدیق کننده چیز است که با آنهاست عده ای از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سرشان انداختند که گوئی که اصلا چیزی نمیدانند (۱۰۱) و آنچه را که شیطان ها در فرمانروائی سلیمان خواندند پیروی کردند و سلیمان کافر نبود ولیکن آن شیطان ها کافر بودند ، و به مردم جادو یاد میدادند ، و نیز آنچه را که بر آن دو فرشته در بابل نازل شده بود که اسم آنها هاروت و ماروت بود (به مردم یاد میدادند) (هاروت و ماروت) آن چیزها را به مردم یاد نمیدادند مگر اینکه میگفتند ما وسیله امتحان هستیم پس مبادا کافر شوی ، اما (مردم) از آنها چیزهایی را یاد میگرفتند که بوسیله آنها بین مرد و همسرش جدائی می افتاد و - البته آنها جز به اذن خدا به کسی ضرری نمیرساند- و نیز از آنها چیزهایی یاد میگرفتند که برایشان ضرر داشت و نفعی نداشت در حالیکه میدانستند که کسی که آن را جذب کند در آخرت بهره ای نخواهد داشت ، و چه بداست چیزی که خود را به آن فروختند اگر بدانند (۱۰۲) و اگر ایمان می آوردند و تقوا پیشه میکردند پاداشی که از جانب خداست برایشان بهتر بود اگر

بله! درست فهمیدید! کلّ آیه ۱۰۲ نسبت به آیه های قبل و بعد خویش حالت «پرانتزی» دارد و جزء «خط اصلی» مطلب نیست. خط اصلی مطلب همان است که در آیه های ۱۰۱ و ۱۰۳ می بینید.

البته در اینجا باید فرق مطالب «فرعی» را با «پرانتزی» بگوئیم: مطالبِ فرعی وابسته مطالب اصلی هستند، اما مطالب پرانتزی نسبتاً مستقل اند و راه تشخیص آنها این است که اگر قبل و بعد آنها را به یگدیگر وصل کنیم در روال سخن سخته ای حادث نمیشود.

در نمونه فوق، کلّ آیه ۱۰۲، پرانتزی است، و در داخل خویش مطالبِ فرعی { } و فرعی در فرعی { } { } ، و فرعی در فرعی { } { } { } و دارد.

این موضوع - یعنی تشخیص دادن مطالب اصلی از فرعی - یکی از کلید های بسیار مهم فهم کلام وحی است و چه بسیار مفسران عالیقدری که به علت توجه نکردن به این کلید تفسیری (و اصلی گرفتن مطالب فرعی) در درک مطلب به خطا افتادند و فرمایشاتی فرمودند که

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه های ۱۰۲ و ۱۰۳ (هاروت و ماروت) بسیار مشهور است و هم مورد اقبال هنرمندان واقع شده و هم اهل منبر آن را با آب و تاب و معمولاً با روایات اسرائیلی شرح میدهند.

۷ - آیات مشکل

مفسران در موضوع آیه های ۱ و ۲ و ۱۰۳ اقوال عجیب و غریب و بعضاً متخالف و متضادی گفته اند که از این لحاظ در زمره آیت مشکل قرار میگیرند. ما نیز تفسیری از آن در ذیل ارائه کرده ایم.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۸۶ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. همچنین است آیه ۹۰.

آیه ۹۳ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل. همچنین است آیه های ۱۰۲ و ۱۰۳

آیه های ۹۷ و ۹۸ از این لحاظ که به مخلوقات اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست.

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۹۲ و ۹۳ و ۹۹، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

آیه ۱۰۲ (همان آیه بلند هاروت و ماروت) اساساً پرانتزی است. دلیلش هم اینکه اگرچشم خویش بر آن ببندیم و قبل و بعد آن را به هم وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست است.

اما ببینید مفسران ارجمند سابق راجع به آن چه ها گفته اند!

به قول مرحوم علامه در المیزان آیه مذکور ظرفیت حمل ۱.۲۶۰.۰۰۰ معنی را دارد. (علاقمندان به ذیل همان آیه در آن تفسیر مراجعه فرمایند) حالا اگر کسی بگوید خود این آیه (با آن پتانسیل عظیم حمل معانی اش) یک آیه کاملاً فرعی (و به اصطلاح پرانتزی) است و اگر کسی نه تنها ۱.۲۶۰.۰۰۰ معنی آن را، بلکه حتی اگر یکی از معانی آن را هم درک نکرد، در صورتیکه خط اصلی سخن از دستش در نرفته باشد، چیز زیادی را از دست نداده، چه واکنشی خواهید داشت؟

حقیقت این است که همینطور هم هست و آیه مذکور با آن ظرفیت کم نظیرش کاملاً فرعی است.

قضیه «هاروت» و «ماروت» و حواشی آن

آیه ۱۰۲ علیرغم بلند بودن متن آن و معانی متنوعی که مفسران ارجمند کرده اند

واضح است و خلاصه‌اش این است که آنها علیرغم اینکه به آنان تذکر داده می‌شد که اگر دنبال جادوگری بروند در آخرت چیزی نخواهند داشت، باز هم دنبال جادوگری می‌رفتند، و آخرت خویش را از دست می‌دادند.

البته معلوم است که این کار فقط می‌تواند کار کسانی باشد که به آخرت چندان اعتقادی ندارند.

با وجود این در آیه مذکور نکاتی هست که بهتر است شرح شود. مثلاً:

۱- آنچه که شیطان‌ها بر فرمانروائی سلیمان خواندند.

۲- سلیمان کافر نبود ولیکن شیطان‌ها کفر ورزیدند.

۳- شیطان‌ها به مردم جادو یاد می‌دادند.

۴- شیطان‌ها به مردم آنچه را که بر آن دو فرشته در بابل نازل شده بود یاد می‌دادند.

۵- اسم آن دو فرشته هاروت و ماروت بود.

۶- هاروت و ماروت چیزی به مردم یاد نمی‌دادند مگر اینکه قبلاً می‌گفتند ما وسیله امتحانیم مبادا کافر شوی.

۷- در تعلیمات هاروت و ماروت چیزهائی بود که بوسیلهٔ آن بین مرد و زنش جدائی می‌افتاد.

۸- در تعلیمات هاروت و ماروت هر چه بود، جز به اذن خدا اثر نمی‌کرد.

۹- مردم از آنها چیزهائی یاد می‌گرفتند که برایشان ضرر داشت و نفعی نداشت.

۱۰- مردم ضمن یاد گرفتن آن چیزها می‌دانستند که جذب آنها سبب نابودی آخرتشان می‌شود.

از ترکیب موارد ۱ و ۲ معلوم می‌شود پس از اینکه سلیمان مُرد شیاطین بر سلطنت او وردها و طلسم‌هائی خواندند و از همینجا معلوم می‌شود که سلیمان در زمان حیاتش شیاطین را (یا بعضی از شیاطین را - یا قدرت شیطنت شیاطین را) در بند کرده بود.

شیاطین مذکور دو کار می‌کردند:

۱- بر حکومت سلیمان چیزهائی خواندند (مثلاً طلسم و ...).

۲- به مردم دو چیز یاد می‌دادند: (الف: جادو، ب: تعلیمات هاروت و ماروت را)

از اینجا معلوم می‌شود جادو، واقعیت دارد و یکی از عوامل و عناصر این جهان است و دارای اثر است و ریشه‌اش در تعالیم و عمل شیطان است. ولی همین جادو که واقعی هم هست و اثر هم دارد، مانند هر چیز دیگر اگر خدا بخواهد اثر می‌کند. یعنی توکل

به خدا اثرش از جادو بالاتر است. چیز دیگری که از اینجا معلوم می‌شود این است که پیامبران از شیاطین قوی‌ترند.

چیز دیگری که فهمیده می‌شود این است که بتدریج در اثر سوء اختیار مردم و فروش آخرت خویش به قیمت یاد گرفتن جادو و تعلیم هاروت و ماروت، عده‌ای جادوگر انسانی هم پیدا شدند.

بنابراین اصل وجود جادو و جادوگری قبول است اما اینهمه کسانی که ادعای آن را دارند و مدرسه‌ای (مانند مدرسه هری پاتر) که بیایند در آن درسش را بدهند و فارغ-التحصیلان آن در اینجا و آنجا پراکنده باشند و داخل زندگی مردم پخش باشند، اینها تخیلات و آرزوهاست مانند سایر تخیلات و آرزوهایی که در فیلم‌هایی مانند مرد شش میلیون دلاری و ماسک و کارآگاه گجت و کتابهایی مانند نوشته‌های کارلوس کاستاندا و شخصیت‌های خیالی مانند دون خوان و امثال او و فیلم‌های سرخ‌پوستی (که در یکی از آنها، پدربزرگ آن شخص همه چیزهایی را که قرار بود اتفاق بیفتد در خواب برای او می‌گفت) می‌بینیم.

همچنین از آن باطل‌تر عقیده به این است که روح هر کس پس از مرگ او می‌تواند در زندگی مردم رفت و آمد و دخل و تصرف فیزیکی داشته باشد و اشیائی را جابجا کند و افکاری را القاء کند و کسی را بکشد یا زخمی کند یا بر عکس زخمی را مداوا کند و که اینها یکی از اصول فرهنگ اروپائی است و باطل و بی‌اصل است و در قرآن کوچکترین دلیلی بر آن نیست.

بله. راجع به جادو، دلیل قرآنی داریم. گرچه اتفاقی که در قضیه اژدهای موسی افتاد طرف‌های مقابل او جادوگر نبودند بلکه شعبده‌باز بودند و چنان می‌کردند که بنظر بیاید آن چیزهایی که می‌اندازند مار و افعی است نه اینکه چوبها و طناب‌هایی که می-انداختند واقعاً مار و افعی باشد و قرآن درباره کار آنها می‌گوید «يُخِيلُ» (چنین به خیال می‌رسید) که «آته تسعی» (= که آن جنبش دارد) یعنی واقعاً جنبش خود جوش نداشته بلکه آنها شعبده‌باز بودند و کارهایی می‌کردند که چنین بنظر بیاید که جنبش دارد و بین بودن و بنظر آمدن فرق زیاد است.

اما تاریخ واقعی سحر و جادو را باید پس از سلیمان بدانیم که جادو وارد زندگی شد به ترتیبی که فوقاً بعرضتان رسید.

در همینجا باید گفت موضوع مرتاضان را هم باید از جادوگران جدا کرد زیرا مرتاضان در اثر سختی زیاد و تمرین‌های سخت و ریاضت‌های غیرقابل تحمل یک قدرت‌های جسمی و روحی پیدا می‌کنند که آنها را قادر به انجام کارهایی می‌کند که افراد

معمولی نمی‌توانند.

آیا این فیلم‌های «مردان قوی» را دیده‌اید که مثلاً کسی از حرکت کامیون جلوگیری می‌کند؟ این قابل فهم است. بسیاری هستند که اگر آن تمرین‌های ورزشی را بکنند، آنقدر زورمند می‌شوند که بتوانند آن کار را بکنند. موضوع مرتاضان هم شبیه آنها است. آنها تمرین‌های از نوع دیگری می‌کنند و به نتایج دیگری می‌رسند و اگر کسان دیگری هم همان تمرینات آنها را بکنند، موفق به انجام همان کارهایی خواهند شد که آنها می‌کنند. و آنچه عرض کردیم اصول و کلیات این چیزها بود و برای رعایت اختصار از شرح بیشتر چشم پوشیده و تفصیل آن را به خوانند فرهیخته وا می‌گذاریم.

رفتار دو گانه یهودیان

در آیه ۸۹ «نسبت به کافران در طلب پیروزی بودند» به این معنی است که یهودیان وقتی که با همسایگان‌شان مشکلی پیدا می‌کردند برای آنها چنین خط و نشان می‌کشیدند که هم اکنون در مکه پیغمبری ظهور کرده، و در تورات هم با اسم و رسم معرفی شده، او به اینجا می‌آید و ما با او متحد می‌شویم و پدر شما کافران را در می‌آوریم و غیره، اما وقتی که پیامبر(ص) به مدینه آمد در سه جنگ بزرگ با او درگیر شدند و غیر از جنگ‌ها هم هر روز آزار و توطئه‌ای داشتند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای یهودیان! بیاد آرید که پیمان بنی اسرائیل را گرفتیم که جز خداوند را عبادت نکنید و به والدین و نزدیکان و یتیم‌ها و بیچارگان نیکی کنید و به مردم سخن نیکو گوئید و نماز بپادارید و زکات دهید. آنگاه غیر از کمی از شما به آن پشت کردید و روگردان بودید (۸۳)

و هنگامیکه پیمان شما را گرفتیم که خون هایتان را نریزید و خودهاتان را از شهرهاتان بیرون نکنید، شما هم اقرار کردید و شهادت دادید (۸۴) آنگاه این خودتان بودید که خودهاتان را می‌کشتید وعده ای را از شهرهاتان بیرون می‌کردید و بر ضد آنها به گناه و تجاوز هم‌پشتی می‌نمودید و اگر بصورت اسیر بسوی‌تان می‌آمدند فدیة میدادید در حالیکه اساساً اخراج آنها بر شما حرام بود. آیا به قسمتی از کتاب ایمان می‌آوردید و به قسمتی کفر می‌ورزید؟ پس جزای کسی که چنین کند چیست جز خواری در زندگی دنیا و اینکه روز قیامت به شدیدترین عذاب معذب شود و

خداوند از آنچه می کنید غافل نیست (۸۵)

چنین اشخاصی کسانی هستند که آخرت را به دنیا فروختند، پس عذاب آنها تخفیف نخواهد یافت و یاری نخواهند شد (۸۶)

و البته به موسی آن کتاب را دادیم و پس از او نیز پیامبران دیگر را فرستادیم و به عیسی نیز دلایل روشن دادیم و او را بوسیله روح القدس تقویت کردیم. پس چرا هر وقت رسولی بسویتان آمد که خوشتان نیامد عده ای را تکذیب وعده ای را کشتید؟ (۸۷)

ای پیامبر! این یهودیان میگویند دلهای ما در غلاف است. بلکه خداوند بسبب کفرشان لعنتشان نموده و مومنان آنها چقدر کم میباشند (۸۸) و هنگامیکه کتابی از جانب خداوند بسویشان آمد که تصدیق کننده کتابشان بود، و قبلا هم بعلت مؤده آمدن پیامبر نسبت به کافران در طلب پیروزی بودند، اما بمحض آمدن همان چیزی که می شناختندش به آن کفر ورزیدند، و لعنت خدا بر کافران باد (۸۹)

خود را به بد چیزی فروختند که از روی ظلم به آنچه خدا فرستاده کفر ورزیدند. آنهم به این خاطر که خداوند فضل خویش را به هر کس از بندگان که لایق است داده. و سزاوار غضبی بر غضب دیگری شدند و کافران عذابی خفت بار دارند (۹۰) و هنگامی که به آنان گفته شود به آنچه خدا نازل کرده ایمان بیاورید میگویند ما به آنچه برخود مان نازل شده ایمان داریم و به غیر از آن کفر میورزند در حالیکه آن حق است و تصدیق کننده چیزی است که با آنان است. بگو پس چرا قبلا پیامبران خدا را می کشتید اگر مومن میباشید (۹۱)

و موسی هم با دلایل روشن بسویتان آمد آنگاه شما گوساله را پس از او به پرستش برگزیدید و ظالم بودید (۹۲)

و هنگامیکه از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سر شما بلند کردیم، و گفتیم آنچه را که به شما داده ایم با قوت بگیرید و سخن حق را اطاعت کنید، به زبان گفتند شنیدیم و به دل گفتند نافرمانی کردیم و علاقه به آن گوساله در دلهاشان به سبب کفرشان نوشانده شد. بگو چه بد است آن چیزی که ایمان شما به آن فرمان میدهد اگر مومن هستید (۹۳)

بگو اگر در جهان آخرت، نزد خدا، بهشت فقط مخصوص شماست، پس آرزوی مرگ

کنید اگر راست میگوئید (۹۴) و هرگز آنرا بسبب آنچه که از پیش فرستاده اند آرزو نخواهند کرد و خداوند به حال ظالمان آگاه است (۹۵) و آنها را حریص ترین مردم نسبت به زندگی خواهی یافت و عده ای از مشرکان نیز همینطورند. هر یک از آنها آرزو دارد که کاش هزار سال عمر کند و با آن که آن عمر هم برطرف کننده عذاب از آن ها نخواهد بود و خداوند به آنچه می کنند بیناست (۹۶)

ای پیامبر! بگو هر کس که دشمن جبرئیل باشد توجه کند که او آن قرآن را به فرمان خدا بر دلت نازل می کند که تصدیق کننده کتاب های قبلی، و هدایت و مژده ای برای مومنان است (۹۷)

هر کس که دشمن خداوند و ملائکه اش و فرستادگانش و جبرئیل و میکائیل باشد خداوند هم دشمن کافران است (۹۸)

و بسوی تو آیاتی دارای دلیل های روشن نازل کردیم که جز گناهکاران به آن کافر نمیشوند (۹۹)

چرا هر گاه عهدهی بستند عده ای از آنها آن را شکستند؟ بلکه اکثرشان ایمان ندارند (۱۰۰)

و هنگامی که فرستاده ای از جانب خدا بسویشان آمد که تصدیق کننده چیزی است که با آنهاست عده ای از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سرشان انداختند که گوئی که اصلاً چیزی نمیدانند (۱۰۱)

و به آنچه که شیطان ها در فرمانروائی سلیمان خواندند علاقه نشان دادند، و البته سلیمان کافر نبود ولیکن آن شیطان ها کافر بودند، و به مردم جادو، و نیز آنچه را که بر آن دو فرشته در بابل نازل شده بود که اسم آنها هاروت و ماروت بود به مردم یاد میدادند، و هاروت و ماروت آن چیزها را به مردم یاد نمیدادند مگر اینکه میگفتند ما وسیله امتحان هستیم پس مبدا کافر شوید، اما مردم از آنها چیزهایی را یاد میگرفتند که بوسیله آنها بین مرد و همسرش جدائی می افتاد و - البته آنها جز به اذن خدا به کسی ضرری نمیرساند- و نیز از آنها چیزهایی یاد میگرفتند که برایشان ضرر داشت و نفعی نداشت در حالیکه میدانستند کسی که آن را جذب کند در آخرت بهره ای نخواهد داشت، و چه بداست چیزی که خود را به آن فروختند اگر بدانند (۱۰۲) و اگر ایمان می آوردند و تقوا پیشه میکردند پاداشی از جانب خدا برایشان بهتر بود اگر میدانستند (۱۰۳)

بقره ٨ آيات ١٠٤ تا ١٢٣

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ مَا يَوْمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾ مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٠٧﴾ أَمْ تَرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٠٨﴾ وَذَكِّيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْلَمُوا وَاصْطَفُوا حَتَّىٰ تَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٩﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٠﴾ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١١١﴾ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١١٢﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾ وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُونٌ ﴿١١٦﴾ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿١١٧﴾ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿١١٩﴾ وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٢٠﴾ الَّذِينَ اتَّبَعْنَاهُمْ الْقِتَابَ يَقُولُونَ حَقٌّ بِأَوَّلِيَّتِهِ أُولَٰئِكَ يَؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٢١﴾ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٢٢﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿١٢٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مسلمانان! ارتباطات خود را با اهل کتاب و مشرکان کاهش دهید، و اهل کتاب و مشرکان از لحاظ انحراف از راه حق مشابهند، شما همان راه صحیح پیامبرتان را بروید و به یهودیان به چشم دشمن بنگرید، و به عبادات خودتان بپردازید و به اینطرف و آنطرف نگاه نکنید، راه مستقیم خودتان را بروید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا زَاعِنًا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾ مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٠٧﴾ أَمْ تَرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٠٨﴾ وَذَكِّيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ فَمِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَصُوا وَأَصْغَوْا خَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٩﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٠﴾

ریز درپ: ای مسلمانان! ارتباطات خود را با اهل کتاب و مشرکان کاهش دهید و به آنها به عنوان دشمن بنگرید.

وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١١١﴾ بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١١٢﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾ وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهُ قَانُتُونَ ﴿١١٦﴾ يَدْبِغُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿١١٧﴾ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! این وضع یهود و نصاری است.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿١١٩﴾ وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٢٠﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٢١﴾ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٢٢﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿١٢٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر و ای مسلمانان! راه صحیح خودتان را بروید و به این و آن نگاه نکنید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلا هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی) در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبران شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) ازسلطه فرعونیان رهایی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هرکس با هر دینی که باشد.

در پاراگراف ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۷ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبرشان نافرمانی کردند، و شما این عبادات را به جای آورید، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحیی که به تو می‌شود دلگرم باش و راه خودت را برو.

۴- سوالات

۱ - منظور از جمله مطلق «واسمعوا» (آیه ۱۰۴) چیست؟

۲ - منظور از «خیر» (آیه ۱۰۵) چیست؟

- ۳ - منظور از «آیه» (آیه ۱۰۶) چیست؟
- ۴ - چرا در آیه ۱۰۹ پس از اینکه پرده از خطر عظیم یهودیان برداشت، در دنبال آن، به عنوان عمل متقابل، به عفو و صفح که نوعی ترمز در مقابل برخورد جدی حساب میشود، توصیه فرموده؟
- ۵ - چرا در همانجا وعده «یاتی الله بامر» داده؟
- ۶ - چرا در آیه ۱۱۰ توجه مسلمانان را به رفتارهای عادی مسلمانی برگردانده؟
- ۷ - منظور از «خیر» (آیه ۱۱۰) چیست؟
- ۸ - منظور آیه ۱۱۴ چه کسانی است؟ (مشرکان مکّه؟ یهودیان؟ یا...؟) با دلیل قرآنی جواب دهید.
- ۹ - منظور از «الذین» در آیه ۱۱۸ چه کسانی است؟
- ۱۰ - منظور آیه ۱۲۱ چیست؟
- ۱۱ - منظور از آیه ۱۲۲ که در همین سوره قبل از ذکر شده و در سوره های قبلی نیز چند بار ذکر شده، چیست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

آیات ۱۰۸ و ۱۰۹ نشان میدهد که برخی از مسلمانان از آنحضرت توقعاتی ابراز میکردند و رفتارهای خلاف ادب بروز میدادند که شباهتی به رفتارهای یهودیان صدر یهودیت در مقابل حضرت موسی (ع) داشت، که سبب نزول این آیات و تادیب آنها شد.

واقعا در این مقطع زمانی، یهودیان برای مسلمانان یک خطر بزرگ، گرچه پنهان، بودند، زیرا که هدف نهایی شان این بود که آنها را از تعالیم آنحضرت برگردانند.

چنین به نظر میرسد که در روز های نزول این آیات بلبشوئی و سردرگمی بر مجموع اردوگاه های یهودیان و مسیحیان حاکم بوده، زیرا از طرفی یکدیگر را هیچ جوری به حقانیت قبول نداشتند (آیه ۱۱۳) و از طرف دیگر بایکدیگر اتحاد تاکتیکی میکردند و یکدیگر را به حقانیت می ستودند (آیه ۱۱۱)

از مجموع آیات ۱۱۱ تا ۱۱۵ فهمیده میشود هم یهودیان و هم مسیحیان در مدینه صاحب ریشه و پایگاه بودند، و با هم رقابت آشکار هم داشتند، اما در مقابل دین جدید موقتا اختلافات را کنار گذاشتند و حمله متمرکزی را به اسلام در پیش

گرفتند، و با توجه به شدت نکوهش قرآن نسبت به یهودیان در سوره های دیگر، میتوان فهمید که در این دشمنی مشترک با اسلام، رهبری با یهودیان بوده و مسیحیان نقش کمرنگ تری داشته اند.

از آیه ۱۱۴ فهمیده میشود مبارزه یهودیان و مسیحیان فقط محدود به امور ایدئولوژیک نبوده بلکه به برخوردهای فیزیکی نیز تسری یافته بوده است، و (بر اساس آیه ۱۱۵) موضوع قبله نیز در این مطلب یکی از فاکتورهای مهم بوده است.

اینکه کسانی برای خداوند فرزند قائل باشند بین مسیحیان و مشرکان مشترک بوده، و همچنین است موضوع آیه ۱۱۸ که آنهم بین یهودیان صدر یهودیت و مشرکان معاصر نزول این آیات مشترک بوده، اما، با ذکر «كذلك قال الذين من قبلهم . . .» مسیحیان و یهودیان کنار گذاشته شده و تعریض فقط متوجه مشرکان و عده ای از مسلمانان که غرور برشان داشته بود، یا منافقان، میشود، اما، اگر به آیات پرانتری توجه کنیم و مطالب اصلی پاراگراف را باز شناسی کنیم خواهیم فهمید این پاراگراف در تعریض به مسیحیان و یهودیان معاصر آنحضرت در مدینه، و بیشتر متوجه یهودیان (۱۱۶) تعریض به مسیحیان، و ۱۱۸ به یهودیان، و قسمت اول ۱۲۰ به هردو، و ۱۲۲ و ۱۲۳ به یهودیان) است.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۰۶ (ما ننسخ من آیه او ننسها. .) از جهت بار فلسفی و جهان بینی قوی که دارد، بطور وضوح از آیات برجسته است، و البته کم و بیش مورد اقبال هنرمندان خوشنویس و کاشیکار هم بوده است.

۷ - آیات مشکل

آیه ۱۰۹ به علت اختلاف مفسران در آن که اقوال متخالف و بلکه متضادی در آن گفته اند، از جمله آیات مشکل میباشد.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۰۹ به علت محتوای سنگین آن، با توجه به شناختی که از ساده و بسیط بودن اذهان مخاطبان اولیه داریم بطور قطع بالاتر از ذهنیات آنان بوده است، زیرا این آیه امروز نیز بالاتر از ذهنیات بشر امروز است. انتهای آیه ۱۱۴ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. همچنین است آیه ۱۲۳. آیه ۱۱۵ و ۱۱۶ از آنجا که خالصاً به شئون الهی اشاره دارد بالاتر از ذهنیات ما و پس از ما است و مخاطبان اولیه که جای خود دارند.

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۰۷ و ۱۱۰ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۲۱ تا ۱۲۳، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۱۰۹ بدون اینکه فرع بر آیه‌ای باشد پُرانتزی است.

نمونه ای از رفتارهای کودکانه ایدایی یهودیان

در آیه ۱۰۴ جمله «رعایتمان کن»، جمله‌ای بود که یهودیان در ملاقات با پیامبر(ص) می‌گفتند اما در زبان خودشان معنی بدی داشت و با تکرار آن در بین خودشان پیامبر و مسلمانان را مسخره می‌کردند و دستوری که در آیه آمده است اولین دستور عملی است که مسلمانان شباهت‌های خود را با یهودیان کاهش دهند. بعداً در دستور تغییر قبله خواهیم دید که مسلمانان قبله خویش را از آنان جدا کنند و چنانکه از احادیث و روایات بر می‌آید حتی در نوع خط و کتابت و یا آداب لباس پوشیدن و اصلاح سر و رو و خلاصه در همه چیز ممکن، توصیه بر جداسازی بود. و منظور از «خیر» در آیه ۱۰۵، وحی است. یهودیان خود را «قوم برگزیده» حساب می‌کردند و اینکه اگر پیامبر جدیدی که ظهور کرده بود، به راه آنها نمی‌رفت و راه مستقل خویش را پیش می‌گرفت، آنها از «برگزیدگی» می‌افتادند و از همین جهت از دین جدید بدشان آمده بود.

«نسخ»

آنچه در آیه آیه ۱۰۶ آمده، بار فلسفی و عرفانی بسیار قوی دارد و از آن نتیجه میشود که جهان و امور جهان و امر انسانیت به عقب برنمیگردد. اما در اینجا با توجه به «درس» و «درب»، یعنی اینکه اگر شریعت موسی(ع) را نسخ کنیم شریعت بهتری یا لااقل مانند آن را بجای آن می‌آوریم که شریعت محمدی(ص) باشد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید و نگوئید «رعایتمان کن»، زیرا این جمله در زبان آنها معنی بدی دارد، بلکه بگوئید «ما را در نظر داشته باش» و سخن حق را بشنوید و کافران عذابی دردناک خواهند داشت (۱۰۴) کافران اهل کتاب و مشرکان دوست ندارند هیچ خیری از جانب پروردگارتان بر شما نازل شود در حالیکه خداوند رحمت خویش را به هر کس که خواهد اختصاص خواهد داد و خداوند صاحب فضل عظیم است (۱۰۵)

هر آیه ای را که منسوخ کنیم یا آنرا از یادها ببریم بهتر از آن را یا لااقل مثل آن را می‌آوریم. آیا نمی‌دانید که خداوند بر هر چیزی قادر است؟ (۱۰۶) آیا نمی‌دانید که خداوند مالک آسمانها و زمین است و جز خدا هیچ سرپرست و یآوری ندارید؟ (۱۰۷)

یا اینکه میخواهید از رسولتان چیزهایی بخواهید که قبلا از موسی خواسته شد؟ و هر کس که کفر را با ایمان عوض کند حتما از راه راست گم شده است (۱۰۸)

بسیاری از اهل کتاب پس از اینکه حق برایشان آشکار شد، بعلت حسدی که در درونشان است، دوست دارند کاش میشد که پس از ایمانتان به کفر برگردید. از آنها در گذرید و چشم بپوشید تا خداوند امرش را بیاورد که خداوند بر هر چیزی تواناست (۱۰۹)

و نماز بپادارید و زکات دهید و هر چه برای خویش پیشاپیش بفرستید نزد خداوند خواهید یافت که خداوند به آنچه می‌کنید بیناست (۱۱۰)

می گویند هیچ کس داخل بهشت نمی شود مگر اینکه یهودی و یا مسیحی باشد. اینها آرزوهایشان است. بگو دلیل خویش بیاورید اگر راست می گویند (۱۱۱) بلی. کسی که رویش را برای خدا تسلیم کند و نیکوکار هم باشد، پاداشش نزد پروردگارش محفوظ است و نه ترسی داشته باشد و نه اندوهگین باشد (۱۱۲) و یهودیان می گویند مسیحیان برچیزی از حق استوار نیستند و مسیحیان هم می گویند یهودیان برچیزی نیستند در حالی که آن کتاب را هم می خوانند. کسانی که علم ندارند نیز مانند آنها می گویند. بلی خداوند روز قیامت درباره آنچه که در آن اختلاف دارند بینشان حکم خواهد کرد (۱۱۳)

و چه کسی ظالم تر است از کسی که از یاد خدا در مساجد جلوگیری نموده و سعی در خرابی آنها کند؟ آنها را نمیرسد داخل آن شوند مگر اینکه نگران باشند. در دنیا خواری و در آخرت غذایی بزرگ خواهند داشت (۱۱۴)

و مشرق و مغرب از آن خداست، پس به هر جا که رو کنید همانجا رو به خداست که خداوند وسعت دهنده داناست (۱۱۵)

میگویند خداوند فرزندی برگرفته است. منزّه است از آن. بلکه آنچه در آسمانها و زمین است مال اوست و همه فرمانبردار اویند (۱۱۶) همو بوجود آورنده آسمانها و زمین است و وقتی که امری را بخواهد اجرا شود جز این نیست که به آن می گوید: باش، پس می شود (۱۱۷)

و کسانی که علم ندارند می گویند چرا خداوند با ما سخن نمی گوید یا معجزه ای بسوی ما نمی آید؟ پیشینیان آنها نیز چنین گفتند. دلهاشان متشابه است. البته آیات را برای مردمی که یقین دارند بیان کرده ایم (۱۱۸)

ای پیامبر! تو را به حق مژده دهنده ای و هشدار دهنده ای فرستاده ایم و تو مسئول اهل جهنم نمی باشی (۱۱۹)

نه یهودیان و نه مسیحیان هرگز از تو راضی نخواهند شد مگر اینکه دین آنها را پیروی کنی. بگو البته هدایت همان هدایت خداوند است و اگر هوای نفسی آنها را پس از اینکه مقداری از آن علم بسویت آمده پیروی کنی از جانب خداوند یار و یآوری

نخواهی داشت (۱۲۰)

کسانی که کتابشان داده ایم و آن را آنطور که حق تلاوت کردن آن است تلاوت می کنند، به آن ایمان دارند و کسی که به آن کفر ورزد زیانکار است (۱۲۱)

ای بنی اسرائیل! نعمتم را که بر شما ارزانی داشتم بیاد آورید که شما را برجهانیان معاصرتان برتری دادم (۱۲۲)

و از روزی پروا کنید که هیچ کس فایده ای برای دیگری نخواهد داشت و از او نه معادلی پذیرفته می شود و نه شفاعتی برایش فایده ای خواهد کرد و نه یاری خواهد شد (۱۲۳)

بقره ۹ آیات ۱۲۴ تا ۱۴۱

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿١٢٤﴾ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَقَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿١٢٥﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٢٦﴾ وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٢٧﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٢٩﴾ وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مِنْ سَفَاةٍ نَفْسِهِ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٣٠﴾ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٣١﴾ وَوَصَّىٰ بِمَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٣﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٤﴾ وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٣٥﴾ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٦﴾ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣٧﴾ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ﴿١٣٨﴾ قُلْ أَتُحِبُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّكُمْ رَبُّنَا وَعَرْبُكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿١٣٩﴾ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٠﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤١﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره).
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مسلمانان! ریشه دین حضرت ابراهیم و دین پیامبرتان یکی است. لذا به اینطرف و آنطرف رو نکنید و در رابطه با یهود و نصاری به عناصر مشترک اعتقادی خودتان و آنها تأکید کنید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج می‌کردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، وهم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی)

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبرتان شکی دارید سوره‌های مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نوززند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) ازسلطه فرعونیان رهائی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی

از قبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره در پیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هر کس با هر دینی که باشد.

در پاراگراف ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۷ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبران نافرمانی کردند، و شما این عبادات را به جای آورید، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحی که به تو می شود دلگرم باش و راه خود را برو.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه بر آخرت دردنیای نیز به نعمت های بزرگ برسید و در هنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است.

۴ - سوالات

- ۱ - منظور از «کلمات» (آیه ۱۲۴) چیست؟
- ۲- «أَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ» (آیه ۱۴۰) چه نوعی از سخن است؟ (طنز؟ یا...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

قسمت جمع بندی این پاراگراف (که پس از ذکر قسمتی از داستان ابراهیم و اسماعیل و دیالوگ آنها و دعایشان آمده) آیه های ۱۳۰ تا ۱۳۳ است که تلویحا دارد هم به یهودیان و هم به مسیحیان میگوید که شما از دین ابراهیم دور شده اید و پیامبر اسلام به دین او وفادار است.

چنانکه در چند پاراگراف قبل دیدیم، در اینجا (آیه ۱۳۵) نیز یهودیان و مسیحیان علیه مسلمانان دست به اتحاد تاکتیکی زده اند، در حالیکه به اندازه یک سکه سیاه نیز یکدیگر را قبول نداشتند و در باره یکدیگر میگفته اند آنها «لیست .. علی شیء» (هیچ اهمیتی ندارند)

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

کلّ آیات ۱۲۴ تا ۱۴۱ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما می باشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۷- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۱۳۵، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

دو آیه ۱۳۹ و ۱۴۰ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشند پراختی هستند. همچنین است آیه ۱۳۸.

دریافته های کوتاه مستقیم

آیه ۱۲۶: توجه می دهد به اینکه خداوند، هم مؤمن را روزی می دهد و هم کافر را، یعنی اینکه فقر و ثروت این جهانی، بطوری که بارها و بارها در قرآن دیده ایم نشانه ذلت و عزت نزد خدا (و یا بالعکس) نیست.

آیه ۱۲۶: منظور از کلمه «میوه ها» لزوماً میوه های درختی نیست. هر چه که اسمش «محصول» باشد، میوه است. کشاورزی، صنعتی، هنرهای دستی، همه اینها «میوه» دارند.

واقعاً هم وضع اهل مکه چنین بود که هیچ چیز نداشتند و همه چیز از جاهای دیگر برایشان می آمد.

«امتحان» های حضرت ابراهیم (ع)

قبلاً در سوره های قبل، داستانهای از حضرت ابراهیم دیده ایم.

حضرت ابراهیم از «امتحان» های مهمی سر بلند بیرون آمد.

مثلاً او با قومش (آنهم در حدود ۵-۴ هزار سال پیش که سن و سال و ریش سفیدی و قدرت اجتماعی حرف آخر را می زد یک جوانی بیاید عقاید نوظهوری ارائه کند و پای آن تا حد به آتش کشیده شدن بایستد) درگیر شد.

موضوع برجسته دیگر اعلام آمادگی بی چون و چرا برای قربانی کردن فرزند خویش در راه خدا بود (که البته خود موضوع یک سوء تفاهم بود و ما در سوره صافات شرح داده ایم که آنحضرت خوابی دیده و آنرا همسنگ وحی گرفته و تصور کرده بود که مامور شده فرزندش را قربانی کند و پس از اینکه آماده این کار شد موضوع صحیح به او تفهیم شد و برای قربانی چارپایی را ذبح کرد) اما، هرچه باشد آمادگی او برای چنین فداکاری عظیمی بسیار مهم است، که شرح آن (سوء برداشت آنحضرت) را بطور کافی و وافی در کتاب خویش بنام «صدها ایراد بر تفاسیر کلاسیک» (ر.ک. سایت) و نیز در ذیل موارد مرتبط سوره صافات توضیح داده ایم.

موضوع دیگر مأموریت یافتن برای اسکان زن و فرزندش در بیابانی خالی از سکنه بود.

موضوع دیگر تجدید بنای کعبه زیارتگاه موحدان بود.

موضوع دیگر رشد شخصیت شخصی و فردی خود او بود که در عنفوان نوجوانی ذره ذره به طوری کاملاً عقلی، ایمان به خدای واحد را در ضمیرش ریشه و بال و پر می- داد.

و نیز سایر مطالبی که تاکنون درباره آن حضرت در قرآن خوانده ایم به او چنان شخصیتی داده که او را سرسلسله سه دین حقیقی عالم نموده است (ادیان دیگر مانند بودیسم و هندوئیسم و شینتو و غیره را نمی شود در زمره ادیان بحساب آورد)

ترجمه تفسیری آزاد

و هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به کلماتی امتحان کرد و او نیز تمامشان را انجام داد، گفت تو را امام قرار خواهم داد. گفت و آیا از نسل من نیز کسانی امام خواهند بود؟ گفت بلی، لیکن عهدهم به ظالمان آنها نمیرسد (۱۲۴) و آن هنگامی را یاد کنید که آن خانه را محل مراجعه مردم و امن قرار دادیم و گفتیم شما از مقام ابراهیم نمازگاهی بگیرید و با ابراهیم و اسماعیل عهد کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و عاکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه کنند (۱۲۵) و هنگامیکه ابراهیم گفت پروردگارا! این شهر را ایمن کن و اهالی آن را که به خدا و آخرت ایمان دارند از میوه ها روزی ده. خداوند در جوابش گفت و کسی را هم که کافر باشد نیز اندکی برخوردار خواهم کرد و آنگاه او را بسوی عذاب آتش خواهم کشاند که بازگشتگاه بدی است (۱۲۶) و آن هنگام که ابراهیم و اسماعیل داشتند

پایه های آن خانه را بالا می آوردند و میگفتند پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوای دانائی (۱۲۷) پروردگارا ما را تسلیم امر خودت گردان و نیز از فرزندان ما مردمی تسلیم قرار ده. و راه و رسم ما را نشانمان ده و توبه ما را بپذیر که توبه پذیری مهربانی (۱۲۸) پروردگارا و از میان آنها رسولی برانگیز که آیات را بر آنها بخواند و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد و پاکشان کند. که پیروزمند فرزانه ای (۱۲۹)

و چه کسی از دین ابراهیم روی می گرداند مگر اینکه خودش را سبک کرده باشد و البته او را در دنیا برگزیدیم و در آخرت از صالحان است (۱۳۰) هنگامیکه پروردگارش به او گفت تسلیم باش گفت تسلیم پروردگار جهانیانم (۱۳۱) و ابراهیم آنها را به پسرانش سفارش کرد و یعقوب نیز چنین کرد، که ای پسرانم خداوند برای شما دین برگزید. پس مبادا بمیرید و مسلم نباشید (۱۳۲)

آیا شما یهودیان و مسیحیان آن وقتی که مرگ بسراغ یعقوب آمد حاضر بودید؟ هنگامی که به پسرانش گفت پس از من چه را عبادت می کنید؟ گفتند خدای تو را و خدای پدرانت ابراهیم و اسمعیل و اسحق را که خدائی یگانه است و ما تسلیم اوئیم (۱۳۳)

آنها امتی بودند که رفتند. آنچه کسب کردند برای خودشان خواهد بود و آنچه شما کسب کنید برای خودتان خواهد بود و شما از اعمال آنان بازخواست نخواهید شد (۱۳۴)

و گفتند یا یهودی و یا مسیحی باشید تا هدایت یابید. بگو بلکه دین ابراهیم معتدل را داریم و او از مشرکان نبود (۱۳۵)

ای مسلمانان! بگوئید به خداوند ایمان داریم و به آنچه به ما نازل شده و به آنچه به ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط نازل شده و به آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده ایمان داریم. بین هیچ کدام از آنها تفرقه ای نمی اندازیم و تسلیم او هستیم (۱۳۶) پس اگر به مانند آنچه شما ایمان آوردید ایمان آوردند، هدایت یافته اند و اگر روی گرداندند در جدائی هستند

و ای پیامبر! بزودی خداوند تو را از شر آنها کفایت خواهد کرد و همو شنوا و داناست (۱۳۷)

ای پیامبر! بگو این دین رنگ خدا است و چه کسی در قبال خدا خوش رنگ تر است و ما او را عبادت می کنیم (۱۳۸)

بگو آیا درباره خداوند با ما جدال می کنید در حالیکه او پروردگار ما و پروردگار شماست، و اعمال ما برای ما و اعمال شما برای خودتان است و ما دین خود را برای او خالص نموده ایم؟ (۱۳۹)

یا اینکه میگوئید ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط یهودی یا مسیحی بودند. بگو آیا شما بهتر می دانید یا خداوند؟ و چه کسی ظالم تر است از کسی که شهادتی را که از خداوند نزد اوست کتمان کند و خداوند از آنچه می کنید غافل نیست (۱۴۰)

اینها گروهی بودند که رفتند. آنچه کسب کردند برای خودشان بود و آنچه شما کسب کنید برای خودتان خواهد بود. و شما از آنچه آنها انجام میدادند بازخواست نخواهید شد (۱۴۱)

بقره ۱۰ آیات ۱۴۲ تا ۱۵۲

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٤٢﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٤٣﴾ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٤﴾ وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبَلَتِهِمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٥﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤٦﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١٤٧﴾ وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيَهَا فَاسْتَقْبُوا خَبْرَاتِ آيِنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾ وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لِلْحَقِّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٩﴾ وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمْنَعِيكُمْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَعْلَمُكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٠﴾ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمَا مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾ فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونَ ﴿١٥٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: صدور حکم تغییر قبله که متضمن وحدت مسلمین و تعالی شخصیتی و استقلال آنان بود.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٤٢﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٤٣﴾ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٤﴾ وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٥﴾

ریز درپ: ای مسلمانان! قبله تان بطرف مسجدالحرام است

۲

الَّذِينَ اتَّبَعَتْهُمْ أَلْفَاظُ الْكِتَابِ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤٦﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١٤٧﴾

ریز درپ: ای مسلمانان! قبله تان بطرف مسجدالحرام است، و در کتاب های آسمانی اهل کتاب هم این موضوع ذکر شده، لیکن آنها آن قسمت را کتمان کرده اند

۳

وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٩﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَئِمَّ نَعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٠﴾

ریز درپ: ای مسلمانان! در موضوع قبله به دیگران اهمیت ندهید و به طرف

۴

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾ فَادْكُرُوا لِي وَاذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونَ ﴿١٥٢﴾

ریزدرپ: ای مسلمانان! موضوع تعیین قبله نیز مانند سایر احکامتان است

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

تَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدرپها، و جمع بندی ریزدرپ ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی) در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبرتان شکی دارید سورهای مانند یکی از سورهای قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت های الهی است.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی (ع) ازسلطه فرعونیان رهایی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هرکس با هر دینی که باشد.

در پاراگراف ۶ به نکوهش یهودیان ادامه می‌دهد.

در پاراگراف ۷ به نکوهش یهودیان ادامه می‌دهد.

در پاراگراف ۸ می‌فرماید: ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبرشان نافرمانی کردند، و شما این عبادات را به جای آورید، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحیی که به تو می‌شود دلگرم باش و راه خودت را برو.

در پاراگراف ۹ می‌فرماید: ای مسلمانان! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه بر آخرت دردنیای نیز به نعمت‌های بزرگ برسید و در هنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است.

در این پاراگراف می‌فرماید: ای مسلمانان! مدتی به علت اشغال کعبه توسط مشرکان مجبور بودید بطرفی دیگر نماز کنید اما اینک که از هر لحاظ رنگ شخصیتی مشخص خویش رایافته اید بهتر است به سوئی عبادت کنید که بیشترین قربابت را با آن دارید.

۴ - سوالات

۱- منظور از «سفهاء» (آیه ۱۴۲) کیست؟

۲- معنی «وسطا» (آیه ۱۴۳) چیست؟

۳ - «وَلَا هُمْ» (آیه ۱۴۲) یعنی چه؟

۴ - و «امه وسطا» (آیه ۱۴۳)؟

۵ - و «شهداء» (همان آیه، بخصوص با در نظر گرفتن یكون الرسول عليكم شهداء)؟

۶ - «اهل كتاب آن را میشناسند» (آیه ۱۴۶) یعنی چه؟ (قبله جدیدتان را از طریق

اخبار دینی که برایشان پیشگوئی شده بود می‌شناسند؟ یا ...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در مقطع نزول این پاراگراف (آیات ۱۴۲ تا ۱۵۲) قبله تغییر خویش را یافته، و از نظر یهود و نصارا، آنچه نباید میشد شده، و حالا دیگر زمان غرغرها و ایرادهای بنی اسرائیلی پس از آن است، غرغرهائی که اردوگاه خودی هم خالی از آن نیست (ماکان الله لیضیع ایمانکم - آیه ۱۴۳)

چیزی که خود آنحضرت مدتها خواهانش و دائما برایش چشم به آسمان بوده (آیه ۱۴۴) و خود یهود و نصارا هم میدانستند که این اتفاق باید بیفتد (آیه ۱۴۶) و این

موضوع، در نزد خداوند، به نوعی اعلام و برافرازی پرچم استقلال دین اسلام از یهودیت و نصرانیت، و تحسین و تایید آن تلقی شده (آیه های ۱۴۸ و ۱۵۰ و ۱۴۳)

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

موضوع تغییر قبله که در آیات ۱۴۴ تا ۱۵۰ سوره بقره آمده یکی از آن آیات واضح الهی است که تا همین صد سال پیش نیز بنظر ریاضی دانان و محاسبان نادرست می آمد.

بطور خلاصه موضوع این است که در وسط یکی از نمازها پیامبر(ص) از آن جهتی که داشت نماز می خواند منحرف شد و تقریباً نیم دور کامل چرخید. آنحضرت پس از پایان نماز جهت جدید را بعنوان جهت قبله اعلام و توضیح داد که این تغییر جهت بر مبنای وحی و توسط جبرئیل صورت گرفته است. این جهت تثبیت شد و آن مسجد بعنوان مسجد قبلتین (یعنی مسجد دو قبله ای) معروف شد و هنوز هم هست.

چیزی که حائز اهمیت است این است که پیامبر(ص) در آن روز یعنی بیش از ۱۴۰۰ سال قبل، چگونه فهمید که آن جهتی را که برای او انتخاب شده بود رو به کعبه است؟

مدینه با مکه حدود ۴۵۰ کیلومتر فاصله دارد و بین آنها کوه ها و تپه ها است و راه مسافرتی بین آندو نیز جاده اتوبانی مستقیم مهندسی نبود، بلکه راهی بود مالرو و پر پیچ و خم که جهت یابی را غیرممکن می کرد.

امروز که امکانات نقشه برداری هوایی و ماهواره ای فراهم شده است، دیگر معلوم است که قبله مسجد قبلتین صحیح است و امتداد آن واقعاً از کعبه می گذرد اما حتی تا صد سال قبل نیز این امر اثبات نشده بود و ریاضی دانان و محاسبان، پس از محاسبه با روشهای خویش مقدار قابل توجهی انحراف می دیدند که آن را اینطور توجیه می کردند که:

چون موضوع وحی در کار است ما با قلب خویش قبول می کنیم که خط صحیح همان است اما از لحاظ ریاضیات و روشهای محاسباتی که با آن کار می کنیم چاره ای نداریم جز اینکه بگوئیم این خط از کعبه نمی گذرد.

تا اینکه حدود ۷۰ سال قبل یک ریاضی دان ایرانی بنام سردار کابلی با محاسبات مفصل ثابت کرد که خط قبله مسجد قبلتین صحیح است و از کعبه می گذرد. این موضوع در آن روزها پوشش خبری وسیعی یافت و شاه سعودی نیز جایزه نفیسی

- به آن مرحوم داد که موضوع در مطبوعات آن روزها منعکس است.
- اینک صرفنظر از همه این مطالب چند واقعیت در پیش روی خویش داریم:
- ۱- مسجد قبلتین و خط قبله آن، امروز موجود است.
 - ۲- این خط قبله درست همان خطی است که پیامبر اکرم(ص) روی آن نماز خواند و اعلام نمود این جهت، جهت کعبه است.
 - بدیهی است مردم از لحاظ شدت اهمیتی که به نماز و نیز آثار پیامبر(ص) می‌دادند، این جهت را به شدت و دقت حفظ کردند و لذا بطور قطع این جهت فعلی، همان جهتی است که پیامبر(ص) نشان داده بود.
 - بعداً مساجد بسیار زیادی نیز در همان جهت بر پا شد و قبله‌گذاری گردید.
 - ۳- بطور قطع می‌دانیم که میزان اطلاع مردم از ریاضیات و دسترسی آنان به وسائل مهندسی در آن روزها (صدر اسلام) در حد صفر بود و پیامبر عزیز ما هم که فردی مکتب ندیده و اُمّی بود.
 - ۴- با آن مقدار اطلاعات ریاضی و وسایل مهندسی حتی در متمدن‌ترین نقطه کره زمین (مثلاً ایران و روم و یونان و اسکندریه آن روزها) نیز کسی نمی‌توانست از مدینه خطی بکشد و بگوید این از کعبه می‌گذرد.
 - ۵- امروز با عکسهای هوایی و ماهواره‌ای معلوم شده که آن خط صد در صد درست است.
- نتیجه‌ای که از مجموع این واقعیت‌ها گرفته می‌شود این است که این نیز یکی دیگر از پیشگوئیهای علمی تحقق یافته واضح قرآنی است.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

کلّ آیات ۱۴۲ تا ۱۵۲ جزء آیات برجسته است (از هردو لحاظ پیشگفته)

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

- آیه ۱۴۴ از این لحاظ که کسی به روانشناسی آنحضرت دسترسی ندارد، خارج از ذهنیات ما است چه رسد به مخاطبان اولیه.
- آیه ۱۴۸ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

آیه ۱۵۰ از این لحاظ که ابزار های مهندسی و نیز علم ناویگیشن در آن روزها فوق العاده ضعیف و ابتدائی بود بالاتر از ذهنیات مردم ساکن در قرن ۷ میلادی است.

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

دریافت های کوتاه مستقیم

آیه ۱۴۶: به این معنی است که یهودیان از آنچه از تورات که نزدشان بود می دانستند که قبله مسلمانان بطرف کعبه است.

آیه ۱۵۰: جمله «نعمتم را بر شما تمام کنم» در آیه ۱۵۱ معنی شده است.

اینطور نیست که خداوند ایماننان را ضایع کند

آیه ۱۴۳: جمله «ماکان الله لیضیع ایمانکم» بارقوی «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» دارد، و مورخان باید روشن کنند که مسلمانان چه حرکات اعتراضی راجع به این موضوع کرده بودند که این جواب را دریافت کرده اند. در همان جمله وقتی که می خواهد بفرماید نمازهایی که تاکنون بطرف بیت المقدس می خوانده اید ضایع نشده، فرموده ایماننان را ضایع نمیکند و از اینجا فهمیده میشود «عمل» و «ایمان» یکجورهایی قرابتی دارند، بخصوص اگر توجه کنیم که در آیات ناظر بر آخرت همه اش صحبت از «عمل» است و کمتر اسمی از ایمان مطرح است.

حکم تغییر قبله

یکی از اصلی ترین عناصر کوبیدن خداوند بر طبل استقلال پیامبر و مسلمانان از یهودیان، حکم تغییر قبله است.

چنانکه می دانیم وقتی که پیامبر اکرم (ص) در مکه بودند، نماز خواندن بطرف کعبه که در محاصره بتها بود، برای آنحضرت و پیروانش جایز نبود و آنحضرت مأمور بود بطرف مسجدالاقصی که هر چه باشد با توحید نسبتی داشت نماز بخواند.

وقتی که ایشان به مدینه هجرت نمودند، کماکان بطرف مسجدالاقصی نماز می خواندند و این موضوع از نظر یهودیان نوعی تابعیت و پیروی اسلام از یهودیت تلقی می شد

که به آن افتخار می کردند و مسلمانان را نکوهش می نمودند. چنانکه از آیه فهمیده می شود آنحضرت از این موضوع ناراحت بود تا اینکه حکم تغییر قبله آمد.

ترجمه تفسیری آزاد

بزودی کم خردان کافر خواهند گفت چه چیزی سبب شد که آنها از قبله ای که بر آن بودند رویگردان شوند؟ بگو مشرق و مغرب مال خداست، هر که را بخواهد بسوی صراط مستقیم هدایت می کند (۱۴۲)

و چنین است که شما را مردمی معتدل قرار دادیم تا بر مردم الگو باشید و رسول نیز بر شما الگو باشد. و ای پیامبر! آن قبله ای را که بر آن بودی قرار ندادیم مگر اینکه کسانی را که از رسول پیروی می کنند از کسانی که بر پاشنه های خویش میچرخند مشخص کنیم. و گرچه این موضوع فقط برای کسانی که به هدایت خداوند نگریده بودند گران بود، و اینطور نیست که خداوند ایمانتان را ضایع کند. البته خداوند نسبت به مردم دلسوز و مهربان است (۱۴۳)

البته ما روچرخاندن را در آسمان میدیدیم. لذا تو را بسوی قبله ای که دوست داشتی برگرداندیم. اینک روی خویش را بطرف مسجدالحرام کن و شما مسلمانان نیز هر جا که بودید روی خویش را به همان طرف کنید و البته اهل کتاب میدانند که آن حق، و از جانب پروردگارشان است و خداوند از آنچه میکنند غافل نیست (۱۴۴)

و اگر همه معجزات را هم برای اهل کتاب می آوردی از قبله تو پیروی نمیکردند، و تو هم از قبله آنها پیروی نمیکردی، و بعضی از آنها هم تابع قبله بعض دیگر نمیشدند.

و اگر پس از علمی که بسویت آمده، از خواسته های آنها پیروی کنی البته از ظالمان خواهی بود (۱۴۵)

اهل کتاب آن قبله را می شناسند همانطور که فرزندان خویش را می شناسند و البته عده ای از آنها آگاهانه حق را کتمان می کنند (۱۴۶)

حق از جانب پروردگارت است، پس از دو دلان مباش (۱۴۷)

و برای همگی سوئی قرار دادیم که بسوی آن رو می کنند. پس در کارهای خوب از یکدیگر سبقت گیرید. هر جا که باشید خداوند همگیتان را باز خواهد آورد. خداوند بر هر چیزی تواناست (۱۴۸)

ای پیامبر! از هر جا که خارج شدی، روی خویش را بطرف مسجدالحرام کن، و البته آن حق، و از جانب پروردگارت است و خداوند از آنچه می کنی غافل نیست (۱۴۹) و از هر جا که خارج شدی روی خویش را بطرف مسجدالحرام کن و ای مسلمانان! شما هم هر جا که بودید روی خود را بطرف آن کنید تا برای مردم علیه شما دلیلی نباشد مگر آنکه ظلم نمودند.

به آنها اهمیتی مدهید و از نافرمانی نسبت به من بیم داشته باشید تا نعمتم را بر شما تمام کنم و شاید هدایت یابید (۱۵۰)

ای مسلمانان! این تغیر قبله نیز جزء احکام خاص تان است، چنانکه در میان شما رسولی از خودتان فرستادیم که آیاتمان را بر شما میخواند و رشدتان می دهد و کتاب و حکمت به شما می آموزد و نیز آنچه را که نمیدانستید تعلیمتان میدهد (۱۵۱)

پس مرا یاد کنید تا یادتان کنم و مرا شکر گذارید و کفران مکنید (۱۵۲)

بقره ۱۱ آیات ۱۵۳ تا ۱۵۷

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٣﴾ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾ إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّاهُ فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٦١﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿١٦٢﴾ وَلَهُمْ فِيهَا وَلَدٌ لِكُلِّ شَذَىٰ ذِي أُنْثَىٰ فَاتَّخَذُواهُمْ أَهْلًا مِمَّنْ دُونِ آبَائِهِمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿١٦٣﴾ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
 برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: آیات اخلاقی مربوط به پایداری و صبر که سازنده شخصیت آدمی است و احکامی در خصوص حج که متضمن آثار سازندگی بزرگی برای مسلمین است و برحذر داشتن مسلمانان از اینکه به اخلاق مورد نکوهش کافران (یهود و...) گرایش یابند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٣﴾
ریزدرب: ای مسلمانان! به صبر و نماز از خدا یاری بخواهید

۲

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! شهید را با مُرده یکی حساب مکنید، و کم و کسری هائی را که در راه خدا متحمل میشوید ضرر حساب مکنید

۳

إِنَّ الصَّلَاةَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! طواف کعبه در حج و عمره، و اعمال مربوط به صفا و مروه، و نیر انجام کار داوطلبانه خیر، مقبول است

۴

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْنَا لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٦١﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١٦٢﴾ وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! کتمان حقایق نازل شده الهی، و کفر، قابل بخشش نیست، (مگر با توبه و اظهارِ مطلب کتمان شده، و اظهار بازگشت به توحید قبل از مرگ)

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی)

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبران شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نوزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی (ع) ازسلطه فرعونیان رهایی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هرکس با هر دینی که باشد.

در پاراگراف ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۷ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبران نافرمانی کردند، و شما این عبادات را به جای آورید، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحیی که به تو می‌شود دلگرم باش و راه خود را برو.

در پاراگراف ۹ می فرماید: ای مسلمانان! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه بر آخرت دردنیا نیز به نعمت های بزرگ برسید و

درهنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است.

در پاراگراف ۱۰ می فرماید: ای مسلمانان! مدتی به علت اشغال کعبه توسط مشرکان مجبور بودید بطرفی دیگر نماز کنید اما اینک که از هر لحاظ رنگ شخصیتی مشخص خویش رایافته اید بهتر است به سوئی عبادت کنید که بیشترین قرابت را با آن دارید.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! برای ارتقاء روحی و شخصیتی لازم است خود را به این اخلاق متخلق سازید و حج بجا آورید.

۴ - سوالات

- ۱ - آیه ۱۵۹ اشاره به چه کسانی دارد؟ (یهودیان؟ مسیحیان؟ هردو؟ یا ...؟)
- ۲ - در همان آیه ، و قتیکه «بیناه للناس» صورت گرفت ، اگر آنها دست از این رفتارشان بر میداشتند ، چه فایده ای داشت؟
- ۳ - از آیه ۱۶۰ چه فهمیده میشود؟
- ۴ - «کفار» (آیه ۱۶۱) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۵ - و منظور از آن کلمه در همان آیه ، با در نظر گرفتن آیات قبلی ، چه کسانی است؟
- ۶ - علت این رفتار یهودیان چه بود؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اینک تقریباً دو سال است که مسلمانان به عنوان مهاجر در مدینه هستند و خیلی هم خوش اند، زیرا در این مدت نسبتاً طولانی در وطن جدید جا افتاده و خانواده هایشان نیز به آنها ملحق شده و کار و کسب مناسب خویش را نیز یافته اند و پیامبر هم در بینشان است و هر روز او را می بینند و صدایش را می شنوند و گاه و بیگاه هم وحیی نازل میشود و چشمشان را به حقایق تازه باز میکند و اخیراً هم قبله مخصوص به خودشان را یافته اند و دارند عزت حاصل از استقلال را تجربه میکنند.

اما، نمیدانند که بزودی جنگ مهمی در پیش خواهد بود و آیات ۱۵۳ تا ۱۵۷ دارد آمادگی ذهنی به آنها میدهد که کشته شدن در جنگ و زخم برداشتن و هزینه کردن برای دفاع و این نوع چیزها هم ممکن است برایتان پیش بیاید و نگران نباشید و آنها هم جزء امتحانات و سبب تعالی تان است.

یهودیان، در زمان معاصر نزول این آیات (۱۵۹ تا ۱۶۳)، هنوز هم فعالانه در کار

کتمان حقایقی هستند که در جهت اعتراف به حقانیت نزول وحی بر آنحضرت است. البته یهودیان در این رفتار یکدست نبوده اند، اقلیتی از آنها چنانکه از آیه ۱۶۰ فهمیده میشود، نیکرفتار نیز بوده اند.

علت این رفتار یهودیان ادعای آنها بر «قوم برگزیده بودن» خودشان بود (آیه ۱۶۳)

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

کلّ آیات ۱۵۴ تا ۱۶۳ (مخصوصاً آیه استرجاع) از آیات برجسته است، به هر دو لحاظ پیشگفته.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۱۶۲ و ۱۶۳، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

«لأجناح علیه»

یکی از کلمات فارسی که وارد زبان عربی معاصر نزول قرآن شده، کلمه «گناه» است که عربی اش شده «جناح»

تا آنحضرت در مکه بودند که عده ای میدیدند که ایشان حج (یا عمره) میگزارند و طبعاً طواف ایشان را هم میدیدند.

پس از هجرت، طبیعی است که، عده زیادی از مسلمانان هجرت کرده، از لحاظ «اعمال دینی»، با وسواس به اعمال آنحضرت نگاه کرده و سعی کرده باشند نوع عمل آنحضرت را تقلید کنند.

تا نزول این پاراگراف، «احکام» چندانی نازل نشده بود، نماز های روزانه را همراه آنحضرت میخوانده اند و آنقدر وضوح و کمال داشت که جای سوالی نمی ماند.

البته موضوع حج فرق میکرد.

چنانکه در خود قرآن آمده، میدانیم که اولین ساکنان مکه، اسماعیل نوزاد (جدّ دور آنحضرت) و مادرش بودند و مکه بیابانی بود غیر مسکون، که به علت وجود این دونفر چشمه ای جوشید و آبی پیدا شد که خبرش به برخی رسید و به هوای آن آب به مجاورت آن راغب شده و ساکن شدند، و کم کم تا اسمعیل سن و سالی پیدا کند جمعیتی مشتمل بر دو قبیله مشخص و تعدادی هم افراد تک تکی ساکن پیدا کرد.

البته منابع تاریخی و روایی در این خصوص متشتت بوده و قابل اعتنا نیست، اما آنچه قرآن بر آن صراحت دارد «رب انی اسکنت من ذریتی بواد غیر ذرع . . .» است و طبعاً چنین جائی سکنه ای هم ندارد، و نیز دعای حضرت ابراهیم (ع) نیز این را تأیید می کند آنجا که میگوید «فاجعل افئده من الناس تهوی الیهم . . .» و به این ترتیب بوده که عده ای سکنه پیدا کرد، البته به علت فقر عمومی آن سکنه و کمی تعدادشان قابل این نبودند که توجه کسانی و یا حکومت هائی را به خویش جلب کنند و تشتت منابع و قابل اعتنا نبودن آنها هم از همینجا است.

در هر حال، این جمعیت کم، کم کم زیاد شد و زندگی در آنجا شکل گرفت. هر زندگی هم بالاخره خالی از سنت هایی نیست.

طبیعی است که پس از بالا بردن چهاردیواری کعبه توسط حضرت ابراهیم و همین فرزندش که در همین سوره ذکر شده، «حج» هم بنیان گذاری شد، و طبیعی است که حضرت اسماعیل و نزدیکانش آنطور حج میگذارند که توسط حضرت ابراهیم به آنان یاد داده شده بود، اما، در طول زمان و وفات ایشان و زیاد شدن قبایل ساکن در حول مکه، طرز حج گزاری نیز دچار تغییراتی شد که در سوره انفال که بزودی خواهیم دید اشاره ای به آن شده است.

چرا این چیزها را عرض میکنیم؟

برای اینکه درک شود حالا که پیامبر (ص) هجرت کرده و از مکه دور شده اند و کعبه در احاطه کسانی قرار گرفته که مسلمانان آنها را کافر میدانند و اعمال آنها را باطل قلمداد میکنند، کل عمل حج نیز زیر سوال رفته و مسلمانان نمیدانند که وقتی از ترس جانشان خود را ناشناس میکنند و پنهانی به مکه میروند و قاچاقی یک حج یا عمره ای بجا می آورند، اعمالشان چقدر درست و مقبول است، طبیعی است که در این مورد سوالاتی از آنحضرت کرده باشند و آیه ۱۵۸ در جهت رفع دغدغه های آنها نازل شده باشد که طواف مذکور «گناه»ی ندارد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای مسلمانان از صبر و نماز کمک گیرید که خداوند با صابران است (۱۵۳)

و کسی را که در راه خدا کشته شده مرده مگوئید بلکه زنده اند ولی شما در نمی یابید (۱۵۴)

و البته شما را به چیزی از خوف و گرسنگی و کاستی در اموال و جانها و فرآورده ها

خواهیم آزمود، و تو ای پیامبر! صابران را مژده ده (۱۵۵)
همانها که وقتی مصیبتی به آنان رسید میگویند ما مال خدائیم و بسوی او باز
میگردیم (۱۵۶)
آنها کسانی هستند که مورد الطافی از جانب پروردگارشان و رحمتی هستند و
هدایت یافته میباشند (۱۵۷)

البته صفا و مروه از شعائر خداوند است، پس کسی که حج آن خانه یا عمره کند،
عبی ندارد که آن اعمال آندو را انجام دهد، و هرکس که کار نیکی را داوطلبانه
انجام دهد، البته خداوند سپاسگزارِ داناست (۱۵۸)

البته کسانی که آنچه را از دلایل روشن و هدایت فرستادیم، پس از اینکه برای مردم
در آن کتاب بیانش کردیم، کتمان می کنند خداوند و لعنت کنندگان لعنت شان می
کنند (۱۵۹)

مگر آنهایی که توبه کردند و اصلاح نمودند، و آنچه را که کتمان کرده بودند بیان
کردند، پس خدا نیز به لطف و رحمت بر آنان بازمیگردد زیرا که او بازگشت کننده و
مهربان است (۱۶۰)

کسانی که کفر ورزیدند و در حال کفر مردند لعنت خداوند و ملائکه و همگی مردم بر
آنها خواهد بود (۱۶۱) در آن جاودان خواهند بود، عذابشان تخفیف نخواهد یافت، و
مهلت هم داده نمیشوند (۱۶۲) و خدای شما یکی است. خدائی جز او نیست که
بخشنده مهربان است (۱۶۳)

بقره ١٢٥ آيات ١٦٤ تا ٢٠٣

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَجَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّوهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأُ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ خَلَالاً طَيِّباً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْفَعُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءَ وَنِدَاءَ صُمُّ بِكُمْ غَمِيٌّ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٧١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٢﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَحُمَ الْخَنِيزِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لغيرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمناً قَلِيلاً أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿١٧٦﴾ لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا حُتِّبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْبِ بِالْحَرْبِ وَالْعَبْدَ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأَنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءَ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِغَدٍّ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٨١﴾ فَمَنْ

خَافَ مِنْ مُوسَى جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٨٣﴾ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٤﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٨٥﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِلِقَائِهِمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾ أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةُ الصِّيَامِ الرِّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ هُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُمْ وَأَبْغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُمْ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٨٧﴾ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٨﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحُجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٨٩﴾ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْبَلُونَهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿١٩١﴾ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٩٢﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٩٣﴾ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾ وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾ وَأَتُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِفُوا زُرُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَدَى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسْكَ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامًا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةً إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾ الْحُجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالٌ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَرَوُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الرِّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ

جَنَاحَ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ
 كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾ ثُمَّ أَفِضُوا مِّنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ
 وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٩﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ
 أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ﴿٢٠٠﴾
 وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾ أُولَئِكَ
 هُمُ النَّاصِبُونَ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾ وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَن تَعَجَّلَ
 فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
 ﴿٢٠٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه
 کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از
 طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
 برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: جلب توجه مسلمانان به آثار لطف و رحمت الهی، و دعوت به سعی در رشد
 شخصیتی خویش و برکنار ماندن از عاقبت بد آخرتی، از طریق صدور احکام متنوع و
 همه جانبه.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ
 النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَخْبَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ
 وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾
ریز درب: ای مردم! آیا در این همه، نشانه ای از خداوند نمی بینید؟

وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّوهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةٌ فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّؤُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾

ریزدرب: ای مردم! مگر میخواستید به چنین آینده ای دچار شوید؟

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالاً طَيِّباً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دَعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٧١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٢﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَحُمَ الْجَنَازِ وَمَا أَهْلٌ بِهِ لَعَنَ اللَّهُ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَناً قَلِيلاً أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ ﴿١٧٤﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَى وَالْعَذَابِ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿١٧٦﴾

ریزدرب: ای مردم! زندگی پاک در پیش گیرید و از زندگی ناپاک دوری کنید.

لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُؤُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾

ریزدرب: ای مردم! خود را به زندگی نیکو داخل کنید.

۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى
فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ
فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾

ریزدرب: ای مردم! در قصاص امنیت نسبی برای افراد اجتماع حاصل میشود.

۶

كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا
عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
﴿١٨١﴾ فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
﴿١٨٢﴾

ریزدرب: ای مردم! در وصیت اطمینان نسبی برای بازماندگان تان حاصل میشود.

۷

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ
﴿١٨٣﴾ أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ
يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ
﴿١٨٤﴾ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن
شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ
وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٨٥﴾
وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي
لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾ أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ
هُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا
كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا
الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ

يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٨٧﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! در روزه تقوای نسبی نهفته است.

۸

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٨﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! اموالتان را پاکیزه کنید تا رشد یابید.

۹

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٨٩﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! کارها را از طریق صحیح انجام دهید.

۱۰

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْبَضُهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلَوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿١٩١﴾ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٢﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٩٣﴾ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾ وَالْفُتُوأُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! با مال و جان تان در راه صحیح کوشش کنید.

۱۱

وَأْتُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِفُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسْكِ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا

أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾ الْحُجَّ أَشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحُجَّ فَلَا رَفْتَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحُجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا يَٰ أُولِيَ الْأَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمَنِ الصَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾ ثُمَّ أَفِضُوا مِّن حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٩﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ﴿٢٠٠﴾ وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾ أُولَٰئِكَ هُم نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾ وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٠٣﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! حج موجب رشد فردی و اجتماعی تان است.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید : ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، وهم وظایفت، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی)

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبرتان شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) ازسلطه فرعونیان رهائی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هرکس با هر دینی که باشد.

در پاراگراف ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۷ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبرشان نافرمانی کردند، و شما این عبادات را به جای آورید، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحی که به تو می‌شود دلگرم باش و راه خود را برو.

در پاراگراف ۹ می فرماید: ای مسلمانان! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه بر آخرت دردنیای نیز به نعمت های بزرگ برسید و درهنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است.

در پاراگراف ۱۰ می فرماید: ای مسلمانان! مدتی به علت اشغال کعبه توسط مشرکان مجبور بودید بطرفی دیگر نماز کنید اما اینک که از هر لحاظ رنگ شخصیتی مشخص خویش رایافته اید بهتر است به سوئی عبادت کنید که بیشترین قربات را با آن دارید.

در پاراگراف ۱۱ می فرماید: ای مسلمانان! برای ارتقاء روحی و شخصیتی لازم است خود را به این اخلاق متخلق سازید و حج بجا آورید.

در پاراگراف ۱۱ می فرماید: بعضی از مردم که علیرغم اینهمه آیات خلق و امر الهی برای خداوند همتا قرار می‌دهند در آخرت معذب خواهند بود، و ای مردم! از روزی حلال استفاده کنید تا اعتلاء یابید، و ای مسلمانان! اعتقادات صحیح، انفاقات مستحب، به پایداری نماز، انفاقات واجب، وفاء به عهد، پایداری درسختی ها، و درجنگ، و حکم قصاص، و حکم وصیت، و احکام روزه، و ممنوعیت رشوه، و جهاد برای دفاع و رفع موانع، موجب اعتلاء شخصیت تان است.

۴ - سوالات

- ۱ - آیه ۱۷۴ در چارچوب کلی این پاراگراف چه توجیهی دارد؟
- ۲ - «فما اصبرهم علی النار» (آیه ۱۷۵) چه نوعی از کلام است؟

- ۳- چرا در آیه ۱۷۶ ناگهان توجه مخاطب به حقانیت قرآن جلب شده؟
- ۴- «تَوَلَّوْا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ» چه نوعی از سخن است؟ (کنایه؟ یا...؟)
- ۵- چنانکه پیداست، آیه فوق در ادامه «چک لیست»های سوره های معارج و مومنون و فرقان، آخرین چک لیست است، سؤال این است: پس از نزول این آیه، اشخاص علاقمند به خودسازی، خود را با چه «لیست»ی «چک» کنند؟
- ۶- چنانکه قبلا دیدیم، خداوند در بسیاری از آیات، از جمله در آیات سوره های دهر و مطففین و صراحتا و در سوره های واقعه و رحمان و بسیاری سور دیگر کنایتا «ابرار» را ستوده است. با دلایل قرآنی بگوئید از بین دو گزینه «آدم خوب» و «آدم خیلی خوب» کدامیک بهتر به مفهوم «ابرار» میخورد؟
- ۷- معنی کلمه «قتلی» (آیه ۱۷۸) چیست؟ (مقتول؟ قاتل؟ یا...؟)
- ۸- اگر «ما به ازاء» معادل پیدا نشد، مثلا مقتول مذکر و آزاد، و قاتل مونث و برده باشد تکلیف چیست؟
- ۹- «عذاب الیم» مذکور در انتهای آیه ۱۷۸ این جهانی است یا اخروی؟
- ۱۰- منظور از «معروف» در همان آیه چیست؟
- ۱۱- مفهوم نیمه اول آیه ۱۸۲ را بطور مشروح توضیح دهید.
- ۱۲- چگونه میتوان با بسط مفهوم مندرج در آیه ۱۸۲ به یک قانون کلی مدنی دست یافت؟
- ۱۳- در آیه ۱۸۰، ذکر کردن «والدین و اقربین» از چه جهت است؟ (ذکر نمونه؟ ذکر همه مصادیق)
- ۱۴- منظور از «اقربین» چیست؟ (فامیلی؟ مطلق علاقه؟ یا...؟)
- ۱۵- «موت» در آیه ۱۸۰، «امر وجودی» است یا عدمی؟ (توضیح قرآنی دهید)
- ۱۶- در همان آیه منظور از «خیر» چیست؟
- ۱۷- تنوین روی انتهای کلمه «خیرا» از باب تحقیر است یا تعظیم؟
- ۱۸- در انتهای دو آیه ۱۸۱ و ۱۸۲ چرا صفات متفاوتی از خداوند متعال ذکر شده است؟
- ۱۹- چرا در آیه ۱۸۳ «لعلّ» بکار رفته؟
- ۲۰- در آیه ۱۸۶ در باره «اجیب» که یک وعده الهی است، و از طرفی می بینیم درخواست ها تماما بدست نمی آید، چه میتوان گفت؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در آیه ۱۶۴ آفرینش آسمانها و زمین را یک آیت در عرض آیات دیگر (مثلاً قایق رانی در آب) ذکر کرده ولی واضح است که آن یک آیت اصلاً در عرض آیات دیگر نیست بلکه همه آنها فرع بر آن یک آیت هستند.

علت این نوع ذکر مطلب، شاید به این علت بوده باشد که مردم آن روزها در آفرینش و اینکه منحصرأ توسط خداوند انجام شده شکی نداشتند و مشکلشان اینجا بوده که بقیه مظاهر زندگی را به مراکز مرتب میکرده اند که آنها را «انداد» خداوند (همطرازان - آیه ۱۶۵) حساب میکرده اند.

در این برهه از نزول وحی، خداوند توجهی به یکی از مشکلات مبتلا به امت اسلامی دارد و آن نیز مشروب خوری برخی از مسلمانان است، که روزی شان پاک خالص نیست، و همین هم یکی از موانع رشدشان است. ولی در عین حال به مشکلات احتمالی هم نظری دارد و یکی از آنها همسایگی شان با یهودیان است که سران آنها به بدترین نوع حرام خواری می پردازند (۱۷۴ و ۱۷۵)

قبلاً دیده ایم که قرآن در هرجا که میخواهد یک موضوع مهمی را بگوید اشاره ای هم به حقانیت قرآن میکند و لذا با توجه به آیه ۱۷۶ می فهمیم که مشکل مذکور مسلمانان مهم و تقریباً فراگیر بوده است.

چنانکه می دانیم موضوعات مربوط به ارث با شرح کامل در سوره نساء آمده است. اما اینک که روزهای تشکیل تمدن جدید است، نمی توان امور مردم را معطل گذاشت، لذا فعلاً به طور کوتاه و مجمل قانون لازم وضع شده است تا در فرصت مناسب (در سوره نساء) مطلب باز، و بطور مفصل تشریح گردد.

ملاحظه می فرمائید که تفسیر قرآن برحسب ترتیب نزول چقدر به فهم مطلب کمک می کند. از نزول این سوره تا نزول سوره نساء چندین اتفاق مهم (مانند جنگ بدر، جنگ احد، جنگ خندق، و اتفاقات اجتماعی بسیار مهم) حادث شده است. و ذکر آن جزئیاتی که در سوره نساء در این باب آمده فعلاً در این زمان (زمان نزول سوره بقره) لازم نبوده، زیرا جامعۀ این زمان (سوره بقره) نسبت به جامعه آن زمان (سوره نساء) هنوز بسیط است.

پیامبر (ص) اینک که حدود سه سال است از هجرت گذشته، و یهودیان نیز پس از تغییر قبله امیدشان را تا حدود زیادی از دست داده اند، و اوضاع داخلی تا حدود زیادی تحت کنترلش قرار گرفته، با نزول آیات احکام مامور میشود کیفیت نفسانی و

اخلاقی مسلمین را بهبود بخشد و اینک با نزول آیات ۱۸۳ تا ۱۸۷ مامور به ابلاغ حکم وجوب روزه شده است.

مطالعه دقیق این آیات ما را وامیدارد حدس بزنیم که مدتی قبل از نزول این آیات حکم روزه بطور شفاهی به زبان آنحضرت ابلاغ شده بود و این آیات پس از مدتی نازل شده است.

از آیه ۱۸۳ میتوان حدس زد که این حکم به نظر عده شاق و مشکل می آمد که فرموده ادیان سابق نیز روزه داشته اند و در آیه ۱۸۵ و نیز اینکه در آیه میگوید خدا برایتان آسانی خواسته و سختی نخواست، موید همین حدس است.

دیگر اینکه در ابلاغ چند وقت پیش این حکم، می باید در شبهای ماه رمضان مقاربت ممنوع بوده باشد، و اینکه برخی تاب این یک قلم را نمی آوردند و در خفا انجام میدادند نشان دهنده این است که مسلمانان در آن روزها یکدست و مطیع کامل آنحضرت نبودند، و البته سخن اخیر به منافقان مربوط نمیشود زیرا آنها را که نمیتوان جزء مسلمانان حساب کرد، بلکه، حتی، از میان خود مسلمانان نیز، عده ای بودند که بطور کامل مطیع آنحضرت نبودند، که خداوند به همگان تخفیف داد و این قسمت را حلال کرد.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۶۴ از آنجا که موضوع کار هنرمندان خوشنویس بوده و در قابهای زیبای تابلوهای خوشنویسی جای گرفته و در سر دربها و بالای محرابهای بسیاری از مساجد و نیز دور گنبدها و جاهای اصلی دیگر را مزین نموده و به صورت کاشی و معرق کاری و طرق دیگر جلوه میکند از آیات برجسته است. همچنین است آیه ۱۷.

کلا آیات احکام از آنجا که در منابع زیاد مطرح میشوند از آیات برجسته اند. لذا آیه های ۱۷۸ و ۱۷۹ و بخصوص آیه اخیر از آیات برجسته است. همچنین است آیه های ۱۸۳ تا ۱۸۷. نیز آیات ۱۹۶ تا ۲۰۳.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۶۴ از این لحاظ که به آفرینش اشاره دارد، از آنجا جزئیات مکانیزم برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

آیه های ۱۶۵ تا ۱۶۷ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. همچنین است آیه های ۱۷۴ و ۱۷۵.

آیه ۱۷۷ از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست. ابتدای آیه ۱۸۳ از آنجا که وحی و نزول قرآن اشاره دارد، و چون مکانیزم آن برای هیچ بنی بشری روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

همچنین است آیه ۱۸۶ که راجع به ارتباط با خداوند و جواب گرفتن از حضرتش است.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۶۶ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۳، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

دریافته های کوتاه مستقیم

آیه ۱۷۱: یعنی اینکه مثلاً به حیوانی سخنی بگوئی. آن حیوان اینقدر را می فهمد که صدائی شنیده است، اما از اینکه مضمون آن چه می باشد، چیزی نمی فهمد. و کافران نیز که از تبلیغ پیامبران بهره ای نمی برند، مانند آنها هستند.

آیه های ۱۷۳ و ۱۷۴: خود خوردنی های حرام و یکی از راه های کسب پول حرام را ذکر می کند و با این دو مثال نشان می دهد که اینها از باب ذکر نمونه است و مطلب منحصر به آن دو مثال نیست.

آیه ۱۷۵: نوعی طعنه است. یعنی اینکه اینها که به آتش جهنم اهمیتی نمی دهند، حتماً به این خاطر است که صبر و پایداری آنها خیلی بالاست که می توانند در مقابل آن مقاومت کنند. (که نوعی سرزنش طنزآمیز است)

«چک لیست» متناسب با این برهه از زمان

چنانکه قبلاً هم در جاهای مربوط به خویش عرض کردیم، به تناسب رشد روحی و کیفی و شخصیتی جامعه نوپای مسلمان، قرآن «چک لیست» هائی ارائه می کند که الگو باشد برای اینکه عده زیادی سعی کنند خود را با آن بسازند.

اولین سری از این چک لیست‌ها را در سوره معارج دیدیم.
دومی که در سوره مؤمنون بود عمیق‌تر از آن بود.
و سومی که در سوره فرقان آمده از آنهم عمیق‌تر بود.
به همین ترتیب همین‌طور که جلو می‌آئیم چک لیست‌ها عمیق‌تر می‌شود تا اینکه به اینجا می‌رسیم که دارد صفات بالاتر و والاتری را مطرح می‌کند.
بخصوص صفاتی که برای جنگ و جهاد قریب‌الوقوع لازم است.

معجزه ادبی

این آیه‌ها سنگ بنای تشکیل تمدن جدید است.
هیچ تمدنی بدون تضمین حق حیات برای احاد تشکیل دهنده خود شکل نمی‌گیرد.
متن هر دو آیه واضح و کاملاً روشن است و توضیحی نمی‌طلبد اما آیه ۱۷۹ از لحاظ ادبی یکی از عناصر معجزه‌ای (ادبی) قرآنی است.
اعراب قبل از نزول آیه ۱۷۹ چنین جمله‌ای داشتند: «القتل انفی للقتل» یعنی اینکه جلوگیری‌ترین چیز برای قتل، قتل است، و خیلی به این جمله افتخار می‌کردند زیرا فقط سه کلمه بود و یک عنصر قانونی اساسی را بیان می‌کرد اما وقتی که «جمله فی‌القصاص حیوه» نازل شد جمله مذکور دیگر مورد عنایت قرار نگرفت زیرا:
۱- این جمله هم سه کلمه بود و همان عنصر قانونی اساسی را نیز متضمن بود،
۲- اما ترجیح این بر آن در این بود که آن بوی مرگ می‌داد و این بوی حیات داشت،
۳- عیب کلمه تکراری را هم (که جمله قبلی دارد) نداشت،
۴- علاوه بر ذکر قانون آن را تعلیل هم می‌کند.

آیه ضد «رانت خواری»

یکی از معانی آیه ۱۸۸ این است که رشوه‌ای به بعضی از حکام ندهید تا او از اختیاراتی که در حوزه تحت مسئولیت خویش دارد، امتیازاتی به شما بدهد، تا شما بکمک آن امتیازات از سایرین بنحوی جلو بیفتید و در موقعیت مادی بهتری قرار گیرید و مالی بدستتان بیاید که حق شما نبوده و در اثر رشوه بدست آمده است.

ترجمه تفسیری آزاد

البته در آفرینش آسمانها و زمین،

و گردش شب و روز،

و کشتی که در دریا به نفع مردم حرکت میکند،

و آنچه خداوند از آسمانها از آبهائی که سبب زنده شدن زمین پس از مرگش میشود میفرستد،

و اینکه همه جور جنبنده ای در زمین گسترانیده،

و در گردش بادها،

و ابرهائی که بین آسمان و زمین رانند،

آیاتی است برای اشخاصی که تعقل می کنند (۱۶۴)

و از میان مردم کسانی هستند که برای خدا همتیانی قرار میدهند و آنها را مانند خداوند دوست میدارند، ولی مومنان خدا را بیش از همه چیز دوست میدارند، و اگر آنانکه ظلم کردند آن عذاب را میدیدند میدانستند که همه قدرت ها همگی مخصوص خداوند است و اینکه عذاب خداوند شدید است (۱۶۵)

آن هنگام که رهبران گمراهی از پیروان خویش بیزاری میجویند و عذاب را می بینند و سبب ها از آنها قطع میشود (۱۶۶) و پیروان آنان میگویند کاش بازگشتی بود تا ما هم از آنان بیزاری جوئیم همانطور که آنان از ما بیزاری جستند. خداوند اعمالشان را با چنین حسرت هائی به آنها نشان میدهد و از آن آتش خارج نخواهند شد (۱۶۷)

ای مردم آنچه را که در زمین هست و حلال و خوب هست بخورید و از گامهای شیطان پیروی نکنید که او برایتان دشمنی آشکار است (۱۶۸)

جز این نیست که شما را به بدی و کارهای بسیار زشت امر میکند و اینکه برخداوند چیزی بگوئید که نمیدانید (۱۶۹)

و هنگامیکه به آنها گفته شود آنچه را که خداوند گفته پیروی کنید، میگویند نه، بلکه چیزی را پیروی می کنیم که پدرانمان به آن انس گرفته اند. حتی اگر پدرانمان چیزی نفهمیده و هدایتی نشده باشند (۱۷۰)

و مثال کافران مانند آنست که به چیزی که جز صدا زدن و ندا کردن چیزی نمی شنود فریادی بزنند. کر و لال و کورند و تعقل نمی کنند (۱۷۱)

ای مسلمانان از چیز های پاکیزه ای که روزیتان کرده ایم بخورید و خداوند را شکر گوئید اگر فقط او را عبادت می کنید (۱۷۲)

جز این نیست که مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا ذبح شده بر شما حرام شده است.

پس اگر کسی مجبور شد، در حالیکه متجاوز و متعدی نباشد و بیش از حد ضرورت نخورد گناهی بر او نیست که خداوند آمرزگار مهربان است (۱۷۳)

البته آنانکه آنچه را خداوند از آن کتاب فرستاده کتمان می کنند و آنرا به قیمت ناچیز میفروشند در شکم هایشان چیزی جز آتش نمیخورند، و خداوند در روز قیامت با آنها تکلم نمی کند و رشدشان هم نمیدهد و عذابی دردناک خواهند داشت (۱۷۴) آنها کسانی هستند که گمراهی را به قیمت هدایت و عذاب را به قیمت مغفرت خریدند پس در مقابل آتش عجب پایدارند! (۱۷۵)

این به آن سبب است که خداوند آن کتاب را به حق فرستاد و کسانی که در آن اختلاف کردند در جدائی بسیار دور میباشند (۱۷۶)

نیکی آن نیست که روی خویش بطرف مشرق و مغرب کنید و لیکن نیکی آن است که ایمان به خدا و روز آخرت و ملائکه و کتاب ها آسمانی و پیامبران داشته باشید، و مال را علیرغم آنکه دوستش دارید به نزدیکان و یتیمان و بیچارگان و به راه ماندگان و خواهندگان و برای آزاد کردن بنده بدهید و نماز بپا دارید و زکات دهید، و هنگامیکه عهد می کنید وفا نمائید، و نیکی صفت پاداران در سختی ها و ناراحتی ها و هنگام جنگ است. آنها کسانی هستند که راست گفتند و آنها همان اهل تقوا میباشند (۱۷۷)

ای مسلمانان در مورد قتل بر شما قصاص مقرر شد. آزاد در برابر آزاد، و بنده در مقابل بنده، و زن در مقابل زن قصاص شوند. پس اگر کسی از برادرش گذشتی کند، باید از عرف پیروی کرد و به نیکی ادای تلافی نمود. این تخفیفی از جانب پروردگارتان و رحمتی است. پس اگر کسی بعد از آن تعدی کرد عذابی دردناک خواهد داشت (۱۷۸) و در قصاص برای شما زندگی است ای خردمندان! شاید که تقوا در پیش گیرید (۱۷۹)

بر شما مقرر شده که وقتی زمان مرگ یکی از شماها سررسید اگر مالی دارد برای والدین و نزدیکان به نیکی وصیت کند که این حق بر عهده اهل تقواست (۱۸۰) پس اگر کسی آن را شنید اما تغییرش داد گناهش بر کسانی است که تغییرش می دهند که خداوند شنوای داناست (۱۸۱) اما اگر کسی ترسید که وصیت کننده دچار انحراف یا گناه بشود آنگاه بین آنها را اصلاح دهد گناهی بر او نیست که خداوند آمرزگار مهربان است (۱۸۲)

ای مسلمانان بر شما روزه مقرر شد، همانطور که بر گذشتگان شما مقرر شده، شاید تقوا پیشه کنید (۱۸۳)

چند روز محدودی است و اگر کسی مریض یا مسافر باشد چند روزی از روزهای بعد بگیرد. و اگر کسی نتواند روزه گیرد بجایش بیچاره ای را غذا دهد و اگر کسی داوطلبانه کار خیری بکند برایش بهتر است و اینکه روزه بگیرید برایتان بهتر است اگر بدانید (۱۸۴)

در ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده، که برای مردم هدایت و دلیل های روشن و فرق گذار بین حق و باطل است روزه را بگیرید، هر کسی از شما که آن ماه را درک کرد باید روزه بگیرد و کسی که مریض یا مسافر بود در عده ای از روزهای بعدی بگیرد،

خداوند برای شما آسانی خواسته نه اینکه سختی خواسته باشد و باید تعداد روزهای روزه را تکمیل کنید و خداوند را بابت هدایت خویش تکبیر گوئید و شاید شکرگذار باشید (۱۸۵)

ای پیامبر! هنگامیکه بندگانم راجع به من از تو میپرسند بدانند که نزدیک هستم. دعای دعا کننده را اجابت می کنم. پس آنها هم باید مرا اجابت نموده و بمن ایمان آورند شاید رشد یابند (۱۸۶)

در شب های روزه نزدیکی تان با همسرانتان حلال است. آنها لباس شما را بپوشانند. خداوند میداند که شما برخویش خیانت میکردید پس بر شما بازگشت و از شما درگذشت. پس اینک با آنان مباشرت کنید و آنچه را که برای شما مقرر کرده، مثلاً اولاد صالح، را بخواهید، و بخورید و بیاشامید، تا اینکه نخ سیاه و سفید در اثر فجر برایتان مشخص شود. آنگاه روزه را تا شب به اتمام رسانید، و در حالیکه در مساجد عاکفید با آنان آمیزش نکنید. این حدود خداست. به آن حدود خدا نزدیک

نشوید. چنین است که خداوند آیاتش را برای مردم بیان می کند شاید تقوا پیشه کنند (۱۸۷)

و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و مبدا آن اموال را بسوی حکام سرازیر کنید تا در اثر این کار قسمتی از اموال مردم را به گناه بخورید در حالیکه به آن آگاهید (۱۸۸)

از تو درباره هلالی بودن ماه میپرسند، بگو آنها اوقات را برای مردم معین می کنند و زمان حج را. و نیکی آن نیست که به خانه ها از پشت بام ها در آیند ولیکن نیکی آن است که تقوا داشته باشید و به خانه ها از درهای آنها درآئید و از خدا پروا کنید شاید رستگار شوید (۱۸۹)

و در راه خدا با آنانکه با شما می جنگند بجنگید و تعدی نکنید که خداوند تجاوزگران را دوست نمیدارد (۱۹۰)

و آنها را هر جا که یافتید بکشید و از آنجائی که شما را اخراج کردند اخراجشان کنید و فتنه از قتل مهم تر است و در نزد مسجدالحرام با آنان نجنگید مگر اینکه با شما بجنگند. پس اگر با شما جنگیدند بکشیدشان که جزاء کافران همین است (۱۹۱)

پس اگر دست کشیدند خداوند آمرزگار مهربان است (۱۹۲)
و با آنان بجنگید تا فتنه ای نباشد و دین برای خدا باشد پس اگر دست کشیدند دیگر هیچ برخوردی جز علیه ظالمان نباشد (۱۹۳)

ماه حرام در مقابل ماه حرام است و هر حرمت شکنیی قصاصی دارد. پس اگر کسی بر شما تعدی کرد، شما هم مثل همان تعدی را علیه او روا دارید، و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند با پروا داران است (۱۹۴)

و در راه خدا خرج کنید و با دست خویش خود را به هلاکت نیفکنید. و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد (۱۹۵)

و حج و عمره را برای خداوند به اتمام رسانید. و اگر باز داشته شدید هر چه که

ممکن و آسان بود قربانی کنید و سرتان را نتراشید تا قربانی به محل قربانگاه خود برسد و اگر کسی مریض باشد یا درباره سرش ناراحتی داشته باشد عوض آن نتراشیدن سر روزه بگیرد یا صدقه دهد یا اعمال عبادی دیگر کند.

و وقتی که امنیت برقرار بود کسیکه خواست عمره را حج کند چیزی آسان و ممکن قربانی کند و اگر نیافت سه روز در ایام حج و هفت روز پس از بازگشت روزه بگیرد که جمعا ده روز شود. این برای کسانی است که خانواده شان در مسجدالحرام نباشند. و از خدا پروا کنید و بدانید خداوند در پیگیری شدید است (۱۹۶)

حج در ماه های معلومی است. پس کسی که حج در آنها بر او واجب میشود آمیزش و گناه و جدال در حج ممنوع است و هر کار نیکی که کنید خدا آنرا میداند و توشه گیرید و البته بهترین توشه تقواست و از من پروا کنید ای خردمندان (۱۹۷)

اشکالی ندارد که فضل پروردگارتان را جستجو کنید و هنگامی که از عرفات سرازیر شدید، در مشعر الحرام ذکر خدا بجای آرید، و او را همانطور که هدایتتان کرده بیاد آورید، و البته قبلا از گمراهان بودید (۱۹۸) آنگاه از همانجا که مردم راه می افتند راه بیفتید و از خدا آموزش بخواهید که همو آموزگار مهربان است (۱۹۹)

و هنگامیکه اعمالتان را تمام کردید خدا را یاد کنید همانطور که پدرانتان را یاد می کنید بلکه از آنها قوی تر خدا را یاد کنید.

از میان مردم کسانی هستند که میگویند خدایا در دنیا بما بده و آنها در آخرت بهره ای ندارند (۲۰۰) و کسانی هم هستند که میگویند خدایا در دنیا و آخرت بما نیکوئی ده و از عذاب آتش نگهمان دار (۲۰۱) آنها از آنچه کسب می کنند نصیبی خواهند داشت و خداوند تند حساب است (۲۰۲)

و خدا را در روزهایی چند یاد کنید. پس اگر کسی خواست به عجله در دو روز تمام کند گناهی نکرده و کسی هم خواست تاخیر کند برای با تقوا گناهی ندارد. از خدا پروا کنید و بدانید که بسوی او محشور میشوید (۲۰۳)

بقره ۱۳ آیات ۲۰۴ تا ۲۱۲

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿٢٠٤﴾ وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٠٥﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٢٠٦﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٠٨﴾ فَإِن زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٢١٠﴾ سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾ زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَسَخَرُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره).
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: دعوت مردم به تسلیم شدن به احکام الهی که مایه اعتلاء خودشان است و نکوهش کفار و یهود و منافقان که چنین نیستند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿٢٠٤﴾ وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٠٥﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ

اللَّهُ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَيْسَ الْبِهَادُ ﴿٢٠٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! منافقان چنین اند، مواظب شان باش

۲

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٠٨﴾ فَإِن زَلَلْتُمْ مِّن بَعْدِ مَا جَاءتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَن يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٢١٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! مومنین واقعی چنین اند، حواست به مسلمانان عادی باشد

۳

سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُم مِّن آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءتَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾ زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! یهودیان بطور بالقوه دشمن اند، مواظب آنها نیز باش

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، وهم وظایفت، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی) در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبران شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت

ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند.

در پاراگراف ۳ می‌فرماید: ای انسان‌ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

در پاراگراف ۴ می‌فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی (ع) ازسلطه فرعونیان رهایی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند. مبادا شما مانند آنان کنید.

در پاراگراف ۵ می‌فرماید: ای مسلمانان! مبادا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هرکس با هر دینی که باشد.

در پاراگراف ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۷ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۸ می‌فرماید: ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبرشان نافرمانی کردند، و شما این عبادات را به جای آورید، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحیی که به تو می‌شود دلگرم باش و راه خودت را برو.

در پاراگراف ۹ می‌فرماید: ای مسلمانان! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه بر آخرت دردنیا نیز به نعمت‌های بزرگ برسید و درهنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است.

در پاراگراف ۱۰ می‌فرماید: ای مسلمانان! مدتی به علت اشغال کعبه توسط مشرکان مجبور بودید بطرفی دیگر نمازکنید اما اینک که از هر لحاظ رنگ شخصیتی مشخص خویش را یافته اید بهتر است به سوئی عبادت کنید که بیشترین قرابت را با آن دارید.

در پاراگراف ۱۱ می‌فرماید: ای مسلمانان! برای ارتقاء روحی و شخصیتی لازم است خود را به این اخلاق متخلق سازید و حج بجا آورید.

در پاراگراف ۱۲ می‌فرماید: بعضی از مردم که علیرغم اینهمه آیات خلق و امر الهی برای خداوند همتا قرار می‌دهند در آخرت معذب خواهند بود، و ای مردم! از روزی حلال استفاده کنید تا اعتلاء یابید، و ای مسلمانان! اعتقادات صحیح، انفاقات مستحب، به پایداری نماز، انفاقات واجب، وفاء به عهد، پایداری درسخی‌ها، و درجنگ، و حکم قصاص، و حکم وصیت، و احکام روزه، و ممنوعیت رشوه، و جهاد برای دفاع و رفع موانع، موجب اعتلاء شخصیت تان است.

در این پاراگراف می‌فرماید: ای مسلمانان! دل خویش را با خداوندتان و پیامبرش صاف و صادق کنید و مبادا رفتارهای منافقانه و کافرانه ازخویش به ظهور برسانید.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

چنانکه در پاراگراف اول همین سوره دیدیم، خداوند یکبار دیگر حوزه رسالت پیامبر(ص) را در شرایط جدید پس از هجرت برایش ترسیم نمود که سه نوع افراد در آن بود: مؤمن و کافر و منافق.

ضمناً کافران در دو طیف متمایز مطرح می‌شوند که یک دسته همان کافران سنتی هستند که در سیزده سال قبل از هجرت، پیامبر و مسلمانان سابقه آنها را داشتند، اینک یهودیان نیز به آنان اضافه شده‌اند.

آیه ۲۱۲ نیز اشاره به این دارد که هر دو نوع از کافران در مقابل مسلمانان رفتار واحدی دارند.

۵ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۲۱۰ به آیتی از علم و قدرت الهی اشاره شده، بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بوده است.

آیه ۲۱۱ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

آیه ۲۱۲ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۲۱۲، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

معرفی چهره جدیدی از منافقان

سه آیه اول این پاراگراف در توصیف و تشریح صفات منافقان است. همان کسانی که چندی پیش با حدس زدن موفقیت مسلمانان به صفوف آنان پیوستند و اینک بسیار خوشحالند که می‌بینند تخمین‌شان درست از آب در آمده و

خود را به پیامبر نزدیک تر می کنند و سخنانی باب میل او می گویند تا اطمینان او را جلب کرده و بزودی اگر پولی و یا ریاستی قرار است تقسیم شود آن درشت ترها را آنها تصاحب کنند.

آنها چنانکه در ابتدای همین سوره هم دیدیم دین و دیانت و اعتقاد و عبادت را برای «مردم عادی»، «افراد سبک»، «و اشخاص نادان» مناسب دانسته و خود را «بالتر از این حرفها» حساب کرده و ارتکاب گناهان و بی اعتنائی به اصول اعتقادی را نمادی از شخصیت والا و ارزش شخصی برای امثال خویش قلمداد می کنند و آیات ۲۰۴ تا ۲۰۶ در تشریح صفات آنهاست.

آیه ۲۰۷ درباره مؤمنان واقعی است که فقط یکنوع رفتار دارند و آنها هم این است که صادقانه و یکدل و ظاهر و باطن یکی، خود را یکجا در اختیار وحی خداوندی قرار می دهند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! کسانی هستند که از نظرشان درباره زندگی دنیا خوش می آید، و خداوند را هم به شهادت میگیرند، در حالیکه سرسخت ترین دشمنان تان هستند (۲۰۴) و هنگامی که به ریاستی میرسند به فساد در زمین و هلاک کشاورزی و نفوس میکوشند و خداوند فساد را دوست ندارد (۲۰۵) و هنگامیکه گفته میشود تقوا پیشه کن عزت خود را در گناه می پندارند، پس جهنم بسشان است و چه جایگاه بدی است (۲۰۶) و کسانی هم هستند که خود را به رضای خدا میفروشند و خداوند دلسوز بندگان است (۲۰۷) ای مسلمانان همگی به تسلیم قوانین خدا درآئید و گامهای شیطان را پیروی نکنید که او دشمن آشکارتان است (۲۰۸) پس اگر بعد از اینکه دلایل روشن بسویتان آمد پایتان لغزید بدانید که خداوند پیروزمند فرزانه است (۲۰۹) آیا یهودیان انتظار دارند که خداوند و ملائکه در سایبان هائی از ابر بیایند و کار تمام شود؟ و البته همه امور بسوی خداوند برمیگردد (۲۱۰) از بنی اسرائیل بپرس چقدر آیات و دلایل روشن بسویتان آمد؟ و کسی که نعمت خداوند را پس از آمدنش تغییر دهد، خدا در پیگیری شدید است (۲۱۱) زندگی این دنیا برای کافران تزیین شده و مومنان را مسخره میکنند ولی اهل تقوا در روز قیامت بالاتر از آنها هستند و خداوند هر که را خواهد بدون حساب روزی میدهد (۲۱۲)

بقره ۱۴ آیه های ۲۱۳ و ۲۱۴

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْزِئِينَ الْبِأَسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ﴿٢١٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: جلب توجه مردم به علت اصلی تشریع ادیان و احکام که مایه رفع اختلاف بین مردم بوده و یک فرآیند پر از آزمون است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چون پاراگراف بسیار کوتاه است، نیاز به راه دوم نیست.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایفت، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلا هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی)
در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبران شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه

کرده و به خداوند کفر نورزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) ازسلطه فرعونیان رهائی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هرکس با هر دینی که باشد.

در پاراگراف ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۷ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبرشان نافرمانی کردند، و شما این عبادات را به جای آورید، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحیی که به تو می‌شود دلگرم باش و راه خود را برو.

در پاراگراف ۹ می فرماید: ای مسلمانان! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه بر آخرت دردنیای نیز به نعمت های بزرگ برسید و درهنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است.

در پاراگراف ۱۰ می فرماید: ای مسلمانان! مدتی به علت اشغال کعبه توسط مشرکان مجبور بودید بطرفی دیگر نمازکنید اما اینک که از هر لحاظ رنگ شخصیتی مشخص خویش را یافته اید بهتر است به سوئی عبادت کنید که بیشترین قرابت را با آن دارید.

در پاراگراف ۱۱ می فرماید: ای مسلمانان! برای ارتقاء روحی و شخصیتی لازم است خود را به این اخلاق متخلق سازید و حج بجا آورید.

در پاراگراف ۱۲ می فرماید: بعضی از مردم که علیرغم اینهمه آیات خلق و امر الهی برای خداوند همتا قرار می‌دهند در آخرت معذب خواهند بود، و ای مردم! از روزی حلال استفاده کنید تا اعتلاء یابید، و ای مسلمانان! اعتقادات صحیح، انفاقات مستحب، به پایداری نماز، انفاقات واجب، وفاء به عهد، پایداری در سختی ها، و درجنگ، و حکم قصاص، و حکم وصیت، و احکام روزه، و ممنوعیت رشوه، و جهاد برای دفاع و رفع موانع، موجب اعتلاء شخصیت تان است.

در پاراگراف ۱۳ می فرماید: ای مسلمانان! دل خویش را با خداوندتان و پیامبرش صاف و صادق کنید و مبدا رفتارهای منافقانه و کافرانه ازخویش به ظهور برسانید.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! به شدت مواظب اختلافات احتمالی درامور مرتبط با «حق» باشید و باقوت از آن اجتناب کنید.

۴ - سوالات

- ۱- منظور از «امت واحده» (آیه ۱۲۳) چیست؟ (همگی دارای دین واحد؟ همگی مساوی در مقابل قانون واحد؟ «قانون کمون اولیه»؟ یا.....؟)
- ۲- آیا «ف» در «فبعث» (همان آیه) به ما میگوید که بعثت انبیاء به علت «امت واحده» بودن مردم بوده؟ (اگر بله، چه نتیجه ای میگیرید؟ واگر نه، چرا؟)
- ۳- از همان آیه فهمیده میشود که پیامبران(ع) برای «رفع اختلاف» آنها مبعوث شدند، سوال این است که «اختلاف» مورد اشاره در چه زمینه هایی بوده (مسائل «امور زندگی»؟ امورات اعتقادی؟ یا.....؟)
- ۴- منظور از «ه» در «وتوه» چیست؟ (محتویات «کتاب»ی که پیامبران به همراه داشتند و بر اساس آن حکم میکردند؟ نتایج عملی «احکام» پیامبرانه؟ یا.....؟)
- ۵- موضوع بشارت و انذار پیامبران چه میتواندست بوده باشد؟
- ۶- آیا میتوان گفت «اختلاف» مورد نظر آیه ۱۲۳ دونوع بوده؟ اگر بله دو نوع آن را بیان کنید.
- ۷- رهبری «اختلاف» دوم به دست چه کسانی بوده و موضوع آن چه چیزهایی میتواندست بوده باشد؟
- ۸ - خطاب آیه ۲۱۴ به چه کسانی است؟ (مسلمانان؟ یهودیان؟ مشرکان؟ هر سه؟ یا ...؟) با ذکر دلیل جواب دهید.

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۲۱۳ و ۲۱۴ چه فهمیده میشود؟
از «وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ» چنین فهمیده میشود که خطاب به مسلمین هشدار میدهد که مواظب باشید به همان رفتار های غلط پیشینیان از شما سرنزند، همان رفتارهایی که در اثر «بَغْيًا بَيْنَهُمْ» در بیناتی که بر آنها نازل شده بود اختلاف کردند، به عبارت دیگر، مواظب باشید مانند یهودیان (که رفتارهایشان بطور مشروح در پاراگراف های قبل برایتان بر شمرده شد) رفتار نکنید تا به مصیبتی مطابق آنچه در انتهای آیه ۲۱۴ به آن اشاره شد مبتلا نشوید.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۲۱۳ هردو ملاک برجستگی را که قبلاً بارها شرح داده ایم دارد.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۲۱۳ از این لحاظ که به اقوام در گذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

جلب توجه مردم به علت اصلی تشریع ادیان و احکام که مایه رفع اختلاف بین مردم بوده و یک فرآیند پر از آزمون است.

شرح مختصر

فلسفه تاریخ

در سوره های اعراف، و اسراء، و مؤمنون در خصوص فوق عرضی کرده ایم که توصیه موکد به بازخوانی آنها داریم.

۱ - «فلسفه تاریخ» نقل از تفسیر سوره مؤمنون

«امت واحده» یعنی چه؟

اساساً بهتر است سؤال را اینطور مطرح کنیم که «امت» یعنی چه؟

از آیه ۴۴ همین سوره فهمیده می شود امت به «پیروان یک رسول خاص در زمان حیات و دعوت او» گفته می شود.

بنابراین «امت واحده» یعنی پیروان یک پیغمبر که در زمان حیات و دعوت او به تعالیم او تسلیم شده و در مقابل قانون تعالیم او خود را یکسان می دانستند.

اما آنچه در آیه ۵۳ مورد بحث است، اتفاقی است که پس از پایان دوره آن پیامبران اتفاق می افتاد. اتفاقی که می افتاد این بود که عده ای خود را از «امت واحده» (مساوی بودن در مقابل قوانینی از دین متبوع که حاکم بر شئون زندگی بود) بیرون می کشیدند و خود را بالاتر از دیگران قرار می دادند تا برای خویش «حقوق» بیشتر و «وظایف» کمتر قائل شوند.

این موضوع از کجا فهمیده می شود؟

- ۱- از کلمه «امرهم» (که مربوط به امور زندگی است)
 - ۲- از کلمه «زبراً» که می‌توان آن را به تفاسیر مختلف از آن قانون یکسان مربوط به امه واحده نیز مربوط نمود)
 - ۳- از کلمه «حزب» (که به اساسنامه و مرامنامه داخلی یک گروه- اعم از نوشته یا نانوخته- اشاره دارد)
 - ۴- از «ف» در کلمه «فتقطعوا» (که نشان می‌دهد این اتفاق پس از دوره «امت واحده» بودن افتاده است)
- به عبارت دیگر در اینجا می‌فرماید که علت پیدایش کفر، این بوده که پس از اینکه پیامبران (ع) «امت واحده» را تاسیس میکردند و آن راجا می‌نهادند، عده ای برای کسب امتیازات بیشتر، به «تفسیر به نفع خویش» از قوانین آن «امت واحده» می‌پرداختند.
- این فرایند سبب میشد «امت واحده» به چندین گروه و دسته نوظهور تبدیل شود که هریک طرفدار «تفسیر»ی- مطابق سلیقه خویش- از آن قانون فراگیر قبلی بودند و به این ترتیب تعدادی ادیان انحرافی، پس از تاسیس و قوام یک دین اصیل بوجود می‌آمد.

فلسفه تاریخ از منظر سوره ابراهیم

خیلی آشکار است که «الذین» به سرانِ جوامع اشاره دارد و «جعلوا» به فرایند تغییر دادن قوانین که تقریباً در همه جوامع رخ میدهد اشاره میکند و «تمتعوا» به انگیزه آنان.

بنا بر این آیات ۲۸ تا ۳۰ دارد به یکی از جنبه‌های «فلسفه تاریخ» اشاره میکند که طی یکی از شایع‌ترین مورد های آن، برخی از سرانِ جوامع بشری (الذین)، با انگیزه « به سوی خویش کشی مواهب عمومی»، (تمتعوا) در دین متبوع جامعه، دستکاری مینمایند (جعلوا لله اندادا) و نتیجه کارشان هم دو چیز است: مسیر زندگی صحیح مردم را به مسیر غلط می‌اندازند (یضلوا عن سبیل الله) و مردم جامعه خویش را بدبخت میکنند (احلوا قومهم دار البوار) و راه برون رفت از این جریان هم آیه ۳۱ است.

۲- آیه «فلسفه تاریخ»ی، نقل از تفسیر سوره قصص

آیه ۵ و ثلث اول آیه ۶، از لحاظ بیان یکی از قوانین تاریخ بشر بسیار قابل توجه است.

به این معنی که کسانی هستند که استعدادها و حقوقی دارند و کسان دیگری جلوی بالفعل شدن استعدادهای آنان را می‌گیرند و حقوقشان را از آنها باز می‌دارند. و خداوند چنین اراده نموده که آن گروهی را که مظلوم واقع شده‌اند مورد حمایت قرار داده و آنها را بالا آورده و نعمتهائی را به راحتی به آنان عطا فرماید.

این مطلب اگر مورد دقت قرار گیرد یک «قانون فلسفه تاریخ»ی است و می‌تواند در بسیاری از موارد در مناقشات بشری مورد دقت واقع شده و صحت آن دریافته شود.

صحت این مطلب را می‌توان در سقوط رم، در فروپاشی شوروی، در استیلای عجم بر اعراب از قرن سوم هجری به بعد، در نهضت‌های استقلال طلبی قرن بیستم، و خلاصه در موارد بسیار زیادی به رأی‌العین دید.

و خلاصه اینکه این «قانون» یکی از قوانین تخلف‌ناپذیری است که برحسب آن می‌توان آینده را پیشگویی نمود.

مثلاً می‌توان در مناقشات بین ملت‌ها بررسی کرد و تعیین نمود که کدام طرف «ضعیف شمرده شده و حقوقش قطع گردیده» است و پیش‌بینی نمود که بطور حتم، همان طرف، در آینده پیروز خواهد گردید.

مثلاً در همین زمان، «مسئله فلسطین» یکی از آن موارد است و ما در ابتدای سوره اسراء در این خصوص شرحی عرض کرده‌ایم.

در «آن روزها» هم می‌توان اوضاع و احوال پیامبر (ص) و پیروانش را در چارچوب همین قانون به وضوح دید و درک کرد و چون موضوع تقریباً برای همگان آشنا است شرح بیشتری لازم نمی‌باشد.

۳ - فلسفه تاریخ ، نقل از تفسیر سوره اعراف

در این پاراگراف، «فلسفه تاریخ» گفته می‌شود.

چنانکه در پاراگراف‌های قبل، یعنی مربوط به قوم نوح و عاد و ثمود و لوط و صالح، دیدیم، ترجیع بند «دعوت به توحید، تکذیب و استکبار، نزول عذابِ هلاکت»، تکرار می‌گردید.

با توجه به دو آیه ۹۴ و ۹۵ معلوم می‌شود نوعاً مردم قدیم در همه شهرها، با پیامبران‌شان مخالفت می‌کردند و گرنه لحن عام بدون استثناء آیه ۹۴ موجه نبود.

با توجه به آیه ۹۵ معلوم می‌شود همه اقوام قبلی از لحاظ محکوم بودن به چنین مکانیزمی با یکدیگر مشابهت داشتند.

اما این هم هست که این مطلب به همان سادگی که از ظاهر آیه‌های ۹۴ و ۹۵ فهمیده می‌شود نیست زیرا:

۱- در قرآن کریم این نکته نیز هست که حضرت نوح (ع) نهصد و پنجاه سال پیامبری کرد. بنابراین مکانیزی که در آیه‌های ۹۴ و ۹۵ مطرح شده لزوماً لازم نیست خلق‌الساعه و سریع‌الاتفاق باشد. لاقلاً اینکه آن حالت (یعنی تکذیب و مخالفت و عناد) در ابتدای پیامبری او نبوده،

۲- در این سوره پس از این پاراگراف، داستان حضرت موسی (ع) می‌آید. چرا خداوند داستانهای نوح و عاد و ثمود و لوط و صالح (ع) را نقل نمود و سپس «فلسفه تاریخ» فرمود و پس از آن به داستان موسی (ع) اشاره نمود؟ چه بسا به این خاطر باشد که داستان موسی در «دوره تاریخی» اتفاق افتاده اما داستان آن پیامبران مربوط به «ما قبل تاریخ» است، و «فلسفه تاریخ دوره تاریخی» با «فلسفه تاریخ دوره ماقبل تاریخ» فرق دارد! حقیقت این است که باید چنین فرضیه‌ای را بپذیریم زیرا مکانیزم مطرح شده در آیه‌های ۹۴ و ۹۵ درباره تاریخ اسلام هم صادق نیست. و حتی اگر دامنه این فکر را کمی بازتر بکنیم درباره مسیحیت نیز نشانی از آن نمی‌بینیم و حتی راجع به کل انبیاء بنی‌اسرائیل هم این مطلب را نمی‌بینیم، غیر از زمان خود حضرت موسی (ع) که آنهم راجع به خود فرعون و سپاهیان‌ش مصداق پیدا کرده است نه راجع به کل مردم مصر.

۳- اینکه پاراگراف بعد اینطور شروع می‌شود که «سپس بعد از آنها موسی را برانگیختیم ...» نیز موید این نظریه است زیرا گویا این «فلسفه تاریخ» مطرح در این پاراگراف، حلقه وسط زنجیر نبوت است که حضرت موسی (ع) را که مربوط به «دوره تاریخی» است، از دوره انبیاء پیشین جدا می‌کند.

۴- چیزی که ما در پاراگراف‌های قبل دیدیم، (یعنی مربوط به قوم نوح و عاد و ثمود و لوط و مدین) مربوط به «آخر دوره» آنها بود. آیا وضعیت قوم نوح در طی نهصد و پنجاه سال عین آخر آن دوره بود؟ آیا قوم لوط از همان اول پیدایش شهر و تمدن خویش منحرف جنسی بودند یا اینکه این جریان مربوط به اواخر دوره آنها بود؟ و همچنین درباره اقوام دیگر جای همین سؤال هست.

بنابراین، چاره‌ای نداریم که این دو نکته را بپذیریم که مکانیزم مطرح شده در آیه‌های ۹۴ و ۹۵ :

۱- مربوط به دوره ماقبل تاریخ است؛ ۲- مربوط به اواخر عمر هر «قریه» (= تمدن) است.

یعنی اینکه بطور خلاصه هر «قریه» (= تمدن) سه مرحله دارد:

۱- مرحله اول که شروع آن تمدن است و پیامبر مربوطه این مرحله نقش آموزش و

هدایت دارد. ۲- مرحله دوم که آغاز انحراف است. ۳- مرحله سوم که آخر عمر آن تمدن است و آیات ۹۴ و ۹۵ ناظر بر این مرحله است.

کلمه «پدرانمان»، که منحرفان، پیروی از آنها را ترجیح می‌دادند حکایت از لاقل «سه نسل» می‌کند و اگر دوره هر نسل را سی سال بگیریم بین مدلول آیه ۹۴ تا آیه ۹۵ لاقل باید ۹۰ سال فاصله باشد. و این نیز تأیید دیگری است بر عرایضی که فوقاً نمودیم. یعنی نه تنها این جریان مربوط به «اواخر دوره عمر هر تمدن» می‌باشد، بلکه آن «اواخر عمر» هر تمدن نیز خودش شامل یک زمان طولانی می‌باشد.

نتیجه!

خواننده گرامی اینک اگر به متن این پاراگراف برگردند، قاعدتا دیگر باید کاملاً مفهوم باشد.

ترجمه تفسیری آزاد

مردم همگی در مقابل قانون یکجور بودند، پس خداوند پیامبران را برگزید که مژده دهنده و هشدار دهنده باشند، و با آنها آن کتاب را فرستاد که بین مردم درباره آنچه اختلاف داشتند به حق حکم کنند، و در آن اختلاف نکردند مگر پس از اینکه آن دلایل روشن بسویشان آمد، برای اینکه بین خویش به ظلم پردازند. آنگاه خداوند مومنان را درباره حقیقت امور مورد اختلاف، به فرمان خویش، هدایت کرد، و خداوند هر که را خواهد بسوی جاده مستقیم هدایت می‌کند (۲۱۳) آیا می‌پندارید وارد بهشت میشوید و مثال اقوام قبلی برسر تان نمی‌آید که سختی‌ها و ناراحتی‌ها به آنان رسید تا اینکه لرزه شان گرفت تا اینکه رسول و مومنان همراهش گفتند پس یاری خدا کی میرسد؟ بدانید که یاری خدا نزدیک است (۲۱۴)

بقرہ ۱۵ آیات ۲۱۵ تا ۲۲۶

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينُ وَالْآفَرِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ
السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢١٥﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَعَسَى
أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
﴿٢١٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ
وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ
حَتَّى يَزِيدُوكُمْ غِلًّا دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَزِيدْكُمْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فِيمَتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ
خَبِطَ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢١٧﴾ إِنْ الَّذِينَ
آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢١٨﴾
يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخُمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَخْبَرٌ مِنْ نَفْعِهِمَا
وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾ فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَغْنَيْنَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ غَزِيرٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٠﴾ وَلَا تَنْكِحُوا
الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْبَبْتَكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى
يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْبَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ
وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ
أَذَى فاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ إِذَا ظَهَرْنَ فَأَتْوهنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ
اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٢٢﴾ نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنْ يَشْتِمَ
وَقَدِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَتَاؤُ اللَّهِ وَعَلِّمُوا أَنْكُم مَلَأَقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٢٣﴾ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ
عُرْسَةً لَأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٤﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ
بِالْعَهْدِ فِي آيَاتِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ
مِنْ نِسَائِهِمْ تَرْبُصٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٢٦﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
 برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ارشاد مردم درباره امور مورد ابتلاء و سامان بخشیدن و اعتلاء زندگیشان.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينُ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢١٥﴾
ریز درب: ای مسلمانان! موارد انفاق اینها است

۲

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢١٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢١٨﴾
ریز درب: ای مسلمانان! بخصوص در مورد دفاع از دین و مقدساتش،
 رویارویی جنگی، بر شما، واجب شده است

۳

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْغَفْوُ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾
ریز درب: ای مسلمانان! دوری از شراب و قمار بهتر، و انفاق از مازاد اموال
 است

۴

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٠﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! در باره اموال یتیمان رویکردتان خیرخواهانه باشد

۵

وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمَنَّ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَبَيِّنَ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! به همسرانتان، از لحاظ گزینش بسیار اهمیت دهید

۶

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٢٢﴾ نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُّلاَقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٢٣﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! به نگهداری مناسب از همسران تان اهمیت دهید

۷

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٤﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ خَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٢٦﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! راجع به زبانتان و احتراز از بیهوده گوئی بسیار محتاط باشید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

نَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی) در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبران شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) ازسلطه فرعونیان رهائی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هرکس با هر دینی که باشد.

در پاراگراف ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۷ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبران نافرمانی کردند، و شما این عبادات را به جای آورید، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحیی که به تو می‌شود دلگرم باش و راه خود را برو.

در پاراگراف ۹ می فرماید: ای مسلمانان! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه بر آخرت دردنیای نیز به نعمت های بزرگ برسید و درهنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است.

در پاراگراف ۱۰ می فرماید: ای مسلمانان! مدتی به علت اشغال کعبه توسط مشرکان مجبور بودید بطرفی دیگر نماز کنید اما اینک که از هر لحاظ رنگ شخصیتی مشخص

خویش را یافته اید بهتر است به سوئی عبادت کنید که بیشترین قربابت را با آن دارید. در پاراگراف ۱۱ می فرماید: ای مسلمانان! برای ارتقاء روحی و شخصیتی لازم است خود را به این اخلاق متخلق سازید و حج بجا آورید.

در پاراگراف ۱۲ می فرماید: بعضی از مردم که علیرغم اینهمه آیات خلق و امر الهی برای خداوند همتا قرار می دهند در آخرت معذب خواهند بود، و ای مردم! از روزی حلال استفاده کنید تا اعتلاء یابید، و ای مسلمانان! اعتقادات صحیح، انفاقات مستحب، به پایداری نماز، انفاقات واجب، وفاء به عهد، پایداری درسختی ها، و درجنگ، و حکم قصاص، و حکم وصیت، و احکام روزه، و ممنوعیت رشوه، و جهاد برای دفاع و رفع موانع، موجب اعتلاء شخصیت تان است.

در پاراگراف ۱۳ می فرماید: ای مسلمانان! دل خویش را با خداوندتان و پیامبرش صاف و صادق کنید و مبدا رفتارهای منافقانه و کافرانه از خویش به ظهور برسانید.

در پاراگراف ۱۴ می فرماید: ای مسلمانان! به شدت مواظب اختلافات احتمالی درامور مرتبط با «حق» باشید و باقوت از آن اجتناب کنید.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! اینک که عده ای از شما هجرت کرده و حکومتی از خود دارید نیاز به مقررات تنظیم کننده ای دارید که تدریجاً دریافت می کنید.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات ۲۱۶ تا ۲۱۸ فهمیده میشود که دارد مسلمانان را برای جنگ دفاعی قریب الوقوع آماده میکند و تعرضات جنگی ممکن نسبت به مسلمین را از نوع ایدئولوژیک قلمداد میفرماید.

از سایر مطالب این پاراگراف (۲۱۵ تا ۲۲۶) فهمیده می شود که سوره بقره یکباره نازل نشده بلکه نزول آن مدتی طولانی طول کشیده است.

یک دلیل مهم آن این است که سئوالاتی که مردم از پیامبر نموده اند قبلاً بطور اجمال در پاراگراف های قبلی همین سوره آمده است. موضوعاتی مانند انفاق، جنگ، جنگیدن در نزد مسجدالحرام، و غیره، مطالبی است که قبلاً در همین سوره آنها را دیدیم و پرسیدن در خصوص آنها از پیامبر(ص) حاکی از این است که آنها از نظر مردم مهم بوده و علیرغم اینکه احکامی در خصوص آنها نازل شده بوده، باز هم دغدغه های خاطری وجود داشته و سئوالاتی می کرده اند که در آیات این پاراگراف جوابهای مفصل تری به آنها داده شده است.

البته سئوالاتی غیر از آنها هم بوده که به آنها هم جواب داده شده است.

۵- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۲۲۵ پرانتری است،

ترتیب نزول

آیه ۲۲۰: بعداً در سوره نساء با تفصیل بیشتر بیان شده است. (یعنی این آیه در رابطه با آن مطالب سوره نساء، نسخ شده است)

آیه ۲۲۱: بعداً در سوره نور بطور روشن تر و مشروح تر تشریح گردیده است. و بطور کلی احکام مربوط به خانواده جایگاه مهمی در قرآن دارد و علاوه بر این سوره، در سوره های نساء، نور، طلاق و غیره بطور تفصیل مذکور است .

دریافت های مستقیم کوتاه

کلمه «خیر» در آیه ۲۱۵ دوبار بکار رفته، بار اول به معنی اصطلاحی (یعنی مال) آمده، و بار دوم به معنی لغوی (در مقابل شر، یعنی خوب، یا بهتر، یا بهترین - هر کدام که به نظر خواننده خوب تر در جمله می نشیند- و در اینجا به معنی مطلق خوب) آمده است.

«تخالطوهم» در آیه ۲۲۰ به زبان کوچه و بازار یعنی اینکه «قاطی شوید»، مثلاً فرض کنید در جامعه بدوی آن روز ها، یکنفر (به هر علت) می مُرد، معمولاً هم آن روز ها مردم پر اولاد بودند، خب، وقتیکه آن شخص زنده بود تکلیف معاش و معیشت زنان و بچه هایش روشن و تعریف شده بود، اما وقتیکه میمرد، مطابق عرف، نزدیک ترین کس به متوفی متکفل زنان و بچه هایش میشد و برای این کار مائترک او را به اسم اینکه صرف اداره امور بازماندگان متوفی کند، تصرف میکرد . . . وای به حال بازماندگان!

آیه میخواهد این درد اجتماعی شایع را حل کند (زیرا در آن روز ها قوانین بازدارنده و نهادهای اجتماعی حامی آن بازماندگان ضعیف که هیچ جوری نمیتوانستند از مایملک خویش دفاع کنند، وجود نداشت)

در دو آیه ۲۲۲ و ۲۲۳ چیزهایی هست که من برای شرح آنها دچار «شرم قلم» شده

ام و نمیتوانم بگویم، اما، ذکر همین مقدار را مفید میدانم برای کسانی که ذاتا کنجکاو هستند تا ببینند مفسران سلف چه چیزهای خجالت آوری گفته اند.

ماه حرام

یکی از احکام تمدن ساز الهی سنت قرار دادن «ماه های حرام» است.

ماه حرام یعنی «ماه جنگ در آن حرام».

شرح مطلب این است که قبل از اسلام در میان اعراب که دائما به کشت و کشتار با یکدیگر مشغول بودند یک رسمی وجود داشت که بر مبنای آن در حینی که یک جنگ جریان داشت، اگر «ماه حرام» (که چهار ماه دیقعه و ذیحجه و محرم و رجب باشد) پیش می آمد، جنگ متوقف میشد. و سه ماه اول مذکور پشت سر هم و ماه چهارم پنج ماه پس از محرم بود)

این رسم یکی از رسم های عالی و تمدن ساز بشری است، و مهمترین عامل در جلوگیری از خون ریزی و هلاکت بنی آدم و خرابی های ناشی از جنگ ها بوده است،

تصورش را بکنید: جنگی (به هر علت) در گرفته، بسته به اینکه در چه ماه از سال درگرفته باشد، حداکثر پس از نیمی از سال به ماه حرام برمیخورد، و حداقل یکماه و حداکثر سه ماه، متارکهء جنگی به وقوع می پیوست، در جنگ هم که حلا پخش نمیکنند، هر دو طرف، فارغ از قوت و ثروت هرکدام، متادی میشوند،

وقتی که ماه حرام و متارکه پیش آمد، طبیعی است که مذاکراتی بین طرفین پیش می آمد و زمینه سازی هایی میشد که چرائی وقوع جنگ و ارزیابی خسارات وارده و پیش بینی هائی برای رفع علت وقوع جنگ پیش بیاید و اغلب اینطور بود که پس از پایان ماه های حرام ادامه جنگ قبلی پیش نمی آمد، یعنی آن جنگ «تمام شده» تلقی میگردد، و به این ترتیب، از ادامه ریختن خون های بیشتر و پیش آمدن خسارت های بیشتر مادی و معنوی جلوگیری میشد.

کسی فکر نکند این رسم عالی تمدن ساز اختراع اعراب بی تمدن و کم علم قبل از اسلام بود، بلکه این یک سنت الهی بود که در آیه سوره توبه (تقریبا به ترتیب نزول در اواخر قرآن در سوره توبه [برائت] به آن اشاره شده است، آنجا که میفرماید: ان عده الشهور عندالله اثنا عشر شهرا فی کتاب الله، منها اربعة حُرُم . .)

من گمان میکنم وقتی که اسمعیل فرزند حضرت ابراهیم آنقدر بزرگ شده بود که باهم خانه کعبه را میساختند (واذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل . . که در همین سوره بقره هست) غیر از رسم و نحوه برگزاری حج و عمره، رسم چهارماه حرام نیز توسط همان بزرگوار به اسماعیل آموزش داده و به اجرای آن توصیه و تاکید شده بوده باشد.

البته بعدا برخی از قبایل نزدیک به ظهور اسلام، در این رسم عالی تمدن ساز دستکاری هایی کردند، که چون شرحش در سوره توبه آمده، در اینجا به آن نمی پردازیم.

در همین زمان خودمان چهار جنگ عظیم مخرب تمدن وقوع یافت: جنگ بین الملل اول (از ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹) و دوم (از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۴) و جنگ ویتنام که فرانسوی ها شروع کردند و در دین بین فو شکست سختی خوردند، که جان کندی به کمک آنها رفت و پس از ترور او معاونش لیندون جانسون به خیال آنکه آن را تمام کند واردش شد و دو دوره ریاست جمهوری خود را در آن باطلاق سپری کرد و پس از او نیکسون که بالاخره فهمید که امکان پیروزی نیست یک جور محترمانه ای در حالتی که اسم واقعی اش چیزی جز شکست نبود از آن خارج شد، و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز که هشت سال طول کشید را که همه مان با جزئیات بخاطر داریم.

اگر کسانی تحقیق کنند که چه مقدار انسان (اعم از نظامی و غیر نظامی از هرطرف) کشته شدند و معلولان چقدر بودند و چقدر تخریب در ساختمان ها و راه ها و سدها و بیمارستانها و دانشگاه ها و کارخانه ها و سایر عناصر تمدنی حاصل شد، و چقدر هزینه اقتصادی هدر شد، و اگر این جنگ ها وقوع نمی یافت و هزینه های مذکور صرف نیاز های بشری میشد، حالا این کره زمین چه بهشتی بود، سر آدمیزاد سوت میکشد، و اگر سنتِ الهی ماه حرام رعایت میشد، همه این فجایع اتفاق نمی افتاد! یادمان نرود که خود داستان کربلا نیز درست در ماه حرام تحمیل شد که کل بشریت الی الابد داغدارش خواهد بود.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! از تو می پرسند چه اتفاق کنند بگو هر چه اتفاق می کنیدی، بهتر است به والدین و نزدیکان و یتیمان و بیچارگان و در راه مانده ها باشد و هر کار خیری که کنیدی، خداوند به آن آگاه است (۲۱۵) بگو ای مسلمانان! جنگ بر شما مقرر شد در حالیکه آن را خوش نمیدارید و چه بسا چیزی که خوش نمیدارید اما برایتان خوب است و چه بسا چیزی که دوست دارید اما برایتان شر است و خداوند میداند و شما نمیدانید (۲۱۶)

از تو درباره جنگ در ماه حرام می پرسند بگو جنگ در آن گناهی بزرگ است، اما بازداشتن از راه خدا، و کفر به آن، و کفر به مسجدالحرام و اخراج اهلش از آن، نزد خدا گناهی بزرگتر است، و فتنه از قتل بالاتر است، و آنها آنقدر با شما می جنگند تا شما راه، اگر بتوانند، از دینتان برگردانند، و هر کس از دینش برگردد و در حال کفر بمیرد اعمالش در دنیا و آخرت از بین میرود و اهل آتش بوده و در آن جاودان خواهد بود (۲۱۷)

البته آنانکه ایمان آورده و هجرت نموده و در راه خدا جهاد کرده باشند به رحمت خدا امیدوارند و خداوند آمرزگار مهربان است (۲۱۸)

از تو درباره شراب و قمار میپرسند بگو در آن دو گناهی بزرگ و منفعت هائی برای مردم است، ولی گناه آنها از نفعشان بزرگتر است، و می پرسند چه اتفاق کنند، بگو افزون بر نیاز را اتفاق کنید، خداوند آیاتش را چنین برایتان بیان می کند شاید تفکر کنید (۲۱۹) در باره دنیا و آخرت تفکر کنید.

و درباره یتیمان از تو می پرسند بگو سامان دادن به کار آنان بهتر است و اگر با آنها قاطی شوید پس بدانید که برادران شما هستند و خداوند مفسد را از مصلح باز می شناسد و اگر خدا میخواست شما را به زحمت می انداخت، که او پیروزمند فرزانه است (۲۲۰)

و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا مسلمان شوند و البته کنیز مسلمان از زن مشرک بهتر است ولو اینکه از آن مشرک خوشتان بیاید

و با مردان مشرک ازدواج نکنید تا مسلمان شوند و یک برده مومن از مرد مشرک بهتر است حتی اگر از آن مشرک خوشتان بیاید.

آنها بسوی آتش دعوت می کنند و خداوند به اذن خویش بسوی بهشت و آمرزش دعوت می کند. و آیاتش را برای مردم بیان می کند شاید پند گیرند (۲۲۱)

و از تو درباره حیض میپرسند. بگو آن رنجی است.

پس در ایام حیض با آنان نزدیکی مکنید تا وقتی که پاک شوند و وقتی که پاک شدند آنطور که خداوند امر کرده به آنان درآئید که خداوند بازگشت کنندگان و پاکی جویان را دوست میدارد (۲۲۲)

زنان شما کشتزار شماینند پس به کشتزار خویش هر وقت خواستید در آئید و برای خویش توشه نیک از پیش فرستید و از خداوند پروا کنید و بدانید که به لقای او خواهید رسید و ای پیامبر! مومنان را بشارت ده (۲۲۳)

و خداوند را دستاویز سوگند های خود قرار ندهید که به بهانه آن، از نیکی و تقوا و اصلاح بین مردم خودداری کنید، و خداوند شنوای داناست (۲۲۴)

خداوند شما را در قسم های بیپرده مواخذه نمی کند بلکه به آن چیزی که دل هایتان کسب کرده مواخذه می کند و خداوند آمرزگار حلیم است (۲۲۵)

کسانی که قسم میخورند برای همیشه از زنان خویش کناره گیرند چهار ماه میتوانند در این حالت بمانند و اگر برگشتند خداوند آمرزگار مهربان است (۲۲۶)

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٧﴾ وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكُنَّ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾ الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَاِمْسَاكِ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِحِي بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يَقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يَقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢٩﴾ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ طَلَّ أَنْ يَقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبُغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأُمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٣١﴾ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبُغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاصُوا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمْ أَرْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٢﴾ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِمَّ الرِّضَاعَةُ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَزِيعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٣﴾ وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٣٤﴾ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةٍ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنْكُمْ سَنَدُكُرُوهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٣٥﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسَعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣٦﴾ وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَبِصْفٍ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْتُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٧﴾ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ

الْوُسْطَىٰ وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِينِ ﴿٢٣٨﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرَجَلًا أَوْ زَنْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَدْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٩﴾ وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤٠﴾ وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿٢٤١﴾ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از گوه‌های بد (یهودیان و غیره).
 برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: صدور احکام دقیق راجع به طلاق که سبب صیانت بنیان خانواده ورشد و تعالی جامعه می گردد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٧﴾

ریز درب: موضوعات مرتبط به طلاق مورد دقت خداوند است

۲

وَالْمُطَلَّقاتِ يَرْبِصْنَ أَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾

ریز درب: مسئولیت و حق زنان و مردان در هنگام طلاق

۳

الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢٩﴾ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا حِلَّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ طَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾

ریزدرب: طلاق امری است کاملاً جدی

۴

وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبَسْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَادْكُرُوا بِعِمَّتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٣١﴾ وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبَسْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاصُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمَ ارْزُقُوا لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٢﴾

ریزدرب: حقوق زن مطلقه

۵

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِمَّ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسَرِّعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٣﴾ وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغَ أَجَلُهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٣٤﴾

ریزدرب: مسئولیت مردان و حق زنان در مورد شیرخوارگی اطفال و نیز حق زن مطلقه ای که عده طلاق را به پایان رسانده

۶

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيَمَا عَرَضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكُنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنْكُمْ سَتَذَكَّرُوهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرِضُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٣٥﴾

ریزدرب: عجله نکردن در اعلام فسخ ازدواج قبل از اتمام عده

۷

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ مَسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا عَنْ فَرِيضَةٍ وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣٦﴾ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ مَسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ عَنْ فَرِيضَةٍ فَبَصُرَتْ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٧﴾

ریزدرب: رفتار اخلاقی در مورد حقوق زن مطلقه

۸

خَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴿٢٣٨﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أُمِيتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٩﴾

ریزدرب: اهمیت دادن به نماز، مخصوصا نماز ظهر

۹

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤٠﴾

ریزدرب: حق زنان مطلقه در حفظ یکساله مسکن و نقه شان پس از وقوع طلاق حتی در صورت فوت شوهر، از طریق منظور کردن در وصیتنامه او

۱۰

وَلِلْمُطَلَّاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿٢٤١﴾

ریزدرب: توصیه اخلاقی به منظور کردن حقی بیش از حداقل تصریح شده

۱۱

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٢﴾

ریزدرب: عنایت حق تعالی به اهمیت رعایت جوانب مربوط به طلاق

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی) در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبران شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان‌ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی (ع) ازسلطه فرعونیان رهایی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی

از قبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره در پیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هر کس با هر دینی که باشد.

در پاراگراف ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۷ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبران نافرمانی کردند، و شما این عبادات را به جای آورید، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحی که به تو می شود دلگرم باش و راه خود را برو.

در پاراگراف ۹ می فرماید: ای مسلمانان! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه بر آخرت دردنیای نیز به نعمت های بزرگ برسید و در هنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است.

در پاراگراف ۱۰ می فرماید: ای مسلمانان! مدتی به علت اشغال کعبه توسط مشرکان مجبور بودید بطرفی دیگر نماز کنید اما اینک که از هر لحاظ رنگ شخصیتی مشخص خویش ریاخته اید بهتر است به سوئی عبادت کنید که بیشترین قربابت را با آن دارید.

در پاراگراف ۱۱ می فرماید: ای مسلمانان! برای ارتقاء روحی و شخصیتی لازم است خود را به این اخلاق متخلق سازید و حج بجا آورید.

در پاراگراف ۱۲ می فرماید: بعضی از مردم که علیرغم اینهمه آیات خلق و امر الهی برای خداوند همتا قرار می دهند در آخرت معذب خواهند بود، و ای مردم! از روزی حلال استفاده کنید تا اعتلاء یابید، و ای مسلمانان! اعتقادات صحیح، انفاقات مستحب، به پایداری نماز، انفاقات واجب، وفاء به عهد، پایداری در سختی ها، و در جنگ، و حکم قصاص، و حکم وصیت، و احکام روزه، و ممنوعیت رشوه، و جهاد برای دفاع و رفع موانع، موجب اعتلاء شخصیت تان است.

در پاراگراف ۱۳ می فرماید: ای مسلمانان! دل خویش را با خداوندتان و پیامبرش صاف و صادق کنید و مبادا رفتارهای منافقانه و کافرانه از خویش به ظهور برسایند.

در پاراگراف ۱۴ می فرماید: ای مسلمانان! به شدت مواظب اختلافات احتمالی در امور مرتبط با «حق» باشید و با قوت از آن اجتناب کنید.

در پاراگراف ۱۵ می فرماید: ای مسلمانان! اینک که عده ای از شما هجرت کرده و حکومتی از خود دارید نیاز به مقررات تنظیم کننده ای دارید که تدریجا دریافت می کنید.

این پاراگراف مربوط به احکام طلاق است.

۴- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۲۴۲، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه های ۲۳۸ و ۲۳۹ پراکنشی است.

خانواده، کانون بیشترین توجهات خداوندی

چنانکه ملاحظه می‌فرمائید ۱۶ آیه بلند درباره زن و بچه و شیر دادن و نفقه و پروردهای زنانه، و طلاق، و بطور کلی مسائل مربوط به خانواده، نازل شده است. چنانکه دیدیم، در این سوره، احکام مختلفی در اموری مختلف وجود دارد. قبله، نماز، حج، انفاق، جهاد، روزه، و غیره و غیره، اما هیچیک از آنان این حجم متمرکز را در کل سوره را بخود اختصاص نداده، و این، بهترین معرف این نکته است که استحکام بنیان خانواده پاک مسلمانی، از نظر شارع مقدس حائز بیشترین اهمیت است، و بطور کلی می‌توان گفت در قرآن، از لحاظ نزول احکام و تعیین حد و حدود عادلانه مطالب مربوطه، بیشترین کانون توجه، امر مربوط به سلامت خانواده می‌باشد.

ترجمه تفسیری آزاد

و اگر زوجی تصمیم به طلاق گرفتند البته خداوند شنوای داناست (۲۲۷) و زنان مطلقه تا سه دوره پاک‌ی بی شوهر جدید بمانند و برایشان حلال نیست آنچه را که خداوند در رحم های آنها ایجاد نموده کتمان کنند، اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارند،

و شوهرانشان اگر قصد اصلاح داشته باشند سزاوارترند که به آنها برگردانده شوند و برای آن زنان حقوق شناخته شده ای است، مانند چیزی که برعهده شوهرانشان است، و شوهرشان بر بازگشت به آنان مرتبتی دارند، و خداوند پیروزمند فرزانه است (۲۲۸)

طلاق دو بار است. یا بطور عرفی نگهداری شوند یا به نیکی آزاد گذاشته شوند و حلال نیست از آن چیزی که به آنان داده اید چیزی را پس بگیرید مگر اینکه آن دو

بترسند که حدود خدا را بر پا نخواهند داشت، پس اگر ترسیدند که حدود خدا را بپا ندارند عیبی ندارد که زن به عوض خویش چیزی دهد. این حدود خداست. از آن تجاوز مکنید و هر کس که از حدود خدا تجاوز کند از ظالمان است (۲۲۹)

پس اگر بازهم برای بار سوم طلاقش داد دیگر بر او حلال نخواهد شد مگر اینکه آن زن با مرد دیگری ازدواج کند، پس اگر او طلاقش داد برای آنان اشکالی ندارد که به یکدیگر رجوع کنند در صورتیکه گمان کنند که حدود خدا را بپا خواهند داشت و این حدود خداست که برای مردمی دانا بیان می کند (۲۳۰)

و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به سرآمد خویش رسیدند آنها را مطابق عرف نگهدارید یا مطابق عرف آزاد شان بگذارید و آنها را به زور نگه ندارید که ضررشان بزنید تا به آنان تعدی کنید و هر کس این کار را کند به خویش ظلم کرده. و آیات خدا را به مسخره بگیرید و نعمت خدا و نیز آنچه از کتاب و حکمت به شما فرو فرستاده را یاد کنید و به آن موعظه تان میکند و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به همه چیز داناست (۲۳۱)

و هنگامیکه زنان را طلاق دادید و به سرآمد خویش رسیدند مانعشان نشوید که با همسران دلخواه خود در صورتیکه بین خویش رضایت متقابل عرفی داشتند ازدواج کنند. کسانی از شما که به خداوند و روز آخرت ایمان دارند از این پند میگیرند. این برای شما پاکتر و مایه رشد بیشتر است و خداوند میداند و شما نمیدانید (۲۳۲)

و مادرانی که بخواهند شیردادن کامل انجام دهند فرزندان خویش را دو سال تمام شیر دهند، و برعهده صاحب فرزند است که روزی و لباس آنها را مطابق عرف تامین کند. هیچکس جزیه اندازه وسعش تکلیف نمیشود.

نه مادر بخاطر فرزندش و نه صاحب فرزند برای فرزندش نباید ضرر ببینند.

و بر عهده وارث نیز مثل آن است.

پس اگر با رضایت متقابل و مشاوره تصمیم به از شیر گرفتن گرفتند عیبی ندارد، و اگر خواستید برای اولادتان ازدیگری تقاضای شیر کنید عیبی ندارد در صورتیکه فرزند را تسلیم کسی که بسوی او رفته اید می کنید مطابق عرف چیزی بدهید و از خدا پروا کنید، و بدانید که خداوند به آنچه می کنید بیناست (۲۳۳)

و کسانی از شما که میمیرند و همسران بجا میگذارند آن همسران چهار ماه و ده روز بمانند. پس هنگامی که به آن سر آمد رسیدند عیبی ندارد درباره خویش مطابق عرف عمل کنند و خداوند به آنچه می کنید آگاه است (۲۳۴)

و عیبی ندارد درباره خواستگاری زنان چیزی اظهار کنید یا در خویش پنهان کنید.

خداوند میداند که بزودی آنها را یاد خواهید کرد و لیکن بطور پنهانی قول و قرار نگذارید مگر اینکه چیزی مطابق عرف بگوئید و نیز قصد عقد زناشوئی نکنید تا آن حکم مقرر شده عده به سر آمدش برسد و بدانید که خداوند آنچه را که در ضمیر شماست میداند، پس از او حذر کنید و بدانید که خداوند آمرزگار حلیم است (۲۳۵) عیبی ندارد اگر زنانی را که به آنها دست نزده اید یا برای آنها مهریه ای قرار نداده اید طلاق دهید ولی برخوردارشان کنید.

شخص مرفه به اندازه خود و شخص تنگدست به اندازه خود، متاعی مطابق عرف بدهد که حقی است بر عهده نیکوکاران (۲۳۶) و اگر مهریه معین کرده اید اما به آنان دست نزده اید و طلاقشان دادید نصف آن چیزی را که معین کرده اید بدهید، مگر اینکه آنها خودشان ببخشند یا آنکس که ازدواج بدست او انجام شده ببخشد، و اگر ببخشید به تقوا نزدیکتر است. و بخشش بین خویش را فراموش نکنید که خداوند به آنچه می کنید بینا است (۲۳۷)

بر نمازها و بخصوص نماز میانی پایبند باشید و برای خداوند فروتنانه بپاخیزید (۲۳۸) و اگر در حال ترس بودید پیاده یا سواره نماز کنید و هنگامیکه به امنیت رسیدید یاد خدا کنید همانطور که به شما چیزی را که نمیدانستید آموخت (۲۳۹)

و اگر کسانی از شما مردند و زنانی بجای گذاشتند باید برای زنانشان هزینه تا یکسال را وصیت کنند و نباید آنها را از منزل خویش بیرون کنند و اگر خودشان بیرون رفتند برای شما گناهی ندارد که آنها درباره خودشان مطابق عرف چه میکنند و خداوند پیروزمند فرزانه است (۲۴۰)

و برای طلاق داده شدگان بر عهده تقوا پیشگان حقی است که متاعی مطابق عرف به آنان بدهند (۲۴۱)

خداوند آیاتش را برایتان چنین بیان می کند شاید تعقل کنید (۲۴۲)

بقرة ١٧ آيات ٢٤٣ تا ٢٥٤

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٤﴾ مَنْ ذَا الَّذِي يْقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ ائْتِنَا مِنْ مِلْكَاتٍ نَقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا بَلَىٰ نَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٤٦﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾ فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُّلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِّنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةً غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مَا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا افْتَنَّاكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٥٤﴾

پیش تفهیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: تشویق مسلمین برای آماده شدن برای جنگ رهایی بخش از طریق ذکر یک داستان تاریخی که متضمن رهایی از بندها و موانع رشد و تعالی آنان می باشد، و برحذر داشتن آنان که در این خصوص مانند یهودیان رفتار نکنند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٤﴾ مَن ذَا الَّذِي يَفْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَبِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾

ریزدرپ: ای مسلمانان! به امکان مرگ در اثر مقاتله در راه خدا نترسید، و برعکس، به موضوع فوق کمک هم بکنید.

۲

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِن بَنِي إِسْرَآئِيلَ مِن بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لَنَبِيِّهِمْ هُمْ ائِمَّةٌ لَّنَا مَلَكًا تُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِن دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٤٦﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكُهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَن يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ

وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمُ الَّذِينَ هُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾
 فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي
 إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا
 الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو اللَّهِ كَمْ مِّنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةً غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ
 مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا مَبْرًا وَثَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَانصَرَفْنَا
 عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ
 مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾
 تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ الْحَقُّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! از جهاد آزادیبخش استقبال نموده و مقرراتش را به تمامی عمل کنید.

۳

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ
 الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَنَّا الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ
 اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَنَّا لَهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾ يَا
 أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ زَعَمْنَاكُمْ مَنْ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمْ
 الظَّالِمُونَ ﴿٢٥٤﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! اختلاف در اصل دین، آنهم پس از نزول بینات، به جنگ داخلی می انجامد، که خسارتبار است.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلا هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی)

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبرتان شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت در گرو ایمان و پیروی هدایتهای الهی است.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) ازسلطه فرعونیان رهائی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هرکس با هر دینی که باشد.

در پاراگراف ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۷ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبرشان نافرمانی کردند، و شما این عبادات را به جای آورید، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحیی که به تو می‌شود دلگرم باش و راه خودت را برو.

در پاراگراف ۹ می فرماید: ای مسلمانان! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه بر آخرت در دنیا نیز به نعمت های بزرگ برسید و در هنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است.

در پاراگراف ۱۰ می فرماید: ای مسلمانان! مدتی به علت اشغال کعبه توسط مشرکان مجبور بودید بطرفی دیگر نماز کنید اما اینک که از هر لحاظ رنگ شخصیتی مشخص خویش را یافته اید بهتر است به سوئی عبادت کنید که بیشترین قرابت را با آن دارید.

در پاراگراف ۱۱ می فرماید: ای مسلمانان! برای ارتقاء روحی و شخصیتی لازم است خود را به این اخلاق متخلق سازید و حج بجا آورید.

در پاراگراف ۱۲ می فرماید: بعضی از مردم که علیرغم اینهمه آیات خلق و امر الهی برای خداوند همتا قرار می‌دهند در آخرت معذب خواهند بود، و ای مردم! از روزی حلال

استفاده کنید تا اعتلاء یابید، و ای مسلمانان! اعتقادات صحیح، انفاقات مستحب، به پایداری نماز، انفاقات واجب، وفاء به عهد، پایداری درسختی ها، و درجنگ، و حکم قصاص، و حکم وصیت، و احکام روزه، و ممنوعیت رشوه، و جهاد برای دفاع و رفع موانع، موجب اعتلاء شخصیت تان است.

در پاراگراف ۱۳ می فرماید: ای مسلمانان! دل خویش را با خداوندتان و پیامبرش صاف و صادق کنید و مبدا رفتارهای منافقانه و کافرانه از خویش به ظهور برسانید.

در پاراگراف ۱۴ می فرماید: ای مسلمانان! به شدت مواظب اختلافات احتمالی درامور مرتبط با «حق» باشید و باقوت از آن اجتناب کنید.

در پاراگراف ۱۵ می فرماید: ای مسلمانان! اینک که عده ای از شما هجرت کرده و حکومتی از خود دارید نیاز به مقررات تنظیم کننده ای دارید که تدریجا دریافت می کنید.

در پاراگراف ۱۶ احکام مربوط به طلاق را بیان میفرماید.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! مبدا مانند بنی اسرائیل رفتار کنید که در راه آزادی خود و هم عقیده های خویش سستی کردند و در نتیجه به خواری و ذلت افتادند.

۴ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۲۴۳ از این لحاظ که در مقوله «رجعت» مورد استناد قرار میگیرد جزء آیات برجسته است.

آیه ۲۵۳ از آنجا که بطور واضح بین شاء خدا و اراده خدا جدائی انداخته، بار معارفی بالائی دارد و جزء آیات برجسته است.

۵ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۲۴۳ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

آیه ۲۵۴ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۲۵۲ و ۲۵۴، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

آماده کردن اذهان مسلمانان برای جنگی که قریب الوقوع بود

در این پاراگراف (۲۴۳ تا ۲۵۴) با شبیه سازی یکی از جنگ های آزادی بخش بنی اسرائیل در حقیقت دارد آمادگی روحی مسلمانان، و برای حاضر شدن آنها در جنگی قریب الوقوع، زمینه می سازد.

از آیات مزبور فهمیده میشود که بسیاری از مسلمانان خواستار (به زعم خودشان) جنگ با این خدانشناسان نابکار بودند اما در حقیقت نه تجربه رویارویی در یک جنگ جدی واقعی را داشتند و نه مشخصات لازم از قبیل پایداری و آمادگی جسمی و روحی را (و فقط تعداد اندکی از آنان مشخصات روحی و جسمی لازم را داشتند)، و به عبارت دیگر در میان مسلمانان شعار دهنده زیاد و پایداری کننده کم بود.

در آیه ۲۴۳ بخوبی موضوع «زندگی و مرگ بدست خداست» را بیان و تشریح می کند و در آن نکته هائیکه که بدرد مسلمانان آنروزی مخاطب این آیات می خورد از جمله اینکه:

- ۱- ترس از مرگ و فرار از آن، مانع وقوع آن نیست.
- ۲- خداوند می تواند جلوی وقوع مرگ حتمی را بگیرد و حتی از آنهم بالاتر، خداوند می تواند شخص مرده را زنده کند. از مجموع دو مطلب فوق، ترس از مرگ نزد مخاطب های آن روز، ضعیف و کمرنگ می شد.

در آیه ۲۴۵ میفرماید جنگ، هر چه باشد، بدون پشتیبانی مالی، چندان موفق نخواهد بود و چنانکه ملاحظه می شود خداوند با کسانی که در جهت پشتیبانی مالی در راه خدا وظیفه ای را انجام می دهند چقدر با احترام صحبت کرده و چقدر عمل آنها را بزرگ شمرده و خود را در موضع «قرض گیر» و آنان را در موضع «قرض ده» نشانده و این عمل را «قرض» نامیده و به مال آنان که در حقیقت مالیت که خودش به آنان داده، اصالت قائل شده و آن را «مال آنان» دانسته، و واقعاً این طرز بیان، چه شخصیتی به آنان می داده است.

در آیات ۲۴۶ تا ۲۵۳ چنان صحنه هایی از شور و حماسه ارائه می دهد که مخاطب-

های آن روز را کاملاً تشجیع و مرگ را در نظر آنان کوچک و آرزوی توفیق برای حضور در صحنه‌ای چنین پر حماسه را در قلب آنان شعله‌ور می‌ساخت تا اینکه خود آنها بهتر و بالاترش را در جنگ بدر بزودی آفریدند. از آیه ۲۴۹ فهمیده می‌شود که این نبرد نابرابر بوده (جنگ بدر نیز بسیار نابرابر بوده)

از آیه ۲۵۱ فهمیده می‌شود دوره معجزات سپری شده و دیگر خداوند بوسیله «فرستادن دستی از آسمان» بکمک کسی نمی‌آید و این قانون را قرار داده که برای دفع شر آدمهای بد، آدمهایی که خودشان را خوب حساب می‌کنند باید به میدان ببینند، که در آنصورت خداوند هم کمکی می‌کند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! آیا داستان آنان که از ترس مرگ از شهر های خویش خارج شدند و هزاران نفر بودند به تو نرسیده، که خداوند به آنان گفت بمیرید سپس زنده شان کرد؟ خداوند بر مردم بخشش دارد ولیکن اکثر مردم شکر نمی‌گزارند (۲۴۳) و در راه خدا کارزار کنید و بدانید که خدا شنوای داناست (۲۴۴) کیست که به خداوند قرض الحسنه ای دهد و او نیز آنرا برایش چندین برابر کند؟ و خداوند است که تنگ می‌گیرد و بسط می‌دهد و بسوی او باز می‌گردد (۲۴۵)

آیا ندیدی آن بزرگان بنی اسرائیل را که پس از موسی به پیامبرشان گفتند برای ما فرماندهی برگزین که در راه خدا بجنگیم، گفت آیا اینطور نیست که اگر کارزار برایتان مقرر شود انجامش ندهید؟ گفتند چه مان شده که در راه خدا نجنگیم در حالیکه از شهرهایمان و فرزندانمان بیرونمان کرده اند؟ اما چون جنگ بر آنها مقرر شد، غیر از عده کمی، سر پیچی کردند و خداوند به حال ظالمان داناست (۲۴۶) و پیامبرشان به آنان گفت خداوند طالوت را برایتان به فرماندهی برگزیده است. گفتند چگونه فرماندهی برای او مقرر شده در حالیکه ما از او سزاوارتریم و او از لحاظ مالی نیز مرفه نیست؟ گفت خداوند او را بر شما برگزیده و او را از لحاظ علم و جسم زیاده و گشایشی داده و خداوند فرماندهی خویش را به هر کس که خواهد می‌دهد و خداوند گشایش دهنده داناست (۲۴۷) و پیامبرشان به آنان گفت علامت فرماندهیش این است که آن صندوق را برایتان می‌آورد، همان که در آن آرامشی از

جانب پروردگارتان و بقیه ای از آنچه آل موسی و آل هارون بجا گذاشتند هست ، و ملائکه حملش می کنند . البته دراین نشانه ای است برای شما اگر مومن باشید (۲۴۸) و هنگامیکه طالوت با سپاهیان از شهر جدا شد گفت خداوند شما را به جویی آزمایش میکند . پس اگر کسی از آن بنوشد از من نیست و کسی که نخورد از من است مگر آنکه فقط کفی برگیرد و بنوشد، پس جز عده کمی از آن نوشیدند . و چون او و مومنان همراهش از آن گذشتند عده ای از لشکریانش گفتند امروز طاقت مبارزه با جالوت و سپاهیان را نداریم . اما آنانکه گمان ملاقات خداوند را داشتند گفتند چه بسیار بودند سپاهیان اندک که بفرمان خدا بر سپاهیان بسیار پیروز شدند و خداوند با پاداران است (۲۴۹) و هنگامیکه به مقابل جالوت و سپاهش رسیدند گفتند پروردگارا صبری بر ما بریز و قدم هایمان را ثابت کن و ما را بر کافران پیروز فرما (۲۵۰) پس به فرمان خدا آنها را پراکنده کردند و داود جالوت را کشت و خداوند به او فرماندهی و حکمت داد و آنچه میخواست به او آموخت. و اگر اینطور نبود که خداوند بعضی از مردم را بدست بعضی دیگر دفع کند ، زمین فاسد میشد ولیکن خداوند بر جهانیان فضل و کرم دارد (۲۵۱)

ای پیامبر! این آیات خداست که به حق بر تو میخوانیم و تو البته از فرستادگانی (۲۵۲) این پیامبران، بعضی شان را بر بعضی برتری دادیم. از میان آنان کسی بود که خداوند با او گفتگو کرد و همو بعضی را بر بعضی برتری داد و به عیسی پسر مریم نیز دلیل های روشن داد و او را با روح القدس تقویت کرد و اگر خدا میخواست پس از آنان، مردمی که بعدا پدیدار شدند، پس از اینکه آن دلایل روشن بسویشان آمده بود، کارزار نمیکردند ولیکن اختلاف پیدا کردند و بعضی ایمان آوردند و بعضی کفر ورزیدند و اگر خدا میخواست با یکدیگر نمی جنگیدند، ولیکن خداوند آنچه بخواهد میکند (۲۵۳)

ای مسلمانان! از آنچه روزیتان کرده ایم انفاق کنید، قبل از آنکه روزی برسد که در آن نه خرید و فروشی و نه دوستی و نه شفاعتی باشد و کافران همان ظالمانند (۲۵۴)

بقره ۱۸ آیات ۲۵۵ تا ۲۶۰

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُهُم مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُبْحِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُخْبِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها حَمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولَئِمْ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَى وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ارائه معارف بلندپایه که سبب ارتقاء سطح معرفتی است و ارائه معارف خاص راجع به خداوند و زندگی پس از مرگ که سبب ارتقاء سطح معرفتی مسلمانان است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْتَفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنَ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا يَخْرُجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ فِي الظُّلُمَاتِ وَلَئِنْ لَمْ يَنُوحُوا لَكَ يَا نُوثَالُ لَعَلَّكَ تَكْفُرُ ﴿٢٥٧﴾

7

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيْ يُفِئُتِيْ وَفِيْئْتُ قَالَ أَنَاْ خَيْرِيْ وَأَمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾

٢

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْبَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا قَامَتِهَا اللَّهُ مِثَّةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِثَّةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ أَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِتَجْعَلَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِئُهَا ثُمَّ تَكْسُوها فَهِيَ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمْتُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

3

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذَا نُمِيتُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِنَّكَ تَمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

ریزدرب: ای مردم! قیامت را جدی بگیرید، و متوجه باشید خداوند بر هر چیزی توانا است.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی)

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبران شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) ازسلطه فرعونیان رهائی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هرکس با هر دینی که باشد.

در پاراگراف ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۷ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبران نافرمانی کردند، و شما این عبادات را به جای آورید، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحیی که به تو می‌شود دلگرم باش و راه خودت را برو.

در پاراگراف ۹ می فرماید: ای مسلمانان! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه بر آخرت دردنیای نیز به نعمت های بزرگ برسید و درهنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است.

در پاراگراف ۱۰ می فرماید: ای مسلمانان! مدتی به علت اشغال کعبه توسط مشرکان مجبور بودید بطرفی دیگر نماز کنید اما اینک که از هر لحاظ رنگ شخصیتی مشخص خویش را یافته اید بهتر است به سوئی عبادت کنید که بیشترین قرابت را با آن دارید.

در پاراگراف ۱۱ می فرماید: ای مسلمانان! برای ارتقاء روحی و شخصیتی لازم است خود را به این اخلاق متخلق سازید و حج بجا آورید.

در پاراگراف ۱۲ می فرماید: بعضی از مردم که علیرغم اینهمه آیات خلق و امر الهی برای خداوند همتا قرار می دهند در آخرت معذب خواهند بود، و ای مردم! از روزی حلال استفاده کنید تا اعتلاء یابید، و ای مسلمانان! اعتقادات صحیح، انفاقات مستحب، به پایداری نماز، انفاقات واجب، وفاء به عهد، پایداری در سختی ها، و در جنگ، و حکم قصاص، و حکم وصیت، و احکام روزه، و ممنوعیت رشوه، و جهاد برای دفاع و رفع موانع، موجب اعتلاء شخصیت تان است.

در پاراگراف ۱۳ می فرماید: ای مسلمانان! دل خویش را با خداوندتان و پیامبرش صاف و صادق کنید و مبادا رفتارهای منافقانه و کافرانه از خویش به ظهور برسانید.

در پاراگراف ۱۴ می فرماید: ای مسلمانان! به شدت مواظب اختلافات احتمالی در امور مرتبط با «حق» باشید و باقوت از آن اجتناب کنید.

در پاراگراف ۱۵ می فرماید: ای مسلمانان! اینک که عده ای از شما هجرت کرده و حکومتی از خود دارید نیاز به مقررات تنظیم کننده ای دارید که تدریجا دریافت می کنید.

در پاراگراف ۱۶ احکام مربوط به طلاق را بیان میفرماید.

در پاراگراف ۱۷ می فرماید: ای مسلمانان! مبادا مانند بنی اسرائیل رفتار کنید که در راه آزادی خود و هم عقیده های خویش سستی کردند و در نتیجه به خواری و ذلت افتادند.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! زندگی و الزامات آن شما را از کسب و ارتقاء دائمی معارف دینی غافل نکند. آنها برای این است که «باشید» و اینها برای این است که در نردبان انسانیت پله ای «بالا تر روید» و از مرگ نهرا سید و رشد روحی و شخصیتی شما در گرو نهرا سیدن از آن ونهی از منکر و کوشش دائمی برای ارتقاء سطح معرفتی تان است.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

با توجه به «درس» و «درب»، در این پاراگراف، با ذکر سه نمونه داستانی، از سه جهت فکر مسلمانان آن روزها را بسط می دهد تا روحیه شان رشد کرده و آماده خلق آن صحنه های حماسی که بزودی قرار بود در جنگ بدر اتفاق بیفتد بشوند.

در داستان اول (آیه ۲۵۸) ابراهیم (ع) را مثال می زند که چطور با پادشاه قدرتمند زمان خویش به گفتگو بر می خیزد و از او نمی ترسد و باطل بودن عقایدش را به او نشان می دهد.

در داستانهای دوم و سوم (آیه های ۲۵۹ و ۲۶۰) صحنه هایی از قدرت مطلق غیرقابل تصور خداوند را درباره زنده کردن مردگان و اینکه مرگ چیز مهمی نیست را مطرح میکند و مخاطب مومن آروزی را آماده جانبازی می نماید.

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۲۵۵ تا ۲۵۵ آنقدر برجسته هستند که هر قدر در باره شان گفته شود کم است، و این نکته که میلیونها نفر آن را ازبر هستند موقعیت استثنائی شان را تا حدودی نشان میدهد.

۶ - آیات مشکل

آیه ۲۵۵ (آیه الکرسی) از این لحاظ که مفسران در تفسیرش به راه های مختلف و بلکه متضاد رفته اند از آیات مشکل قرآن میباشد.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۲۵۵ به آیتی از علم و قدرت الهی اشاره شده، بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه حتی مخاطبان کنونی نیز میباشد، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

آیه ۲۵۸ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل. همچنین است آیه ۲۵۹.

آیه ۲۵۹ ضمناً از این لحاظ که به آیتی از علم و قدرت الهی اشاره دارد، بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه حتی مخاطبان کنونی نیز، میباشد.

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - ارائه معارف بلندپایه که سبب ارتقاء سطح معرفتی است
- ۲ - ارائه معارف خاص راجع به خداوند
- ۳ - ارائه معارفی مربوط به بخشی از زندگی پس از مرگ

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

آیه آشنا

آیه ۲۵۵ که به «آیه‌الکرسی» مشهور است نه تنها در سوره بقره بلکه در کل قرآن به برجستگی معروف است و هر کسی این امکان را داشته که آن آیه را بصورت خوشنویسی، در تابلوها، کنده‌کاریهای فلزی، معرق‌ها، و کاشی‌کاری‌های سردرهای مساجد، و بالای محراب‌ها ببیند و دارای مضامین عالی است که چون تقریباً تمام مفردات آن را تاکنون در جای جای این تفسیر تحلیلی از اول تاکنون دیده‌ایم، شرحی درباره آن نداریم.

هر دو عالم متعلق به خداوند است

در آیه ۲۵۸، طاغوت معاصر ابراهیم اینکه می‌توانست «کسی را نکشد»، را، با «حیات بخشیدن»، یکی گرفته بود و آنقدر به آن ملتزم بود که آنرا بعنوان دلیل مطرح کرده بود اما در قدم بعدی استدلال در جواب ابراهیم که مثالی از عالم تکوین برایش زد (و او جز عالم اعتباریات چیز دیگری را نمی‌شناخت) از جواب فرو ماند.

اما مطلبی که این آیه برای مخاطب مسلمان آنروزی دارد، این است که هم عالم اعتباریات (نمرود آن را می‌فهمید و همه مردم نیز آنرا می‌فهمند) و هم عالم تکوین هر دو بدست خداست و یکی از عناصر آن هر دو عالم، زندگی و مرگ است و اینقدر از مرگ نترسید و خود را به خدا بسپارید که او زنده کننده مجدد شماست.

ایمان بر مبنای اطاعت کورکورانه نیست

در آیه ۲۶۰، قدم گذاشتن در راه رشد فکری را تا بی‌نهایت مجاز می‌داند و حتی برای یکی از بزرگترین پیامبران الهی نیز چون و چرا و تقاضای دلیل بیشتر را نه تنها نکوهش نمی‌کند بلکه تشویق هم می‌نماید.

و به این ترتیب این نکته را القاء می‌نماید که ای مسلمانان ما از شما اطاعت کورکورانه و بی‌چون و چرا نمی‌خواهیم بلکه قبول آگاهانه عالمانه رشیدانه انتظار داریم.

ضمناً در همان مورد هم با ذکر مثالی توضیح می‌دهد که اختلاط و امتزاج در اجساد متلاشی شده مانع اعمال قدرت الهی نیست.

مردم پس از مرگ فقط به یک «ندای دعوت» الهی نیاز دارند تا فوراً زنده شوند.

ترجمه تفسیری آزاد

خداوند که خدائی جز او نیست زنده پاینده است، نه سستی میگیردش و نه خواب، آنچه در آسمانها و زمین است مال اوست، چه کسی نزد او شفاعت خواهد کرد مگر به اجازه اش؟ آنچه را که در پیش روی آنان و در پشت سرشان است میداند، و به هیچ چیز از علم او احاطه ای نخواهند یافت مگر به اذنش، کرسی او همه آسمانها و زمین را فراگرفته، و حفظ آنها برایش سخت نیست، و همو والامرتبه بزرگ است (۲۵۵)

در دین اجبار نیست. رشد از گمراهی عمدی متمایز شده. پس کسی که به طاغوت کفر ورزد و به خداوند ایمان بیاورد به محکم ترین دستاویز چنگ زده که هرگز گسستنی نیست. و خداوند شنوای داناست (۲۵۶)

خداوند دوست و سرپرست مومنان است که آنها را از تاریکیها بسوی نور هدایت می کند و سرپرستان کافران طاغوت است که آنها را از نور بیرون آورده بسوی تاریکیها می برد. آنها یاران آتشند که در آن جاودانند (۲۵۷)

آیا آنکس را ندیدی که خداوند به او فرمانروایی داده بود و با ابراهیم درباره پروردگارش مجادله میکرد؟ هنگامیکه ابراهیم به او گفت پروردگار من زنده میکند و میمیراند، گفت من هم زنده میکنم، زیرا میتوانم زندگی محکومان به مرگ را ببخشم، و میمیرانم زیرا میتوانم حکم مرگ کسی را بدهم. ابراهیم گفت پروردگارم خورشید را از مشرق می آورد تو اگر قدرت واقعی داری از مغرب بیاورش. آنگاه آن کافر مبهوت شد و خداوند ظالمان را هدایت نمی کند (۲۵۸)

یا آنکسی که از خرابه های شهری میگذشت، گفت خداوند چگونه این را پس از مرگش زنده میکند؟ پس خداوند او را بمدت صد سال میراند، سپس برانگیختش. گفت چند مدت بودی؟ گفت روزی یا قسمتی از آن. گفت نه بلکه صدسال در آن حالت بودی، پس به غذایت و نوشیدنی که دگرگون نشده و به الاغت نگاه کن، تا تو را نشانه ای برای مردم قرار دهیم. و به استخوانها بنگر که چطور آنها را ترتیب میدهیم و چگونه گوشت بر آنها می پوشانیم. و هنگامیکه برایش روشن شد گفت دانستم که خداوند بر هر چیزی تواناست (۲۵۹)

و هنگامیکه ابراهیم گفت پروردگارا بمن نشان ده که چگونه مردگان را زنده می کنی. گفت مگر باور نداری؟ گفت بله ولیکن میخواهم قلبم آرام شود. گفت چهار پرنده بگیر، و نزد خود قطعه قطعه کن، سپس بر هر کوهی قسمتی از آن را بگذار، سپس صدایشان بزن، خواهی دید که به شتاب بسویت می آیند. و بدان که خداوند عزتمند حکیم است (۲۶۰)

بقرة ۱۹ آیات ۲۶۱ تا ۲۷۴

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْتَبَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِمَّنْ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَاءً وَلَا أَدَى هُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٦٢﴾ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَدَى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿٢٦٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٤﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتٍ مِنَ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِيبْهَا وَابِلٌ فَطُلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾ أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦٨﴾ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهَا وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٢٧٠﴾ إِن تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَبِعَمَّا هِيَ إِنْ تُخْفَوُهَا وَتُؤْتُوهُا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٧١﴾ لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٢﴾ لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢٧٣﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
 برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: صدور احکام انفاقات همراه با استدلالها و مثالها که سبب ارتقاء سطح اخلاقی مردم می گردد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَابِلٍ فِي كُلِّ سَبِيلَةٍ مِثَّةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَتًّا وَلَا أَدَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٦٢﴾ قَوْلٌ مُعْرُوفٌ وَمُعْفَوَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَدَى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿٢٦٣﴾

ریز درب: انفاق با نیت خالص برای خدا، بهترین سرمایه گذاری است

۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٤﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيئًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ حَبَّةٍ بَرْنُوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُضِبِّهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾

ریز درب: در انفاق نیت خالص برای خدا، مهم ترین اصل است

۳

أَيُّدُ أَحَدِكُمْ أَنَّ تَكُونَ لَهُ حَبَّةٌ مِّنْ تَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾

ریز درب: انفاق صحیح، آثار خوب دنیوی نیز دارد

۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! از بهترین های مال خویش انفاق کنید

۵

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦٨﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! در موضوع انفاق تحت تاثیر القانات شیطانی قرار نگیرید

۶

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! کسی که به این رهنمودها عمل کند، صاحب حکمت است

۷

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٢٧٠﴾ إِنَّ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَبِعَمَاءٍ هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ مِنَ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٧١﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! قصدتان که رضایت الهی باشد، انفاق پنهانی را ترجیح خواهید داد، اما خداوند فرموده انفاق آشکار نیز خوب است

۸

لَيْسَ عَلَيْكَ هَاهُنَا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! در موضوع هدایت، تو فقط مامور به ابلاغی. و ای مردم!

در موضوع انفاق بدانید که از همه لحاظ به نفع خودتان است

۹

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنَاءَ مِنَ التَّعْقُفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْقَافًا وَمَا تَنْفَقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢٧٣﴾
الَّذِينَ يَنْفَقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! مورد مستحق انفاق را بشناسید، و به بهترین روش عمل کنید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایفت، سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار که قبلاً هم بودند، اینک منافقان هم به مشکلات اضافه شده و نیز امور حکومتی)
در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبران شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند، در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نوزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای مسلمانان! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) ازسلطه

فرعونیان رهائی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه، رفتارهای ناپسندی از قبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و درپیش گرفتند. مبدا شما مانند آنان کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد، از هر کس با هر دینی که باشد.

در پاراگراف ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۷ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبران نافرمانی کردند، و شما این عبادات را به جای آورید، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحیی که به تو می شود دلگرم باش و راه خود را برو.

در پاراگراف ۹ می فرماید: ای مسلمانان! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه بر آخرت دردنیای نیز به نعمت های بزرگ برسید و در هنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است.

در پاراگراف ۱۰ می فرماید: ای مسلمانان! مدتی به علت اشغال کعبه توسط مشرکان مجبور بودید بطرفی دیگر نماز کنید اما اینک که از هر لحاظ رنگ شخصیتی مشخص خویش را یافته اید بهتر است به سوئی عبادت کنید که بیشترین قرابت را با آن دارید.

در پاراگراف ۱۱ می فرماید: ای مسلمانان! برای ارتقاء روحی و شخصیتی لازم است خود را به این اخلاق متخلق سازید و حج بجا آورید.

در پاراگراف ۱۲ می فرماید: بعضی از مردم که علیرغم اینهمه آیات خلق و امر الهی برای خداوند همتا قرار می دهند در آخرت معذب خواهند بود، و ای مردم! از روزی حلال استفاده کنید تا اعتلاء یابید، و ای مسلمانان! اعتقادات صحیح، انفاقات مستحب، به پایداری نماز، انفاقات واجب، وفاء به عهد، پایداری در سختی ها، و در جنگ، و حکم قصاص، و حکم وصیت، و احکام روزه، و ممنوعیت رشوه، و جهاد برای دفاع و رفع موانع، موجب اعتلاء شخصیت تان است.

در پاراگراف ۱۳ می فرماید: ای مسلمانان! دل خویش را با خداوندتان و پیامبرش صاف و صادق کنید و مبدا رفتارهای منافقانه و کافرانه از خویش به ظهور برسانید.

در پاراگراف ۱۴ می فرماید: ای مسلمانان! به شدت مواظب اختلافات احتمالی در امور مرتبط با «حق» باشید و با قوت از آن اجتناب کنید.

در پاراگراف ۱۵ می فرماید: ای مسلمانان! اینک که عده ای از شما هجرت کرده و حکومتی از خود دارید نیاز به مقررات تنظیم کننده ای دارید که تدریجا دریافت می کنید.

در پاراگراف ۱۶ احکام مربوط به طلاق را بیان میفرماید.

در پاراگراف ۱۷ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا مانند بنی اسرائیل رفتار کنید که در راه آزادی خود و هم عقیده های خویش سستی کردند و در نتیجه به خواری و ذلت افتادند.

در پاراگراف ۱۸ می‌فرماید: ای مسلمانان! زندگی و الزامات آن شما را از کسب و ارتقاء دائمی معارف دینی غافل نکند. آنها برای این است که «باشید» و اینها برای این است که درنردبان انسانیت پله ای «بالتر روید» و از مرگ نهراسید و رشد روحی و شخصیتی شما درگرو نهراسیدن از آن ونهی ازمکر و کوشش دائمی برای ارتقاء سطح معرفتی تان است.

در این پاراگراف می‌فرماید: ای مسلمانان! انفاق مال در راه خدا برای شما ضامن رشد و تعالی و برای جامعه تان سبب پیشرفت و برای آخرت تان موجب سعادت است.

۴ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۲۶۱ از آنجا که مکانیزم اجرایش برای ما روشن نیست بالاتر از ذهنیات ما است، و چه رسد برای عرب ۱۴۰۰ سال قبل. همچنین است آیه های ۲۶۴ و ۲۶۵.

آیه ۲۶۲ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. همچنین است آیه ۲۷۴.

۵ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۲۷۲ بقیه آیات این پاراگراف، با توجه به جدول ترتیب نزول ما، تقریباً برای اولین بار میباشد.

شرح مختصر

بذل مال، زیربنای جهاد است

البته جهاد در راه خدا بدون انفاق مال به نتیجه موفق نمی‌رسد، و ظاهراً بذل مال کاری است سخت‌تر از بذل جان، و چنانکه می‌بینیم برای تشویق به آن، هم استدلالات مفصل‌تری صورت گرفته و هم وعده‌های جبران و بهشت و زیاد کردن- های هفتصد برابری و بیشتر داده تا مسلمان‌های مخاطب آنروزی که قرار بود بزودی حماسه‌ای مانند جنگ بدر بیافرینند از سنگینی‌های علائق مادی خویش به اموال و انفس برهند و سر به آستان الهی بسایند و بکنند آن کاری را که باید کرد و بشود آنچه باید بشود.

اینک پیامبر(ص) و عده بسیار زیادی از مسلمانان به یثرب (که بعداً مدینه النبی نام یافت) هجرت کرده‌اند و ناگهان فشارهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی که بطور فزاینده علیه آنها اعمال می‌شد بطور کاملاً محسوسی کاهش یافته است و آنچه را که

در داستان‌های اقوام پیشین در سوره‌هایی مانند هود، یونس، شعراء و اعراف خوانده بودند در مورد خویش نیز تحقق یافته می‌بینند و روحیه و خوش‌بینی‌شان نسبت به آینده به بالاترین حد خویش رسیده و وضع و حالی دارند شبیه به موقعی که حضرت موسی(ع) داشت بنی‌اسرائیل را از مصر خارج می‌کرد و سراپا امید و اعتماد به خدا و خوش‌بین به آینده می‌باشند.

اما آیات سوره بقره به آنان هشدار می‌دهد امتحانات سنگینی در راه است. حجم قابل توجهی از سوره بقره مربوط به نکوهش یهودیان است که چطور نسبت به رسول خویش نافرمانی کردند و چگونه خود را از دیگران بالاتر می‌دانستند و چگونه دین خویش را دکان کردند و غیره و غیره، و طبعاً این حجم سنگین، حاوی این پیام است که اولاً شما هم ممکن است مانند آنان شوید و مبادا چنین شود و دیگر اینکه این یهودیانی که در این وطن جدید همسایه‌شان خواهید بود چنین روحیاتی دارند و مناسبات خویش را با آنان با توجه به این واقعیات تنظیم نمائید.

حجم قابل توجه دیگری از سوره بقره را احکام و اخلاقیات تشکیل می‌دهد. روزه، طلاق، حج، دفاع، انفاق، نوشتن معاملات مهم، نماز و زکات، و بسیاری دیگر از عبادیات و اخلاقیات در این سوره یا فتح باب شده یا مورد تأکید و توضیح قرار گرفته است و این نشان می‌دهد که از لحاظ خداوند قرار نیست مدینه فقط یک وطن موقت باشد بلکه نویدی است که ای مسلمانان شما از حالت قبلی که تحت فشار و آزار و اذیت و محاصره اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بودید، بکلی خارج شده‌اید و مرحله جدیدی در تاریخ شما گشوده شده است و از این پس در حالت استقرار قرار خواهید گرفت.

خداوند قبلاً دو بار محدوده مسئولیت رسالت پیامبر را برای او «جامعه‌شناسی» کرده بود.

یکبار در اوایل وحی، در سوره علق، و یکبار در یک مقطع کمی پس از آن در زمزل و اینک نیز که نهضت وارد مرحله کاملاً متفاوتی گشته است در همان ابتدای سوره بقره مردم را به سه دسته مؤمن و کافر و منافق دسته‌بندی نموده و مؤمن و کافر را سرعت و در حجم کم تبیین نموده اما راجع به منافقان بطور مفصل خصوصیاتشان را بیان فرموده است.

در این پاراگراف نسبتاً طولانی (۲۶۱ تا ۲۷۴) تکیه اصلی روی خرج کردن در راه خدا است و همه عناصر مرتبط با آن (اجر اخروی، پاک بودن مال، مثال‌های مرتبط، محل‌های خرج آن، آسیب‌شناسی آن، و موانع تصمیم‌گیری در باره آن) به روشنی

بیان شده است.

ترجمه تفسیری آزاد

مثال عمل آنهایی که اموالشان را در راه خدا خرج می کنند مانند دانه ای است که هفت خوشه میروپاند که در هر خوشه صد دانه است. و خداوند برای هر کس که بخواهد چندین برابر میکند و خداوند وسعت بخش داناست (۲۶۱)

آنهایی که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند و سپس دنبال آنچه که انفاق کرده اند منت و آزاری قرار نمیدهند پاداششان نزد پروردگارشان است. نه بیمی داشته و نه اندوهگین باشند (۲۶۲)

گفتاری نیکو و گذشت بهتر است از صدقه ای که در پی آن آزار باشد و خداوند بی نیاز حلیم است (۲۶۳)

ای مسلمانان! صدقاتتان را با منت و اذیت باطل نکنید و مانند کسی که مالش را برای نشان دادن بمردم خرج میکند و به خدا و آخرت ایمان ندارد نباشید و مثال کار چنین کسانی مانند سنگ سختی است که بر آن خاکی باشد و رگباری بر آن ببارد و آنرا لخت بگذارد.

آنها برای حفظ آنچه کسب کرده اند قدرتی ندارند و خداوند کافران را هدایت نمی کند (۲۶۴)

و مثال آنهایی که اموالشان را برای کسب رضای خدا و اینکه جانشان تثبیت شود خرج می کنند، مانند باغی است که بر بالای تپه ای است که رگباری به آن برسد و آن باغ خوردنی هایش را دو برابر دهد و اگر هم رگباری نرسد باران ملایمی به آن میرسد و خداوند به آنچه میکنید بیناست (۲۶۵)

آیا هیچکس از شما میخواهد باغی از خرماها و انگورها داشته باشد که کف آن نهرها جاری باشد که در آن از همه نوع میوه یافت بشود و به پیری برسد و فرزندانی ضعیف داشته باشد، اما به آن باغ آتشی برسد و بسوزاندش؟
خداوند آیاتش را چنین برای شما بیان می کند شاید تفکر کنید (۲۶۶)

ای مسلمانان! از پاکیزه های دستاوردهایتان و آنچه که برای شما از زمین بیرون آورده ایم انفاق کنید و پست آن را که خودتان هم مگر با چشم پوشی نمیگیرید برای انفاق منظور نکنید و بدانید که خداوند بی نیاز ستوده است (۲۶۷)

شیطان شما را به فقر وعده میدهد و به کارهای بسیار زشت امر میکند و خداوند به آمرزشی از جانب خویش و زیادتی وعده میدهد و خداوند وسعت دهنده داناست (۲۶۸)

به هر که بخواهد حکمت میدهد، و هر کس که حکمت به او داده شده خیر بسیار زیادی یافته، و جز خردمندان این پند را نمی پذیرند (۲۶۹)
و آنچه را که خرج کرده و یا نذر کرده اید، خداوند میداند، و ظالمان یآوری ندارند (۲۷۰)

اگر صدقات را به آشکاری دهید چه خوب، و اگر مخفی بدارید و به فقرا دهید برایتان بهتر است، و قسمتی از بدی های شما را می پوشاند و خداوند به آنچه می کنید آگاه است (۲۷۱)

ای پیامبر! هدایت آنها بر عهده تو نیست ولیکن خداوند است که هر کس را خواهد هدایت می کند، و هر مالی که انفاق کنید برای خودتان خواهد بود. و انفاق را جز برای کسب توجه خداوند نمی کنید. و مالی را که انفاق کنید بطور کامل به شما داده خواهد شد و ظلم نمی بینید (۲۷۲)

برای فقرانی که در راه خدا به تنگنا افتاده اند که نمیتوانند برای کسب روزی در زمین مسافرتی کنند که شخص ناآگاه از شدت عفافشان بی نیازشان می پندارد. آنها را از نشانی هایشان می شناسی.
از مردم به اصرار درخواست نمی کنند.

و مالی را که انفاق می کنید خداوند به آن آگاه است (۲۷۳)
کسانی که اموالشان را شب و روز و مخفیانه و آشکارا انفاق می کنند پاداششان نزد پروردگارشان محفوظ است و نه ترسی داشته و نه اندوهگین باشند (۲۷۴)

بقره ۲۰ آیات ۲۷۵ تا ۲۸۴

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَاتَّقَها فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ يَحَقُّ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصِّدْقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ هُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾ وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلِئَ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاصِرَةً تُدِيرُوهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾ اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْذَرُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُا بِحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج می‌کنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نکوهش عمل ربا و تحریم آن که متضمن سلامت اقتصادی جامعه و در نتیجه رشد شخصیتی حاصل از پاکی اقتصادی می گردد و توصیه به تشکیل اسناد و مدارک برای جلوگیری از مشکلات بی سر و سامانی معاملات که یکی از پایه های اساسی اجتماع مقبول بشری است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ هُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾ وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! به شدت از ربا حذر کنید

۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ

تَكُونُ تَحَارَةً حَاصِرَةً تُدِيرُوهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتَمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْذَرُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُا يُخَاسِبُكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! به شدت به ثبت معاملات هم و شاهد گرفتن در باره آن اهمیت دهید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، و سنّین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار و مومنان که قبلاً هم بودند، اینک منافقان به مشکلاتش اضافه شده و امور حکومتی به وظایفش)

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبران شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نوزند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده

شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت‌های الهی است .

در پاراگراف ۴ می فرماید : ای مسلمانان ! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) ازسلطه فرعونیان رهایی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه ، رفتارهای ناپسندی ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند . مبادا شما مانند آنان کنید .

در پاراگراف ۵ می فرماید : ای مسلمانان! مبادا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد ، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد ، از هرکس با هر دینی که باشد . در پاراگراف ۵ و ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد .

در پاراگراف ۷ می فرماید : ای مسلمانان ! شریعت موسی (ع) در زمان خودش بهترین دین بود ولی اینک دین شما بهترین (وآخرین) است و یهودیان که شما را مسخره میکنند و دلشان نمیخواهد که شما در این موقعیت برتر باشید ، درحقیقت دشمن شما هستند و بهتر این است که شما این رادرک کنید و اینقدر با آنها مخلوط نباشید و روابط تان را با آنها تقلیل دهید .

در پاراگراف ۸ می فرماید : ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبران نافرمانی کردند ، و شما این عبادات را به جای آورید ، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحیی که به تو می‌شود دلگرم باش و راه خود را برو .

در پاراگراف ۹ می فرماید : ای مسلمانان ! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه برآخرت دردنیا نیز به نعمت های بزرگ برسید و درهنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنها هم توحید و وحی الهی است.

در پاراگراف ۱۰ می فرماید : ای مسلمانان ! مدتی به علت اشغال کعبه توسط مشرکان مجبوربودید بطرفی دیگر نمازکنید اما اینک که از هر لحاظ رنگ شخصیتی مشخص خویش رایافته اید بهتر است به سوئی عبادت کنید که بیشترین قرابت را با آن دارید.

در پاراگراف ۱۱ می فرماید : ای مسلمانان ! برای ارتقاء روحی و شخصیتی لازم است خود را به این اخلاق متخلق سازید و حج بجا آورید .

در پاراگراف ۱۲ می فرماید : بعضی از مردم که علیرغم اینهمه آیات خلق و امر الهی برای خداوند همتا قرار می‌دهند در آخرت معذب خواهند بود ، و ای مردم ! از روزی حلال استفاده کنید تا اعتلاء یابید ، و ای مسلمانان ! اعتقادات صحیح ، انفاقات مستحبّ ، به پا داری نماز ، انفاقات واجب ، وفاء به عهد ، پایداری درسختی ها ، و درجنگ ، و حکم قصاص ، و حکم وصیت ، و احکام روزه ، و ممنوعیت رشوه ، و جهاد برای دفاع و رفع موانع ، موجب اعتلاء شخصیت تان است .

در پاراگراف ۱۳ می فرماید : ای مسلمانان ! دل خویش را با خداوندتان و پیامبرش (ص) صاف وصادق کنید ومبادا رفتارهای منافقانه و کافرانه ازخویش به ظهور برسانید.

در پاراگراف ۱۴ می فرماید : ای مسلمانان ! به شدت مواظب اختلافات احتمالی درامور مرتبط با «حق» باشید و باقوت ازآن اجتناب کنید .

در پاراگراف ۱۵ می فرماید: ای مسلمانان! اینک که عده ای از شما هجرت کرده و حکومتی از خود دارید نیاز به مقررات تنظیم کننده ای دارید که تدریجا دریافت می کنید.

پاراگراف ۱۶ مربوط به احکام خانواده است.

در پاراگراف ۱۷ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا مانند بنی اسرائیل رفتار کنید که در راه آزادی خود و هم عقیده های خویش سستی کردند و خواری و ذلت را تحمل نمودند.

در پاراگراف ۱۸ می فرماید: ای مسلمانان! زندگی و الزامات آن شما را از کسب و ارتقاء دائمی معارف دینی غافل نکند. آنها برای این است که «باشید» و اینها برای این است که درنردبان انسانیت پله ای «بالتر روید» و از مرگ نهرا سید و رشد روحی و شخصیتی شما درگرو نهرا سیدن از آن ونهی ازمکر و کوشش دائمی برای ارتقاء سطح معرفتی تان است.

در پاراگراف ۱۹ می فرماید: ای مسلمانان! اتفاق مال در راه خدا برای شما ضامن رشد و تعالی و برای جامعه تان سبب پیشرفت و برای آخرت تان موجب سعادت است.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان اقتصاددان را «پاک» کنید تا زندگی تان شایسته شود و آحاد جامعه تان در «بستر اجتماعی» ای قرار گیرند که حصول رشد و تعالی شخصیتی سهل گردد و به نظم کارهایتان وثبت و ضبط معاملاتتان اهمیت دهید.

۴ - سوالات

- ۱- «الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (آیه ۲۷۵) چه نوعی از سخن است؟ (استعاره؟ کنایه؟ طنز؟ یا...؟)
- ۲- درجمله «قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا» (همان آیه) چه نکته «خلاف حق»ی موجود است؟
- ۳- منظور از «کان» (آیه ۲۸۰) کیست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات ۲۷۵ تا ۲۸۱ فهمیده میشود ربا نه تنها یک امر شایع بوده بلکه مسلمانان نیز درگیر آن بوده اند.

از آیه های ۲۸۲ و ۲۸۳ فهمیده میشود در سال سوم هجری و در مدینه آنقدر باسواد وجود داشت که معاملات مهم مردم ثبت و ضبط شود، ولی تعداد آنها آنقدر نبود که به راحتی در دسترس باشند.

همچنین فهمیده میشود مالکیت یک مفهوم محترم و به رسمیت مطلق شناخته شده ای بوده که حتی در مورد سفها و ضعفا نیز محترم شمرده میشده، و نیز

فهمیده میشود سفها و ضعفا نوعی سرپرست های قانونی داشته اند که شبیه به امروز منافع آنها را حفظ میکرده اند، و نیز فهمیده میشود کاتب ها برای این ثبت و ضبط دستمزدی میگرفته اند. نیز، عرف مستقر اداء شهادت از اینها قوی تر بوده است.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۲۸۲ درقرآن کریم از لحاظ حجم (تعداد کلمه درآیه) نظیر ندارد بعبارت دیگر بلندترین آیه قرآن است. محتوای آن نیز که «اساس» اسنادرسمی است نشان میدهد خداوند متعال چه اهمیتی برای سامان امور مردم و نظم امورشان قائل است!

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۲۷۵ از این لحاظ که به شیطان اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزم روش کارش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

آیه ۲۸۴ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۲۷۷ و ۲۸۱ و ۲۸۴، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

سابقه ربا در آن روزها

از آیه ۳۹ سوره روم «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبٍّ لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْغِفُونَ» چنین دانسته میشود که در بین اعراب نوعی ربا معمول بوده است، اما، از چند و چون آن اطلاعی در دست نیست، ولی میدانیم برخی از مراجع تقلید، مثلاً مرحوم آیه الله گلپایگانی ربا را منحصر در «مکیل» و «موزون» میدانسته اند، یعنی ربا را در پول کاغذی نافذ نمیدانسته اند، و این نشان میدهد احکام در صدر اسلام بسیط و ابتدایی بوده، چه رسد به قبل از

هجرت. و مبنای فتاوی مراجع اکثرا روایات بوده و احکامی که بیان میکرده اند به ۱۴۰۰ سال قبل نزدیک تر بوده تا به امروز.

از جمله «فلا یربوا عندالله» در آیه فوق دانسته میشود در آن روزها ربا نوعی تقدس هم داشته که در آیه سوره روم به نحو خفیفی مردود اعلام شده است. مانند شرب خمر و نیز قمار و . . این قبیل موضوعات هم خیلی شایع بوده و هم از نظر عمومی چندان قبحی نداشته و سیستم وحی چندان صلاح نمیدانسته ناگهان چنان برخورد با آنها کند زیرا این امکان بوده که در اثر برخورد شدید مسائل اصلی از قبیل توحید و معاد تحت تاثیر اعراض شدید عمومی لطمه ببینند. اما، ظاهرا حین نزول آیات ۲۷۵ به بعد چنان معاملات ربوی سنگینی وقوع یافته که قبح آن را آشکار کرده، تا حدی که کراهت از آن را در حد «جنگ با خدا و رسول» بالا برده و سبب شده آیات مذکور لااقل از لحاظ نظری ریشه ربا را بزنند. گرچه «کلاه شرعی» هنوز هم بشدت رایج است.

ترجمه تفسیری آزاد

آنانکه ربا میخورند جز مانند کسیکه در اثر تماس شیطان دچار خبط و انحراف از مسیر طبیعی شده باشد نمیشوند. این به آن سبب است که میگویند خرید و فروش مانند ربا است در حالیکه خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است. پس اگر کسی موعظه ای از جانب پروردگارش بسویش آمد و دست کشید، آنچه که گذشته، مال او باشد و کارش با خداست و کسی که به آن عمل باز گردد از یاران آتش است که در آن جاودانند (۲۷۵)

خداوند ربا را نابود و صدقات را زیاد می کند و خداوند هیچ کفرانگر گناهکاری را دوست نمیدارد (۲۷۶)

البته آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز پیاداشته و زکات داده اند پاداششان نزد پروردگارشان است و نه ترسی داشته و نه اندوهگین باشند (۲۷۷)
ای مسلمانان! از خداوند پروا داشته و بقیه ربا را ول کنید اگر ایمان دارید (۲۷۸) و اگر این کار را نکردید پس اعلام جنگ با خدا و رسولش کنید و اگر توبه کردید سرمایه هاتان مال خودتان باشد نه ظلم کنید و نه ظلم ببینید (۲۷۹)
و اگر بدهکار گرفتار باشد مهلتی دهید تا گشایش یابد و اگر تصدق کنید برایتان بهتر است اگر بدانید (۲۸۰)

و از روزی که در آن بسوی خداوند برمیگردید پروا کنید، روزی که به هر کس آنچه که کسب کرده بطور کامل داده میشود و هیچ ظلمی نمیشوند (۲۸۱)

ای مسلمانان! هنگامیکه به یکدیگر قرضی تا مدت معینی میدهید آنرا بنویسید.

و باید یک نویسنده عادل آن را بین شما بنویسد.

و نویسنده نباید از نوشتن خسته شود. همانگونه که خداوند تعلیمش داده باید بنویسد. و آن کسی که حق بر اوست باید املاء کند، و باید از خدا بترسد و چیزی از آن کم نگذارد،

و اگر کسی که حق بر اوست سفیه یا ضعیف است یا نمیتواند املاء کند باید سرپرستش به عدل املاء کند.

و دو مرد را به شهادت بگیرید و اگر دو مرد نبود یک مرد و دو زن که از میان گواهان می پسندیدشان به شهادت بگیرید تا اینکه اگر یکی فراموش کرد دیگری به یادش بیاورد

و گواهان وقتی که دعوت شدند نباید امتناع کنند،

و خسته نشوید از اینکه بنویسیدش، چه کوچک باشد و چه بزرگ، تا سرآمدش.

این نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و از نظر شهادت دادن استوار تر، و از این لحاظ که شک نکنید مناسب تر است.

مگر اینکه معامله ای نقدی باشد که بین خویش اداره اش می کنید. در آنصورت گناهی ندارد که آنرا ننویسید

و هنگامیکه معامله ای کردید شاهد بگیرید و نباید نه نویسنده و نه شاهد ضرر ببینند و اگر چنین کنید گناهش برعهده تان است

و از خدا بترسید و خداوند چنین تعلیمتان میدهد و خداوند به همه چیز داناست (۲۸۲)

و اگر در سفر بودید و نویسنده نیافتید گروهی بگیرید و اگر بعضی تان بعضی دیگر را امین شمرد، امین شمرده شده باید ادا کند و از خداوند پروردگارش پروا داشته باشد، و شهادت را کتمان نکنید و کسی که کتمانش کند دلش گناهکار است و خداوند به آنچه می کنید آگاه است (۲۸۳)

آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست و اگر آنچه را که در ضمایرتان است آشکار کنید یا پنهان کنید خداوند محاسبه اش می کند پس هر که را خواست می

بخشد و هر که را خواست عذاب می کند و خداوند به هر چیزی تواناست (۲۸۴)

بقره ۲۱ آیه های ۲۸۵ و ۲۸۶

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفُ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ارائه معارفی که پشتوانه عمل به احکام شرعی و اخلاقی پیشگفته است و جلب توجه مسلمانان به این نکته که این احکام بنفع خودتان و در حدود توانایی تان و بر مبنای عقایدتان است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چون پاراگراف بسیار کم حجم است، استخراج از راه دوم لازم نیست.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، و سنگین تر از گذشته است (زیرا علاوه بر کفار و مومنان که قبلا هم بودند، اینک منافقان به مشکلاتش اضافه شده و امور حکومتی به وظایفش)

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت

پیامبرتان شکی دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید ، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود و مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند .

در پاراگراف ۳ می‌فرماید : ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افریده شدید و این موقعیت درگرو ایمان و پیرویِ هدایت‌های الهی است .

در پاراگراف ۴ می‌فرماید : ای مسلمانان ! بنی اسرائیل که به رهبری موسی (ع) ازسلطه فرعونیان رهائی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه و متواضعانه و منقادانه ، رفتارهای ناپسندی ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند . مبدا شما مانند آنان کنید .

در پاراگراف ۵ می‌فرماید : ای مسلمانان! مبدا دو کلمه شهادتین که بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد ، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد ، از هرکس با هر دینی که باشد . در پاراگراف ۵ و ۶ به نکوهش یهودیان ادامه میدهد .

در پاراگراف ۷ می‌فرماید : ای مسلمانان ! شریعت موسی (ع) در زمان خودش بهترین دین بود ولی اینک دین شما بهترین (وآخرین) است و یهودیان که شما را مسخره میکنند و دلشان نمیخواهد که شما در این موقعیت برتر باشید ، درحقیقت دشمن شما هستند و بهتر این است که شما این رادک کنید و اینقدر با آنها مخلوط نباشید و روابط تان را با آنها تقلیل دهید .

در پاراگراف ۸ می‌فرماید : ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبرشان نافرمانی کردند، و شما این عبادات را به جای آورید، و شما راه حق مستقل خودتان را بروید و ای پیامبر! به وحی که به تو می‌شود دلگرم باش و راه خودت را برو .

در پاراگراف ۹ می‌فرماید : ای مسلمانان ! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه بر آخرت دردنیا نیز به نعمت های بزرگ برسید و درهنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است.

در پاراگراف ۱۰ می‌فرماید : ای مسلمانان ! مدتی به علت اشغال کعبه توسط مشرکان مجبوربودید بطرفی دیگر نمازکنید اما اینک که از هر لحاظ رنگ شخصیتی مشخص خویش رایافته اید بهتر است به سوئی عبادت کنید که بیشترین قربایت را با آن دارید.

در پاراگراف ۱۱ می‌فرماید : ای مسلمانان ! برای ارتقاء روحی و شخصیتی لازم است خود را به این اخلاق متخلق سازید و حج بجا آورید .

در پاراگراف ۱۲ می‌فرماید : بعضی از مردم که علیرغم اینهمه آیات خلق و امر الهی برای خداوند همتا قرار می‌دهند در آخرت معذب خواهند بود ، و ای مردم ! از روزی حلال استفاده کنید تا اعتلاء یابید ، و ای مسلمانان ! اعتقادات صحیح ، انفاقات مستحبّ ، به پا داری نماز ، انفاقات واجب ، وفاء به عهد ، پایداری درسختی ها، و درجنگ، و حکم قصاص، و حکم وصیت، و احکام روزه، و ممنوعیت رشوه، و جهاد برای دفاع و رفع موانع ، موجب

اعتلاء شخصیت تان است .

در پاراگراف ۱۳ می فرماید : ای مسلمانان ! دل خویش را با خداوندتان و پیامبرش (ص) صاف و صادق کنید ومبادا رفتارهای منافقانه و کافرانه ازخویش به ظهور برسانید.

در پاراگراف ۱۴ می فرماید : ای مسلمانان ! به شدت مواظب اختلافات احتمالی درامور مرتبط با «حق» باشید و باقوت ازآن اجتناب کنید .

در پاراگراف ۱۵ می فرماید : ای مسلمانان ! اینک که عده ای از شما هجرت کرده و حکومتی ازخود دارید نیاز به مقررات تنظیم کننده ای دارید که تدریجا دریافت می کنید .

پاراگراف ۱۶ مربوط به احکام خانواده است .

در پاراگراف ۱۷ می فرماید : ای مسلمانان ! مبدا مانند بنی اسرائیل رفتار کنید که در راه آزادی خود و هم عقیده های خویش سستی کردند و خواری و ذلت را تحمل نمودند.

در پاراگراف ۱۸ می فرماید : ای مسلمانان ! زندگی و الزامات آن شما را از کسب و ارتقاء دائمی معارف دینی غافل نکند . آنها برای این است که «باشید» و اینها برای این است که درنردبان انسانیت پله ای «بالتر روید» و از مرگ نهراسید و رشد روحی و شخصیتی شما درگرو نهراسیدن ازآن ونهی ازمنکر و کوشش دائمی برای ارتقاء سطح معرفتی تان است .

در پاراگراف ۱۹ می فرماید : ای مسلمانان ! انفاق مال در راه خدا برای شما ضامن رشد و تعالی و برای جامعه تان سبب پیشرفت و برای آخرت تان موجب سعادت است .

در پاراگراف ۲۰ می فرماید: ای مسلمانان اقتصادتان را «پاک» کنید تا زندگی تان شایسته شود و آحاد جامعه تان در «بستر اجتماعی»ای قرارگیرند که حصول رشد و تعالی شخصیتی سهل گردد و به نظم کارهایتان وثبت و ضبط معاملاتتان اهمیت دهید.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! به اعتقادات صحیح و آخرت و دعا به درگاه الهی خیلی اهمیت دهید.

۴ - سوالات

۱ - آیا میتوانید مثال هایی از «بار» هایی که خداوند بر اقوام پیشین تحمیل کرد بزنید؟

۲ - لا نفرق بین احد من رسله (آیه ۲۸۵) یعنی چه؟ (تفریق در چه حوزه ای و چه اموری؟)

۳ - چرا «کسب» در آیه ۲۸۶ به نفع است و «اکتساب» به ضرر؟ و اساسا چه فرقی است بین کسب و اکتساب؟

۶- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

دوگانه کسب و اکتساب

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ . . ﴿٢٨٦﴾

در این آیه، به قرینه «لها» کسب به معنی مثبت یعنی دریافت خیر، و به قرینه «علیها» اکتساب به معنی منفی یعنی دریافت شر، آمده است.
آیا واقعا و همیشه چنین است؟
نه!

اگر به المعجم مراجعه کنید و ماده ک.س.ب. و مشتقاتش را دنبال کنید به سهولت خواهید دید که هم کسب و هم اکتساب به هردو معنی دریافت خیر و دریافت شر در آیات مختلف سوره ها آمده است.
این بحث کوتاه در نهایتِ درستی است، کسی شکی دارد سعی کند آن را رد کند، اما سه (باصطلاح تبعات) دارد:

- ۱- لزوماً یک کلمه در جای جای قرآن دارای معنی مساوی نیست
- ۲- چیزی که به عنوان «تفسیر موضوعی» شناخته شده است، لیت و لعل فراوان دارد.
- ۳- چیزی که به عنوان «تفسیر قرآن به قرآن» شناخته شده است، هکذا!

ترجمه تفسیری آزاد

این پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورد و همچنین مومنان نیز.

همگی به خداوند و ملائکه و کتابهایش و رسولانش ایمان دارند و گویند بین هیچیک از رسولان جدایی نمی اندازیم و میگویند خداوند! شنیدیم و اطاعت داریم و خواهان آمرزش هستییم، و بازگشت بسوی توست (۲۸۵)

خداوند به هیچکس جز به اندازه وسعش تکلیفی نمی کند. هرکس آنچه نیکی کرده به نفع خود اوست و آنچه بدی کرده به ضررش است و مومنان میگویند پروردگارا

اگر فراموش کردیم، یا خطا کردیم، باز خواستمان مکن، و تکلیفِ گران بر ما تحمیل
مکن، چنانکه بر پیشینیان کردی، و چیزی که طاقتش را نداشته باشیم بر ما تحمیل
مکن، و ما را ببخش و بیامرز و بما رحم کن.
تو سرپرست مائی و ما را علیه کافران یاری فرما (۲۸۶)

سوره بینه

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿١﴾ رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ﴿٢﴾ فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ﴿٣﴾ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ ﴿٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾ جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴿٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: نکوهش کافران اهل کتاب که آگاهانه و عامدانه کفر می‌ورزند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چون سوره کم حجم است نیاز به استخراج از راه دوم نیست.

۳ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

چون این بحث نسبتا مفصل شد، به قسمت «شرح مختصر» در ذیل انتقال یافت.

۴ - آیات مشکل

از «مشکل» بودن این آیات چه عرض کنیم جز اینکه ببینید مفسران گوناگون در

طول تاریخ اسلام و در پهنه جغرافیائی آن چه مطالب مختلف و متنوع و بعضاً متضادی در تفسیر آنها گفته اند.

۵ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۸، بقیه آیات سوره «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

دریافتهای کوتاه مستقیم

آیه ۶: عبارت «بدترین مردم» در این آیه به «سران» آنها منطبق است نه به مشرکان و یهودیان معمولی.

معنی کلمه «شر» میتواند هم «بدتر» و هم «بدترین» باشد و در آیه ۶ معنی اخیر استفاده شده است.

آیه ۷: همچنین عبارت «بهترین مردم» این آیه، به «پیشروان نهضت اسلام» منطبق است نه به مسلمانان عادی (که اینک دیگر مسلمان بودن، پس از هجرت و پس از تشکیل حکومت، و پس از قوی شدن نهضت اسلام، دیگر نه تنها سبب آزار و شکنجه و تعقیب و تضییق نبود بلکه کاملاً مطلوب و شیرین شده بود و «مگسان گرد شیرینی» فراوانی هم به امید زندگی بهتر و سوار موج جدید شدن و رسیدن به آلا ف و الو ف به آن پیوسته بودند)

معنی کلمه «خیر» میتواند هم «بهتر» باشد و هم «بهترین» و در آیه ۷ معنی اخیر استفاده شده است، زیرا باروا ل سخن و امارات و قرائن دیگر متناسب ترا ست.

آیه ۸: سه بار مفهوم جاودانگی تکرار و تأکید شده: یکبار در کلمه «عدن»، یکبار در کلمه «خالدین» و یکبار هم در کلمه «ابد»

بعبارت دیگر، جاودانی بودن در عذاب، خاص نخبگان جامعه کفر است و نیز جاودانگی در نعمت (با قید سه تأکید) خاص نخبگان جامعه ایمان است.

در کلمه خشیت هم که در انتهای آیه آمده «ترس» از نوعی که یکنفر مثلاً ممکن است از مار و عقرب و چنگیز و آتیا و امثالهم بترسد نیست، بلکه مثلاً شبیه آن ترسی است که دانشجو نسبت به یک پروف سوز که ضمناً با او درس هم دارد، احساس می کند.

از اوضاع و احوال در آن روزها

به طور وضوح از آیه ۱ فهمیده می‌شود «بینه» ای بوده که قبل از آن «کافران اهل کتاب و مشرکین» از هم جدا نبودند و بعد از آن «اهل کتاب» متفرق شدند. در اینجا مفسران محترم دچار اختلاف وسیعی شده‌اند و فرمایش‌های متضاد و متناقضی فرموده‌اند، و این سوره از این لحاظ یکی از سوره‌های مشکل است. اما ما که برای تفسیر، بطور همزمان، هم به ترتیب نزول و هم به «درس» سوره متکی هستیم، برای درک مطلب هیچ مشکلی احساس نمی‌کنیم.

زیرا از لحاظ ترتیب نزول که نگاه کنیم نزول این سوره مربوط به زمانی است که مسلمانان از تضییقات و فشارها رهائی یافته و اینک در مدینه حکومتی از خویش دارند و وضعشان بطور روزافزون مطلوب‌تر می‌شود و لذا آنها اگر خود را «مؤمن» می‌نامند، طبیعی است همهء «غیر خود» را «کافر» بدانند.

علیرغم اینکه کافران ممکن است در بین خودشان صدها دسته‌بندی و نام داشته باشند (مثلاً یهودیان، و نصارا و مشرکین - با آنهمه دسته بندی مختلف داخلی که در بین خویش داشتند - و صابئین و مجوس و غیره)

بنابراین «کافران» از نظر مسلمانان یعنی «غیرمسلمانان» و «من اهل الکتاب و المشرکین» یعنی آن یهودیانی که در زمان نزول این سوره در یثرب بودند و نیز قبایل مشرکی که در همانجا زندگی میکردند.

و «آن دلیل آشکار» (= بینه) از نظر مسلمانان یعنی وحی و پیامبر اکرم (ص) و قرآن. خلاصه اینکه یعنی قبل از هجرت، یهودیان یثرب (من اهل الکتاب) و مشرکان مستقر در یثرب (والمشرکین) با هم زندگی مسالمت آمیزی داشتند و بر طبل اختلافات دینی نمی‌کوبیدند و با هم داد و ستد و همسایگی داشته‌اند (لم یکن . . منفکین)

اما پس از هجرت این اتفاقات افتاد:

- ۱- مشرکان اهل یثرب عمدتاً مانند سابق مخالف پیامبر (ص) ماندند.
- ۲- یهودیان نسبت به دین جدید، با توجه به اطلاعاتی که در کتب خویش داشتند، آنرا خودی حساب کرده و نسبتاً از آن استقبال کردند.

بنابراین، در این مرحله (یعنی از هجرت تا نزدیک تغییر قبله) یهودیان و مسلمانان خود را «دارای ریشه واحد»، و مشرکان را «غیر خودی» حساب می‌کردند و لذا یهودیان از لحاظ خود آگاهی، خود را با اسلام هجرت کرده بیشتر نزدیک میدیدند و لذا کم و بیش بر طبل اختلاف دینی خویش با مشرکان یثرب می‌کوبیدند و انفکاک

آنان شروع و تدریجاً قوی شد.

اما پس از هجرت و پس از استقرار و تقویت مواضع مسلمانان، و تغییر قبله، یهودیان دیدند که این دین جدید نه تنها از آنها «دنباله‌روی» نمی‌کند بلکه آنها را نیز دارد به راه خویش دعوت می‌کند.

لذا یهودیان با توجه به مشخصات روانی قوم بنی‌اسرائیل (که با آن در سوره‌های طه، اعراف و بقره آشنا شده‌ایم) از اسلام کناره گرفتند و کم‌کم به یکی از شدیدترین دشمنان اسلام تبدیل شدند.

لذا «جدا نبودند» آیه ۱ به «همزیستی مسالمت‌آمیز صرفنظر از اعتقادات» بین یهودیان مدینه و مشرکان مدینه مربوط می‌شود و «جدائی گزیدند» آیه ۴ صبغه اعتقادی دارد یعنی یهودیان مدینه از مسلمانان جدائی گزیدند.

با این توضیح و با توجه به «درس» سوره، همه فقرات سوره مفهوم و مشخص است و علت مشکل بودن این سوره از لحاظ تفسیر این است که مفسران محترم به این نکته کلیدی توجه نفرموده‌اند که کلاً باید کار تفسیر را با توجه به ترتیب نزول و با توجه به درس و درب‌ها انجام دهند.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

عده ای از کافرانِ یهود ساکن در یثرب، و عده ای از مشرکین یثرب از لحاظ زندگی اقتصادی و اجتماعی از یکدیگر جدا نبودند تا اینکه آن دلیل روشن و آشکار بسویشان آمد (۱)

که رسولی از جانب خداوند بود که صحیفه هائی پاکیزه تلاوت میکرد (۲)
که در آنها نامه هائی استوار و پاینده بود (۳)

آن اهل کتاب از مسلمانان جدا نشدند مگر پس از آنکه آن دلیل روشن که در احکام اسلام بود بسویشان آمد (۴)

که طی آن مأمور نشده بودند مگر اینکه خداوند را به اخلاص عبادت کنند و نماز بپا دارند و زکات بدهند و دین استوار و پاینده نیز همین است (۵)

کافران اهل کتاب و مشرکان که کفر ورزیدند بطور ابدی در جهنم خواهند ماند که

آنها بدترین مردمانند (۶)

البته مومنانِ صالحِ عملِ بهترینِ مردمانند (۷)
پاداششان نزد پروردگارشان باغهایی است مستقرِ جاوید که از آنها نهرها جاری است
که در آن بطور ابدی جاودان خواهند بود.
خداوند از آنها و آنها نیز از او راضی هستند.
این برای کسی است که نسبت به پروردگارش حرمت میگذارد (۸)

سوره ماعون

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ﴿١﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَلَا يُخْصُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ ﴿٣﴾ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾ الَّذِينَ هُمْ يُزَاوُونَ ﴿٦﴾ وَيَسْتَعْذِرُونَ الْمَاعُونَ ﴿٧﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: اسم مطرح نیست. این اعمالی هم که در متن سوره به آنها اشاره شده نیز نشانه تکذیب قیامت و معارف دینی است، چه از مسلمان صادر شود و چه از کافر.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

به همان دلیل فوق الذکر نیاز به استخراج از راه دوم نیز نیست.

۳ - سوالات

- ۱- منظور از کلمه «دین» (آیه ۱) چیست؟
- ۲- الف لام بر سر کلمه مذکور از کدام نوع است؟ (جنس؟ تعریف؟)
- ۳- در هر یک از دو حالت اول معنی آیه ۱ چه خواهد بود؟
- ۴- کدام معنی درست تر است؟ (دلایل قرآنی بیاورید)
- ۵- خطاب آیه ۱ متوجه کیست؟
- ۶- این سوره بطور کلی چه حالتی دارد؟ (نکوهش کفار؟ نکوهش مسلمانان لا قید؟ نکوهش منافقان؟ یا.....؟)
- ۷- از مطالب این سوره چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

۸- چرا در آیه های ۳۰۲ از حالت مفرد، و در آیات ۵ و ۶ و ۷ از حالت جمع استفاده شده؟

۹- کدام صفات «هم پایه» و کدام صفات «ناهم پایه» اند؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات ۵ تا ۷ به وضوح نکوهش منافقان فهمیده میشود که رفتارشان طوری بوده که عملاً تعالیم را سبک میگرفتند و اگر عمل هم میکردند برای نمایش بوده و نه واقعی. لذا ، با زبان قیامت را تصدیق میکردند ، زیرا که خود را مسلمان قلمداد میکردند ، اما ، با عمل خویش (که ریائی و سرسری بود) آن را تکذیب مینمودند .

۵ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

اسم مطرح نیست. این اعمال که در متن سوره به آنها اشاره شده نشانه تکذیب قیامت و معارف دینی است ، چه از مسلمان صادر شود و چه از کافر .

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۲ و ۳، بقیه سوره «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

تکذیب قیامت منحصر در تکذیب زبانی نیست

آیه ۲: علاوه بر مطالب فوق نوعی بی‌رحمی را هم نشان می‌دهد.

آیه ۳: نوعی بی‌همتی را.

آیه ۵: نیز نوعی بی‌اهمیتی نماز در نظر شخص مورد بحث را.

آیه ۶: را که دیگر چه بگوئیم.

آیه ۷: نیز نوعی از بخل و بی‌اهمیتی به دیگران را نشان می‌دهد.

یعنی تکذیب قیامت منحصر در تکذیب زبانی نیست، بلکه این عناصر نیز از مولفه های تکذیب آن است که عبارت باشد از راندن قهر آمیز یتیم و بی تفاوتی به وضع بیچارگان و اهمیت ندادن به نماز تاحد فراموش کردن بجا آوردنش و ربا و خودداری از در اختیار دیگران گذاشتن چیزهایی که میتواند گاهگاهی مورد احتیاج دیگران واقع شود.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

ای پیامبر! چه نظری داری راجع به کسانی که روز قیامت را عملاً تکذیب می کنند؟

(۱)

از جمله صفاتشان این است که یتیم را با خشونت میرانند (۲) و بر غذا دادن مستمندان تشویق نمی کنند (۳)

و وای بر نمازگزاران (۴) که در بجا آوردن یا نیاوردن نمازشان زیاد اشتباه میکنند (۵) و نیز آنانکه ریا میکنند (۶)

و چیزهای مورد استفاده عمومی را از دیگران دریغ میدارند (۷)

سوره عادیات

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ﴿١﴾ فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا ﴿٢﴾ فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ﴿٣﴾ فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا ﴿٤﴾
فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ﴿٥﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ﴿٦﴾ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿٧﴾ وَإِنَّهُ حَبِ
الْحَرِّ لَشَدِيدٌ ﴿٨﴾ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ﴿٩﴾ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ﴿١٠﴾ إِنَّ
رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ خَبِيرٌ ﴿١١﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: نکوهش کندی و سستی انسان در پرداختن به امور مورد رضایت پروردگار.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

به دلیل کم حجمی زیاد سوره نیاز به استخراج از راه دوم نیز نیست.

۳ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۹ تا ۱۱ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۴ - در این سوره کدامیک از عناصر «برای اولین بار» است؟

برحسب جدول ترتیب نزول ما، تقریباً، تمام عناصر این سوره برای اولین بار است.

شرح مختصر

هشدار و خبردادن تلویحی از جنگ قریب الوقوع

اینک وحی پس از مدت طولانی عدم استفاده از قسم، بار دیگر به قسم روی آورده اما توجه به موارد ذکر قسم نشان از تحولی دارد.

در این سوره بجای اینکه به عناصری که به فرشتگان و وحی، و قیامت و بطور کلی به عناصر معنوی اشاره داشته باشد قسم بخورد، به یک عنصر زمینی و مادی قسم خورده است و همین نیز مایه جلب توجه مخاطب است.

موضوع قسم‌ها، «عمل موفق»، «عمل برنامه‌ریزی شده موفق» و «عمل برنامه‌ریزی شده و اجرای سریع و چابک و چالاک و موفق» آن است.

اگر توجه کنیم که این سوره شاید چند ماه، و یا شاید چند هفته و یا شاید حتی چند روز قبل از وقوع جنگ بدر نازل شده، همین واقعیت برای کمک به فهم محتوای آن کافی است، و محتوای آن تشویق به عمل و نکوهش سستی است که نزدیک به وقوع جنگ بدر بطور معنا داری بار «جنگی» است.

انسان‌گند

در آیات ۸ تا ۱۶: از آنجا که آیه ۷ پرانتری است، و از نوع انسان بخاطر واجدیت صفاتی که مغایر با مفاهیم قسم‌های فوق است انتقاد می‌شود و «خیر» در آیه ۸ منحصر در «مال» نیست، بلکه سایر مطلوبیات را نیز شامل می‌شود، و همان «مادیات دوستی» را نیز علت آن کندی‌ها و سستی‌ها نسبت به امر پروردگار ذکر می‌کند، «و» در ابتدای آیه ۷ بر خداوند بهتر تطبیق می‌شود، و با این توضیح، ۵ آیه قسم تحریک و تشویق مسلمانان به جنبش و فعالیت و نشاط است، و در سه آیه بعد ضمن انتقاد از انسان، متعرض کندی او می‌شود، و در آیات انتهائی سوره کندی مذکور را تعلیل می‌کند به اینکه علتش بی توجهی به حیات بعدی است.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

قسم به اسبان تیزتک که نفس نفس میزنند (۱) که در هنگام دویدن از نعل هایشان جرقه پدید می آید (۲) که صبح هنگام ناگهان بر دشمن هجوم می آورند (۳) و گرد و غباری بلند می کنند (۴) و ناگهان در وسط (آنها) قرار می گیرند (۵)

که انسان نسبت به پروردگار خویش بسیار کند است (۶)

و همو بر این واقعیت آگاه است (۷)

زیرا در دوست داشتنِ دارائی بسیار شدید است (۸)

مگر نمی داند وقتی که قبرها زیرو رو شود (۹) و آنچه در سینه هاست آشکار شود

(۱۰) پروردگارشان در آن روز نسبت به آنان آگاه است؟ (۱۱)

سوره صف

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

سَخَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ ﴿٤﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَقُولُونَ لِقَوْمٍ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾ وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٦﴾ وَمَنْ أَطْلَمُ بِمَنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٧﴾ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿١٠﴾ تَوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَنُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ وَأُخْرَى يُحِبُّوهَا نَصَرَ مِنَ اللَّهِ وَفَتَحَ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنَتِ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتِ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ﴿١٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: نکوهش برخی از مسلمانان برای ادعاهای بی پشتوانه شان، و دعوت به ایمان واقعی و جهاد، و وعده پیروزی دینشان.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾

ریزدرپ: رفتار مومن باید هماهنگ با کل جهان از لحاظ منزّه دانستن خداوند باشد.

۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنَيَانٌ مَرْصُوصٌ ﴿٤﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَقُولُونَ لِي وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾ وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٦﴾

ریزدرپ: نکوهش مسلمانانی که قول و فعلشان یکی نیست و سبب ناراحتی پیامبر میشوند در حالی که به حقانیت او معترفند.

۳

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٧﴾ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٩﴾

ریزدرپ: نکوهش اهل کتاب که نابودی اسلام را میخواهند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿١٠﴾ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينُ طَبِيعَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَذْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَيَسِّرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمْنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ﴿١٤﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! به ایمان واقعی و جهاد در راه خدا رو کنید تا در دو جهان پیروز باشید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درس سوره که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درس مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱- چرا بجای «سَبَّحَ» (مانند بعضی سوره های دیگر) نفرموده «یسبح»؟
- ۲- چرا بجای «ما» نفرموده «من»؟
- ۳- چرا از میان صفات ممکن دو صفت عزیز و حکیم را ترجیح داده؟
- ۴- منظور از «سَبَّحَ» چیست؟
- ۵- چرا بجای «یا ایها الذین آمنوا» نفرموده «یا ایها المسلمون»؟
- ۶- اگر بخواهیم از تیتیر «ذکر مصادیق افاده حصر نمی کند» استفاده کنیم، می باید زیر کدام کلمات خط بکشیم؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۲ فهمیده میشود که در بین مسلمانان عده ای وجود داشتند که دائماً لاف جنگ را میزدند، بخصوص که در سوره بقره راجع به «قتال»، و یا در باره بنی اسرائیل و داستان طالوت و داود و جالوت، نیز در همان سوره در باره انفاق در راه خدا که از قرائن فهمیده میشود اتفاقات لازم برای جهاد است، و در سوره عادیات آیات مهیجی در باره عمل برنامه ریزی شده چابک و چالاک و شیخون با لحن حماسی نازل شده، و شاید این سبب لاف زدن عده ای شده بود که در آیه ۴ این سوره آنها را «تنظیم باد» میفرماید.

اذیت‌های بنی اسرائیل نسبت به حضرت موسی را در سوره‌های طه، اعراف و بقره دیدیم، اما از اشاره مجدد آن در آیه ۵ باید بتوان حدس زد که این روز ها که روزهای شروع به آمادگی های جنگی بود نق نق ها و غرغرها، هم از سوی منافقان و هم از سوی افراد مسلمان سست ایمان، شروع شده بود و حتما آنحضرت را بسیار می آزد و ذکر رفتارهای بنی اسرائیلی نسبت به پیامبر خودشان را باید کنایه ای به مسلمانان دانست که پس فرقتان با آنها چیست.

اما اینکه در آیه ۸ به خاموش کردن نور خدا اشاره نموده، می باید از آن شدت عصبانیت مشرکان مکه را حدس زد زیرا میدیدند که مسلمانان نه تنها از حوزه نفوذ مستقیم آنها خارج شده اند بلکه کارشان آنقدر بالاگرفته که برای خودشان حکومتی دارند و دیر نیست که به یک معارض جدی بدل شوند، و عصبانیت آنها آنقدر بالا گرفته که به چیزی کمتر از کندن ریشه اسلام رضایت نمیدهند.

از آیات ۱۰ تا ۱۴ چنین فهمیده میشود نیروی اصلی پیامبر (ص) ایمان مومنان واقعی بوده که در این اوضاع خطیر نزدیک به جنگ، به آن عنصر توجه ویژه نشان میدهد، و رفتار معنوی آماده شدن واقعی برای جنگ را «تجارت» مینامد (آیه های ۱۰ تا ۱۲) و از قول خداوند وعده پیروزی میدهد (آیه های ۱۳ و انتهای ۱۴)

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

کل آیات این سوره «برجسته» است و برجستگی می‌تواند دو ملاک داشته باشد که یکی از آنها مربوط به معانی بلند آیات مربوطه، و دیگری مربوط به اقبال مردم و

نخبگان جامعه به آن آیات باشد، و این آیات واجد هر دو ملاک می‌باشند. زیرا در باره عالی بودن معانی، بقدر کافی دیده‌اید و از لحاظ اقبال نخبگان هم واجد هست، بطوریکه موضوع کار هنرمندان خوشنویس بوده و در قاب‌های زیبای تابلوهای خوشنویسی جای گرفته و در سر درب‌ها و بالای محراب‌های بسیاری از مساجد و نیز دور گنبدها و جاهای اصلی دیگر را مزین نموده و به صورت کاشی و معرق‌کاری و طرق دیگر جلوه می‌کند.

۶ - پیشگوئی‌های تحقق یافته

لطفاً توجه داشته باشید که این سوره با توجه به ترتیب نزول سوره‌ها، خیلی نزدیک به زمان وقوع جنگ بدر نازل شده است و با توجه به این واقعیت، تقریباً همه فقرات آیات فوق مفهوم می‌گردد که از مردم برای «غلبه دین حق» فعالیت می‌خواهد و آن را برایشان «تجارت» قلمداد می‌کند که هم فلاح اخروی را برایشان می‌آورد و هم پیروزی دنیوی را نصیب‌شان می‌نماید. در این سوره مواردی هست که وعده تحقق یافته دارد و لذا دارای بارعجازی است. در آیات ۵ تا ۸ تلویحاً پیشگوئی غالب شدن تعالیم آنحضرت را بر سایر گفتمان‌ها میدهد.

در آیه ۹ می‌فرماید: اوست که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها غالب گرداند، گرچه مشرکان بدشان بیاید. هنوز پیامبر(ص) وفات نیافته بود که تمام مناطق مشرک‌نشین جغرافیای آن روز اعراب، به اسلام گرویدند و آن حضرت خودشان تحقق این پیشگوئی را دیدند. در آیه ۱۳ به وضوح پیشگوئی یک پیروزی جنگی نزدیک را به پیروان آنحضرت ارائه می‌کند که با توجه به ترتیب و تاریخ نزول به غیر از جنگ بدر تطبیق نمی‌شود.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه‌های ۸ و ۹ چون قبل از جنگ بدر نازل شده و هنوز هیچ نشانه‌ای دال بر پیروزی نظامی برای آنحضرت واقع نشده بود، بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه این آیات بوده است. همچنین است انتهای آیه ۱۳.

آیه ۱ از این لحاظ که به موقعیت خداوند اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل. آیه های ۱۰ تا ۱۲ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. آیه های ۵ و ۶ و ۱۴ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

دریافت های کوتاه مستقیم

اگر به این نکته توجه کنیم که این سوره اندکی قبل از جنگ بدر نازل شده، نه تنها آیه ۴ را کاملاً می فهمیم، بلکه سوره قبلی (عادیات) را نیز بهتر می فهمیم.

تسبیح آنچه در آسمان ها و زمین است

در اینجا مسلمانان به عبادات واقعی دعوت شده اند. همانطور که «آنچه در آسمانها و زمین است» عبادت می کنند. البته همانطور که می بینیم، از جمادات و حیوانات و غیره، «عباداتی» به آن مفهوم که می شناسیم نمی بینیم. بنابراین عبادت آنها - همانطور که در سوره های قبلی مشروحاً عرض کرده ایم - همان «زندگی» آنها است. جمادات و حیوانات و گیاه ها، هر کدام، از درجه ای از «وجود» برخوردارند و عبادت آنها «وجود» آنها و عمل بر مقتضای همان سطحی از وجود است که از آن برخوردارند.

مثلاً عبادت سنگ این است که وقتی از ارتفاع رها شد بطرف زمین سقوط کند و سایر خواص سنگ بودن را در شرایط مختلف بروز دهد و عبادت حیوانات هم این است که به مقتضای غرایزشان عمل کنند و عبادت انسان هم این است که به

مقتضای عقل خویش سخن پیامبر را بپذیرد و از آنحضرت پیروی کند. بنابراین وقتی که سوره اینطور شروع می‌شود که «آنچه در آسمانها و زمین است» تسبیح خدای را می‌گویند، در حقیقت به انسان غافل تعریض می‌کند که چرا در غفلتی و به مؤمن تعریض می‌کند که چرا کم عملی؟ البته قبلاً در خصوص رابطه «زندگی» و «عبادت» و اینکه «عبادت» همان «زندگی» صحیح است، عرضی کرده‌ایم.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه در آسمانها و زمین است خداوند را به پاکی می ستایند و همو پیروزمند فرزانه است (۱)

ای مسلمانان! چرا چیزی را میگوئید که انجامش نمیدهید؟ (۲) اینکه چیزی را بگوئید که انجامش نمیدهید موجب خشم بزرگی نزد خداوند است (۳) خداوند کسانی را که در راه او می جنگند و آنقدر ثابت قدم باشند که گوئی دارای پی های فلزی می باشند دوست میدارد (۴)

و هنگامی که موسی به قومش گفت ای مردم چرا اذیت می کنید در حالی که می دانید فرستاده خدا بسوی شما هستم؟ و هنگامی که منحرف شدند خداوند نیز دلهایشان را منحرف نمود و خداوند قوم فاسقان را هدایت نمی کند (۵)

و هنگامیکه عیسی پسر مریم گفت ای بنی اسرائیل! من رسول خدا بسویتان هستم که آنچه را که از تورات پیش از من بوده تصدیق می کنم و به آمدن رسولی که پس از من می آید و اسمش احمد است مژده میدهم. اما وقتی که با دلایل روشن بسویشان آمد گفتند این جادویی آشکار است (۶)

چه کسی ظالمتر است از کسی که بر خداوند دروغ بدد در حالی که دعوت به اسلام میشود؟ و خداوند قوم ظالمان را هدایت نمیکند (۷) میخواهند نور خدا را با دهانهایشان خاموش کنند در حالیکه خداوند نور خویش را

بطور کامل ظاهر میکند ولو اینکه کافران بدشان بیاید (۸)
اوست که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین ها پیروز کند،
گرچه مشرکان بدشان بیاید (۹)

ای مسلمانان! میخواهید تجارتی به شما نشان بدهم که شما را از عذاب دردناک
نجات دهد؟ (۱۰) به خدا و رسولش ایمان بیاورید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد
کنید. این برایتان بهتر است اگر بدانید (۱۱)
گناهانتان را می آمرزد و شما را به بهشتی که در کف آنها نهرها جاری است و
زیستگاههایی دلپسند در باغ هایی جاودان در می آورد که این همان پیروزی بزرگ
است (۱۲)

و چیز دیگری هم که دوستش دارید نصیبتان می کند: یاری از جانب خدا و
پیروزی نزدیک. و ای پیامبر! مومنان را مژده ده (۱۳)

ای مسلمانان یاران خدا باشید. آنچنانکه وقتی عیسی بن مریم به حواریان گفت چه
کسی در راه خدا یاریم می کند، حواریان گفتند ما یاران خدائیم.
و عده ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و عده ای هم کافر شدند.
و ما مومنان را علیه دشمنانشان تقویت کردیم و غالب شدند (۱۴)

سوره محمد(ص)

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَاهُمْ ﴿١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ﴿٣﴾ فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْنَتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنَا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَاهُمْ ﴿٤﴾ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿٥﴾ وَيُدْخِلُهُمْ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُغْنِيَ أَعْدَاءَكُمْ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَصْلَ أَعْمَاهُمْ ﴿٨﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَخْبَطَ أَعْمَاهُمْ ﴿٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: تشویق مسلمانان به جهاد، و جدیت در راه خدا و جدا کردن مسیر خویش از کافران و منافقان.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: تشریح علت رفتارهای کافران و مومنان و توصیه به مسلمانان به جدی بودن در برخورد با کافران و ذکر حکمت های آن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ﴿٣﴾

ریزدرب: فرق کافر و مومن از لحاظ فکری و رفتاری در همین دنیا

فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَتَخْتَمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرْنَا مِنْهُمْ وَلَكِنْ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِبَعْضِ الَّذِيْنَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿٤﴾ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿٥﴾ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿٦﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! در هنگام جنگ همت شما کسب پیروزی باشد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَصْرُفُوا اللَّهَ يَصْرُفْكُمْ وَيُثَبِّثْ أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَصْلًا أَعْمَالَهُمْ ﴿٨﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَخْبَطُوا أَعْمَالَهُمْ ﴿٩﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! اگر شما درست باشید، کمک الهی هم میرسد

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - آیه ۱ اشاره به چه کسانی دارد؟
- ۲ - چرا در آیه ۲ «آمنوا بمانزل علی محمد» را که زیر مجموعه ایمان و عمل صالح است، که در همان آیه قبلا ذکر شده، را، باز هم ذکر فرموده؟

۴ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۲ میفرماید: و آنانکه ایمان و عمل صالح داشته و به آنچه بر محمد نازل شده، که همان حق از جانب پروردگارشان است، باور داشته اند بدیهای آنها را پوشاند و وضعشان را اصلاح کرد.

انتهای آیه فوق به وضوح متضمن یک «پیشگوئی» است که دیدیم پس از جنگ بدر درست در آمد.

در آیات ۴ تا ۹ یک جنگ کامل و تمام عیار را پیشگوئی میکند که در آن پیروزی کامل و بی تردید از آن مسلمانان خواهد بود که چند روز بعد در جریان جنگ بدر درست در آمد.

۵ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۷ از آنجا که مکانیزم اجرایش برای ما هنوز روشن نیست، به طریق اولی بالاتر از ذهنیات مخاطب اولیه نیز بوده است.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

کل آیه های ۴ تا ۹ پرانتری است، زیرا اگر چشم خویش را بر کل آن ببندیم و انتهای

آیه ۳ را به ابتدای آیه ۱۰ وصل کنیم می بینیم روال سخن صاف و یکدست و بی اعوجاج خواهد بود.

این سوره درست نزدیک جنگ بدر نازل شده

لحن سوره در جای جای متن، گویای تیترو فوق است، که به فهم کل متن کمک میکند.

«کار شما علیه آنان محکم شود» (در آیه ۴) یعنی در ابتدای جنگ همت خویش را بیشتر برای پیروزی بذل کنید نه اسیر گرفتن و غنائم احتمالی. اما وقتی که احساس کردید کار محکم شده و پیروزی شما تقریباً حتمی است، آنوقت دیگر چندان دنبال کشتن دشمن نباشید و اسیر گرفتن و «بستن» آنها و «بی‌اثر کردن» شان بهتر است، و پس از پیروزی نیز یا به آنها منت بگذارید (و آزادشان کنید) یا «فدیه» (عوض، خونبها) بگیرید.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

آنانکه کفر ورزیدند و از راه خدا جلوگیری کردند خداوند اعمالشان را نابود خواهد کرد (۱)

و آنانکه ایمان و عمل صالح داشته و به آنچه بر محمد(ص) نازل شده، که همان حق از جانب پروردگارشان است، باور داشته اند بدیهای آنها را خواهد پوشاند و وضعشان را اصلاح خواهد کرد (۲)

این به آن علت است که کافران باطل را و مومنان آن حق را که از جانب پروردگارشان است پیروی کردند. خداوند برای مردم اینگونه مثل ها را می زند (۳)

ای مسلمانان! هنگامی که در جنگِ قریب الوقوع بدر کافران را دیدید گردنهای آنها را بزنید تا کار شما علیه آنها محکم شود، آنگاه آنها را به اسیر گرفتن ببندید، و بعدا یا منت نهید و آزاد کنید و یا فدیة بگیرید و آزاد کنید، تا اینکه جنگ بارهای خویش را بنهد. چنین است.

و اگر خداوند می خواست شما را پیروز می کرد ولیکن بعضی از شما را بوسیله بعضی دیگر میازماید و کسانی که در راه خدا کشته می شوند اعمالشان را هرگز نابود نمی کند (۴)

بزودی هدایتشان می کند و احوالشان را اصلاح می نماید (۵)
و آنها را به آن بهشت که به آنان شناسانده در می آورد (۶)

ای مومنان! اگر راه خدا را یاری کنید یاریتان می کند و قدمهایتان را تثبیت می فرماید (۷) و کافران، سزاوار سرنگونی اند و اعمالشان نابود باد (۸)
این به آن علت است که آنچه را خدا فرستاده ناخوشایندشان است، لذا اعمالشان را نابود میکند (۹)

محمد ۲ آیات ۱۰ تا ۱۹

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمُتْهُمْ ﴿١٠﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ ﴿١١﴾ إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ ﴿١٢﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْنَاكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ﴿١٣﴾ أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زَيْنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٤﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءُهُمْ ﴿١٥﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٦﴾ وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ﴿١٧﴾ فَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَهُمْ ذِكْرَاهُمْ ﴿١٨﴾ فَأَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرُ لَذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ﴿١٩﴾

پیش تفهیم

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: تشویق مسلمانان به جهاد، و جدیت در راه خدا و جدا کردن مسیر خویش از کافران و منافقان.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: نكوهش كافران از طريق مقایسه های بین مومن و كافر از جهات مختلف و نكوهش بعضی رفتارهای منافقانه و تذکر جدی تنبه برانگیز به پیامبر(ص) و مسلمانان.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا ﴿١٠﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ ﴿١١﴾ إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ ﴿١٢﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! کافران از لحاظ ذاتی با شما فرق دارند

۲

وَكَايِنَ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْنَاكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ﴿١٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! این کافران از کافران قبلی پرقوت تر نیستند

۳

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٤﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ﴿١٥﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! از لحاظ عاقبت هم که حساب کنید، کافران با شما یکی هستند؟

۴

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٦﴾ وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ﴿١٧﴾ فَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَهُمْ ذِكْرَاهُمْ ﴿١٨﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! کافران از لحاظ ذاتی با شما فرق دارند

۵

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ﴿١٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! تمام تو کلت بخداوند باشد

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای مسلمین! از کافران نگران نباشید، بزودی وضعیتان بهتر خواهد شد و در جنگ جدی باشید تا مورد یاری خدا قرار گیرید و تثبیت شوید.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! از کافران نگرانی نداشته باشید زیرا کاملاً ممکن است وضع آنها (حتی در همین جهان) خراب و وضع شما خوب شود و اینکه آیا کافران به این موضوع فکر نمی کنند که ممکن است به عذاب هلاکت دچار شوند و اینکه وضع مؤمنان از آنها بسیار بهتر خواهد شد؟ و ای پیامبر! از میان مسلمانان کسانی هستند که دلشان با تو نیست و اگر در این حالتی که هستند قیامت بر آنها درآید چه خواهند کرد؟ و اعمال منافقان را زیر نظر داشته باش و ای پیامبر و ای مسلمانان! خداوند رفتارشان را می بیند و به آنچه در ذهن هاتان میگذرد آگاه است.

۴- سوالات

۱- « هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قُرَيْبِكَ إِلَيَّ أَخْرَجْتُكَ » (آیه ۱۳) موضوع کدام کلیدفهم قرآن است؟

۲- « فِيهَا أَهْلًا مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَهْلًا مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَهْلًا مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَهْلًا مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ » (آیه ۱۵) چطور؟

۳- برای آیه ۱۱ چه سابقه ای در سوره های سابق (به ترتیب نزول) سراغ دارید؟

۴- در آیه ۱۴ فرق مومن و کافر را در چه دانسته؟ (حق در مقابل خواسته دل؟ یا.....؟)

۵- با توجه به آیه ۱۰ «سیر در زمین» را جهت یافتن «عبرت» توصیه نموده، با توجه

به اینکه مخاطبان اولیه این سوره در زمانی زندگی میکرده اند که وسائط نقلیه بسیار کندرو بوده اند لاجرم محدوده هائی که میتوانسته اند در آن به سفر بپردازند بسیار کوچک بوده، «سفر»های احتمالی مذکور چگونه میتوانسته مقصود آیه را حاصل کند؟

۶- در آیه ۱۶ از «ماذا قال آنفا» چه میفهمیم؟

۷- فاعل قول فوق کیست؟

۸- در آیه ۱۸ «فقد جاء اشراطها» را چگونه توضیح میدهید؟

۹- منظور از «وتوالعلم» در آیه ۱۶ چه کسانی است؟

۱۰- آیا آنحضرت نمیدانست که خدائی غیر از خداوند نیست؟

۱۱- آنحضرت چه «ذنب»ی داشت که باید بابت آن استغفار میکرد؟

۱۲- «ذنب» مومنین و مومنات در این باره چه بود؟

۵- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

صفت و رفتاری که در آیه ۱۶ نقل میکند، با توجه به تقابلی که بین صاحب آن صفت و مدلول آیه ۱۷ وجود دارد صفت شخص منافق است، زیرا هم به محضر رسول خدا حاضر میشود و هم منظورش هدایت یابی نیست و هم به سخنان آنحضرت توجهی ندارد، چنین کسی کیست غیر از یک منافق؟ اینک خداوند از بقره به بعد اینهمه از صفات و رفتار منافقان میگوید بی دلیل نیست، دلایل این است که آنها زیاد بوده و رفتارشان نیز در جریانات کلی تأثیر مخرب داشته است.

آنچه در بخش سوالات مطرح کرده ایم جوابش در موضوعی است که در این بخش عرض میکنیم، و آن این است که این سوره در شرایط «بسیار نزدیک به یک جنگ تمام عیار» نازل شده، و با این دیدگاه، هم پاراگراف قبل و هم این پاراگراف، کاملاً مفهومی میشود.

به این معنی که منافقان (چنانکه می پرسیدند «این یارو همین حالا چه گفت؟» و مومنان هم نگران و سرآسیمه شده بودند و خود آنحضرت هم که تجربه چنین شرایطی را نداشت، با دیدن این اوضاع که منافقان، که مرگ را جلوی چشمانشان میدیدند، و به تخریب روحیه ها می پرداختند، و کارشان هم بی تأثیر نبود، چه بسا آنحضرت را به حالتی از خشم و غضب و افسوس نزدیک کرده بود که او را از حالت ممدوح «انک لعلی خلق عظیم»ی ممکن بود دور کند که سبب نزول چنین عتاب

هایی (فاعلم ، استغفر) شد.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۱۳ به روشنی پیشگوئی شکست جبهه مخالف آنحضرت را نموده است که درست در آمدنش را دیدیم.

در آیه های ۱۶ تا ۱۸ تلویحا پیشگوئی نموده که منافقان چه نوع رفتارهایی خواهند داشت و چه عاقبتی در انتظارشان خواهد بود.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۵ بخصوص «انهار من غسل مصفی» و «انهار من خمر لذه للشاربین» از آیات برجسته است، در باره آن خیلی در اینجا و آنجا بحث و حتی شوخی میشود که چنین طعنه میزنند که خدا در اینجا خمر را حرام میکند ولی جایزه اش در آنجا همین است (که البته این کج فهمی است که جوابش را در کتاب خویش «حیات اخروی» [ر.ک. سایت ما] توضیح داده ایم و در اینجا به آن نمی پردازیم)

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۰ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

آیه ۱۲ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. همچنین است آیه ۱۵. نیز آیه ۱۸.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

اگرچشم خویش را برآیه ۱۹ ببندیم و قبل و بعد آن رابه هم وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست ترمیشود لذا این آیه «پرانتری» است.

علامات قیامت

در آیه ۱۸ با ذکر «فقد جاء اشراطها»، میفرماید علامات قیامت آمده، ممکن است یکی بگوید این چه علاماتی است که چهارده قرن پس از نزول این آیات هنوز ظاهر نشده؟

یک جوابش «انهم یرونها بعیدا و نریه قریبا» (سوره معارج) است. جواب دیگرش این است که یکی از کارهای مهم قرآن هشداردهی است، و این هم هشدار است، زیرا کسی زمان وقوع قیامت را نمیداند. اما اینها از لحاظ جواب به سوال مذکور (فارغ از قصد پرسشگرش) مقنع و راضی کننده نیست.

جواب مقنع و راضی کننده این است که در سوره های مرحله سوم (که تمرکز محتوای سوره ها راجع به مسائل قیامتی و آخرتی است، و با سوره انفطار شروع و با سوره ق پایان می یابد) حادثی به عنوان حوادث ایام نزدیک به وقوع قیامت ذکر شده که در این حدود چهارده قرن هر از گاهی وقوع یکی از آنها را شاهدیم، و در همان روزهای نزول آن سوره ها نیز برخی «قریب الوقوع» به نظر می آمد و امروز (نسبت به آن روزها) تعداد بیشتری از آن حوادث وقوع یافته است.

لذا، «فقد جاء اشراطها»، در آن روزها، اشاره به آن وقایعی دارد که تا آن روز واقع شده بودند (مثلا ظهور آخرین پیامبر، و غلبه دین اسلام بر ادیان – اعم از شرک و اهل الکتابی رقیب در جغرافیای نزول خویش، و امثال آن)

ترجمه تفسیری آزاد

آیا این کافران در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت پیشینیان چگونه بود؟ که خداوند خانه خرابشان کرد؟

و برای کافران از این مثالها زیاد است (۱۰)

این به آن سبب است که خداوند یاور مومنان است و کافران یآوری ندارند (۱۱)
خداوند مومنان صاحب عمل صالح را داخل بهشتهائی می کند که از کف آنها نهرها

جاری است و کافران در این جهان برخوردار میشوند و مانند چارپایان می خورند اما در آخرت جایگاهشان آتش است (۱۲)

و چه بسا شهرهائی که از شهری که تو را بیرون کرد قوی تر بودند و هلاکشان کردیم و یاری نداشتند (۱۳)

آیا کسی که دارای دلیل روشنی از جانب پروردگارش هست مانند کسی است که عمل زشتش برایش تزیین شده و از امیالش پیروی میکند؟ (۱۴)

آیا مَثَل بهشتی که به تقوا داران وعده داده شده که در آن نهرهائی از آبی که بو نمی گیرد، و نهرهائی از شیری که طعمش تغییر نمی کند، و نهر هائی از نوشابه ای که برای نوشندگان لذت دارد، و نهرهائی از غسل تصفیه شده هست، و از هر نوع میوه جات دارد، و آمرزشی از جانب پروردگارشان هم هست، مانند جهنم است؟ که کافران در آن جاودانند و آبی جوشان مینوشند که اندرونشان را پاره میکند؟ (۱۵)

ای پیامبر! از آنها کسانی هستند که به تو گوش میدهند و وقتی که از نزدت خارج میشوند از کسانی که به آنان علم داده شده میپرسند این پیامبر همین چندی پیش چه میگفت؟

آنها کسانی هستند که خداوند بر قلبهاشان مهر زده و امیالشان را پیروی کرده اند (۱۶)

و آنانکه در جستجوی هدایتند خداوند هدایتشان را زیاد میکند و نتیجهء تقوایشان را به آنها میدهد (۱۷)

آیا اینها منتظر قیامت هستند که ناگهان بر آنها در آید؟ البته علامت های آن آمده. اما اگر قیامت بیاید دیگر پند و تذکر چه فایده ای برایشان خواهد داشت؟ (۱۸) پس بدان که خدائی جز خداوند نیست و برای گناهان خویش و مومنان آمرزش بخواه و خداوند به حرکت و سکون شما آگاه است (۱۹)

محمد ۳ آیات ۲۰ تا ۳۸

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ هُمُ ﴿٢٠﴾ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا هُمُ ﴿٢١﴾ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴿٢٢﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ ﴿٢٣﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ﴿٢٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ ﴿٢٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ﴿٢٦﴾ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّيْتُهُمُ الْمَلَائِكَةُ بَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ﴿٢٧﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَصْحَبَ اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٢٨﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَصْغَاهُمْ ﴿٢٩﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَأَمِتْنَاكُمُ فَلَعَرَفْتُمُوهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَعَرَفْتُهُمْ فِي حَنِّ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٠﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْطِ بِأَعْمَالِهِمْ ﴿٣٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٤﴾ فَلَا تَحْنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٥﴾ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهَوٌ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ﴿٣٦﴾ إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَخُذُوا أَصْغَانَكُمْ ﴿٣٧﴾ هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِتُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ ﴿٣٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: تشویق مسلمانان به جهاد، و جدیت در راه خدا و جدا کردن مسیر خویش از کافران و منافقان.

برایند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نکوهش منافقان و برشماری بعضی از صفات و اعمالشان و دعوت مسلمانان به جدی بودن در مسلمانی خویش و اقدام به اعمال پسندیده.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ هُمُ ﴿٢٠﴾ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ قَالُوا صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ﴿٢١﴾

ریزدرپ: ای مسلمانان! با خدایتان یکدله باشید

۲

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴿٢٢﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ ﴿٢٣﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْقَانَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ﴿٢٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ ﴿٢٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ﴿٢٦﴾ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَذْبَارَهُمْ ﴿٢٧﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَآخِطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٢٨﴾

ریزدرپ: ای مسلمانان! شاید هم برخی تان تمایل به فسادکاری دارید؟ آیا اینها که چنین اند هیچ تعمقی در قرآن نکرده اند و منافق اند؟ سرانجام منافقان هم که چنین است!

۳

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَصْعَاغَهُمْ ﴿٢٩﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَأَمَرْنَاكُمُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ وَلَعَرَفْتُمْ فِي حَرْفِ الْقَوْلِ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٠﴾ وَلَتَبْلُوُنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾

ریزدرپ: ای پیامبر! البته آنها آزمایش خواهند داد، ولی خودت هم با کمی دقت میتوانی شناسی شان

۴

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ أَعْمَالُهُمْ ﴿٣٢﴾

ریزدرب: در هر حال ضرر این نوع رفتارها به خودشان میرسد

۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٤﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! شما کار خودتان را درست انجام دهید که ضرر جبران ناپذیر نکنید

۶

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَهْزِمَ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٥﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! اگر جنگی واقع شد شما سستی و پیشدستی در تقاضای متارکه جنگ نکنید، زیرا خدا با شماست

۹

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهْوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْزِكُمْ أَجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ﴿٣٦﴾ إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُخَفِّكُمْ تَبَخَّلُوا وَخُذُوا أَصْعَانَكُمْ ﴿٣٧﴾ هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَخِلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْوَالَكُمْ ﴿٣٨﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! این امتحان پیش رو را خوب بدهید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای مسلمین! از کافران نگران نباشید، بزودی وضعیتان بهتر خواهد شد و در جنگ جدی باشید، تا مورد یاری خدا قرار گیرید و تثبیت شوید.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مسلمانان! از کافران نگرانی نداشته باشید زیرا کاملاً ممکن است وضع آنها (حتی در همین جهان) خراب و وضع شما خوب شود و اینکه آیا کافران به این موضوع فکر نمی کنند که ممکن است به عذاب هلاکت دچار شوند و اینکه وضع مؤمنان از آنها بسیار بهتر خواهد شد؟ و ای پیامبر! از مسلمانان کسانی هستند که دلشان با تو نیست و اگر در این حالتی که هستند قیامت بر آنها درآید چه خواهند کرد؟ و اعمال منافقان را زیر نظر داشته باش و ای پیامبر و ای مسلمانان! خداوند رفتارشان را می بیند و به آنچه در ذهنتان میگذرد آگاه است.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان ما شما را می آزمائیم تا خوب از بد مشخص شود، و البته فعالان مخالف حق هم بزودی ورشکستگی کارشان را خواهند دید، و مبادا مانند منافقان رفتار کنید که در آن صورت مورد خشم الهی قرار خواهید گرفت.

۴- سوالات

- ۱- منظور از «الذین آمنوا» در ابتدای آیه ۲۰ چیست؟
- ۲- از آیه ۲۰ چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟
- ۳- منظور از «تولّیتهم» در آیه ۲۲ چیست؟
- ۴- در این پاراگراف خداوند در جاهائی از حالت سوم شخص (او)، و در جاهائی از حالت متکلم مع الغیر (ما) استفاده فرموده، اولاً جاهای هر کدام را مشخص کنید، ثانیاً آن موارد را تعلیل نمایید.
- ۵- منظور از «یترکم» (آیه ۳۵) چیست؟
- ۶- ثلث ابتدای آیه ۳۸ چگونه با انتهای آیه ۳۶ قابل جمع است؟
- ۷- منظور از «الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهْوٌ» (آیه ۳۶) چیست؟ آیا جمله مذکور «تعریفیه» است یا «تمثیلیه»؟

۸- آیا در سوال فوق کلمه «دنیا» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

«در قلب‌هایشان مرضی هست» اشاره به منافقان دارد که در زمان حکومت پیامبر(ص) تعدادشان زیاد و توطئه‌هایشان نیز منسجم و شبکه‌مندتر شده بوده است.

آنها هر جا که بوی فداکاری و خطر باشد غایب و هر جا که خودنمایی و دروغ و نیرنگ بود حاضر بودند. و مورد آیه ۲۰ نیز وصف حالشان است که بوی خطر می‌آید و در این سوره خبر جنگ قریب‌الوقوع است و آنها نگران شده‌اند. بعلاوه چنانکه در آیه ۲۶ دیده می‌شود پنهانی با دشمنان اسلام نیز ارتباط دوستانه برقرار کرده‌اند.

و چنانکه از آیه ۲۹ فهمیده می‌شود نسبت به اسلام و مسلمین کینه هم داشتند. از آیه ۳۵ فهمیده می‌شود روحیه مسلمانان در نزدیکیهای وقوع جنگ بدر پائین بوده و خواهان یکجور صلح و سازشی بودند که در نتیجه اش جنگ اتفاق نیفتد و از آیه های ۳۷ و ۳۸ فهمیده می‌شود پیامدهای جنگ برای آنان خیلی ناگوار و تلخ بوده و خوش داشتند اگر بشود زیر بار این یک قلم نروند.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۲۴ این روزها که بحث تدبر در قرآن بیش از سابق مطرح است، خیلی مشهور شده، و گرچه برخی آن را دکان کرده و همان حرفهای چنانی را بقول خودشان در قالب امروزی بیان میکنند، اما یکی دو تا کوشش اصیل نیز دیده میشود، و امید میرود موفق و اثر گذار باشد.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۲۴ از این لحاظ که مکانیزم قفل زدن بر قلب روشن نیست بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه ۲۵ که در باره شیطان صحبت میکند از آنجا که مکانیزم عمل شیطانی برای ما مشخص نیست بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مخاطب اولیه.

آیه های ۲۷ و ۲۸ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. همینطور است آیه ۳۲.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

دو آیه ۳۶ و ۳۷ گر چه فرع بر آیه ای نیستند؛ اما پراتنزی هستند، دلیلش هم اینکه اگر قبل و بعد آنها را به یکدیگر وصل کنیم (یعنی با در نظر گرفتن «فرعی» ها، انتهای آیه ۳۳ را به ابتدای آیه ۳۸ وصل کنیم) می بینیم روال سخن صاف و یکدست و بی دست انداز است.

منافقان در این روزها خیلی ناراحت بودند

فرق مومن و منافق به خوبی در دو آیه ۲۰ و ۲۱ نشان داده شده است: مومن در هنگام نزول احکامی که بوی زحمت و مشقات از آنها به مشام میرسید، در واکنش، سخن از اطاعت و هر چه از جانب خدا باشد نیک است و ما تا آخرش با امر خدا و رسولش هستیم و از این قبیل، میگوید، و منافق ابراز ناراحتی میکند و اگر ببیند شرایط با او همراه نیست، و نمیتواند بطور آشکار مکنونات قلبی خویش را شفاف کند، با «زبان بدن»، بدون اینکه بتواند کنترلی روی آن داشته باشد، همان را اظهار میکند.

چنانکه از آیه ۲۲ به وضوح فهمیده میشود، قصد منافقان از پیوستن به جریان اسلام (حتی قبل از هجرت) این بود که آنها فهمیده بودند جریان اسلام موفق میشود، و میخواستند از طریق پیوستن به آن، از نمدِ موفقیت آن، کلاهی برای خویش دست و پا کنند، و به طور خاص در این فکر بودند که خود شیرینی کنند و ریاستی بیابند، تا از طریق ریاستِ مذکور عقده های سرکوب شده خویش را نسبت به کسانی باز کنند، و لذا آیه ای که از آنها بوی خطر و زحمت و مشقت به مشام میرسید، به شدت با خواسته واقعی شان تضاد داشت.

آیه های ۳۲ و ۳۶ تا ۳۸ بما میگوید آنها اگر میتوانند، سعی خویش را میکردند که از راه حق جلوگیری کنند، و برای این کار بشدت (آنقدر که جوّ اجازه میداد) با آنحضرت مخالفت عملی، و اگر نمیشد لاقلاً زبانی، میکردند، و در هر حال ابداً همراهی و متابعت نمیکردند، مگر اینکه مجبور شوند بطور ریائی و ظاهری، نمایشی از همکاری ارائه کنند.

ترجمه تفسیری آزاد

برخی از مسلمانان می گویند چرا سوره ای نازل نشده؟ پس هنگامی که سوره ای محکم نازل شود و حکم کارزار در آن باشد می بینی آنان که در قلبهایشان مرضی هست چنان به تو مینگرند که انگار مرگشان رسیده است، و همان هم برایشان سزاوارتر است (۲۰)

طاعتی و قول پسندیده ای از این نوع شعار دادن ها بهتر است،
آنگاه وقتی که کار به تصمیم رسید صداقت نسبت به خداوند برایشان بهتر خواهد بود (۲۱)

ای منافقان! نکند وقتیکه ریاست پیدا کردید، در زمین فساد کرده و به قطع ارحام
بپردازید (۲۲)

کسانی که چنین اند خداوند لعنتشان کرده و کر و کورشان نموده است (۲۳)

پس آیا در قرآن تدبیر نمی کنند یا اینکه قلوبشان قفل شده است؟ (۲۴)

البته کسانی که پس از روشن شدن حقیقت بر پاشنه های خویش میچرخند شیطان این امر را برایشان آراسته و آرزومندشان نموده است (۲۵) زیرا که آنها، به کسانی که آنچه را خداوند نازل نموده خوش نمیدارند، میگویند در بعضی از کارها از شما اطاعت می کنیم،

و خداوند از این پنهانکاری آنها آگاه است (۲۶)

چه وضعی خواهند داشت وقتیکه ملائکه جانشان را بگیرند و آنگاه به صورتها و پشت
هایشان بزنند؟ (۲۷)

این به آن سبب است که چیزی را پیروی میکنند که مایه خشم خداست و رضایت او
را خوش نداشتند و همین اعمال پیشین شان را نابود کرد (۲۸)

آیا آنانکه در قلوبشان مرضی هست می پندارند خداوند هرگز کینه هایشان را آشکار نمیکند؟ (۲۹)

و اگر میخواستیم آنها را بتو نشان میدادیم آنگاه آنها را به چهره می شناختی،
و البته آنها را از روی لحن گفتارشان خواهی شناخت
و خداوند اعمالتان را می داند (۳۰)

و حتما شما را می آزمائیم تا جهاد گران و صابران شما مشخص شده و اخبارتان را
بیازمائیم (۳۱)

البته آنان که کفر ورزیدند و از راه خدا باز داشتند و با رسول خدا بعد از اینکه
حقیقت برایشان روشن شد دشمنی نمودند هرگز ضرری به خداوند نمیزنند و
خداوند بزودی اعمالشان را نابود می کند (۳۲)

ای مسلمانان! خدا را اطاعت کنید و نیز رسولش را فرمان ببرید و اعمالتان را باطل
نکنید (۳۳)

کسانی که کافر شده و از راه خدا باز داشتند و سپس در حال کفر مردند خداوند
هرگز نمی آمرزدشان (۳۴)

پس ای مومنان! سست نشوید،

و تقاضای صلح مکنید،

و شما بالاترید،

و خداوند با شماست،

و هرگز پاداش اعمالتان را کم نمی کند (۳۵)

جز این نیست که زندگی دنیا بازیچه و سرگرمی است، و اگر ایمان بیاورید و تقوا
پیشه کنید خداوند پادشاهایتان را خواهد داد و اموالتان را هم نخواهد خواست (۳۶)

زیرا اگر آنها را بخواهد و بر شما سخت بگیرد بخل خواهید ورزید و کینه هایتان
آشکار میشود (۳۷)

همین شماها! وقتی دعوت میشوید که در راه خدا اتفاق کنید، بعضی تان دریغ
میورزند. و کسی که دریغ ورزد از خویش دریغ نموده.

و خداوند بی نیاز است و شما نیازمندید.

و اگر پشت کنید قومی دیگر را بجای شما قرار میدهد و آنان مانند شما نخواهند بود
(۳۸)

سوره انفال

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَيْبِهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾ كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ ﴿٥﴾ يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٦﴾ وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَن يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ﴿٧﴾ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨﴾ إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ ﴿٩﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمْنَةً مِنْهُ وَيُنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمُ رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿١١﴾ إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿١٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٣﴾ ذَلِكَمُ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ﴿١٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَذْبَارَ ﴿١٥﴾ وَمَنْ يُؤْمَرْ يَوْمَئِذٍ ذُبِرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦﴾ فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾ ذَلِكَمُ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ ﴿١٨﴾ إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِتْنَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَاتُّمَّ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: به جهاد و دفاع و اطاعت خالصانه از خدا و رسول بپردازید که پیروز خواهید شد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: هنگام مشکلات معلوم می‌شود ایمان چه کسی در چه درجه‌ای است و ای مسلمانان! هنگام جهاد محکم و ثابت‌قدم باشید و ای کافران بس است. دست بکشید و به صفوف مسلمان بپیوندید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرُّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١﴾

ریز‌درب: ای مسلمانان! طمع به چیزی که مال شما نیست نداشته باشید

۲

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! خودتان را چک کنید و دریابید مومن واقعی هستید یا نه

۳

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ ﴿٥﴾ يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٦﴾

ریزدرب: عده ای از مسلمانان از هجرت ناراضی بودند

۴

وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّكُمْ لَكُم وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ﴿٧﴾ لِيَحِقَّ الْحَقُّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨﴾ إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ ﴿٩﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمُ رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿١١﴾ إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿١٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٣﴾ ذَلِكَمُ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ﴿١٤﴾

ریزدرب: عده ای از مسلمانان از هجرت ناراضی بودند و در موضوع جنگ بدر خواهان جنگ تمام عیار نبودند ولی خداوند از طرق خارق العاده مجموع مسلمانان را به پیروزی رساند

۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ ﴿١٥﴾ وَمَنْ يُؤْمَرْ بِمُؤْمِلَةٍ دُبُرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! به هنگام تقابل نظامی به جنگ پشت نکنید

۶

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتُ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾ ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ ﴿١٨﴾
ریزدرب: ای مسلمانان! خیلی به خود نبالید!

۷

إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ نُغَيِّبَ عَنْكُمْ فِئَتَكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾
ریزدرب: ای کافران! شما پیروز نهائی نخواهید بود

۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾
ریزدرب: ای مسلمانان! مومن واقعی باشید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

۱- «ف» در «فاتقوا» (آیه ۱) از لحاظ دستور زبان چه نقشی دارد؟

۲- «و» پس از آن چه؟

۳- با توجه به ابتدای آیه ۱ چه اتفاقی افتاده بود که آن سوال عمومی رخ داده بود؟

۴- قسمت دوم آیه ۵ مربوط به کدام مقطع زمانی است؟ (مقطع زمانی قسمت اول آیه ۵؟ مقطع زمانی موضوع آیه ۷؟ یا....؟)

۵- چرا به جای «مجرمون» (آیه ۸) نفرموده کافرون یا کلمه همعرض دیگر؟

۶- علت تصریح و تاکید روی عدد ۱۰۰۰ در آیه ۹ چیست؟

۷- آیه ۱۰، در رابطه با آیه ۹، در چه جهتی صراحت دارد؟

۸- با توجه به مطالب آیه ۱۲، ملائکه چگونه مومنان را «تثبیت» مینمودند؟

۹- منظور از «فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ» (آیه ۱۲) چیست؟

۱۰- با توجه به آیه ۱۵، آیا عده ای در جریان جنگ بدر مبادرت به فرار کرده بودند؟

۱۱- اگر بله، چه کسانی و چرا؟

۱۲- منظور از متن آیه ۱۷ چیست؟

۱۳- در این پاراگراف چهار بار از مشتقات کلمه «سمع» استفاده شده، که بمعنی ساده «شنیدن» (از لحاظ فیزیولوژیک) محدود نمیشود، بلکه بمعنی فهمیدن و پذیرفتن است.

با استفاده از «المعجم» (در جستجوی ماده س م ع) موضوع را توضیح دهید.

۱۴- در آیه ۲۲ با نتیجه سوال فوق کلمه «صمّ» مفهوم ترمیشود. کلمه «بکم» را با همان نتیجه توضیح دهید.

۱۵- اگر بخواهیم از تیتیر «فعل خداوند قانونمند است» استفاده کنیم باید به کدام آیه اشاره کنیم؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

چون این قسمت خیلی طولانی شده از این قسمت (که جنبه مقدمه دارد) به قسمت شرح مختصر انتقال یافته است.

۵- در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۱ و ۱۲ از این لحاظ که به مخلوقات اشاره کرده که حتی ما نیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست.

همچنین است آیه ۱۷ که به مکانیزمش آگاه نیستیم.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۳، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه های ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ «پرانتزی» است.

دو آیه ۲۰ و ۲۱ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشند پرانتزی هستند دلیلش هم اینکه اگر انتهای آیه ۱۹ را به ابتدای آیه ۲۲ وصل کنیم می بینیم روال سخن صاف و یکدست و بی دست انداز است.

به زبان طنز: آیه ۱۹: نوعی طعنه و تعریض است.

بعبارت دیگر معنی آن این است که ای کافران مگر شما بدنبال پیروزی نبودید؟ بفرمائید اینهم پیروزی! اما نه برای شما. و یعنی اینکه شما پیروزی نخواهید داشت و بهتر است دست از این کارها بکشید.

به زبان مخاطب: در رابطه با موضوع آیه های ۹ و ۱۰ فهمیده می شود موضوع «هزار ملائکه» یک «دلخوشی سمبلیک» بود. و اگر «هزار» را بمعنی «زیاد» و «ملائکه» را نیز چنانکه در سوره فاطر دیدیم بمعنی «عناصر و نیروهائی مؤثر از جانب خداوند در اداره امور جهان» بدانیم معلوم می شود که خداوند به زبان مخاطب های آن روز صحبت فرموده و در خود آیه هم برای مخاطب های امروزی، معنی «هزار ملائکه» را روشن کرده است. معنی آن اینطور می شود که خداوند اوضاع و احوال صحنه برخورد را از لحاظ های زیادی طوری سامان داده که مسلمانان پیروز شوند. مثلاً طرز قرار گرفتن دو سپاه، قوت روحی مسلمانان در ابتدا و ادامه و انتهای جنگ، که خود را برای هر چیزی آماده کرده بودند، اما طرف مقابل به تعداد و تجهیزات خویش دلگرم بود که پس از دیدن اولین کشته ها فوراً روحیه اش را باخت.

اینها عواملی بود که مسلمانان را پیروز کرد نه اینکه از آسمانها هزار نفر ملائکه پایین بیایند و با شمشیر بجان کفار بیفتند و اگر قرار بود اینطور باشد همان یک نفر از ملائکه هم کافی بود چرا فرموده هزار تا؟ بلکه به زبان مخاطب فرموده و بعداً هم در

انتهای آیه ۱۰ توضیحی داده که مخاطب قرن بیست و یکمی نیز توجیه شود. موضوعی که در بالا عرض کردیم در آیه ۱۲ تأیید می‌شود زیرا معلوم شد که مأوریت ملائکه «تقویت روحی» مؤمنان و «تضعیف روحیه» کافران بوده است.

دریافت های کوتاه مستقیم

آیه ۲۱: «شنیدیم» یعنی: فهمیدیم، قبول کردیم، اطاعت می‌کنیم.

آیه ۲۳: «می‌شنواند» یعنی: می‌فهماند.

آیه ۲۳: می‌خواهد بفرماید کافران «بیماری دل» دارند و بدنبال علم و فهم نیستند.

گزارش وحی آن روزها

از کلمه «یسلونک» فهمیده میشود در هنگام نزول این سوره خیلی ها چنین پرسشی را میکردند.

با توجه به محتوای این سوره (انفال) که شرح و روایت و تحلیل جنگ بدر است، میتوان فهمید که نزول این سوره مدتی پس از پایان آن جنگ مهم سرنوشت ساز بوده، و با توجه به اینکه سوره بعدی سوره حشر است میتوان حدس زد که می باید از طریقی (مثلا وحی یا رویای صادقه یا تخمین های نظامی وغیره) برای آنحضرت روشن شده بود که بزودی جنگی با شاخه ای از یهودیان در پیش خواهد بود که غنایم زیاد و بی زحمتی حاصل خواهد شد و این موضوع فوراً در بین مردم پخش شده بوده و عده ای برای آن غنایم بی زحمت دندان تیز کرده بودند و ... و در پی آن این سوال عمومی را القاء و به آن دامن میزدند که آیه ۱ برای روشن شدن اذهان مومنان واقعی (که موتور رفتارهای آنحضرت بودند) نازل شده و درست پس از آن نیز صفات مومنان واقعی ذکر شده است.

ضمناً از همینجا فهمیده میشود که یهودیان می باید در جریان جنگ بدر رفتارهای خصمانه ای مرتکب شده باشند که درست پس از پایان آن، سوره حشر با آن جزئیات جالبی که از رفتارهای ناپسند یهودیان و رفتارهای ناپسندتر منافقان که آتش بیار معرکه شده بودند، دارد، نازل شده است.

آیه ۱۱ موضوعی را می‌گوید که قابل تعمق است:

بطور کلی یکی از معجزات قرآنی طرز بیان آن است.

مطالب را جوری می‌گوید که مخاطب آن روزها در آن شرح و بسط زائد نمی‌بینند و بطور اشاره‌ای یادشان می‌آید، اما مخاطب‌هایی مانند ما نیز که پانزده قرن با آن

فاصله زمانی داریم آن را می‌فهمیم.

مثلاً از آیه ۱۱ این چیزها فهمیده می‌شود:

۱- خداوند خماری چرت را بر مؤمنان انداخت.

۲- خماری چرت برای این بود که آرامشی بیابند.

۳- از آسمان آبی نازل شد تا از پلیدی شیطان پاکشان کند.

۴- از آسمان آبی نازل شد تا دل‌های مسلمانان به یکدیگر پیوند بخورد.

۵- در اثر پیوند دل‌های مسلمانان، قدم‌هایشان ثابت شد.

از همه اینها چه چیزی فهمیده می‌شود؟

قسمتی از چیزهایی که فهمیده می‌شود اینهاست:

۱- مسلمانان ثابت قدم نبودند. بلکه عده‌ای از آنها دو دل بودند و عده‌ای ثابت قدم بودند.

۲- بعداً در اثر آن «آب آسمانی» یکدل شدند.

۳- بعضی از مسلمانان از «پلیدی شیطان» ناپاک بودند.

۴- عده‌ای از مسلمانان ناراحت و ناآرام بودند.

۵- مسلمانان احتیاج به خواب و استراحت داشتند.

از اینها چه چیزی فهمیده می‌شود؟

لااقل این چیزها فهمیده می‌شود:

مسلمانان خسته بودند و هوا هم گرم بود و عده‌ای از آنها برای جنگ مصمم نبودند اما رویشان نمی‌شد که صفوف مسلمانان را ترک کنند و منتظر بودند تا ببینند چه پیش می‌آید.

اینها همان منافقانی بودند که قبلاً اشاره شد و اینها همانهایی بودند که نظرشان بیشتر دنبال آن کاروان تجاری بود که به یک غنیمت بی‌زحمتی برسند نه اینکه خود را در معرض خطر قرار دهند.

اما وقتی که فهمیدند قضیه یک جنگ واقعی تمام عیار با لشکری است که از لحاظ تعداد سه برابر آنها و از لحاظ تجهیزات ده‌ها برابر آنهاست کاملاً خالی از انگیزه شدند و غرغرها و پیچ‌پیچ‌ها را شروع کردند و اگر عاملی جلوگیری‌شان نمی‌شد کاملاً برای پاشاندن قوای اسلام کافی بودند.

هوا هم گرم بود و آنها هم منتظر بودند تا ببینند چه پیش می‌آید و خیلی‌ها هم در آن هوای گرم به چرت افتادند و بعضی هم محتمل شدند.

پس از بیداری، همه ناراحت و بسیاری هم نجس بودند که بارانی بارید و در آن هوای

گرم، هم همگی خنک شدند، و هم محتلم ها «پاک» شدند، و همگی این را به فال نیک گرفتند و به یاری خدا دلگرم شدند، و منافقان نیز دیدند که با این تغییر روحیه، دیگر نمی‌توانند کاری از پیش ببرند، از اکثریت پیروی کردند و دم نزدند و پیامبر(ص) نیز آنها را آماده نمود و سامان داد و چیزی هم نگذشت که جنگ واقع شد و بقیه‌اش هم که معلوم است.

ملاحظه فرمودید؟ آیا یک معجزه بزرگ نیست که مطلب را در چند کلمه، آنهم هم بصورت اشاره‌ای و تلویحی، طوری ادا کرده که کسانی که در متن مطلب بودند، «توضیح اضافی» در آن نبینند و ما پس از پانزده قرن نیز با اندکی تعمق آنرا طوری بفهمیم که انگار خودمان هم آنجا بوده‌ایم.

بله. این واقعاً یکی از وجوه اعجازی قرآن است که هیچ کتابی با آن از این لحاظ شباهت ندارد.

با توجه به آیه ۱۵، بطور قطع، در جریان جنگ بدر عده ای پا به فرار گذاشته بودند. اینها چه کسانی می‌توانسته اند باشند؟

با توجه به آیه های ۲ و ۳ همین سوره، فراری ها نمیتوانسته اند از مومنان بوده باشند، لذا آنها منافقان بودند که بر اساس (آیات ۵ تا ۱۴) به خیال اینکه طرف مقابل یک کاروان تجاری و یک «هلو برو تو گلو» است، خواب های خوشی دیده و از نمد پیروزی حتمی، کلاه های متعددی برای خویش تصور داشتند که ناگهان چشمشان به لشکری افتاد که از نظر تعداد سه برابر آنان و از نظر تجهیزات کاملتر از آن در تصورشان نمیگنجید و فوراً فهمیدند که این توبمیری از آن توبمیری ها نیست و ممکن است جانها را از دست بدهند و حد اقل این است که جراحات های سخت و قطع دست و پا نصیبشان شود و لذا بی تردید الفرار گویان از صحنه رویارویی در رفتند.

از آیه ۱۷ فهمیده میشود که پس از جنگ بدر یک نوع غرور پر حجمی مومنان را گرفته بود که مطالب آیه مذکور را باید در جهت «تنظیم باد» ارزیابی کرد. باتوجه به آیات اصلی، سخن این پاراگراف (آیه های ۱۸ و ۱۹ و ۲۲ و ۲۳) به کافران مربوط است که آنها را صلب و اصلاح ناپذیر ارزیابی میکند.

«انفال» و رعایت حدود آن

آیه ۱: یکی از معانی «انفال» غنائم جنگی، و یکی دیگر از معانی آن، غنائمی است که بدون جنگ و زحمت بدست آید، و ریشه آن «نفل» به معنی زیادت است و از

مشقتات آن «نافله» است (و نماز نافله یعنی نماز زیاده بر واجب) و بحث بیشتر درباره آن و حدود و مقرراتش را باید در کتب احکام جستجو کرد و جای بحث بیشتر آن در اینجا نیست.

اما اینکه فرموده «پس تقوای خدا را در پیش بگیرید و ...» یعنی اینکه «انفال» (با آن تعریفش) باید در راه‌هائی که خدا و رسول میفرمایند خرج شود و در این خرج کردن باید دقت کافی شود که مطابق ضوابط الهی انجام گردد.

منافقان نگران شده بودند

از آیه‌های ۵ و ۶ فهمیده می‌شود عده‌ای از مسلمانان تمایل به جنگ نداشتند.

اینها چه کسانی بودند؟

اینها همانهایی بودند که وضعشان در مکه خوب بود، از لحاظ مالی جزء اقشار فرودست نبودند و از لحاظ اجتماعی جزء «بزرگان» حساب می‌شدند.

عده دیگری هم که از موضوع هجرت ناخشنود بودند بطور قطع عده‌ای از منافقان بودند که نه از سر صداقت بلکه از منفعت‌طلبی به اسلام پیوسته بودند زیرا بوی پیروزی و موفقیت به دماغشان خورده بود و اینها تمایل به پیروزی اسلام در همان مکه را داشتند که از نتایجش هم در همانجا استفاده کنند و «جای جدیدی که معلوم نبود در آنجا چه پیش آید» برایشان اصلاً مطلوب نبود.

چه می‌خواستند و چه شد؟

در آیه‌های ۷ و ۸ نکته‌ای را می‌فرماید که توجه به آن بسیار عبرت‌انگیز است.

ظاهراً خداوند به طریقی به پیامبر(ص) خبر داده بود که آنحضرت و مسلمانان بر یکی از آن دو طائفه (ای که برای آنحضرت مشخص کرده بود) دست پیدا خواهند کرد. البته باید بدانیم که «طائف» یعنی «گردنده» و ریشه‌اش «طواف» است که برایمان آشناست.

یکی از «آن دو طائفه» عبارت می‌شود از «یکی از آن دو گروهی که - مثلاً - در بیابان در حال گردشند»

معلوم می‌شود دو گروه، در آن موقع در بیابان بودند. مثلاً در حال سفر بودند یا منظور دیگر داشتند و خلاصه اینکه در بیابان و در حال گذر بودند و خداوند یک طوری خبر داده بود که پیامبر و مسلمانان «بر یکی از آنها» دست پیدا خواهند کرد.

و پیامبر(ص) هم موضوع را به مسلمانان اعلام نموده بود. چنانکه بعداً معلوم شد، یکی از این دو گروه، یک کاروان تجارتی بود، و یکی دیگر یک لشکر مجهز قوی مصمم خشمگین که می‌خواستند «ریشه این دین و این پیغمبر و این فراری‌ها و این آشوب طلب‌ها» را بکنند. ج‌دا اگر ما در آنروزها جزء مسلمانان بودیم کدامیک را انتخاب می‌کردیم؟ همانطور که از آیه ۷ فهمیده می‌شود غالب مسلمانان دوست داشتند آن گروه بی‌دردسر راحت‌الحلقوم تجاری به چنگشان بیفتد و در یک «پیروزی آسان»، «درس عبرتی» به خصم بدهند. اما آنچه واقعاً اتفاق افتاد، همان جنگ بزرگ و حماسی و سرنوشت‌ساز و نقطه عطف تاریخ اسلام یعنی جنگ بدر بود.

آیه پر مناقشه

آیه ۱۷ خیلی مورد بحث مفسران ارجمند قرار گرفته و بسیار پُر مناقشه و مجادله شده است. اما واقعاً درک آن (علی‌رغم آن همه مناقشه و مجادله) آسان است. در این آیه از واژه «قتل» دو کلمه و از واژه «رمی» نیز دو کلمه آمده است که در هر دو واژه، فاعل ظاهری آشکار است اما نسبت دادن همان عمل به خداوند به خاطر انگیزه‌های الهی فاعلینِ ظاهری آنها است.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

ای پیامبر! از تو درباره انفال می‌پرسند، بگو انفال مال خدا و رسول است. پس، از خدا پروا کنید و بین خویش را اصلاح نموده، و خدا و رسولش را اطاعت کنید اگر مومن هستید (۱)

جز این نیست که مومنان هنگامیکه خداوند یاد میشود دلشان می‌لرزد و وقتی که آیاتش بر آنها خوانده میشود ایمانشان زیاد میشود و بر پروردگارشان توکل می‌کنند (۲)

آنان همانهایی هستند که نماز بپایدارند و از آنچه روزیشان کرده ایم اتفاق می‌کنند

(۳)

آنها همان مومنان واقعی هستند که درجاتی نزد پروردگارشان و آمرزشی و روزی گرامی خواهند داشت (۴)

ای پیامبر! همانگونه که خداوند تو را به حق از خانه ات بیرون آورد، و این در حالی بود که عده ای از مومنان این هجرت را خوش نمی داشتند (۵)
و با تو درباره حق پس از آنکه برایشان روشن هم شده بود جدال میکردند گوئی دارند خویش را مینگرند که بسوی مرگ رانده میشوند،
اما اینک از این پیروزی بزرگ خوشحالند (۶)

و ای مومنان! آن هنگام را بیاد بیاورید که خداوند پیروزی بر یکی از آن دو طائفه را به شما وعده میداد و شما دوست داشتید آنکه بی اهمیت تر به نظر می آید مال شما باشد، اما خداوند میخواست حق را با کلماتش فرود بیاورد و دنباله کافران را بُرد (۷)
تا حق را مستقر کند و باطل را نابود نماید، هر چند گناهکاران خوش نداشته باشند (۸) و آن هنگام را بیاد بیاورید که از پروردگارتان کمک خواهی میکردید، و اجابتان کرد که من شما را با هزار ملائکه ردیف شده کمک خواهم کرد (۹) و خداوند آنرا فقط مژده ای قرار داد، و اینکه دلتان به آن آرام شود، و پیروزی جز از جانب خدا نیست، که خداوند پیروزمند حکیم است (۱۰) آن هنگام را به یاد آورید که خُماری چُرت را بر شما انداخت تا آرامشی از جانب او باشد و از آسمان آبی بر شما نازل نمود تا پاکتان کند و پلیدی شیطان را از شما زایل نماید و دلہاتان را به یکدیگر و به خدا ارتباط دهد و بواسطه آن قدمہاتان را ثابت کند (۱۱) آن هنگام را بیاد آورید که پروردگارت به ملائکه وحی میکرد که من با شما هستم پس مومنان را ثابت قدم کنید. بزودی ترس در دل کافران می افکنم، پس بالای گردنهای آنها را و همه سرانگشتانشان را بزنید (۱۲) این به آن علت است که آنها با خدا و رسولش مخالفت نمودند و هرکس که با خداوند و رسولش مخالفت ورزد البته خداوند در پیگیری شدید است (۱۳)

ای کافران! این است. پس بچشیدش و البته کافران عذاب آتش خواهند داشت (۱۴)

ای مسلمانان! وقتی که با کافران درجنگ برخورد کردید به آنان پشت نکنید (۱۵) و

کسی که در آن روز پشت کند، مگر اینکه بخواهد جنگ را با حيله طور ديگري کند، يا به لشكري خودي ملحق شود، البته غضبي از خداوند را به جان خريده و جاگاهش جهنم است و بد بازگشتگاہي است (۱۶)

اي مسلمانان در حقيقت شما آنها را نکشتيد بلکه خداوند کشتشان، و اي پيامبر! تو نبودي که تير مي انداختي بلکه خداوند بود که مي انداخت، تا اينکه مومنان را به نعمتي نيکو از جانب خويش بيازمايد که خداوند شنواي داناست (۱۷) چنين است. و اينکه خداوند حيله کافران را سست مي کند (۱۸)

اي کافران! اگر پيروي ميخواستيد، اينک اين هم پيروي(!) که بسراغتان آمد و اگر دست بکشيد برايتمان بهتر است و اگر باز هم به همان کارهاي سابق بازگرديد ما هم به شکست دادن شما باز ميگرديم و هرگز لشکريان شما کاري برايتمان نخواهند ساخت ولو اينکه زياد هم باشند و البته خداوند با مومنان است (۱۹)

اي مسلمانان! خدا و رسولش را اطاعت کنيد، و در حالیکه سخن او را مي شنويد از او برگريد (۲۰)

و مانند کساني نباشيد که ميگويند شنيديم و نمي شنوند (۲۱)
بدترين جنبندهاگان نزد خداوند کساني هستند که کر و لالند و تعقل نمي کنند (۲۲)
و اگر خداوند خيري در آنها سراغ داشت حتما به آنها مي شنواند و اگر مي شنواند باز هم پشت ميکردند و رويگردان مي شدند (۲۳)

انفال ۲ آیات ۲۴ تا ۳۸

يا ايها الذين آمنوا استجبوا لله وللرسول إذا دعاكم لما يحييكم واعلموا أن الله يحول بين المرء وقلبه وأنه إليه تحشرون ﴿٢٤﴾ واتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة واعلموا أن الله شديد العقاب ﴿٢٥﴾ واذكروا إذ أنتم قليل مستضعفون في الأرض تخافون أن يَحْبَطَكمِ الناس فأواكم وأبدلكم بنصره وزدكم من الطيبات لعلكم تشكرون ﴿٢٦﴾ يا أيها الذين آمنوا لا تخونوا الله والرسول وتخونوا أماناتكم وأنتم تعلمون ﴿٢٧﴾ واعلموا أنما أموالكم وأولادكم فتنة وأن الله عنده أجر عظيم ﴿٢٨﴾ يا أيها الذين آمنوا إن تتقوا الله يجعل لكم فرقاناً ويكفر عنكم سيئاتكم ويغفر لكم والله ذو الفضل العظيم ﴿٢٩﴾ وإذ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ ﴿٣٠﴾ وَإِذَا تَنَلَّى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا هُمْ إِلَّا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَائِهِ إِلَّا الْمُتَفَتُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءٌ وَتَصْدِيَةٌ فَدُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿٣٦﴾ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْحَقِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْحَقِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَجْعَلَهُمْ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٣٧﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) مطابق ذیل است:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: به جهاد و دفاع و اطاعت خالصانه از خدا و رسول بپردازید که پیروز خواهید شد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مسلمانان! به مسلمانی تان مغرور نشوید. سعی کنید ایمان واقعی پیدا کنید، و ای کافران! با این همه آیات و دلایلی که دیده اید باز هم از کارهایتان دست نمی کشید؟

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٥﴾ وَادْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٢٦﴾

ریزدرپ: ای مسلمانان! الطاف عظیم الهی بر خودتان را بباد آورید، و نگران فتنه ای باشید که فقط شامل بدان نمیشود، و خدا و رسول را در مواردی زندگیبخش که شما را به آن دعوت میکنند اجابت کنید

۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٧﴾ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾

ریزدرپ: ای مسلمانان! به خدا و رسول، و در امانت، خیانت مکنید

۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

ریزدرپ: ای مسلمانان! تقوا سبب تشخیص صحیح و غلط، و پوشیده شدن بدی هایتان، و غفران الهی است

۴

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٣٠﴾ وَإِذَا تَنَلَّى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ

الْأُولَى ﴿٣١﴾ وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بَعْدَابٍ أَلَيْمَ ﴿٣٢﴾ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أُولَآئِئُهُ إِلَّا الْمُتَّفِقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءٌ وَتَصْدِيَةٌ قُدُوفًا الْعَذَابُ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! این کافران بدترین کارها را کردند و سزاوار عذاب هم هستند، اما فعلا خداوند بخاطر وجود تو، و استغفار برخی، عذابشان نمیکند

۵

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُخْشَرُونَ ﴿٣٦﴾ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٣٧﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّةُ الْأُولَىٰ ﴿٣٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! کافران از این کارها به نتیجه مورد نظرشان نمی‌رسند

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! پیروانت را به توجه به حقوق مربوط به انفال، و توجه به رعایت تقوا و حسن رابطه بین خویش و اطاعت خدا و رسول، توصیه کن و ای مسلمانان! خداوند خواسته در نتیجه جنگ بدر، توطئه منافقان بی اثر، کفار خوار، و پیروان واقعی پیامبر(ص) یاری شوند، و ای مسلمانان! کارها را برای رضای خدا انجام دهید و خداوند سست کننده نیرنگ کافران است که نسبت به

حقایق کرو لال و بی عقلند.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! با خدا و رسول صداقت داشته باشید، و به دعوت شان بگروید تا زنده واقعی گردید، و ای کافران! باوجود اینهمه دشمنی ها و رفتارهای ناپسند که کردید، به چیزی نرسیدید، حالا دیگر بس کنید و به راه صحیح بپیوندید.

۴ - سوالات

۱ - منظور از «ان الله يحول بين المرء و قلبه» (آیه ۲۴) چیست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۲۴ و ۲۷ به وضوح فهمیده میشود که اکثر مسلمانان در روزهای نزول این آیات ایمانشان چندان عمیق نبود و به سهولت به مصالح دینی خیانت میورزیدند و اگر اقلیتی از مومنان قوی العقیده نبود زحمات آنحضرت به سهولت بر باد میرفت. علاوه بر آمادگی بالقوه آنها به خیانت مذکور، برای اصل تعالیم آنحضرت نیز چندان اهمیتی قائل نبودند.

با توجه به مطلب فوق، و درس و درب، ان الله يحول بين المرء و قلبه یعنی به مسلمانانی تان خیلی غره نشوید که تصور کنید حتما در اعلی علیین خواهید بود و امتحان ها در پیش خواهید داشت و ...

اینک ببینید تفاسیر در باره جمله مذکور چه ها گفته اند!

از آیات ۳۰ تا ۳۸ نیز فهمیده میشود که وحی دارد به تحلیل رفتاری کافران ادامه میدهد و در اینجا رفتارهاییکه قبلا با جریان ایمان انجام میدادند را به یاد می آورد و در ادامه به هزینه های سنگینی که برای راه اندازی جنگ علیه جریان ایمان متحمل میشوند اشاره میکند و اینکه کار بی فایده ای میکنند که نهایتش مغلوبیت و حسرت است و منتهی به عذاب اخروی هم میشود.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۲۴ که با توجه به درس و درب معنی مفهوم و سر راستی دارد ولی در طول زمان یک معانی نجسبی (که برای دسترسی به آن «حیلوله» را در گوگل سرچ کنید) برایش تراشیده شده، که واقعا باعث تاسف است و بالاخره این آیه از این لحاظ جزء آیات برجسته قرار گرفت.

آیه ۳۳ (ما كان الله ليعذبهم و ...) از لحاظ محتوای امید بخشش جزء آیات برجسته

قرآنی است.

۷ - آیات مشکل

آیه ۲۴ از این لحاظ که مفسران مختلف در باره اش سخنان مختلف و متضاد گفته اند جزء آیات مشکل قلمداد میشود.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۲۴ از این لحاظ که مکانیزم عملی که خداوند صحبتش را کرده، حتی برای ما قرن بیست و یکمی ها هم هنوز روشن نیست بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مخاطبان اولیه. همچنین است آیه های ۲۵ و ۲۹ و ۳۷.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

دو آیه ۲۵ و ۲۶ فرع است بر آیه ۲۴ و این موضوع واضح نیست و لازم است کمی دقت کنید و اگر دقت کنید برایتان معلوم خواهد شد. دو آیه ۲۸ و ۲۹ نیز نسبت به آیه ۲۷ همین وضع را دارند.

آیه های ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ فرع بر آیه ۳۲ است. آیه ۳۷ نیز فرع بر نیمه دوم آیه ۳۶ است.

دریافتهای کوتاه مستقیم

آیه ۳۰: فهمیده می شود کافران تصمیمات شدیدی راجع به پیامبر(ص) داشتند که خداوند با دستور هجرت، توطئه آنها را عقیم گذاشت.

آیه ۳۳: منظور از «آن ها» ی آخر آیه، مؤمنان، و بقیه «آن ها» ی آیه، مربوط به کافران است. (البته با توجه به متن عربی)

آیه ۳۴: فهمیده می شود استحقاق عذاب را دارند اما خداوند برای آنها مهلت و فرصت قائل شد تا بعد از فتح مکه.

در اغلب جاها «یا ایها الذین آمنوا» به معنی

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید» نیست

البته راجع به این موضوع ذیل آیه ۶۲ سوره بقره عرضی کرده‌ایم اما آیات این پاراگراف بهترین شاهد موضوع تیترا فوق است.

چگونه ممکن است کسی ایمان داشته باشد و طبق آیه ۲۷ به خدا و رسول خیانت کند؟

در هر حال «یا ایها الذین آمنوا» به معنی اصطلاحی «ای مسلمانان» در اکثر جاهای قرآن به کار رفته و خداوند نیز مانند ما که به تزبیقاتچی‌ها «دکتر» می‌گوییم، مسلمانان را با یک درجه تشریف مؤمن خوانده که هم برای آنها نوعی افتخار باشد و هم اینکه عده‌ای خود را بالاتر بکشند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای مسلمانان! خدا و رسولش را وقتیکه به چیزی که زنده تان می‌کند دعوتان می‌کنند اجابت کنید، و بدانید که خداوند بین شخص و دلش حائل میشود و اینکه بسوی او محشور میگردید (۲۴)

و از فتنه ای بترسید که فقط ظالمان تان را فرا نمیگیرد و بدانید که پیگیری خداوند شدید است (۲۵)

و بیاد آورید که در زمین کم و ضعیف بودید و می‌ترسیدید که مردم شما را برابند تا اینکه پس از هجرت شما را جای داد و به یاری خویش تقویتان کرد و از چیزهای خوشایند روزیتان داد شاید شکرگزاری (۲۶)

ای مسلمانان! به خدا و رسول، و همچنین در امانات تان، خیانت نکنید در حالیکه آگاهی (۲۷)

و بدانید که اموالتان و اولادتان فتنه ایست و اینکه نزد خداوند پاداشی بزرگ است (۲۸)

ای مسلمانان! اگر تقوا در پیش گیرید خداوند برایتان مایه تشخیص حق و باطل را قرار میدهد و گناهانتان را می‌پوشاند و می‌آمزدتان و خداوند فضل عظیم دارد (۲۹)

و ای پیامبر! هنگامی را بباد آر که کافران توطئه میکردند که تو را باز دارند، یا بکشند، یا اخراجت کنند.

آری آنها توطئه میکردند و خداوند نیز مکر میکرد و همو بهترین ماکران است (۳۰) و هنگامی که آیاتمان بر آنها خوانده میشد، میگفتند شنیدیم و اگر بخواهیم ماندش را میگوئیم، اینها چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست (۳۱)

و هنگامی که میگفتند خداوند! اگر این مطالبی که این پیامبر میگوید، حق، و از نزد تو است، سنگهایی از آسمان بر ما ببار یا عذابی دردناک برایمان بیاور (۳۲) و خداوند اینطور نیست که عذابشان کند در حالیکه تو در میانشان هستی و اینطور هم نیست که عذابشان کند در حالیکه آنها استغفار می کنند (۳۳)

و چه شان شده که خداوند عذابشان نکند در حالیکه همانها هستند که مومنان را از مسجدالحرام باز میدارند در حالیکه نسبت به آن هیچ سرپرستی ندارند. جز این نیست که سرپرستان آن کسی جز تقواداران نیست ولیکن اکثرشان نمیدانند (۳۴)

و نمازشان نزد آن خانه کعبه جز سوت کشیدن و کف زدن نیست. پس لایق آن هستند که عذاب بر آنها نازل شود و به آنها خطاب شود که بچشید عذاب را بخاطر آن کفری که میورزیدید (۳۵)

کافران اموالشان را خرج می کنند که از راه خدا باز دارند، و بزودی خرجش خواهند کرد، آنگاه مایه حسرتشان خواهد شد،

سپس مغلوب میشوند، و سپس بسوی جهنم محشور خواهند شد (۳۶) تا خداوند پلید را از پاکیزه مشخص کند و بعضی از پلیدها را بر بعضی دیگر قرارداده و همه را متراکم نموده و در جهنم قرار دهد و آنها همان زیانکارانند (۳۷) به کافران بگو اگر دست بردارند آنچه قبلا کرده اند آمرزیده خواهد شد، و اگر ادامه دهند البته همان قانون پیشینیان در باره آنها اجرا خواهد شد (۳۸)

انفال ٣ آيات ٣٩ تا ٧١

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ انْتِهَاءَ اللَّهِ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٩﴾
وَأَنْ تَوَلَّوْا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ يَنْهَى الْمَوْتَى وَيَنْهَى النَّصِيرُ ﴿٤٠﴾ وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ
فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا
أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّلَاقِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾ إِذْ أَنْتُمْ
بِالْعُدُوِّ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدُوِّ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبِ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافِكُمْ فِي الْمِيعَادِ
وَلَكِنْ لَيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ
لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي مَتَابِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكُمُ كَثِيرًا لَفَاسَدْتُمْ لَهُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ
وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٤٣﴾ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَقُّتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا
وَيُقَلِّبُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٤٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاغْلُظُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٤٥﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا
تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رَیْحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا
مِنْ دِيَارِهِمْ بِطَرَاوَعِ النَّاسِ وَبِصُدُورٍ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٤٧﴾ وَإِذْ زَيْنٌ هُمُ
الشَّيْطَانُ أَغْمَاهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ
عَلَىٰ عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤٨﴾
إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَقَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةَ يَصْرُبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَذَانَهُمْ وَذُوقُوا
عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٥٠﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿٥١﴾ كَذَّابِ آلِ
فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ
﴿٥٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
عَلِيمٌ ﴿٥٣﴾ كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَعْرِفْنَا
آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلَّ كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٥٤﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
﴿٥٥﴾ الَّذِينَ عَاهَدَتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْفُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾ فِيمَا
تُتَفَقَّهُنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّدَ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ ﴿٥٧﴾ وَإِنَّمَا تَخَافُ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٍ فَابْذُ
إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ ﴿٥٨﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ
﴿٥٩﴾ وَأَعْدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوُّ اللَّهِ وَعَدُوَّتُهُمْ وَآخَرِينَ

مِنْ دُونِهِمْ لَا يَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا
 تُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾ وَإِنْ جَحَدُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْزَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦١﴾
 وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنْ حَسِبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ وَأَلْفَ بَيْنَ
 قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
 ﴿٦٣﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ
 الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا
 مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ
 يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ
 ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ لَنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يَتُخَنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ
 الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٧﴾ لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
 ﴿٦٨﴾ فَكُلُوا بِمَا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٦٩﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ
 لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِنْ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ
 وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٧٠﴾ وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَنَّكُمْ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
 حَكِيمٌ ﴿٧١﴾

پیش تفهیم

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه
 کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: به جهاد و دفاع و اطاعت خالصانه از خدا و رسول بپردازید که پیروز
خواهید شد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: کافران از لحاظ عقیده بی پایه، و از لحاظ پناهگاه سست، و از لحاظ
عاقبت در دنیا دچار شکست، و در آخرت عذاب خواهند داشت. و ای پیامبر!
و ای مسلمانان! برای دفع دشمنان همواره آماده باشید و مواظب خیانت و
نیرنگ آنان نیز باشید و با آنان سخت گیری کنید، و ای پیامبر همراه با
پیروانت به طور همه جانبه با کافران درگیر شو.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٩﴾
وَإِن تَوَلَّوْا فَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٤٠﴾
ریزدرپ: ای مسلمانان! جنگ را تا آخرش پیش ببرید

۲

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُسُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا عَلَىٰ يَوْمِ الْقُرْآنِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾

ریزدرپ: ای مسلمانان! یک پنجم غنیمت جنگی باید در موارد ذکرشده خرج شود

۳

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدُوِّ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدُوِّ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبِ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافِئُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَحَيَّ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَاكِبِ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكُهُمْ كَثِيرًا لَفَاشَلْتُمْ وَلَتَنَارَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٤٣﴾ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَقُّتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٤٤﴾

ریزدرپ: ای مسلمانان! شما نمیدانستید چه پیش خواهد آمد، ولیکن خداوند میخواست کاری را که تقدیر کرده بود پیش بیاید

۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٤٥﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٤٧﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! در زمان جنگ ایمان و انضباط خاص داشته باشید

۵

وَإِذْ زَيْنَ هُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ
الْفِئْتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ
الْعِقَابِ ﴿٤٨﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! به نیروهای غیر الهی دل خوش نکنید

۶

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَقَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةَ يَصْرُبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا
عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٥٠﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٥١﴾ كَذَّابِ آلِ
فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ
﴿٥٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
عَلِيمٌ ﴿٥٣﴾ كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا
آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلًّا كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٥٤﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! دل و نیت تان را خالص برای خداوند کنید، و غیر از
این مایه هلاکت و خسران است

۷

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٥﴾ الَّذِينَ عَاهَدتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ
عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾ فَإِذَا تَتَفَقَّهُتُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ
يَذْغَبُونَ ﴿٥٧﴾ وَإِنَّمَا تَخَافْنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً قَانِبُذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ
﴿٥٨﴾ وَلَا يَخْسِرَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبْقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ﴿٥٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! با عهد شکنان و خائنان برخورد درخورشان کن

۸

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَبْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَذَابُ اللَّهِ وَعَذُوهُمُ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ
لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! قوای بازدارنده آماده داشته باشید

۹

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦١﴾ وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِبَصَرِهِ وَالْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ وَأَلَفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اگر دشمن درخواست صلح کرد بپذیر

۱۰

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِئَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِئَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٦٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! با توجه به روحیه پیروان آنها به جنگ تشویق کن

۱۱

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٧﴾ لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٦٨﴾ فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٦٩﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! در جنگ هدفتان کسب غنائم نباشد

۱۲

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِيَكُمْ خَيْرًا مِمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٧٠﴾ وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اسیران مستعد را به لطف خداوند امیوار کن

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! پیروانت را به توجه به حقوق مربوط به انفال، و توجه به رعایت تقوا و حسن رابطه بین خویش و اطاعت خدا و رسول، توصیه کن و ای مسلمانان! خداوند خواسته در نتیجه جنگ بدر، توطئه منافقان بی اثر، کفار خوار، و پیروان واقعی پیامبر(ص) یاری شوند، و ای مسلمانان کارها را برای رضای خدا انجام دهید و خداوند سست کننده نیرنگ کافران است که نسبت به حقایق کر و لال و بی عقلند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مسلمانان! باخدا و رسول صداقت داشته باشید و به دعوت شان بگروید تا زنده واقعی گردید. و ای کافران! باوجود اینهمه دشمنی ها و رفتارهای ناپسند که کردید، به چیزی نرسیدید، حالا دیگرس کنید و به راه صحیح پیوندید.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان بطور خالصانه و حقیقی به اطاعت خدا و رسولش بگروید تا موفق گردید، و کافران و منافقان تحت تأثیر وسوسه های شیطانند و آنها بدترین جنبندگانند، و نیز برخی توصیه های جنگی به پیامبر (ص) و مسلمانان.

۴- سوالات

- ۱- چرا خداوند در آیه ۴۱ آن روز را «یوم الفرقان» نامیده؟
- ۲- منظور از «لو تواعدتم لاختلّفتُم فی المیعاد» (آیه ۴۲) چیست؟
- ۳- در همان آیه، نزدیک و دور نسبت به چه؟
- ۴- از آیه ۴۳ چه چیزهایی فهمیده میشود؟
- ۵- با توجه به آیه ۴۳، اعتبار «خواب» چقدر است؟
- ۶- در همان آیه، ارتباط خواب آنحضرت و قَسَل شدن مردم را بیان کنید.
- ۷- در همان آیه، منظور از «امر» چیست؟
- ۸- منظور از «شیطان» (آیه ۴۸) چیست؟ (خود شخص ابلیس؟ مجموعه ای از تصورات باطل؟ یا.....؟)

- ۹- «دیدن»ی که در همان آیه به «شیطان» نسبت داده شده، از چه نوع است؟
- ۱۰- «گفتن»ی که به شیطان نسبت داده شده، خطاب به چه کسانی بوده؟ و آیا آنها این «گفتن» را «احساس» میکرده اند؟
- ۱۱- سه کلمه آخر آیه ۴۸ از قول کیست؟
- ۱۲- منظور از «الذین فی قلوبهم مرض» (آیه ۴۹) چه کسانی است؟
- ۱۳- از آیه ۵۷ چه توصیه فنی نظامی استنباط میشود؟
- ۱۴- موضوع آیه ۵۶ چه کسانی بودند؟
- ۱۵- موضوع آیه ۵۸ چطور؟
- ۱۶- مگر جنگ بدر تمام نشده؟ پس چرا خداوند در آیه ۶۴ و هفت کلمه اول آیه ۶۵ آنحضرت را به جنگ تشویق میکند؟
- ۱۷- منظور آیه ۷۱ خیانت چه کسانی است؟
- ۱۸- در آیه ۷۰ دوبار کلمه «خیرا» آمده، معنی هریک را بیان کنید .
- ۱۹- در آیه های ۶۵ و ۶۶ و نیز در آیه ۶۹ دیده میشود خداوند حکمی فرموده و سپس با توجه به عدم آمادگی مسلمانان تخفیف قائل شده، چه توضیحی برای این پدیده دارید؟
- ۲۰- منظور خداوند از «کتاب من الله سبق» (آیه ۶۸) چیست؟

۵- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

چون این قسمت خیلی طولانی شده، به قسمت شرح مختصر در ذیل منتقل شد.

۶- پیشگویی های تحقق یافته

در آیه ۳۹ پیشگویی میکند که جنگ های دیگری نیز در کار خواهد بود و تا از بین رفتن «فتنه» ادامه خواهد یافت.

در آیه ۴۵ نیز پیشگویی مشابهی دارد که شامل قسمت اول مورد قبل میشود.

در آیات ۵۶ تا ۷۱ چند بار پیشگویی دارد که پس از جنگ بدر بازم جنگ هایی خواهد بود و لذا شما چنین و چنان کنید. همچنین است در آیه ۷۲.

۷- در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۴۸ از این لحاظ که به مخلوقات اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعا مخاطبان اولیه نیز، هست. آیه های ۵۰ و ۵۱ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. آیه ۵۳ از این لحاظ که مکانیزم عملی که خداوند صحبتش را کرده، حتی برای ما قرن بیست و یکمی ها هم هنوز روشن نیست بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مخاطبان اولیه. همچنین است آیه های ۶۳ و ۶۶. آیه ۶۸ به آیتانی از علم و قدرت الهی اشاره شده، بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه حتی مخاطبان تاکنون نیز است.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۵۲ تا ۵۴ و ۵۹ و ۶۸، بقیه آیات پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

گزارش وحی از آن روزها

چنانکه از آیه ۴۳ فهمیده میشود، قبل از وقوع جنگ بدر، آنحضرت مکررا خوابی میدید که ضمن آن دشمن کوچک ارزیابی میشد، و آنحضرت موضوع را به مردم منتقل میفرمود، و به این ترتیب یکنوع آمادگی روحی برای یک رویارویی و یک پیروزی آسان در اذهان عمومی بوجود آمده بود. اما، مشخص نشده بود که بر کدامیک پیروز خواهند شد آیا آن قافله تجارتي که یک پیروزی آسان بی هزینه را برای آنها فراهم می کرد، یا بر آن لشکر سنگین که بالاخره هر چه باشد ریسک قابل توجهی داشت.

پس از اینکه بعداً واقعیت معلوم شد، مسلمانان موضوع را طوری دیدند که کاملاً ناامید کننده نبوده. آنها آن لشکر را در چشم خویش «کوچک دیدند» لشکر کفار هم مسلمانان را کوچک دیدند. در اثر این «کوچک دیدن» یکدیگر و تخمین امکان پیروزی، جنگ واقع شد.

اما اینکه چرا یکدیگر را کوچک دیدند؟ باید گفت، اینکه کفار مسلمانان را کوچک دیده باشند، عادی است، زیرا آنها مسلمانان را نیز مانند خویش ارزیابی می کردند و از انگیزه های آنها خبر نداشتند. لذا فقط به «تعداد» و «تجهیزات» مسلمانان نگاه کردند و البته تعدادشان یک سوم آنها، و تجهیزاتشان نیز بسیار فقیرانه و ناچیز بود و

لذا کفار به پیروزی خویش مطمئن شدند.

اما اینکه چرا مسلمانان آنها را «کم دیدند»، باید گفت که مسلمانان از روی «وعده»ای که دریافت کرده بودند، به «یک پیروزی» مطمئن شده بودند و قتیکه دیدند آن «قافله تجاری» نشد و باید با این «لشکر» مقابله کنند، فهمیدند که موضوع «پیروزی»شان همین مورد است، و لذا دل به خدا سپردند و خود را آماده نبرد با اینها کردند و قتیکه چنین روحیه ای دارا شدند، نگاه مجددی به آنها کردند، و این «کم دیدن» آنها در آیه ۴۴ در همین نگاه مجدد معنی پیدا می کند.

یعنی نگاه «غالبان بالقوه» به لشکر «مغلوب بالقوه»

لذا «کم دیدن» مسلمانان نتیجه ایمان و توکلشان بود نه اینکه در آن موقعیت عقل خویش را از دست داده باشند و چشمشان به آنها خیانت کرده باشد.

همه موارد فوق که کاملاً قابل فهم و قابل تحلیل است در آیه ۴۴ به خداوند نسبت داده می شود، و برای فهم این امر بهتر است به تیتیر «خواست خداوند قانونمند است» که بسیار هم تکرار شده توجه مجدد بفرومائید.

مطلب آیه ۵۰ مخالفتی با این واقعیت ندارد که مسلمانان کافران را کشته باشند و به صورتهایشان و پشت هایشان زده باشند.

بطور کلی باید دانست که قرآن «به زبان مخاطب» صحبت کرده و درباره مطالب ماوراءالطبیعه مطابق درک مخاطب بیان نموده است.

بنابراین قتیکه می فرماید شیطان به آنها چنین و چنان گفت باید اینطور تعبیر کنیم که نفس مغرور و از خدا بی خبر آنها چنین تحلیلی داشته و قتیکه گفته می - شود ملائکه چنین و چنان کردند باید اینطور تعبیر کنیم که ایمان آنها به فلان و بهمان کار وادارشان نموده است.

وگرنه تصور اینکه شیطان وارد صحنه شده باشد و با چشم دیده شود و صوتش با گوش شنیده شود و یا اینکه ملائکه وارد کارزار شده و شمشیر بدست گرفته و کافران را کشته باشند، تصویری است کاملاً خطا، و هیچ شاهد تاریخی اثبات کننده - ای هم ندارد و اگر داشت می باید لااقل دو روایت وجود می داشت که از شیطان یا ملائکه توصیف واحدی ارائه می دادند.

بعلاوه اگر آنطور بود، نه این شکست برای کافران قابل سرزنش بود و نه آن پیروزی برای مسلمانان قابل افتخار.

جنگی واقع شده بود و ملائکه شیطان را شکست دادند. این چه افتخاری برای مسلمانان و چه سرشکستگی برای کافران دارد؟

خلاصه اینکه خداوند مفاهیم بلند سنگین را ساده و ساده نموده و پائین و پائین آورده و مطابق فرهنگ مخاطب آروزی بیان فرموده است. اما همان مطالب امروز هم قابل درک و فهم است، زیرا هرچه که ایمان در دل مؤمنان باشد، از قوای الهی است یعنی از نوع ملائکه است. و هرچه کفر و غرور و خودبینی باشد از قوای شیطانی است، و لذا حدیث نفس کافران، گفتار شیطان است و حدیث نفس مؤمنان عمل ملائکه می‌باشد.

آنچه در آیه‌های ۵۴-۵۳ ذکر شده که «تغییر اوضاع مردم منوط به تغییر احوال آنها است» مطلب مهمی است و یکی از اصول فکری قرآنی است و قبلاً نیز آنرا به وجه روشن‌تر در آیه ۱۱ سوره رعد و آیه‌های دیگر دیده ایم و خلاصه‌اش اینکه وقتی قومی شخصیت خویش را بهتر نمودند خداوند اوضاع و احوال بیرونی آنها را بهتر می‌کند، و در این آیه نیز پیروزی مسلمانان را به تلاش و همت خودشان مربوط نموده و عرضی را که قبل از این نموده بودیم تأیید فرموده، و همینطور شکست کفار را نتیجه خودبینی و غرور و تکذیب آنها دانسته، و اضافه نموده که این فقط منحصر به آن کفار در آن مقطع زمانی خاص نبوده بلکه سراسر تاریخ بشر را در بر می‌گیرد.

از آیه ۵۶ معلوم می‌شود پیمان‌های عدم تعرض زیادی بین آنحضرت و قبایل مختلف اعم از مشرکان مکه و سایر قبایل مشرک بسته شده بود اما آنها به آن معاهدات پایبند نبودند، و از آیه ۵۷ فهمیده می‌شود ضمناً قبایل کوچکتر توسط مشرکان مکه پشتیبانی می‌شدند. از آیه ۵۸ که بعداً با واقعیت‌های تاریخی تأیید شد فهمیده می‌شود که منظور از «بیم خیانت» به یهودیان مدینه و منافقان داخل صفوف مسلمین مربوط می‌شود.

همچنین از آیه ۶۰ فهمیده می‌شود اشاره به «اسبان یراق بسته» به معنی توصیه به همواره «در آمادگی نگهداشتن نیروی دفاعی» است.

و نیز از آیه ۶۳ فهمیده می‌شود که «الفت داد» به مومنان بر می‌گردد که اصلی‌ترین نیروی پیشرفت اسلام بود که علت شکل‌گیری آن نیز همان «الفت حاصل از اعتقادات مشترک» بوده است.

در رابطه با آیات ۷۱-۶۷ واقعاً باید گفت در این چند آیه آنقدر نکته هست که گوئی در این چند سطر تمام مطالب مهم آن روز را داریم به رأی‌العین می‌بینیم. و این واقعاً یکی از وجوه معجزات ادبی قرآنی است. چیزهائی که از این پاراگراف فهمیده می‌شود اینهاست:

۱- کار اسلام هنوز محکم نشده بود و موقعیش هنوز لرزان بود.

۲- علیرغم منع اسیر گرفتن، اسیر گرفتند.

۳- اگر پایه‌های پیروزی محکم می‌شد، اسیر گرفتن اشکال نداشت.

۴- اسیر گرفتن در آن حال وضعیت متزلزل، برای کسب منافع اقتصادی بود.

۵- پیامبر در این مورد تحت فشار بعضی از پیروان خویش بود و خودش تمایلی نداشت.

۶- قبلاً قضای الهی بر این امر رانده شده بود که مسلمانان در اثر این کار عذاب نشوند.

۷- در این شرایط از سوی وحی توصیه شد با اسیران مستعد کار ارشادی کنید.

مطابق ترتیب رایج سوره‌های قرآنی که تاکنون مفسران ارجمند آن را مبنای تفسیر خویش قرار داده‌اند، در کجا کوچکترین اشاره‌ای دیده شده که مسلمانان بر مبنای آن می‌باید از اسیر گرفتن خودداری نموده باشند تا پایه‌های پیروزی محکم شود؟ مفسری که ابتدا سوره محمد (ص) را تفسیر کند، سپس به تفسیر سوره انفال بپردازد در فهم و درک این آیات مشکلی ندارد.

در هر حال در سوره محمد(ص) که زمان نزول آن قبل از این سوره است، این دستور نازل شده بود که اولاً هنگام برخورد با کافران در میدان جنگ در درجه اول به فکر کشتن آنها باشید تا غلبه شما روشن شود. پس از اینکه معلوم شد چه کسی غالب است، از آن پس، چندان به فکر کشتن نباشید و اسیر گرفتن اشکال ندارد. وقتی هم که جنگ تمام شد، اسیران را یا مورد منت قرار دهید و لطف کنید و آزادشان کنید، یا اینکه در مقابل آزادی او چیز در خوری بگیرید.

لذا بنابر آن آیات، که قبل از سوره انفال نازل شده بود، مسلمانان در جنگ بدر، از همان ابتدای شروع جنگ نباید به فکر اسیر گرفتن برای تحمیل فدیة به آنان می- افتادند، و عتاب شدید آیه‌های ۶۷ و ۶۸ مربوط به بی‌توجهی مسلمانان به این امر است و فشاری که به رسول خدا در این مورد آوردند.

و این موضوع به این نکته نیز اشاره دارد که ای مسلمانان، در هنگامی که یک موضوع عمومی در جریان است شما نباید دنبال منافع خصوصی خودتان (که اسیر گرفتن و فروختن آنان در مقابل فدیة یکی از مصادیق آن است) باشید.

خداوند به خاطر عمل آنان به پیامبر(ص) عتاب شدید نمود که تو چرا اینقدر با پیروان نرم هستی و در یک مقاطع خاصی که سختگیری لازم است سختگیری نمی‌کنی و ... غیره.

در نهایت هم خداوند (با توجه به آیه ۶۹) این عمل را غنیمت حساب کرد و از لحاظ

شرعی درآمد حاصل از این عمل را حلال اعلام نمود. اما چنانکه بزودی در سوره آل عمران خواهیم دید مسلمانان را تنبیه فرمود یعنی به خاطر عمل فوق عذاب اخروی را از آنها برداشت، اما در همین جهان، در جنگ اُحُد، سزای این نافرمانی آشکارشان را دیدند.

عقل شیطانی «عقل محاسبه گر» معمولی است

با توجه به آیه ۴۸ شیطان چه دید؟

شیطان نیز مانند کافران است. عقلش روی محسوسات و روی عدد و رقم و ظواهر کار می کند. مطابق آیه ۴۸ نتیجه محاسباتش پیروزی کافران بود. اما در همان برخورد اولیه رفتار پرصلابتی دید و ثبات و استواری مشاهده کرد که با محاسبات او تناسبی نداشت و لذا فوراً غلط بودن محاسباتش را یافت و فوراً موضع خویش را صد و هشتاد درجه تغییر داد.

بدترین جنبنندگان

آنچه در آیه ۵۵ فرموده تاکنون در آیات بسیار زیادی مفاهیم معادلش را دیده ایم که بما چنین می گویند که آنچه در آسمانها و زمین است مانند خورشید و ماه و ستارگان و گیاهان و درختان و حیوانات و بسیاری از آدمیان خداوند را سجد و او را عبادت و تسبیح و تنزیه می نمایند و در جای خود مفهوم این مطالب عرض شد و در اینجا قصد تکرار آنها را نداریم، اما چیزی که در اینجا می خواهیم عرض کنیم این است که فقط در این میان، عده ای از آدمیان (و جنیان) هم هستند که این الگوی رفتاری را که کل جهان از آن پیروی می کنند، در پیش نمی گیرند و کفر می ورزند و ایمان نمی آورند. چون رفتار آنها در تعارض با کل جهان است، لذا آنها را «بدترین» جنبنندگان نامیده است.

«خواب» آنحضرت و «اصابت» (یا عدم اصابت) آن با واقع

از آیه های ۴۳ و ۴۴ این چیزها فهمیده میشود:

- ۱ - خداوند واقعیت چیزی را که خصم (واقعا) بود، در خواب آنحضرت کوچک کرد
- ۲ - اگر خداوند واقعیت را در خواب آنحضرت نشان میداد، در باره اصل برخورد نظامی اختلافی که سبب سستی میشود اتفاق می افتاد (و ممکن بود اساساً جنگ واقع نشود)

- ۳ - خداوند میخواست، این جنگ سرنوشت ساز واقع بشود.
- ۴ - وقتی که رویارویی وقوع یافت، آنها (که از لحاظ نفرات سه برابر و از لحاظ تجهیزات بطور غیر قابل تصویری سر بودند) واقعیت را به درستی دیدند.
- ۵ - در همان رویارویی، خداوند دوطرف را در چشم یکدیگر کم و کوچک جلوه داد.

مجموعه موارد فوق شاید لازم باشد شرحی داشته باشد:

اولا ما باید با زبان قرآن بیشتر مانوس شویم، و نکته مهم همان تئوری است که دائما بکار میبریم و ذیلش یک چیز هائی مینویسیم، مثلا: «خواست خدا قانونمند است» هر جا که خداوند خواسته ای یا فعلی را به خویش نسبت میدهد، لزوما به این معنی نیست که خداوند در این جهان دخالتی (از نوع بهم زدن قواعد زندگی، میکند) (که نمیکند)

حالا با توجه به این قاعده، دو آیه را باز خوانی میکنیم:

(الف) در قسمت ۱ بجای خداوند بگذارید: ذهن پیامبر (ص)

آنحضرت خوابی دیده و به مردم گفته بود «با لشکر کوچکی روبرو خواهیم شد» طبعاً در خواب او لشکر مورد نظر واقعا کوچک بود.

تحلیل خواب ایشان این است که او هم «بشری مانند ما» (انا بشر مثلكم - سوره كهف) بود و نگران هم میشد.

اما از طرف دیگر آنقدری در باره خداوند میدانست که سبب توکل سنگین او بشود. برآیند دو واقعیت فوق سبب میشد که ایشان آنها را در خواب خویش کوچک ببیند

(ب) همچنین در قسمت ۲

(ج) در قسمت ۵ بجای یکطرف بگذارید آنحضرت و پیروانش و بجای طرف دیگر بگذارید خصم.

فکر کنم برای افراد فرهیخته ای که حوصله خواندن چنین متونی را دارند همین مقدار توضیح کافی باشد (اگر سوالی هست از طریق ایمیل برسید)

بقیه مطلب را هم که در جاهای دیگر توضیح داده ایم (از اول فایل دوباره بخوانید)

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! و ای مومنان! با آنها بجنگید تا هیچ فتنه ای نباشد و دین بطور کامل برای خدا باشد. پس اگر دست کشیدند البته خداوند به اعمالشان بیناست (۳۹) و اگر پشت کردند بدانید که خداوند سرپرست شماست.

چه سرپرست و چه یاور خوبی هم هست (۴۰)

و بدانید که هر غنیمتی که بدست آوردید یک پنجم آن مال خدا و رسول، و خویشاوندان، و یتیمان، و بیچارگان، و براه ماندگان، است، اگر به خداوند و نیز بر آنچه بربنده مان نازل کردیم، ایمان دارید.

روزی که دو گروه به یکدیگر رسیدند، که همان روز جدا سازی حق و باطل بود، و خداوند بر هر چیزی تواناست (۴۱)

هنگامی که شما در بلندی نزدیک و آنها در بلندی دورتر بودند و آن قافله پائین تر از شما بود و اگر قرار ملاقات می گذاشتید حتما در محل قرار اختلاف پیدا میکردید ولیکن چنین شد تا خداوند کاری را بگذارند که تقدیرش انجام شده بود تا از روی دلیل آشکار کسی را که زنده شدنی است، زنده نماید، و البته خداوند شنوای داناست (۴۲)

ای پیامبر! هنگامیکه خداوند آنها را در خوابت کم نشان داد و اگر زیاد نشان میداد سست میشدید و درباره آن امر با یکدیگر مخالفت میکردید ولیکن خداوند شما را سلامت داشت که او به آنچه در سینه ها میگذرد داناست (۴۳)

و هنگامیکه باهم برخورد نمودید خداوند آنها را در چشم شما کم ارائه نمود و شما را هم در چشم آنها کم جلوه داد تا کاری را که مقدر بود در واقعیت نیز بگذارند و کارها بسوی خداوند بر میگردد (۴۴)

ای مسلمانان! هنگامیکه با لشکری بر خورد کردید ثبات ورزید و خداوند را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید (۴۵)

و خدا و رسولش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید زیرا سست خواهید شد و نیرویتان می رود، و صبر و پایداری کنید، که خداوند با صابران است (۴۶)

و مانند کسانی نباشید که از شهرهاشان برای غرور و خود نمائی خارج میشوند و از راه خدا باز میدارند و خداوند به آنچه می کنند احاطه دارد (۴۷)

و هنگامیکه شیطان اعمالشان را برایشان آراست و گفت امروز کسی بر شما پیروز نخواهد شد و من هم پناه دهنده تان هستم، اما به محض اینکه آن دو لشکر یکدیگر را دیدند بر پاشنه هایش چرخید و گفت از شما بیزارم. من چیزی می بینم که شما نمی بینید. من از خداوند میترسم، و خداوند در عقوبت شدید است (۴۸)

هنگامی که آن منافقان و کسانی که در قلوبشان مرضی هست میگفتند دین اینها مغرورشان کرده، در حالیکه هر کس بر خداوند توکل کند، خداوند هم پیروزمند فرزانه است (۴۹)

و کاش آن هنگام را میدیدی که ملائکه جان کافران را میگیرند و به صورتهایشان و پشت هایشان میزنند و میگویند عذاب آتش سوزان را بچشید (۵۰)

این بخاطر همان چیزهاست که از پیش فرستادید و خداوند البته نسبت به بندگان ظالم نیست (۵۱)

مانند شیوه فرعونیان و پیشینیان آنها که به آیات خدا کفر ورزیدند و آنها را به گناهانشان گرفت که خداوند البته قوی و سخت کیفر است (۵۲)

این به آن علت است که خداوند وقتی نعمتی را به قومی داد، تا وقتی که آنها آنچه را که در خودهاشان است تغییر ندهند نعمتشان را تغییر نمیدهد، و البته خداوند شنوای داناست (۵۳)

مانند شیوه فرعونیان و پیشینیان، که آیات پروردگارشان را تکذیب کردند، و آنها را بخاطر گناهانشان هلاک، و فرعونیان را غرق کرد، و همگی ظالم بودند (۵۴)

بدترین جنیندگان در نزد خدا کافرانند که ایمان نمی آورند (۵۵)

همان کسانی که با آنها عهد بست، آنگاه در هر دفعه عهد شکنی میکنند و پروا ندارند (۵۶)

و اگر در جنگ برآنان دست یافتی برآنان سختگیری کن و نیز بر کسانی که پشتیبانشان هستند، شاید پندگیرند (۵۷)

و اگر از قومی بیم خیانتی داشتی مانند آن را برآنها بیفکن که خداوند خائنان را دوست ندارد (۵۸)

و کافران نپندارند که پیش افتادند، البته آنها ما را عاجز نمی کنند (۵۹)

و برای آنها تا آنجا که میتوانید نیرو و اسبان یراق بسته تهیه کنید، تا بوسیله آن دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید، و کسان دیگری که غیر از آنها هستند و شما نمی شناسیدشان، و خداوند می شناسدشان. و آنچه که در راه خدا خرج کنید تماماً به شما پس داده میشود و ظلمی نمی بینید (۶۰)

پس اگر تمایل به صلح پیدا کردند تو نیز تمایل نشان ده، و بر خدا توکل کن که او شنوای داناست (۶۱) و اگر خواستند نیرنگ بزنند البته خداوند تو را بس است، هموست که با یاریش تو را و مومنان را پشتیبانی کرد (۶۲) و دلهای آنها را بهم الفت داد، اگر میخواستی تمام آنچه را که در زمین هست خرج کنی نمیتوانستی بین آنها الفت برقرار کنی، ولیکن خداوند بین آنها الفت داد که پیروزمند فرزانه است (۶۳)

ای پیامبر! خداوند و کسانی از مومنان که پیرویت می کنند تو را بس است (۶۴)

ای پیامبر! مومنان را بر جنگ تشویق کن، اگر بین شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر پیروز خواهند شد، و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر از کافران پیروز خواهند شد، زیرا آنها کسانی هستند که نمی فهمند (۶۵) الان خداوند به شما تخفیف داد، و دانست که در شما ضعفی هست، پس اگر صد نفر صابر از شما باشند بر دویست نفر پیروز خواهند شد، و اگر هزار نفر باشند بر دو هزار نفر باذن خدا پیروز خواهند شد،

و خداوند با صابران است (۶۶)

پیغمبر را نمیرسد قبل از اینکه دینش در زمین محکم شود اسیرانی داشته باشد.

شما بهره دنیا را میخواهید در حالیکه خداوند آخرت را میخواهد و خداوند پیروزمند فرزانه است (۶۷)

اگر نوشته ای از جانب خدا سبقت نیافته بود، درباره آنچه اسیر گرفتید غذایی بزرگ به شما میرسید، ولی خداوند این بار را از شما اغماض کرد (۶۸)

لذا از آنچه غنیمت بدستتان آمد حلال و پاکیزه بخورید، و از خدا پروا کنید، که خداوند آمرزگار مهربان است (۶۹)

ای پیامبر! به آنچه از اسیران که در دستتان است بگو اگر خداوند در دلهای شما خیری می شناخت راجع به آنچه از شما گرفته شده بهترش را به شما میدهد و می آمرزدتان و خداوند آمرزگار مهربان است (۷۰)

و اگر قصد خیانت با تو دارند البته قبلا هم به خداوند خیانت کرده بودند و خداوند
هم تو را بر آنها دستیابی داد و خداوند دانای حکیم است (۷۱)

انفال ۴ آیات ۷۲ تا ۷۵

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِعَصْمَةِ أَوْلِيَاءِ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا هُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: به جهاد و دفاع و اطاعت خالصانه از خدا و رسول بپردازید که پیروز خواهید شد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای مسلمانان در ایمانتان جدی و خالص باشید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِعَصْمَةِ أَوْلِيَاءِ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا هُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! درباره اصلِ دین، جدی و کوشا باشید

۲

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٥﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! وقتی که کسی به اقتضائات مسلمانی رفتار کرد، از لحاظ حقوقی، فرقی با مسلمانان دیگر ندارد

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! پیروانت را به توجه به حقوق مربوط به انفال، و توجه به رعایت تقوا و حسن رابطه بین خویش و اطاعت خدا و رسول، توصیه کن و ای مسلمانان! خداوند خواسته در نتیجه جنگ بدر، توطئه منافقان بی اثر، کفار خوار، و پیروان واقعی پیامبر (ص) یاری شوند، و ای مسلمانان کارها را برای رضای خدا انجام دهید و خداوند سست کننده نیرنگ کافران است که نسبت به حقایق کرو لال و بی عقلند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مسلمانان! با خدا و رسول صداقت داشته باشید و به دعوت شان بگروید تا زنده واقعی گردید. و ای کافران! باوجود اینهمه دشمنی ها و رفتارهای ناپسند که کردید، به چیزی نرسیدید، حالا دیگر بس کنید و به راه صحیح پیوندید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای مسلمانان بطور خالصانه و حقیقی به اطاعت خدا و رسولش بگروید تا موفق گردید، و کافران و منافقان تحت تأثیر وسوسه های شیطانند و آنها بدترین جنبندگانند، و نیز برخی توصیه های جنگی به پیامبر (ص) و مسلمانان. در این پاراگراف به برخی احکام می پردازد.

۴ - سوالات

- ۱- «بعضهم اولیاء بعض» (آیه های ۷۲ و ۷۳) به چه الگوئی از جامعه شناسی اردوگاه های ایمان و کفر دلالت دارد؟
- ۲- «الاتفعلوه» اشاره به کدام فعل دارد؟
- ۳- «فتنه» مورداشاره آیه ۷۳ اشاره به چه نوع حالتی است؟
- ۴- «فساد» (همان آیه) چطور؟
- ۵- منظور از «رزق» (آیه ۷۴) دنیوی است یا اخروی؟
- ۶- ارتباط مفهومی بین دو نیمه اول و دوم آیه ۷۵ را مشخص کنید.

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اینک با پایان جنگ بدر و انتشار فوری و وسیع اخبار آن، اردوگاه ایمان ناگهان به یک مرکز بسیار مهم و تاثیر گذار در سرتاسر منطقه بدل شده است، و آیات ۷۲ تا ۷۵ را می باید با در نظر داشتن واقعیت جدید دید، که بنا بر آن، را بطه بین این مرکز و سایرین مورد بازتعریف واقع شده که طی آن روابط داخلی بین مسلمانان و نیز مسلمانان و کافران دیده شده و تعیین شده است.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

معنی قرآنی ولایت

در این پاراگراف چند بار کلماتی آمده که از عنوان «ولایت» اشتقاق یافته‌اند، مثلاً اولیاء (آیه های ۷۲ و ۷۳)

این کلمه را به «دوستی» و «سرپرستی» ترجمه کرده‌اند.

صرفنظر از اینکه ما هیچیک از این دو ترجمه را در این پاراگراف استفاده نکرده و خود کلمه عربی را آورده‌ایم باید دانست که اگر بخواهیم ترجمه دقیق تری از این کلمه ارائه کنیم می‌بایست چیزی شبیه به عبارت «دوستی» که از یکطرف در مورد طرف دیگر نفوذ کلام هم موجود باشد» را بکار ببریم.

مثلاً کلمه «ولی» در جمله «الله ولی الذین آمنوا» یک دوستی معمولی نیست بلکه

خداوند در جمله مذکور نسبت به مؤمنان یک نوعی دوستی دارد که با نفوذ کلام همراه است و مؤمنان نسبت به خداوند از طریق احکام دین، که از طریق پیامبران به آنان می‌رسد اطاعت دارند، و این اطاعت آنها سبب می‌شود در قلمروئی قرار گیرند که «حوزه اعمال سرپرستی خداوند» است که در دنیا حوزه ایمان و عمل به تکلیف و در آخرت بصورت بهشت تعریف می‌شود.

بنابراین اگر کلمه «اولیاء» را در آیه ۷۲ بمعنی «دوستان» ترجمه کنیم کافی نیست زیرا اشخاص مورد بحثِ آیه مذکور علاوه بر «دوستی» نوعی نفوذ کلام و دلسوزی متقابل نسبت به یکدیگر هم دارند. و در همان آیه، این نوع رابطه را به ایمان و هجرت مشروط کرده و در صورت فقدان هجرت وقوع این نوع رابطه را انکار نموده است.

چنانکه از آیه فهمیده می‌شود، هجرت به مدینه به یک تکلیف عینی روشنی تبدیل شده بود که تخلف از آن گناه کبیره و بلکه از بزرگترین گناهان و بمنزله خروج از مسلمانی تلقی می‌شد.

در جریان هجرت، «آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جهانهای خویش در راه خدا جهاد کردند» همان کسانی هستند که به آنها «مهاجر» گفته می‌شود و «آنانکه جای دادند و یاری کردند» همان کسانی هستند که به آنها «انصار» گفته می‌شود.

ترجمه تفسیری آزاد

آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند،

و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد کردند،

و آنانکه آنان را جای دادند و یاری کردند، بعضی شان اولیاء بعضی دیگرند.

و کسانی که ایمان آوردند اما هجرت نکردند، میان شما و آنها هیچ ولایتی نیست مگر اینکه مهاجرت کنند، و اگر درباره دین از شما یاری خواستند یاری آنها بر عهده شماست،

مگر اینکه علیه قومی از شما یاری بخواهند که بین شما و آنها عهد و پیمان صلح

باشد و خداوند به آنچه می‌کنید بیناست (۷۲)

و کافران نیز بعضی شان اولیاء بعضی دیگرند.

اگر آن کار را انجام ندهید و به یاری کسانی که در امر دین از شما کمک می‌خواهند

نشتابید،

در زمین فتنه و فسادى بزرگ پیدا خواهد شد (۷۳)

و کسانى که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا جهاد کردند، و آنانکه به آنها جای دادند و یارى نمودند آنها مومن حقیقى هستند که آمرزشى و روزیى گرامى خواهند داشت (۷۴)

و آنانکه بعدا ایمان آورده و هجرت نموده و همراه شما جهاد کردند آنها هم جزء شما هستند،

و خویشاوندان، در کتاب خدا، از لحاظ ارث بعضى ها نسبت به بعضى دیگر اولویت دارند، و خداوند به هر چیز داناست (۷۵)

سوره حشر

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ﴿٢﴾ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبُكُمْ فِي الدُّنْيَا وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ﴿٣﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤﴾ مَا قُطِعَ مِنْ لَيْنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْرِجَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا تَاكُمُ الرُّسُلُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧﴾ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصَرُّونَ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُودَرِهِمْ حَاجَةً لِمَا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٩﴾ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠﴾ أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١١﴾ لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُوهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُؤْلِنَنَّ الْأَذْهَابُ أَنَّهُمْ لَا يَنْصُرُونَ ﴿١٢﴾ لَأَتُنْمِشِدَنَّ رُءُوبَهُمْ فِي صُودَرِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿١٣﴾ لَا يَتَّقِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٤﴾ كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٥﴾ كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿١٧﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: مخالفت شدید همه جانبه با کفار و منافقین.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: کفار و منافقین نسبت به کل جهان آفرینش ناهماهنگ می باشند و کفاری که به طور صریح و رو در رو با خدا و رسول مبارزه کنند به شکست و خواری دچار می شوند و مومنان واقعی مورد تحسین و تمجید خداوندند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱﴾

ریز درب: تمام مخلوقات، خداوند را از هر نقصی برکنار اعلام میکنند

۲

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ﴿۲﴾ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبُهمْ فِي الدُّنْيَا وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ﴿۳﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۴﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! خداوند بود که کافران اهل کتاب را، که لایق عذاب بودند، در اولین رویارویی به شکست و ترک دار و دیار مبتلا کرد

۳

مَا قَطَعْتُمْ مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِن خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! خداوند اگر بخواهد اینطور بی زحمت رسول خویش را موفق میکند

۴

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُم الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧﴾ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصَرُّوْنَ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُبْتَغُونَ مَن هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقِ شَحْنَ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٩﴾ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! اگر خداوند بدون زحمت اموالی به رسول خویش رساند، مورد مصرفش اینها است

۵

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١١﴾ لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُوهُمْ وَلَئِن نَّصَرُوهُمْ لَيُولِيَنَّ الْأُذْيَارَ ثُمَّ لَا يَنْصَرُونَ ﴿١٢﴾ لَأَنتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿١٣﴾ لَا يَقَالُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَىٰ مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِن وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٤﴾ كَمَثَلِ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿١٥﴾ كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿١٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! برخی از منافقان را از روی صفاتشان بشناس

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

بُـبْ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - چرا در آیه ۲ فرموده من الله و مثلاً نفرموده من باس الله؟
- ۲ - در همان آیه، از یخربون بیوتهم چه حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها میتوان زد؟
- ۳ - چرا خداوند در سراسر این آیات آیه ۲ تا ۷ همه چیزها را به شخص خویش نسبت میدهد؟
- ۴ - در آیه ۷، «ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا»، در فقه، چطور تفسیر میشود؟
- ۵ - با توجه به همان آیه، برای اینکه «لا یكون دولة بین الاغنیاء منکم» اتفاق نیفتد، چه مکانیزمهایی باید وجود داشته باشد؟
- ۶ - در آیه ۱۵، منظور از «كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاتُوا أَمْوَالٍ أَمْرَهُمْ» چیست؟ (شکست مشرکان مکه در جنگ بدر؟ یا ...؟)

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

چون این قسمت نسبتاً طولانی شده، ذیلاً جدا گانه عرض میشود.

۵ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۱۰ پیشگوئی تحقق یافته ای دارد در باره ادامه مهاجرت مسلمانان مهاجرت نکرده که درست در آمدن آن واضح است.

در آیات ۱۱ تا ۱۷ پیشگوئی تحقق یافته ای دارد در باره طرز رفتار منافقان، که درست بودنش بعدا درک شد.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۹ از این لحاظ که مکانیزم عملی کاری که خداوند صحبتش را کرده، حتی برای ما قرن بیست و یکمی ها هم هنوز روشن نیست بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه ۱۶ از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما، و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست. آیه ۱۷ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

ناهماهنگی با کل جهان

در این پاراگراف، کفار و منافقان از بابت عدم هماهنگی شان با کل سیستم آفرینش (به شرح آیه ۱) نکوهش می شوند.

جمادات و گیاهان و حیوانات و جن و ملک هر کدام از درجه ای از «وجود» برخوردارند و «عبادت» آنها عمل بر مقتضای همان سطحی از وجودشان است که از آن برخوردارند.

بنابراین وقتیکه کسی خلاف این اقتضاء عمل کرد، از هماهنگی با کل سیستم آفرینش خارج شده و شایسته نکوهش می باشد.

خلاصه ای از جنگ بنی نضیر

در این قسمت جنبه‌های مختلف یکی از درگیری‌های جنگی پیامبر (ص) ذکر می‌شود که خلاصه‌ای از آن در لیست ذیل ذکر شده:

- ۱- این اولین درگیری پیامبر با کافران اهل کتاب (یهودیان) بود (آیه ۲)
- ۲- آنها قوی و دارای موقعیت محکم و مستحکم بودند (آیه ۲)
- ۳- آنها در دشمنی و تعرض پیش‌قدم بودند و پیغمبر (ص) در موضع «جواب» بوده است (آیه ۴)
- ۴- پیامبر آنها را محاصره کرده و آنها در دژهایشان پناه گرفته بودند (آیه ۲)
- ۵- پیامبر دستور داده بود که نخل‌های آنها را که قاعدتاً باید در بیرون دژهایشان بوده باشد قطع کنند (آیه ۵)
- ۶- آنها از این عمل بسیار ترسیدند (آیه ۲)
- ۷- آنها تسلیم شدند و راضی به ترک سرزمین‌هایشان گردیدند (آیه ۳)
- ۸- آنها هنگام این جلای وطن هر چه را می‌توانستند خراب می‌کردند (آیه ۲)
- ۹- این پیروزی، بدون جنگ و کشتار طرفین از یکدیگر صورت گرفت (آیه ۶)
- ۱۰- غنائم چنین جنگ‌هایی (که بدون درگیری، به پیروزی برسد) از طریق رسول خدا (ص) در مصارفی خاص مصرف می‌شود (آیه ۷)

سه دسته از مسلمانان آن روزها، و رفتار منافقان

در اینجا، در آیات ۸ تا ۱۰، بگونه‌ای پررنگ، سه صنف از مؤمنان خالص را توصیف و تشریح می‌نماید:

- ۱- مهاجران که به خاطر خدا از اموال و دیار مالوف خود دل کندند؛
 - ۲- انصار که آنها را در اموال و دیار خویش شرکت دادند؛
 - ۳- مؤمنان بعدی (که امیدواریم ما از آنها باشیم) عمل آن دو صنف را پسندیدند.
- از مجموع این آیات فهمیده می‌شود که عده‌ای که از لحاظ ایمان جزء «فعالان» بودند، به خاطر صداقت و صراحت و سازش‌ناپذیری اموالشان از آنها گرفته شد و از وطن-هایشان اخراج شدند و آنها بسوی مدینه مهاجرت کردند و در آنجا در حالی که تهی-دست بودند باز هم جزء «فعالان» جبهه ایمان باقی ماندند، و بهمین خاطر خداوند آنها

را به صفت «صادقون» ستوده است.

همچنین فهمیده می‌شود رسول خدا(ص) به مهاجران از اموال مورد غنیمت جنگی فوق می‌داد، اما منافقان اعتراض می‌کردند اما انصار نه تنها اعتراض نمی‌کردند که چرا بما نمی‌دهی بلکه خوشحال هم می‌شدند که به مهاجران داده می‌شود حتی اگر خودشان هم محتاج چنان کمک‌هایی بودند. منافقین سبب ادامه دشمنی کفار می‌شدند.

چه بسا اگر آنها نبودند یهودیان بنی نضیر در دشمنی خویش آنقدر راسخ نمی‌شدند و زودتر باب گفتگو را با مسلمانان باز می‌کردند و کار به جایی نمی‌رسید که مجبور شوند اموال و وطن را رها کرده و آواره شوند، اما منافقان آنها را به یاری خویش دلگرم می‌کردند و همین سبب شد آن بیچاره‌ها به چنان عاقبتی دچار شوند.

علت خطای منافقان

علت اصلی این امر نیز این بود که منافقان در محاسبه واقعیات خطا داشتند. زیرا فقط چیزهای محسوس و ملموس را در محاسبه دخالت می‌دادند. مثلاً تعداد افراد و مقدار اموال و اسلحه و اسب‌ها و سایر تجهیزات را، و عناصر معنوی مانند توکل، استقامت تا پای جان، و کمک‌های معنوی الهی، و امثال آن را که تأثیر آنها در بسیاری از موارد از تأثیر عناصر محسوس و ملموس بیشتر است، را در نظر نمی‌گرفتند و همین باعث شد به تحلیلی برسند که خطا بود زیرا از طرفی ضعف تجهیزات و امکانات مسلمانان را از نزدیک می‌دیدند و از طرف دیگر از قوت تجهیزات و امکانات یهود بنی-نضیر اطلاعات کامل داشتند، و غیر از این دو عامل (این ضعف و آن قوت) عامل دیگری را نمی‌شناختند و نمی‌فهمیدند و لذا پیروزی یهودیان را حتمی می‌دیدند و روی آن برای خویش نیز حسابی باز کرده بودند که مثلاً در اثر برخورد بین مسلمانان و یهودیان بنی‌نضیر، شکست مسلمانان حتمی است و آنها از فرصت استفاده نموده و به قلع و قمع کامل آنان همت گماشته و جبهه اسلام را بکلی نابود و سیادت را بدست آورده و با یهودیان ضعیف شده پس از این جنگ نیز وارد معاهده‌ای تازه خواهند شد و ...

این تحلیل سبب شد یهودیان بنی نضیر را تشجیع و تشویق و به کمک خود (که) احتمالاً باید خنجر زدن از پشت در هنگام بالا گرفتن معرکه باشد) امیدوار کنند که سبب وقوع این واقعه شوند.

اما چون فکر کمک‌های الهی و روحیه بالای ایمانی مؤمنان و توکل و استقامت آنها را

نکرده بودند، نتیجه بر عکس تصورات آنها شد و لذا فوراً جبهه خویش را عوض کردند و زبان به دشنام و ملامت همان رفقای دیروز باز کردند و به پیغمبر اعتراض نمودند که چرا سهمی از غنائم را بما نمیدهی و غیره.

صفات عمومی منافقان که در این سوره ذکر شده

- ۱ - دروغگوئی (آیه ۱۱)
- ۲ - خلف وعده (آیه های ۱۱ و ۱۲)
- ۳ - نقض عهد (آیه ۱۶)
- ۴ - ظلم (آیه ۱۷)
- ۵ - ضعف در قوه ارزیابی (اهمیت ندادن به عناصر نامحسوس و منحصر کردن اهمیت در عناصر محسوس و ملموس) (آیه ۱۳)
- ۶ - سست عنصری و فرار از مقابله با واقعیات (آیه ۱۲)
- ۷ - دوستی قوی با کافران (آیه ۱۱)

طرز هزینه کردن غنائمی که مسلمانان برای آن زحمتی نکشیده‌اند

آیه ۷: بدیهی است خداوند که آفرینشگر این جهان و همه جهان‌ها و وجود دهنده به همه چیز در هر لحظه است، نیازی به چیزی ندارد و لذا باید درک کنیم که عبارت «از آن خدا» بمعنی «از آن راه خدا» یا «از آن راه دین خدا» می‌باشد، اما اینکه خداوند آنرا به شخص خودش نسبت داده، از لحاظ ذکر اهمیت و بزرگداشت شأن آن است.

اگر خواننده به متن اصلی آیه ۷ رجوع نماید و به عبارت «از آن خدا، از آن رسول، از آن فامیل، و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان» توجه نماید خواهد دید که برای خداوند و رسول و فامیل «ل» آورده و آنچه پس از فامیل آمده، همه آنها را با «و» بهم ربط داده و به این ترتیب طرز تقسیم این نوع غنائم که از راه جنگ بدست نیامده، به صورت زیر در می‌آید:

۱- از آن راه خدا، ۲- از آن رسول خدا، ۳- از آن فامیل و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان.

واضح است «از آن راه خدا» یعنی آن نوع مصارفی که جنبه عمومی دارد و صرفاً به پیشبرد پیام خدا اختصاص دارد.

«از آن رسول خدا» یعنی آن نوع مصارفی که هزینه‌های شخصی رسول خداست مانند

هزینه‌های زندگی (خوراک و پوشاک و مسکن و مهمانداری و بذل و بخشش و آنچه که شأن رسالت اقتضای آن را دارد)
«از آن فامیل و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان»، چون با «واو عطف» است، برمیگردد به «للسول» (دقت کنید)

وعده رستگاری حتمی

در قرآن موارد بسیاری هست که در آن گفته می‌شود اگر فلان و فلان کارها را بکنید شاید رستگار شوید اما چند جای محدود در قرآن هست که وعده حتمی رستگاری داده که یکی همین آیه ۹ است و یک جای دیگر هم هست که عیناً همین مورد را دارد یعنی در صورتی که کسی بتواند بخل درون خویش را کنترل کند حتماً رستگار خواهد بود.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه در آسمانها و زمین هست، خداوند را با پاک دانستن او از نقائص ستایش می‌کنند و همو پیروزمند فرزانه است (۱)

اوست کسی که کافران اهل کتاب را برای بار اول از دیارشان بیرون راند، شما فکرش را هم نمی‌کردید که بیرون بروند، آنها هم فکر میکردند قلعه هایشان آنها را از تدبیر خداوند ممانعت می‌کند، اما خداوند از جاییکه فکرش را هم نمیکردند به سراغشان آمد و در دلهاشان ترس انداخت، بطوری که با دستهای خودشان و نیز با دستهای مسلمانان خانه‌های خویش را خراب میکردند.

پس ای صاحبان بصیرت عبرت گیرید (۲)

و اگر خداوند آوارگی را بر آنها مقرر نکرده بود حتما در دنیا به عذاب دیگر گرفتارشان میکرد، و در آخرت هم عذاب آتش خواهند داشت (۳)

این به سبب آن است که آنها با خدا و رسولش دشمنی کردند و هرکس با خدا دشمنی کند بداند خداوند سخت کیفر است (۴)

ای مسلمانان! شما هیچ نخلی را قطع نکرده اید، و هیچیک را بحال خویش برپا رها نکرده اید، مگر به اذن خدا.

و اینها برای خوار کردن فاسقان است (۵)

غنیمتی که خداوند از آنان به رسول خود رسانید، بدون جنگ کردن شما رسانید و شما هیچ اسب و شتری بر آن نتاختید، ولیکن خداوند رسولانش را بر هر کس که خواهد مسلط میکند، و خداوند بر هر چیزی تواناست (۶)

از اموال اهالی آن شهرها آنچه خداوند به رسول خود رساند، از آن خداست، و از آن رسول، و کسانی که جزء خویشاوندان و یتیمان و تهیدستان و ماندگان در راه ها، و وابسته به رسول باشند، تا مبادا بین ثروتمندان شما دست بدست بچرخد.

و آنچه رسول به شما میدهد بستانید، و از آنچه شما را از آن نهی میکند دست بکشید، و از خداوند پروا کنید، که خداوند سخت کیفر است (۷)

و نیز برای فقراء مهاجران که بخاطر کسب فضل و رضایتی از جانب خدا از شهرها و اموال خویش اخراج شدند، و خدا و رسولش را یاری می کنند، که آنها همان راستگوهانند (۸)

و کسانی که قبل از آنها در آن خانه و ایمان جای گرفتند،

و هر کس را که بسوی آنها هجرت کند دوست دارند،

و در دلهای خود احتیاجی نسبت به آنچه به آنان داده می شود نمی یابند،

و آنها را بر خویش ترجیح می دهند،

حتی اگر خودشان محتاج باشند،

خداوند رفتارشان را می بیند و هر کس که جلوی بخل درونی خویش را بگیرد حتما از رستگاران است (۹)

و آنان که بعد از آنها می آیند، و می گویند پروردگارا ما را و برادرانمان را که در ایمان از ما سبقت جستند بیامرز، و در دلهای ما برای مومنان کینه ای قرار مده. که تو رؤف و مهربانی،

همه آنها رستگار خواهند بود (۱۰)

آیا ندیدی کسانی را که نفاق ورزیدند که به برادران کافرشان از اهل کتاب می گفتند اگر اخراج شدید ما هم حتما با شما خارج خواهیم شد، و از هیچ کس درباره شما اطاعت نخواهیم کرد، و اگر با شما جنگ کردند، حتما یاریتان خواهیم کرد؟ و خداوند گواه است که آنها دروغگویند (۱۱) اگر اخراج شوند با آنها خارج نخواهند شد، و اگر با آنها جنگ شود یاریشان نخواهند کرد، و تازه اگر هم یاری شان کنند زود فرار خواهند کرد، و آن وقت خودشان بدون یاور خواهند ماند (۱۲) شما بیشتر از خداوند در دل

آنها هیبت دارید، زیرا که آنها مردمی بی فهم و بینش هستند (۱۳) آنها بطور دستجمعی با شما نمی جنگند، مگر در داخل شهرهائی برج و بارو دار، یا در پس دیوارها. سختی شان بین خودشان شدید است، آنها را یکپارچه می بینی اما دلهایشان پراکنده است. زیرا که آنها مردمی نابخردند (۱۴)

مانند آنهایی که اندکی پیش از آنان بودند، و نتیجه بد کار خویش را چشیدند، و عذابی دردناک خواهند داشت (۱۵)

مانند شیطان که به انسان می گوید کافر شو، اما وقتی که کافر شد می گوید من از تو بیزارم، زیرا که من از خداوند پروردگار جهانیان بیم دارم (۱۶)

پس عاقبت هر دوی آنها این خواهد بود که در آتش جاودان خواهند بود و جزای ظالمان نیز همین است (۱۷)

حشر ۲ آیات ۱۸ تا ۲۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١٩﴾ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾ لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: مخالفت شدید همه جانبه با کفار و منافقین.
 برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: بر حذر داشتن مسلمانان از اینکه از حقایق بیگانه شوند و مانند کفار و منافقین بگردند

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١٩﴾ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! به خود آید! اولویت تان خوشبختی اخروی باشد

لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! قرآن چنین مکان و منزلتی دارد!

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! به هوش باشید! چنین خداوندی دارید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: همه موجودات خداوند را به پاکی می ستایند و اینکه احکام غنائم جنگی را که بدون وقوع جنگ به دست آمده باشد تشریع می فرماید و اینکه ای مسلمانان! خود را از صفات کافران و منافقانه بیالائید و بر عکس، به صفات نیک بیارائید.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! آخرت را هدف بگیرید و برای رسیدن به وضع مطلوب تقوا پیشه کنید و ای مردم! کسی را که از او غفلت می کنید چنین خداوندی است!

۴ - سوالات

- ۱- فرایند طرزعمل « نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ » (آیه ۱۹) را توضیح دهید.
- ۲- با قرینه «فائزون» (آیه ۲۰) چرا در آیه ۱۹ بجای «فاسقون» نفرموده «خاسرون»؟
- ۳ - « وَتُنْتَظَرُ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ » (آیه ۱۹)، نسبت به کلمه قبل خویش چه نقشی دارد؟ (تفسیر؟ پرانتز؟ یا...؟)
- ۴ - چه سابقه ای (به ترتیب نزول) از مفهوم آیه ۲۰ دارید؟

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۱۸ تا ۲۴ از آیات بسیار برجسته قرآنی است (از همه لحاظ هایی که قبلا مکررا برای برجستگی برشمردیم)

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۱۸ تا ۲۰ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه ۲۱ از آنجا که به وحی اشاره دارد، و آنهم چیزی است که هیچ بنی بشری را راهی به شناخت مکانیزمش نیست، طبعاً بالاتر از ذهنیات معاصران نزول است.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

دریافتهای کوتاه مستقیم

آیه ۱۸: منظور از کلمه «فردا» آخرت و قیامت است، و منظور از «چه چیزی از پیش فرستاده» اعمالی است که در این جهان از او صادر می‌شود.

آیه ۱۹: جا دارد آدمی همیشه این سؤال را از خویش بکند که: «من که هستم و چرا در این جهان هستم و بعدش چه خواهد شد؟»

اگر آدمی دائماً این سؤال را از خود بکند، جواب‌هایش روشن است، و این است که

«من موجودی هستم که دارم در این جهان موقت برای زندگی دائم خویش ساخته می‌شوم»، و لذا چنین کسی که دائماً این جواب‌ها را از خودش برای سؤال خودش دریافت می‌کند، کار خلاف، و کار بی‌ربط، و کار در غیر جهت رشد و سازندگی، از او سر نمی‌زند. اما اگر از یاد خدا غافل شود، از این سؤال و جواب هم باز می‌ماند. و کم‌کم از جاده اصلی بیرون می‌آید و به بی‌راهه می‌افتد و گم می‌شود و نابود می‌گردد.

آیه ۲۰: دنیا کوتاه است و بهشت و جهنم جاودانی است و اهل جهنم بازنده و بهشتی‌ها برنده هستند. عاقل کدام را انتخاب می‌کند؟

منظور از این مثال چیست

منظور از مثل مندرج در آیه ۲۱ چیست؟ آیا نگوشت آدمی است؟ که کوه با آن عظمت تاب این آیات را نمی‌آورد اما آدمی نسبت به آن بی‌اعتناست؟ یا اینکه توجه آدمی را به این نکته جلب می‌کند که شأن این قرآن بزرگ است و آن را دست کم نگیرید؟ البته در انتهای آیه مذکور منظور از ذکر این مثال را فرموده است: تذکر!

صفات «موبر اندام راست کن» الهی

در رابطه با آیات ۲۲ تا ۲۴ در حقیقت، این پاراگراف، در جهت توضیح آیه آخر قسمت قبل است که می‌گفت مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و لذا از خود بیگانه شدند و در این قسمت، آن خدائی را که نباید فراموشش کرد اندکی معرفی می‌نماید که او کسی است که کوه‌ها تاب تحمل یکی از مخلوقات او را (یعنی قرآن) ندارند اما شما به آن مخلوق با عظمت (یعنی قرآن) توجه کافی نمی‌کنید و مورد کم‌اعتنائی و حتی بی‌اعتنائی قرار می‌دهید.

سپس تا حدودی که نزدیک به فهم انسان باشد آن خدا را توصیف می‌کند (با این منظور که بخود بیائیم و راه خویش را از کفار و منافقین جدا کرده و پیروز شویم) صفاتی که در آیات ۲۲ تا آخر ذکر نموده، بعضی‌ها در قرآن بسیار و بعضی کمتر در قرآن تکرار شده و بعضی هم خاص این سوره است، مانند: سلام (صلح‌آور)، مؤمن (ایمنی بخش، امنیت‌دهنده)، مهیمن (مسلط)، جبار (مجبورکننده، جبران‌کننده)،

متکبر (دارنده بزرگی) ، باری (پدیدآور) ، مصور (تصویرگر). و اگر کسی بخواهد راجع به این صفات بنویسد هر قدر هم که توان داشته باشد نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای مسلمانان! از خداوند پروا کنید و باید هر کس نگران آن باشد که برای فردای قیامت چه چیزی از پیش فرستاده است، و از خدا پروا کنید که خداوند به آنچه میکنید آگاه است (۱۸) و مانند آنهایی نباشید که خدا را فراموش کردند، و او هم خود هاشان را از یاد شان برد. آنها همان گناه پیشگان هستند (۱۹)

اهل بهشت و اهل جهنم مساوی نیستند، اهل بهشت همان پیروزها و برندگان هستند (۲۰)

ای پیامبر! اگر این قرآن را بر کوهی نازل میکردیم میدیدی فروتن بوده واز حرمت و خشیت خدا متلاشی میشود،
و ما این مثل ها را برای مردم میزنیم شاید تفکر کنند (۲۱)

او خدائی است که خدائی جز او نیست. دانای نهان و آشکار و بخشنده مهربان است (۲۲) اوست خدائی که خدائی جز او نیست. آن فرمانروای پاک صلح آور ایمنی بخش مسلط عزتمند مجبورکننده بزرگمنش.

پاک است خداوند از آنچه با او شریک میگیرند (۲۳)

اوست خداوند آفرینشگر پدید آور تصویرگر،

که دارای آن نامهای نیکوست.

آنچه در آسمانها و زمین است او را به پاکی می ستایند و همو پیروزمند فرزانه است (۲۴)

سوره منافقون

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ كَاذِبُونَ ﴿١﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٣﴾ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهمْ خُشَبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيِّحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتِلْهُمْ اللَّهُ اتَىٰ يُوَفِّكُونُ ﴿٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُؤُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٥﴾ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٦﴾ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٧﴾ يَقُولُونَ لِنِ رُجْعَنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَنُخْرِجَنَّ الْأَعَزَّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتْلُكُمُ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٩﴾ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّاحِينَ ﴿١٠﴾ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١١﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: برشماری و نکوهش صفات منافقانه و بر حذر داشتن مسلمانان از اینکه مانند آنها باشند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ﴿١﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٣﴾ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهمْ خُشَبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعُدُو فَاخْذِرْهُمْ فَآتَاهُمُ اللَّهُ أَنْيَ يُفَكِّكُونَ ﴿٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوُوا رُؤُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٥﴾ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٦﴾ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٧﴾ يَقُولُونَ لِنَرْجِعَنَّ إِلَى الْمَدِينَةِ لَنُخْرِجَنَّ الْأَعَزَّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! در دور و بر خویش منافقان را بشناس و از آنها حذر کن

۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٩﴾ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠﴾ وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١١﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! زندهار که مانند منافقان بشوید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف

که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

منافقانی را که در زمان نزول این آیات مطرح هستند میتوان به دو دسته بزرگ تقسیم کرد:

۱ - کسانی که در اواخر دوران مکه و نزدیک به هجرت بوی پیروزی های قریب الوقوع آنحضرت را حس کرده و بدون اینکه ایمانی داشته باشند به صفوف مسلمانان پیوستند، اینها اینک همراه آنحضرت در مدینه هستند.

۲ - کسانی مانند عبدالله ابن ابی و دار و دسته او که در یثرب موقعیتی داشتند و حتی نزدیک بود عبدالله شاه شود و بوسیله او جنگ های تمام نشدنی اوس و خزرج خاتمه یابد، اما با پیش آمدن واقعه هجرت آن پروژه فراموش شد، و آنها آنحضرت را مسئول از دست رفتن موقعیت خویش میدیدند، و به استناد آیه های ۷ و ۸، منافقینی که در این پاراگراف مطرح هستند دسته دوم است، و به این خاطر آنها را «خشب مسنده» نامیده که آنها در پیش خود خویش را کسی می پنداشتند و خود را صاحب قدرت و نفوذی حساب میکردند، در حالیکه با واقعه هجرت نفوذ آنحضرت آنقدر فراگیر شده بود که دیگر موقعیتی برای آنها نمانده بود، و آنها این واقعیت را درک نکرده بودند، دلیلش هم اینکه آنها در آیه ۷ مردم را دعوت به چیزی کردند که پاسخ مساعدی دریافت نکردند، یعنی در مقابل رسول خدا (ص) کاملاً بی اثر بودند، ولی مخالفت پنهانی و توطئه و دشمنی میکردند.

۴ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سرورش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۰ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه ۱۱ به اموری از علم و قدرت الهی اشاره نموده، که نه تنها بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه حتی مخاطبان حاضر نیز هست.

۵ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

توصیف صفات منافقانه و بر حذر داشتن مسلمانان از اتصاف به صفات منافقانه.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۱۱، بقیه آیه های این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

دریافتهای کوتاه مستقیم

آیه ۱: منافقین نزد پیغمبر آمده و به رسالت آن حضرت گواهی دادند. اما چون عمل معمول آنها دروغ و نفاق است، حرکت صحیحی هم که از آنها مشاهده می شود باید با تردید ارزیابی شود. البته ذکر این نکته برای «علم» پیغمبر است و گرنه رفتار پیغمبر چنان بود که از آنها قبول می کرد و آنها را با مؤمنان واقعی (مثلاً مانند ابوذر و عمار و امثال آنها) مورد رفتار یکسان قرار می داد و علم خود را در رفتار ظاهری خویش دخالت نمی داد.

آیه ۲: آنها با قسمهائی که یاد می کردند، سایر مسلمانان را راجع به خویش بی اثر می کردند زیرا اگر تلقی مسلمانان نسبت به آنان این بود که آنها کافر هستند، با آنان رفتاری را می کردند که معمولاً با دشمن می کنند اما آنها با قسمه هایشان خود را جزء مسلمانان قرار می دادند و لذا از خطر در امان می ماندند.

اینک که آنها با این ترفند خود را در صفوف مسلمانان قالب می زدند، از آنجا که جزء آنها محسوب می شدند و از حقوق برابر با آنها استفاده می کردند می توانستند در مشورتها و اظهارنظرها، آنها را منحرف کرده و به مواضع خود نزدیک کنند و یکی از مصادیق جلوگیری از راه خدا، همین است.

آیه ۴: این افراد از لحاظ مالی در وضعیتی هستند که می توانند به خودشان برسند و خود را در چشم بیننده جلوه بدهند. و اینکه از لحاظ سخن گفتن نیز می توانند توجه مخاطب را جلب کنند، نیز، همین نکته فهمیده می شود. لذا خواستگاه منافقان، طبقه مرفهان و توانگران است.

آیه ۴: چوب خشکی که بر دیوار تکیه دارد، چیست؟ موجودی است بی اثر، بی ریشه، بی ارزش و ... و با این مثال این نکته را به ذهن می آورد که حرفهای آنها بی ارزش است و خیری در آنها نیست.

آیه های ۴ و ۵: با وجود همه اینها، آنها راجع به خود اصلاً اینطورها فکر نمی کنند و

خود را بزرگ می‌پندارند و دنبال ریاست و بزرگی بیشتر هستند و همچنان در راه خدا سنگاندازی می‌کنند.

آنها وقتی که خود را در جمع مسلمانان می‌بینند، و با آنها همراهی می‌کنند این رفتارشان منحصر به زمانی است که احساس کنند زمینه مساعد و قدرت کافی را ندارند و در صورتی که خود را قدرتمند حس کنند و زمینه را مساعد ببینند، دیگر نقاب را به کنار می‌نهند و در صدد برخورد و مقابله عملی و آشکار با راه پیغمبر بر می‌آیند.

آیه‌های ۷ و ۸: آنها عامل اصلی قدرت و قوت را منحصر در ثروت مادی میدانند.

توصیف منافقان

در این پاراگراف، منافقان با صفات و مشخصاتشان معرفی می‌شوند.

در مجموع با توجه به متن سوره می‌توان گفت منافقین اشخاصی هستند:

- ۱- از لحاظ فکری، سطحی و بدون ریشه،
- ۲- از لحاظ ظاهری، آراسته و خوشایند و دارای قدرت و مکت،
- ۳- از لحاظ شخصیتی، خودپسند، و تحقیرکننده دیگران،
- ۴- از لحاظ اخلاقی، بدکار و گناهکار و دارای عادت به گناهان،
- ۵- از لحاظ اجتماعی، ریاکار و همراه نمای خویش با موج غالب،
- ۶- از لحاظ طبقاتی جزء طبقات ممتاز.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

ای پیامبر! هنگامی که منافقان نزدت می‌آیند می‌گویند شهادت می‌دهیم که تو رسول خدا هستی، خداوند میداند تو رسولش هستی، اما خداوند گواه است که منافقان بسیار دروغگویند (۱)

قسم‌های خویش را سپر قرار داده‌اند و راه خدا را بسته‌اند، بدکاری است که میکنند (۲)

این به آن سبب است که ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند، و در نتیجه بر دل‌هایشان مهر زده شد، و فهم ندارند (۳)

هنگامی که نگاهشان می‌کنی از ظاهرشان خوش می‌آید، و هنگامی که سخن می‌

گویند گوش میدهی، اما آنها مانند چوب خشکی هستند که بر دیوار متکی باشد، و هیچ فایده ای ندارند.

هر صدائی را علیه خود می پندارند.

آنها دشمنند. پس از آنها بر حذر باش.

خدا خودش شرشان را کم کند، چگونه از حق روبر می گردانند (۴)

و چون به آنها گفته شود بیاید رسول خدا برای شما استغفار کند، سر می پیچند و

می بینی که همچنان خودداری می ورزند و سرکشی میکنند (۵) فرقی نمی کند،

چه برایشان استغفار کنی چه نکنی، خداوند هرگز آنها را نمی بخشد، زیرا که خداوند

قومی گناه پیشه را هدایت نمی کند (۶)

آنها همانها هستند که می گویند بر کسانی که دور و بر پیغمبر هستند خرج نکنید تا

پراکنده شوند.

در حالی که انبار های آسمان ها و زمین در اختیار خداست، لیکن منافقان این را

نمی فهمند (۷)

می گویند وقتی که به شهر برگشتیم باید آنکه عزیز تر است دلیل تر را از آن بیرون

کند. در حالی که عزت از آن خدا و رسول و مومنان است ولیکن منافقان در نمی

یابند (۸)

ای مسلمانان! اموال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نکند،

و کسی که چنان شود حتما زیانکار است (۹)

و از آنچه روزیتان کرده ایم اتفاق کنید، قبل از اینکه مرگ به سراغ هر یک از شما

بیاید، و او بگوید پروردگارا چه میشد اگر کمی مهلت می دادی تا صدقه ای میدادم

و از شایستگان می شدم (۱۰)

و وقتی که سر آمد هر کس برسد هرگز خداوند مرگ او را به تاخیر نمی اندازد و

همو به آنچه می کنید آگاه است (۱۱)

سوره جمعه

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي يَخْلُقُ فِي الْأَمْثَانِ رُسُلًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٢﴾ وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣﴾ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٤﴾ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّعُوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦﴾ وَلَا يَتَمَتَّعُونَ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٧﴾ قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ هَواً انْفِصَاوْا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١﴾

پیش تفهیم

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) ببابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلاً دیده میشود.

درس: نگوشت بعضی از مردم که تعلیم پیامبران را که از فضل خداست سبک می گیرند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریزدرب: خداوند معبود همه موجودات است:

۱

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾

ریزدرب: خداوند معبود همه موجودات است

۲

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٢﴾ وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣﴾ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٤﴾

ریزدرب: یکی از مهم ترین های الطاف الهی انگیزش رسولان است

۳

مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦﴾ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٧﴾ قُلْ إِنْ الْمَوْتُ الَّذِي تُقَرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! یهودیان امتحان خوبی ندادند

۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ هَمَّوا بِانْفُسَا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! رفتارهای یهودانه نکنید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

۱ - در آیه ۵ دو کلمه حُمَلُوا و لَمْ یَحْمِلُوا به چه زبانی است؟ (کنایی؟ استعاری؟ مَثَل؟ یا.؟)

۲ - در همان آیه، آنها کدام آیت های الهی را تکذیب کردند؟

۳ - نژاد پرستی یهودیان را در آیات ۵ تا ۸ در کجا به وضوح میتوان یافت؟

۴ - در آیه ۸ یَنْبَئُكُمْ به چه معنی است؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روز ها

واقعاً پیامبر(ص) چه رنجی از سوی پیروانش می برد!!

در آیه ۱۱ فرموده: «از سرگرمی و از تجارت» و نفرموده «از سرگرمی و تجارت» و نکته این نوع بیان این است که سرگرمی و تجارت هر کدام از لحاظ اینکه مورد توجه آدمی باشند مستقل هستند و یکی فرع دیگری نیست.

بعضی ها اهل کار و کاسبی هستند و بهترین انگیزه برای آنها این است که در جایی و در چیزی، «سود»ی باشد و چندان اهل تفریح و بازی و سیر و سفر و سرگرمی نیستند. بعضی ها هم برعکس میباشند.

خلاصه اینکه «سود» و «سرگرمی» هر کدام جداگانه یکی از انگیزه های قوی مورد توجه آدمی است و تقریباً هیچکس نیست که لااقل به یکی از این انگیزه ها پاسخ ندهد.

همراهی پیغمبر را ترک کردن، نهایت بی ادبی و سبک عقلی است، چه رسد که این کار در هنگام نماز هم باشد.

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

همه آیات این سوره - به شرحی که بارها عرض کرده ایم - برجسته است.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱ از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی ما قرن بیست و یکمی ها نیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست.

آیه ۸ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

وحی مهم ترین نعمت الهی است

در این پاراگراف موضوع وحی را از الطاف بزرگ الهی قلمداد نموده و بر اهمیت آن تأکید می کند.

سه آیه از ۴ آیه راجع به خود وحی، و آیه اول راجع به خداوند صاحب وحی است بنابراین باید آیه اول را در پرتو سه آیه دیگر دید.

در آیه اول خداوند به پاک بودن از نقائص، فرمانروائی بسیار پاک، و عزت، و حکمت، ستایش می شود.

لذا معلوم می شود که وحی و برگزیدن رسول، امر بسیار مهمی است و با این صفات ملازمت دارد.

خداوند در آیات دیگر و سوره های دیگر خود را به صفات دیگری نیز تعریف نموده مثلاً بخشنده، مهربان، قدرتمند، جبار، شدید در پیگیری، شنوا، دانا، ... اما در این مقام از آن صفات یاد نکرده بلکه تأکید بر پاکی، و فرمانروائی و دست نیافتنی بودن و حکیم بودن نموده و لذا معلوم می شود موضوع وحی و هدایت انسانها بوسیله یکی از

جنس خودشان موضوعی است بسیار مهم که باید نکات ذیل را پوشش بدهد:

۱- کل عوامل آسمانها و زمین باید با این امر هماهنگ باشند تا این امر بنحو مطلوب انجام شود و از اینجا پیچیدگی فوق‌العاده آن آشکار می‌شود. (ملک)

۲- همه عناصر و عوامل و روشها و جریانات مربوط به وحی و نبوت باید کاملاً صحیح و عالی و خوب باشد و هیچ چیز مکروه و ناپسند و بدی نباید در آن راه داشته باشد. (قدّوس)

۳- هیچ عنصر و عاملی نخواهد توانست در این فرآیند دخالتی خارج از تقدیرات پیش‌بینی شده بنماید (عزیز)

۴- کل این جریان در جهت حصول یک نتیجه کاملاً عاقلانه و حکیمانه و پسندیده است (حکیم)

مجموع ۴ قسمت فوق‌ما را به این نتیجه می‌رساند که وحی و رسالت «مهمترین پدیده این جهان هستی» و «میوه این باغ وجود» و «هدف از بوجود آوردن کل جهان» می‌باشد و لذا در جهان هستی چیزی مهمتر از آن نیست.

خوب، حالا این «میوه باغ وجود» و این «گل سرسبد هستی» چیست؟ برگزیدن کسی که آیات خدا را بر آنان تلاوت کند و رشدشان دهد و کتاب و حکمت بیاموزد.

اگر خوب دقت کنیم فقره اخیر دو قسمت دارد:

۱- «برگزیدن کسی».

۲- شرح وظایف آن «برگزیده».

معلوم است که مورد دوم فرع است بر مورد اول و لذا «میوه باغ وجود» و «گل سرسبد جهان هستی» همان «برگزیدن کسی» و بعبارت دیگر آن «برگزیده» ای است که بتواند آن شرح وظایف را انجام دهد.

اینک آیه ۴ مفهوم می‌شود که می‌فرماید «این فضل خداست که به هر کس که بخواهد می‌دهد».

«به هر کس که بخواهد» یعنی چه؟ آیا از نوع خواستن ماهاست؟ نه! زیرا در ابتدا، بعنوان یکی از صفات خدائی فرموده است او «حکیم» است یعنی اینکه افعال و اعمال او برحسب «حکمت» است، یعنی فعل و عمل خدائی، «عقل‌پسند» و «در جهت غایت معقول مستحسن» است و لذا این «بخواهد» او در جهت «بهترین انتخاب» و «بهترین امکان» و «بهترین گزینه» است و لذا این فضل عظیم که همان «برگزیدگی» باشد قبائی است که فقط بر قامت بهترین گزینه درست در می‌آید.

«فضل خدا» محدوده وسیعی را شامل می‌شود

در رابطه با آیه ۱۰ فضل خدا اعم از همه خیرهاست. از یک لقمه نان گرفته تا عالی‌ترین علوم را در بر می‌گیرد اما به قرینه آیه ۴ همین سوره، اگر معنی عالی آن را بگیریم، معنی آن چنین می‌شود که «دنبال عبادات و علم بروید» البته گرچه دنبال کسب و کار و درآمد رفتن نیز یکی از مصادیق فضل خدا هست اما آن جزء درجات پائین‌تر است. اما مطابق همان قرینه و قرینه بعدی که می‌فرماید «و خدا را بسیار یاد کنید» همان معنی عالی موردنظر است.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه در آسمانها و زمین است خدای را به پاکی ستایش می‌کنند که همو فرمانروای پاک پیروزمند فرزانه است (۱)

هموست که در میان درس ناخواندگان فرستاده ای از خود آنان برگزید، که آیاتش را بر آنان تلاوت کند، و رشدشان دهد، و کتاب و حکمت بیاموزدشان، و گرچه قبل از آن در گمراهی آشکار بودند (۲)

و نیز به دیگری که هنوز به آنان ملحق نشده اند همین مواهب را برساند، و همو پیروزمند فرزانه است (۳)

این فضل خداست که به هر کس خواهد می‌دهد، و خداوند صاحب آن فضل عظیم است (۴)

مَثَلِ آنانکه تورات بر آنان بار شد و از عمل به آن شانه خالی کردند، مانند دراز گوشی است که اسفار را حمل می‌کند.

چه بد است مَثَلِ قومی که آیات خدا را تکذیب می‌کنند.

و خداوند ظالمان را هدایت نمی‌کند (۵)

بگو ای یهودیان! اگر شما فکر میکنید که علیرغم سایر مردم از دوستان خدائید پس
تمنای مرگ کنید اگر راست میگوئید (۶)
و به سبب آنچه که انجام داده اند هرگز تمنای آن را نخواهند کرد و خداوند به کار
ظالمان داناست (۷)
بگو این مرگی که از آن فرار می کنید حتما به سراغتان می آید، آنگاه بسوی خداوند
دانای پنهان ها و آشکار ها باز میگردید، و آنگاه او به حقیقت آنچه که کرده اید
آگاهتان میکند (۸)

ای مسلمانان! هنگامی که برای نماز جمعه ندا داده میشود بسوی ذکر خدا بشتابید،
و خرید و فروش را رها کنید، این برای شما بهتر است اگر بدانید (۹)
و وقتی که نماز انجام شد، در زمین پراکنده شوید، و فضل خدا را طلب نموده و خدا را
بسیار یاد کنید، شاید رستگار شوید (۱۰)

ای پیامبر! اینان هنگامی که داد و ستدی یا سرگرمی ببینند بسوی آن رو کرده و
تو را ایستاده رها می کنند. بگو آنچه نزد خداست از سرگرمی و داد و ستد بهتر
است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است (۱۱)

سوره آل عمران

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

الم ﴿۱﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿۲﴾ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿۳﴾ مِنْ قَبْلِ هَذَا هَدَى النَّاسَ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ هُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ﴿۴﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿۵﴾ هُوَ الَّذِي يَصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۶﴾ هُوَ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۷﴾ رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿۸﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ﴿۱۰﴾ كَذَّابٌ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۱۱﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتْغَلِبُونَ وَتُخْشَرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿۱۲﴾ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتِ الثَّقَنَاتِ فَتَنَّا فِتْنَةً ثَقَاتٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهَا مِثْلَئِهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿۱۳﴾ زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثُ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَتَابِ ﴿۱۴﴾ قُلْ أُؤْتِيْكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ آمَنُوا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿۱۵﴾ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۶﴾ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالسَّحَرِ ﴿۱۷﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان

سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلاً دیده میشود.

درس: ساختن ثبوتی شخصیت مسلمانان از طریق صدور آیات احکامی و اخلاقی، و ساختن سلبی آنان از طریق ارائه الگوهای لازم الاجتناب (مانند کفار و منافقان) برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: توجه به خداوند و نعمت وحی و دقت در محتوای قرآن کریم از سبب های اعتلاء شخصیت است، و یکی دیگر از محورهای ساخته شدن شخصیت، درک ترجیح بهشت بر نعمت های فانی و توجه و استغفار است و کفار اعم از گذشتگان و معاصران از رشد شخصیتی بازماندند و در دنیا و آخرت زیانکار شدند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

الم ﴿۱﴾

۲

اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿۲﴾ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿۳﴾ مِنْ قَبْلُ هَدَى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ﴿۴﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿۵﴾ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۶﴾ هُوَ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۷﴾ رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿۸﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿۹﴾

ریز درب: ای مسلمانان! خداوندتان چنین است، در مقابلش موقعیت شایسته بگیرید.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ﴿١٠﴾
 كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ
 ﴿١١﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُخْشَرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ وَيُسَّ الْمِهَادُ ﴿١٢﴾ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ
 فِي فِتْنَتِنَا الثَّقَنَّا فِتْنَةً تُفَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ
 مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿١٣﴾
ریزدرب: ای پیامبر! موقعیت کافران را برایشان تشریح کن.

رُزِ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ وَالْخَيْلِ
 الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ ﴿١٤﴾ فُلْ أُوْثِيكُمْ
 بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكَمُ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ
 وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿١٥﴾ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا
 عَذَابَ النَّارِ ﴿١٦﴾ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالسَّحَارِ ﴿١٧﴾
ریزدرب: ای مردم! موقعیت تان مورد بازبینی قرار دهید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

بب مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف
 که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه
 محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - فرق تفسیر و تاویل چیست؟
- ۲ - برخی از شیعیان معتقدند منظور از «راسخون فی العلم» چهارده معصوم اند که

در تاویل همانند خداوند میباشند و آیه را اینطور میخوانند: «لا یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم» و برخی دیگر از شیعیان اینطور میخوانند: «لا یعلم تاویله الا الله» و ادامه میدهند: «والراسخون فی العلم یقولون . . .» کدام درست است؟ و چرا؟

۳ - برای محکمت و تشابهات چه مثالی میزنید؟

۴ - در تمام آیات ۱ تا ۹ افعالی مطرح شده، و خداوند فاعلیت آنها را به ذات مقدس خویش منسوب کرده، چرا؟

۵ - چرا راجع به تورات و انجیل که قبل از قرآن نازل شده اند، قید زمانی «بین یدیه» بکار برده که معمولاً برای آینده بکار میرود؟

۱ - با توجه به آیه های ۱۰ و ۱۱ از طرفی، و مشاهدات هر روزه از طرف دیگر، چنین می بینیم که مفهوم مخالف دو آیه مذکور در جهان معاصر غلبه دارد، چه توضیحی برای این مطلب ارائه میکنید؟

۱ - «تزیین»ی که در آیه ۱۴ ذکر شده، به نظر میرسد با توجه به آیه ۱۵، طرف مقابل تقوا است، لذا این سوال پیش می آید فاعل عمل فوق (یعنی فاعل تزیین) کیست؟ اگر بگوییم خداوند است، در آنصورت تقابل آن را با تقوا چگونه ارزیابی کنیم؟ اگر نگوئیم خداوند است، سوال جدیدی ایجاد میشود و آنهم این است که این صفت در همگان هست، یعنی جزء مشخصات همگانی است که نمیتواند فاعلی غیر از خداوند داشته باشد، برای حل این پارادوکس نما چه پیشنهادی دارید؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اینک که حدوداً سال چهارم هجری است و مسلمانان قوی و آبرومند و پیروز میدانهای نظامی و اجتماعی شده اند، توجه به قرآن، از این لحاظ که میتواند به عنوان سند مقبول و محترم هر گفتاری که با آن هماهنگ باشد مورد استفاده واقع شود، عده ای ابن الوقت را، که همیشه و در همه جا پیدا میشوند، به این فکر می انداخت که برای کسب وجهت و سروری میتوانند از این احترام قرآنی استفاده ای کنند و سخن خویش را هرطور شده به قرآن مستند نموده و از این راه به کسب منافع و وجهت بپردازند.

(در اینجا لازم است پرنانتری باز کنیم و به یک نکته تفسیری بپردازیم:

در قرآن کلماتی مانند یسئلونک و یستنبئونک و یستفتونک وجود دارد، و از لحاظ زبان عربی کافی است لا اقل سه نفر سوالی کرده باشند تا بتوان گفت یسئلونک، اما، در ادبیات قرآنی اینطور نیست و وقتی در قرآن گفته میشود یسئلونک که یک

«سوال عمومی» مطرح باشد)

با توجه به نکته تفسیری که در پرائنتز مزبور عرض کرده ایم، آیه ۷ مبین این است که در روزهای نزول این پاراگراف عده زیادی چنین رویکردی را وجهه فعالیت منافع طلبانه خویش قرار داده بودند، و تمام ملل و نحلی که از قرآن سوء استفاده کرده اند، نطفه شان در این برهه از زمان بسته شده بود.

در زمان نزول این آیات هنوز چیزی از جنگ سرنوشت ساز بدر نگذشته بود و تحلیل های مختلفی از آن میشد.

خداوند در این آیات، ۱۰ تا ۱۳، تحلیلی ارائه میکند که بر مبنای آن عده قلیلی که در راه صحیح مبارزه میکنند غالب میشوند، چنانکه در بدر شدند، و این را مایه عبرت قلمداد میکنند.

از همینجا معلوم میشود که تحلیلگران آن روزها تحلیل هایی مغایر این ارائه میدادند که البته قصد نداریم به تحلیل های ممکن آنها بپردازیم.

بیراه نیست اگر فکر کنیم که پس از جنگ بدر روحیه مسلمانها از این رو به آن رو شده و آنها که اغلب از طبقات فرودست جامعه بوده اند و سالها سرکوب شده و تحقیر دیده بودند اینک این تصور را یافته باشند که «خدا دوستمون داره، و برامون ثروت و قدرت رو پسندیده، و گرنه واسه چی باید اونطور معجزه آسا پیروزمون میکرد؟»

چنین تصویری را خداوند در این آیات دارد مهار میکند و به «تنظیم باد» (غرور) آنها می پردازد.

۵ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیه ۷ پیشگویی واضحی دارد دایر بر اینکه از این پس کسانی سعی خواهند منظورهای مورد نظر خویش را به قرآن نسبت دهند و قرآن را طوری تفسیر کنند که مدافع نظرات آنها باشد، و بیش از ۱۴۰۰ سال است که این دائما دارد روز به روز درست در می آید و بروز اینهمه فرقه با پسوند اسلامی که برخی با برخی تخالف و تضاد فاحش هم دارند نشانه آن است.

در آیه ۱۲ میفرماید: به کافران بگو بزودی مغلوب میگردید و بسوی جهنم محشور میشوید و چه جایگاه بدی است.

چنانکه واقعیات تاریخی نشان داد، وعده فوق خیلی زود تحقق یافت.

در آیات ۱۰ تا ۱۳ پیشگویی تحقق یافته ای دارد راجع به بقیه کفار و مشرکان

رسمی که چیزی نگذشت که به تحقق پیوست.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۷ که حاوی موضوع محکمت و متشابهات است، موضوع بحث های فوق العاده زیادی شده که همین سبب شده که این آیه از برجسته ترین آیات قرآن بگردد.

۷ - آیات مشکل

آیه ۷ از این لحاظ که مفسران در تفسیرش سخنان مختلف و متفاوت و بعضا متضادی گفته اند در زمره آیات مشکل قرآنی است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱ از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه ۵ از این لحاظ که مکانیزم چگونگی کارکرد علم خداوند هنوز برای بشر مشخص نشده، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه ۶ از این لحاظ که مکانیزم آفرینش داخل رحم در سده اخیر و با دستیابی بشر به میکروسکوپ های بسیار ریزبین فهمیده شده، برای مخاطب اولیه غیر قابل دسترس بوده و لذا بالاتر از ذهنیات آنان بوده است.

آیه ۱۰ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱ تا ۳ و ۵ و ۶ و ۱۰ و ۱۱، بقیه آیه های این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

اصلی-فرعی:

دو آیه ۸ و ۹ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشند پُرانتری هستند، زیرا اگر چشم خویش

را بر آنها بستیم و انتهای آیه ۷ را به ابتدای آیه ۱۰ وصل کنیم می‌بینیم روال سخن صاف و یکدست می‌شود.

آیه ۱ نیز جزء حروف مقطعه است و به کل سوره مربوط است نه فقط به این پاراگراف لذا آن را نیز پرانتزی قلمداد می‌کنیم.

محکم ، متشابه ، تفسیر ، تاویل

آیه ۷ نه تنها یکی از آیات برجسته این سوره، بلکه از آیات برجسته کل قرآن است و در طول این پانزده قرن، فکر و عقل متفکران بسیاری را به خویش جلب نموده و نظرات مختلف و متفاوت و متضادی از سوی آنان عرضه شده است. کل آیه، با توجه به درب، نوعی توضیح و توجیه و آموزش به پیامبر است که این نعمت بزرگی که به تو دادیم، چنین است که:

۱- قسمتی از آیات آن اصلی است، که محکمت است.

۲- بقیه متشابهات است.

و برخورد مردم نسبت به آنها اینطور است که:

۱- فرو روندگان در علم می‌گویند به آن ایمان آورده‌ایم زیرا که تاملش از نزد پروردگاران است.

۲- خردمندان پند می‌گیرند.

۳- اشخاصی که قلب معیوب دارند و به دنبال فتنه و تأویل هستند، برای جستجوی آنها روی آیات متشابه کار می‌کنند.

بنابراین با توجه به «درب»، این سرنخ را پیدا کردیم که خداوند دارد این نعمت بزرگ را که قرآن باشد برای پیامبر(ص) تبیین و توجیه می‌کند و در این جهت، اولاً خود قرآن را از لحاظ محتوایی تشریح و درجه‌بندی نموده و ثانیاً از لحاظ نوع برخوردی که مخاطب‌ها با آن می‌کنند، تشریح فرموده که هر گروه از مخاطب‌ها چه نوع برخوردی نسبت به آن دارند.

چنین بنظر می‌آید که موضوع به همین نرمی و روانی و راحتی فهمیده می‌شود، اگر سرنخ صحیح را داشته باشیم که البته سرنخ را هم از «درس» سوره گرفته‌ایم که چنانکه می‌دانیم آنهم از متن خود سوره بدست آمده است.

اینک این مقدار را مقدمه قرار داده و روی کلمات و عبارات آیه نیز توقف و تمرکز می‌کنیم.

محکّمات: کلمه‌ای که در مقابل این کلمه در همین آیه آمده «متشابهات» است و لذا از روی همان قرینه می‌توان فهمید که «محکّمات» برخلاف «متشابهات» طوری است که همگان از آنها معنی واحدی می‌فهمند، مثلاً در جائی که می‌فرماید «دست خدا بالای دستهایشان است» از آن می‌توان معانی مختلفی فهمید اما وقتی که می‌فرماید «هیچ چیزی مثل او نیست» همه از آن یک چیز می‌فهمند و لذا «لیس کمله شئی» (هیچ چیزی مثل او نیست) جزء محکّمات است و «یدالله فوق ایدیهم» (دست خدا بالای دستهایشان است) جزء متشابهات است.

راجع به متشابهات می‌فرماید: کسانی که عیب و ایرادی در قلب دارند، دنبال معانی می‌گردند که فتنه ایجاد کند یعنی دنبال این نیستند که ببینند این آیه (متشابه) چه می‌خواهد بگوید بلکه دنبال این هستند که چطور این آیه را می‌شود بنفع آن فتنه مورد نظر به کار گرفت.

تمام بحث‌های مربوط به «تفسیر به رأی» به همین یک نکته بر می‌گردد که شخص سوء استفاده کننده، قبلاً یک «رأی» را در نظر گرفته و می‌خواهد از قرآن برای آن رأی هر طور که شده یک تأییدی در بیاورد و «تفسیر به رأی» به این معنی نیست که شخصی قرآن را بخواند و بخواهد از آن چیزی بفهمد.

یکی از اشتباهات بسیار مهمی که در تفسیر این آیه شده همین است که کلمه «تأویل» را در طول زمان به «تفسیر» معنا کرده‌اند و معنی آیه این شده که تفسیر قرآن را کسی جز خدا نمی‌داند.

اینکه «تأویل» به چه معنی است، بهترین سخن را در این خصوص المیزان گفته که «تأویل»، یک «حقیقت بیرونی» است از این آیه یا آن کلمه یا آن عبارت. مثلاً خوابی که حضرت یوسف(ع) دید، تأویل آن، آن اتفاقی بود که در آخر سوره به آن اشاره شده است.

یعنی یک واقعۀ حقیقی بیرون از آن خواب، تأویل آن بوده است . یا وقتی که می‌گوئیم «بهشت»، تصوّراتی که راجع به آن می‌کنیم که چنین باغها و چنان چشمه‌ها و چنان میوه‌ها و چه و چه، اینها همه‌اش «تفسیر ما» است و هر چه علم ما بیشتر باشد این تفسیرها بهتر و دقیق‌تر می‌شود اما تأویل آن، همان چیزی است که پس از قیامت مؤمنان خواهند دید و در آن زندگی خواهند کرد و در این خصوص فرموده «فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قره اعین» (هیچکس نمی‌داند چه چیزهائی که روشنی چشم در آنهاست برای آنها تهیه و مخفی شده) و نیز در آیه مورد بحث چنین گفته: «کسی جز خدا تأویل آن را نمی‌داند» در آیه اخیرالاشاره نیز

چنین گفته: «هیچ کسی نمی‌داند چه چیزهائی که روشنی چشم در آنهاست ...». اگر این دو آیه را با هم مقابله کنیم، چه بدست می‌آید؟

به سهولت این بدست می‌آید که «چیزهائی که روشنی چشم در آنهاست که (خداوند) برای (آن) مؤمن (ها) تهیه و مخفی (کرده)» یکی از مصادیق تأویل است. عبارت دیگر «خود نعمت‌های بهشتی» یکی از مصادیق «تأویل» است. یعنی «تأویل» از جنس حقایق و واقعیت‌های خارجی آن کلماتی است که در آیات متشابه بکار رفته است.

قبلاً در جای خویش در تفسیر آیه «ولقد ضربنا فی هذا القرآن من کل مثل» شرحی عرض کرده‌ایم و خواهش داریم خواننده گرامی به آن نیز مراجعه‌ای بفرماید. و اگر چنین کند متوجه خواهد شد که معارف ما بر مبنای «مَثَل» هاست و نه «تأویل»‌ها.

و کسی که بخواهد به تأویل دست یابد، در حقیقت می‌خواهد به چیزی که محال است برسد (مثلاً با چشم معمولی خورشید را مورد مطالعه دقیق قرار دهد، و این محال است زیرا خورشید آن چشم را قبل از اینکه بتواند مطالعه‌ای کند کور می‌کند) و کسی که رسیدن به محال را وجهه همتش قرار دهد معلوم است که عیب عقلی دارد. لذا اینکه فرموده کسانی که در قلوبشان عیبی هست در آیات متشابه دنبال دو چیز هستند:

(۱- دنبال سوء استفاده از آیات هستند و می‌خواهند معنی موردنظر خویش را به آیه تحمیل کنند،

۲- دنبال امر محال یعنی تأویل آن هستند)، مفهوم می‌شود.

در اینصورت عیب دسته اول خبث ذات، و عیب دسته دوم سفاهت و کم عقلی است. بنابراین، اینکه بعضاً می‌گویند متن عربی را باید اینطور خواند «و لا یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم» غلط است زیرا تأویل آن را خداوند می‌داند اما کسی غیر از خداوند (از جهت عدم گنجایش بی‌نهایت در محدود) نمیداند. لذا متن عربی آیه را باید اینطور خواند: «و لا یعلم تأویله الا الله» و سپس ادامه داد «و الراسخون فی العلم یقولون ...»

آیا دوست داشتن مواهب مادی عیبی دارد؟

واضح است که خواستن مواهب مادی موتور پیشرفت و تکامل زندگی بشر است و

کوچکترین عیبی ندارد، چیزی که مورد انتقاد قرار گرفته «حَبّ» آنها است، و از لحاظ عقلانی «حَبّ» آنها نا موجه است زیرا آنها حداکثر «ابزار» انسان برای راحتی و التذاذ هستند و نقش شان در تعالی انسان، فرعی و درجه چند است، اما اینکه زنان و فرزندان را نیز همسطح اموال قرار داده، تایید این عرایض است و مفهوم «زنان»، با توجه به فرهنگ بشدت مردسالار روزهای نزول این آیات، با همین مفهومی که در این روزها دارد خیلی فرق دارد، زنان و فرزندان، در مفهومی که در آیه آمده، در آن روزها، به معنی حرمسرا و لشکریان حاضر به خدمت، به معنی اسباب قدرت و منزلت اجتماعی بکار میرفته است.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

الم (۱)

خداوند که خدائی جز او نیست زنده پاینده است (۲)

او این کتاب را به حق بر تو نازل کرد که تصدیق کننده کتابهای آسمانی پیشین است و تورات و انجیل را نیز قبلا فرستاد (۳) که برای مردم هدایت و مایه تشخیص حق از باطل بودند.

البته کسانی که به آیات خداوند کفر میورزند عذاب شدید خواهند داشت و خداوند

پیروزمند انتقامگیر است (۴)

هیچ چیزی در زمین یا آسمان بر خداوند مخفی نمی ماند (۵)

هموست که شما را در رحم ها هر طور که بخواهد چهره نگاری میکند.

خدائی جز او نیست.

همو پیروزمند فرزانه است (۶)

هموست که این کتاب را بر تو نازل کرد. قسمتی از آن، آیات محکّمات است، آنها

مادر کتاب هستند، و بقیه متشابهات هستند،

اما کسانی که در قلوبشان عیبی هست، از آن، آنچه را که تشابه دارد، برای جستجوی

فتنه و جستجوی تاویلش دنبال می کنند.

و تاویل آنرا کسی جز خداوند نمی داند.

و فرو روندگان در علم میگویند به آن ایمان آورده ایم، که تماش از نزد

پروردگارمان است.

و جز خردمندگان پند نمی گیرند (۷)

دعایشان به درگاه این است که میگویند پروردگارا پس از اینکه هدایت‌مان کردی قلوبمان را معیوب مکن و از جانب خویش رحمتی بمانده، که تو بسیار بخشنده ای (۸)

پروردگارا البته مردم را در روزی که شکی در آن نیست جمع میکنی.
که خداوند البته وعده اش را خلاف نمی کند (۹)

اموال و اولاد کافران در مقابل خداوند کاری برایشان نمیسازد و خودشان سوختِ آن آتشند (۱۰) مانند همراهان فرعون و پیشینیان آنها که آیاتمان را تکذیب کردند و خداوند آنها را به گناهانشان بگرفت و خداوند سخت کیفر است (۱۱) به کافران بگو بزودی مغلوب میگرددید و بسوی جهنم محشور میشوید و چه جایگاه بدی است (۱۲)

البته درباره آن دو لشکر که با یکدیگر برخورد کردند نشانه ای بود. یکی در راه خدا مبارزه میکرد و دیگری که کافر بود، و دو برابر به چشم می آمد آنطور شد، و خداوند هر کس را که خواهد با یاریش تأیید میکند که البته در این برای اهل بینش عبرتی است (۱۳)

دوست داشتنِ خواستنی ها برای مردم زینت داده شده. خواستنی هائی مانند زنان و فرزندان، و گنجینه هائی از طلا و نقره، و اسبان نشاندار، و چارپایان و کشتزاران. همه امثال اینها مایه برخورداری زندگی دنیاست، در حالیکه سرانجام خوب نزد خداوند است (۱۴)

ای پیامبر! بگو آیا به بهتر از آن خبرتان بدهم؟ برای اهل تقوا نزد پروردگارشان بهشت‌هائی است که در کف آنها نهرها جاری است که در آن جاودانند، و همسرانی پاک، و رضایتی از جانب خداوند دارند. و خداوند به بندگان خویش بیناست (۱۵)
همان بندگان که میگویند پروردگارا ایمان آوردیم پس گناهانمان را بیامرز و از عذاب آن آتش نگه‌مان دار (۱۶)
آنها صابران و صادقان و متواضعان و بخشنندگان و آمرزش خواهانِ سحرها هستند (۱۷)

آل عمران ۲ آیات ۱۸ تا ۳۲

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَاتِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا هُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٢٢﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّبَهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْهَمُونَ ﴿٢٤﴾ فَكَيْفَ إِذَا جُمِعْتَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ يَبْدَأُ الْخَيْرَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَتُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرَزُّقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتُوا وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُفْعَلُونَ ﴿٢٨﴾ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَرُونَ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مِمَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمِمَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهَا أَمَدًا بَعِيدًا وَيُخَذَّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٣٠﴾ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣١﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی شخصیت مسلمانان از طریق صدور آیات احکامی و اخلاقی، و ساختن سلبی آنان از طریق ارائه الگوهای لازم الاجتناب (مانند کفار و منافقان)

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: یکی از محورهای رشد شخصیتی، برون رفت از پوسته فردیت و قومیت و دسته و گروه، و توجه به حقایق اساسی، از قبیل توجه به خداوند و صفات و افعال او و علاقمند شدن نسبت به او و دوری از کافران است، و ای پیامبرا! خداوند را چنین ثناء بگو.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُكْفَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعِيَ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاءُ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠﴾

ریز درب: ای مردم! همه اختلافات عقیده را رها کنید و به تسلیم به دین حق بگرائید.

۲

إِنَّ الَّذِينَ يُكْفَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا هُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٢٢﴾

ریز درب: ای اهل کتاب! از کفر و اعمالتان دست بکشید تا رستگار شوید.

۳

أَمْ تَرَى إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّبَهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾ فَكَيفَ إِذَا جُمِعْنَا لَهُمْ لَيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٥﴾

ریزدرب: ای مردم! در قیامت خداوند به حقیقتِ اعمالتان مینگرد نه اینکه شما چه تصویری در باره خویش میداشتید.

۴

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾

ریزدرب: ای مردم! خداوند چنین است، راهی در پیش گیرید که او بپسندد.

۵

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُخَذِرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿٢٨﴾ قُلْ إِنْ تُحِبُّوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذِرُوهُ يَغْلِبْكُمْ اللَّهُ وَيَعْلَمَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ يَوْمَ نَجْذِ كُلَّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُخَذِرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٣٠﴾ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣١﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! تحت نفوذ کسانی که دین حق را نمی پذیرند قرار مگیرید و فقط از رسول خدا پیروی کنید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید توجه به خداوند و نعمت وحی و دقت در محتوای قرآن کریم از سبب های اعتلاء شخصیت است و یکی دیگر از محورهای ساخته شدن شخصیت، درک ترجیح بهشت بر نعمت های فانی و توجه و استغفار است و اینکه کفار اعم از گذشتگان و معاصران از رشد شخصیتی بازماندند و در دنیا و آخرت زیانکار شدند.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! توجه پیروانت را به این آیات و صفات و افعال الهی جلب کن و به نکوهش اهل کتاب پرداخته، که با علم و عمد در دین خدا اختلاف کردند و به آیات خدا کافر شدند و پیامبرشان و اهل عدالت را کشتند و از اینکه کتاب خدا بین آنها حکم کند سر پیچیدند. و ای پیامبر! به پیروانت توصیه کن از اهل کتاب فاصله بگیرند.

۴- سوالات

- ۱- در آیه ۱۹ کلمه اسلام به معنی لغوی آمده یا به معنی اصطلاحی؟
- ۲- در آیه ۲۰ فاعل «حاجّو» چه کسانی هستند؟ (مسیحیان؟ یهودیان؟ یا...؟)
- ۳- در آیه ۱۸، شهادت دادن خداوند و ملائکه چگونه انجام میشود؟
- ۴- «علم»ی که در آیه ۱۸ به آن اشاره شده، از چه نوع است؟
- ۵- در باره اختلاف اهل کتاب که در آیه ۱۹ ذکر شده چه سابقه ای (به ترتیب نزول) در سوره های قبلی نزدیک به این پاراگراف دارید؟
- ۶- در آیه ۲۸ چرا مومنان را از «اولیاء» گرفتن کافران نهی فرموده؟
- ۷- در همان آیه منظور از کافرین چه کسانی است؟
- ۸- در همان آیه مجوز تقیه به چه سبب نازل شده؟

۵- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اینک جنگ بدر با پیروزی غیر مترقبه مسلمانان تمام شده و در جهان عرب آن روزها طنین وسیعی درانداخته، و تسلیم بنی نظیر و بنی قینقاع و خروج آنها از مدینه نیز اتفاق افتاده، با وجود این یهودیان دست از تخریب برنمیدارند و مطالبی اظهار میکنند که بنا بر آن دینی که آنحضرت مبلغ آن است مشروعیت ندارد. مطابق آیات ۱۸ تا ۲۵ آنحضرت فقط مامور است که به آنها پاسخی دهد و مامور نیست که بیش از این به آنها بپردازد.

از «الا ان تتقوا منهم تقاه» (آیه ۲۸) معلوم میشود منظور از کافران یهودیان یثرب نبوده اند، زیرا آنها خطری نبوده اند که لازم باشد نسبت به آنها تقیه ای صورت

گیرد، بلکه این مشرکان مکه بوده اند که مسلمانانی را که هنوز هجرت نکرده بودند، و مجبور بوده اند با آنها قاطی باشند، و این ارتباطات نزدیک بعضاً منجر به رفتارهایی از قبیل شرکت در فعالیت هایی که مضر به حال مسلمانان بوده (مثلاً جاسوسی - چنانکه بعداً در آیاتی خواهیم دید - یا شرکت در جنگهایی علیه مسلمانان و . . .) میشده است.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۹ به دلیلی که قبلاً بسیار گفته شد از آیات برجسته است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۲۲ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. همچنین است آیه های ۲۵ و ۳۰. آیه های ۲۶ و ۲۷ به آیاتی از علم و قدرت الهی اشاره دارد که بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه حتی مخاطبان کنونی است و لذا از ذهنیات مخاطبان اولیه بالاتر است.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۲۱ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۹، بقیه آیه های این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

دریافت های مستقیم و کوتاه

آیه ۱۸: «علم»ی که در اینجا مطرح است نوعی خاص است که «رنگ و بو»ی الهی دارد که منجر به «قیام به قسط» میشود. به عبارت دیگر، نوعی از علم است که نظر به حقایق اصلی دینی دارد، یعنی اینکه مثلاً قیامت را چنان باور دارد که وضع حاضرش را برای یافتن درجه بهتری در آن به خطر می اندازد و . . . و چنین علمی است که با خدا و ملائکه همسو است.

آیه ۱۹: این دینی که در این آیه مطرح است همان «مغز» دین اسلام است که تسلیم در برابر خداوند باشد، نه «اسم»ی که ماها بر خویش می نهیم که یکی میشود مسلمان و یکی میشود یهودی و . . . خلاصه اینکه برای فهم این آیه، باید نگاهی هم به آیه ۶۲ سوره بقره داشته باشیم.

آیه ۲۴: من در جوانی پای یک منبر بودم که از خطیب شنیدم که می‌گفت: تو شیعه باش، زنا هم کردی ایراد زیادی ندارد زیرا شفاعت به کمکت می‌آید، اما سنی چه حج کند و چه زنا یکی است!

آیه ۲۴ همین را می‌گوید، می‌گوید که اهل کتاب در باره خویش همین اعتقاد را داشتند که هر کار بدی هم که کنند در قیامت چیزی بیش از یک جرمه مختصر ناچیزی نخواهند داشت.

ظاهراً همه متدینان، در همه ادیان، این گرفتاریِ غلو در باره خویش را دارند و خود را پسر خاله خداوند حساب می‌کنند.

چنین عقیده‌ای آنقدر دور از حق و آنقدر خطرناک است که آدمیزاد را براحتی به ارتکاب گناهانی که از آن گناهان بزرگتر قابل تصور نیست (مثلاً گناهی که در آیه ۲۱ ذکر شده) سوق می‌دهد.

متأسفانه اکثریت دینداران عالم دچار این فکر غلط هستند

امروزه مسیحیان این اعتقاد را دارند که حضرت مسیح به دنیا آمد و مصلوب شد تا بواسطه رنجی که کشید گناه همه مسیحیان را به دوش بکشد و همه مسیحیان بواسطه رنج او از همه گناهانشان پاک خواهند شد. یهودیان این اعتقاد را دارند که قوم برگزیده و عزیز دردانه خداوند هستند و حسابشان با همه انسانهای دیگر فرق دارد.

شیعیان هم که معلوم است: می‌گویند من بکی او ابکی او تباکی فله الجنه!

سنی‌ها هم به شفاعت بی حد و حصر اصحاب پیامبر معتقدند.

مشرکان هم (که چنانکه تا کنون بارها و بارها در قرآن دیده ایم) خدایان شرک را دختران خداوند تلقی می‌کنند و دل به شفاعت بی حد و حصر آنها خوش کرده‌اند. از دین‌های هندو و بودائی و شینتو و ادیان سرخ پوستی و غیره چندان اطلاعاتی ندارم، اما، قویاً حدس می‌زنم که آنها هم به چنین دلخوشکنک‌هایی دلخوش‌اند.

ترجمه تفسیری آزاد

خداوند شهادت می‌دهد که خدائی جز خودش نیست، و ملائکه و عالمانی که به عدالت قیام می‌کنند نیز همین را گواهی می‌کنند، که خدائی جز او نیست که پیروزمند فرزانه است (۱۸)

دین، نزد خدا اسلام است که عبارت از تسلیم به رهنمودهای الهی است و اهل کتاب اختلاف نورزیدند مگر پس از اینکه آن علم بسویشان آمد، و منظورشان تعدی بین خودهاشان بود، و کسی که به آیات خدا کفر ورزد، خداوند البته تند حساب است (۱۹)

پس ای پیامبر! اگر کافران و یا اهل کتاب باتو به چون و چرا برخاستند، بگو من و پیروانم روی خویش را تسلیم خداوند کرده ایم، و به اهل کتاب و مردم معمولی مکتب ندیده، بگو آیا شما هم تسلیم خدا می باشید؟ پس اگر تسلیم بودند، هدایت یافته اند، و اگر پشت کردند چیزی جز رساندن پیام بر عهده تو نیست، و البته خداوند خودش به کار بندگانش بیناست (۲۰)

کسانی که به آیات خدا کفر میورزند، و پیامبران و کسانی را که به چیزهایی پسندیده فرمان میدهند و از چیز ناپسند باز میدارند به ناحق میگویند، به عذابی دردناک مژده شان ده (۲۱)

آنها کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شده و در قیامت یاورانی ندارند (۲۲)

آیا آنان را نمی بینی که نصیبی از کتاب دارند، و بسوی کتاب خدا دعوت میشوند تا بین آنها حکم کند، با وجود این عده ای از آنان پشت می کنند و روگردانند؟ (۲۳)

این به آن خاطر است که میگویند آتش غیر از چند روز مختصری بماند نمیرسد. و در دین خویش و آنچه که خداوند گفته افترا می زنند و مغرور شده اند (۲۴)

پس چه حالی خواهند داشت وقتی که در روزی که شکی در آن نیست جمعیان کنیم، و به هر کس آنچه که کسب کرده بطور کامل داده شود، و هیچ ظلمی نشوند؟ (۲۵)

بگو خداوند! مالک فرمانروایی توئی. فرمانروایی را به هر که خواهی میدهی، و از هر که خواهی باز میستانی، و هر که را خواهی عزت میدهی، و هر که را خواهی به ذلت می اندازی، خیر بدست توست، که البته بر هر چیز توانائی (۲۶)

و شب را در روز و روز را در شب داخل میکنی، و زنده را از مرده و مرده را از زنده

بیرون می آوری، و هر که را خواهی بی حساب روزی میدهی (۲۷)

مسلمانان نباید بجای مسلمانان کافران را دوست و سرپرست خویش بگیرند، و اگر کسی چنین کند هیچ نسبتی نزد خداوند ندارد، مگر اینکه با آنان از روی تقیه رفتاری کنند که در ظاهر چنین به نظر رسد.

و خداوند شما را از غضب خویش برحذر میدارد و بازگشت بسوی اوست (۲۸)
ای پیامبر! بگو آنچه در دلهاشان است، چه پنهان و چه آشکارش کنید خداوند آنرا میداند، و همچنین همه آن چیزهایی را که در آسمانها و زمین است میداند، و خداوند به هر چیزی تواناست (۲۹)

روزی که هر کس هر کار خیر یا بدی را که کرده در نزد خویش حاضر می یابد و دوست دارد بین او و کاربردش فاصله ای دور باشد و خداوند شما را از خویش برحذر میدارد و خداوند به بندگان دلسوز است (۳۰)

بگو اگر خدا را دوست میدارید مرا پیروی کنید، تا خداوند شما را دوست داشته باشد و گناہانتان را ببامزد، و خداوند آمرزگار مهربان است (۳۱)

بگو خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر به این دعوت پشت کردند بدانند که خداوند کافران را دوست نمیدارد (۳۲)

آل عمران ٣ آيات ٣٣ تا ٦٣

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٣﴾ ذُرِّيَّتَهُ بَعْضَهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ إِذْ قَالَتْ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٣٦﴾ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾ فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٣٩﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي يَكُونُ لِيَ غِلَآمٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكِ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿٤٠﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا زَوْجًا وَذَكَرَ رَبِّكَ كَثِيرًا وَسَتَجِدُ بِالْعِشِيِّ الْإِنْبَارَ ﴿٤١﴾ وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿٤٢﴾ يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَفَلَا مَلَكُهُمْ أَنَّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٤﴾ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٥﴾ وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٤٦﴾ قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٤٧﴾ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿٤٨﴾ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُم إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ وَلَأَجَلٍ لِّكُم بَعْضُ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجَنَّتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٥١﴾ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَكْرُؤًا لِمَكَرِ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٥٤﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ اذْهَبْ فَإِنِّي مَوَدُّكَ وَوَرَأَيْتُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعَلَ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فُوقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِنِّي مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ

كَفَرُوا فَأَعَذَّ اللَّهُ لَهُمُ الْعَذَابَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٥٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمُ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٥٧﴾ ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ﴿٥٨﴾ إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنَ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٦٠﴾ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿٦١﴾ إِنَّ هَذَا هُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٦٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ساختن ثبوتی شخصیت مسلمانان از طریق صدور آیات احکامی و اخلاقی، و ساختن سلبی آنان از طریق ارائه الگوهای لازم الاجتناب (مانند کفار و منافقان)
برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: پیامبران و صالحان که از درجه بالای رشد شخصیتی برخوردار بودند آن را در اثر ایمان و تقوا کسب کردند و اگر هم در اثر ایمان و تقوای پدرانیشان به ارث برده بودند با ایمان و تقوای خویش آن را حفظ کردند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.
اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید توجه به خداوند و نعمت وحی و دقت در محتوای قرآن کریم از سبب های اعتلاء شخصیت است و یکی دیگر از محورهای ساخته شدن شخصیت، درک ترجیح بهشت بر نعمت های فانی و توجه و استغفار است و اینکه کفار اعم از گذشتگان و معاصران از رشد شخصیتی بازماندند و در دنیا و آخرت زیانکار شدند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! توجه پیروانت را به این آیات و صفات و افعال الهی جلب کن و به نکوهش اهل کتاب پرداخته، که با علم و عمد در دین خدا اختلاف کردند و به آیات خدا کافر شدند و پیامبرشان و اهل عدالت را کشتند و از اینکه کتاب خدا بین آنها حکم کند سر پیچیدند. و ای پیامبر! به پیروانت توصیه کن از اهل کتاب فاصله بگیرند.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! نگذار اهل کتاب با مغلطه گری پیروان «مکتب ندیده»ات را بفریبند و آنها را به روش دیگر درمیدانی متفاوت به چالش بکش.

۴- سوالات

۱ - با توجه به آیه ۳۳ «عالمین»ی که آدم بر آنها برگزیده شد چه کسانی می‌توانستند باشند؟

۲ - لیس الذکر کالانشی (آیه ۳۶) قول کیست؟

۳ - در آیه ۶۰ مقایسه ای در آفرینش بین حضرت عیسی و حضرت آدم انجام شده و گفته شده این مانند آن است که از خاک آفریده شده، اما ، میدانیم که «زخاک آفریده شدن عیسی» اینطور بوده که لا اقل مادر را داشته، پس اگر نتیجه بگیریم که «از خاک آفریده شدن حضرت عیسی منافی مادر داشتن نیست»، آیا نمیتوانیم نتیجه بگیریم که «از خاک آفریده شدن آدم نیز مغایرتی با مادر داشتن او ندارد»؟

۴ - در آیه ۵۵ صراحتاً دارد که خداوند خطاب به حضرت عیسی فرموده «دریافت کننده ات هستم» و این به معنی مرگ در روی این زمین است، سوال این است که «رافعک» در همان آیه را چطور توضیح میدهید؟

۵- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اینک که به تازگی جنگ بدر تمام شده و این موضوع یک شوک فکری در تمام منطقه بوجود آورده، صاحبان هر مکتب سعی میکنند ارزیابی خود را از این موضوع داشته باشند، از جمله یک هیئت مسیحی به دیدار پیامبر شتافتند و بحث های کلامی طرح کردند که خداوند موضوع مباحله را پیش کشید که این جدل در زمین

متفاوتی زود حل و فصل شود.

با کنار کشیدن هیئت مسیحی از مباحله و تسلیم آنان به شرایط آنحضرت موضوع به نحوی معجزه ای به نفع اردوگاه اسلام پایان یافت.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۵۵ پیشگوئی فرموده که مسیحیان تا روز قیامت بر یهودیان غالب خواهند بود، که میدانیم تا کنون این پیشگوئی درست درآمده است.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

کل آیات ۳۳ تا ۶۳ به دلیل بسیار پیشگفته جزء آیات برجسته قرآنی است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

کل آیات ۳۳ تا ۶۳ که پر از معجزات است تماماً بالاتر از ذهنیات بشر امروز میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

دریافت های کوتاه مستقیم

آیه ۳۶: جمله «پسر مانند دختر نیست» نقل قول مادر حضرت مریم است.

آیه ۳۷: «به هر کس که خواهد» همانطور که بارها در جاهای خویش، قبلاً عرض کرده ایم بمعنی «به هر کس که لیاقتش را داشته باشد» است.

آیه ۳۹: کلمه «آقا» بمعنی بزرگ در یک قوم، و کسی که سخن او را اطاعت می کنند و محترمش می دارند می باشد. و کلمه «تنها» در همان آیه بمعنی «ازدواج نکرده» است.

آیه ۴۱: موضوع «سه روز حرف نمی زنی» در اینجا یعنی سه روز قدرت تکلم را از دست می دهی و به این معنی نیست که به اختیار خودت با مردم حرف نخواهی زد.

آیه ۴۴: موضوع «قلم‌های خویش را می‌انداختند» نوعی قرعه‌کشی بود به این ترتیب که اسم کسانی را روی ترکه‌های چوب می‌نوشتند و مخلوط می‌کردند و یکی از آنها را بیرون می‌کشیدند. اسم هر کس که در می‌آمد، نظر او مرعی می‌شد. و این آیه بیانگر نهایت توجه و علاقه بزرگان آن روز برای تکفل مریم بود.

آیه ۴۷: شرح جمله «می‌گوید باش پس می‌شود» قبلاً در انتهای سوره یس آمده است.

آیه ۵۵: «به تمامی دریافت می‌کنم» ترجمه «متوفیک» است. بنابراین با توجه به بقیه آیه معلوم می‌شود علیرغم تصور بسیاری، خداوند جسم حضرت عیسی را «بالا» نبرد بلکه مانند هر کس دیگر، آنحضرت نیز وفات کرد و آنگاه خداوند مانند هر مؤمن دیگر روح او را بالا برد.

آیه ۵۵: جمله و «پیروانت را بر کافران تا روز قیامت برتری خواهم داد» در همان آیه، یکی از معجزاتی است که درستی آن به تاکنون نیز رسیده و هر روز که بر همین منوال بگذرد و مسیحیان بر یهودیان برتری داشته باشند، برگ دیگری بر کتاب پربرگ معجزه‌های قرآن افزوده شده است.

آیه ۶۱: «مباهله» یعنی نفرین کردن طرف مقابل که خدایا اگر او دروغ می‌گوید رحمت خویش را از او دور کن.

مباهله، مغلطه در بحث آفرینش حضرت عیسی(ع)

زمینه این آیات این است که عده‌ای از علماء مسیحی نزد پیامبر آمده و با او به بحث‌هایی که برای مسلمانان آنروزها مأنوس نبود و پر طمطراق و مغلطه‌آمیز بود می‌پرداختند و پیامبر آن وضع را دوست نداشت.

آنها به بحث‌هایی می‌پرداختند که مثلاً «عیسی پسر خداست و اگر پسر خدا نیست پس پسر چه کسی است» و پیامبر(ص) می‌فرمود عیسی مخلوق خداوند است و مخلوق با فرزند فرق دارد. و قرآن در این جهت عیسی را با آدم مثال زده زیرا همان مسیحیان آدم را بعنوان مخلوق خدا قبول داشتند و نمی‌گفتند «آدم پسر خداست زیرا اگر پسر خدا نیست پس پسر کیست؟»

از این آیه با توجه به این زمینه بیش از این نباید برداشت کرد و قرآن در اینجا در موضع بیان نحوه آفرینش انسان نیست زیرا آن بحث را قبلاً در سوره‌های کهف، اسری، طه، حجر، اعراف و بقره نموده و طوری بوده که هیچ شباهتی با آیه ۵۹ این پاراگراف ندارد.

اما طرفداران سنتی نظریهٔ پیدایش آدم و اینکه خداوند مانند مجسمه‌سازان از خمیر گل، مجسمه‌ای درست کرد و سپس در آن فوت نمود و غیره، به این آیه استناد می‌کنند در حالیکه استنادشان غلط است زیرا می‌بینیم آفرینش عیسی بصورت مجسمه و فوت شدن در آن نبوده و طی یک مکانیزم طبیعی از طریق زاییده شدن آفریده شده و اگر هم پدر نداشته قائم مقام او را (جبرئیل که بصورت بشری کامل ممثل شده چنانکه قبلاً در سوره مریم دیدیم) داشته و اگر آیه بخواهد در غیر چارچوب خویش تفسیر شود نمی‌تواند مورد استناد آنان واقع شود زیرا اگر بخواهیم همان روش را در استناد بکار گیریم می‌توانیم بگوئیم برعکس نظر شما از همین آیه معلوم می‌شود آدم نیز لاقل مادر را داشته و اگر خدا گفته آدم از خاک آفریده شده، معلوم می‌شود از خاک آفریده شدن، بمعنی زایمان طبیعی که در آن لاقل یک مادر و یک قائم مقام پدر لازم است می‌باشد.

حقیقت این است که قرآن در آیه ۵۹ مطابق چیزهایی که خود مسیحیان قبول داشتند سخن گفته و آنها این نکته را قبول داشتند که «خداوند آدم را از خاک آفریده» و به نظر آنها آدم نه پدر و نه مادر داشته، و با وجود آن به آدم عنوان «پسر خدا» را نمی‌دادند.

خداوند در آیه ۵۹ به آنان می‌گوید شما که آدم را پسر خدا نمی‌دانید چرا عیسی (ع) را پسر خدا می‌دانید که در حالی که آفرینش او (که لاقل مادر را داشته) از آفرینش آدم معلوم‌تر است.

ترجمه تفسیری آزاد

خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را برجهانیان معاصرشان برگزید (۳۳) نسل‌هایی که بعضی‌شان از بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست (۳۴) هنگامی که زن عمران گفت پروردگارا آنچه را که در شکم هست نذر تو کرده‌ام که خدمتکار خالص دین تو باشد. پس از من بپذیر که توشنوای دانائی (۳۵) و هنگامیکه وضع حملش کرد گفت پروردگارا دختر زائیده‌ام- و خداوند بهتر میدانست چه زائیده- و همچنین گفت پسر مانند دختر نیست و من او را مریم نامیده‌ام و او را و فرزندان او را از شر شیطان رانده شده در پناه تو در می‌آورم (۳۶) و پروردگارش به نیکی قبولش کرد، و او را بخوبی پرورش داد، و زکریا کفالتش را بعهده گرفت. هر بار که زکریا در محراب بر او وارد میشد نزدش روزی می‌یافت. میگفت ای مریم اینها از کجا برایت آمده؟ میگفت از نزد خداوند آمده، که خداوند به

هر کس که خواهد بی حساب روزی میدهد (۳۷) اینجا بود که زکریا پروردگارش را خواند و گفت پروردگارا از جانب خویش نسلی پاک بمن ده که تو شنونده دعائی (۳۸) پس ملائکه او را در حالی که در محراب به عبادت ایستاده بود ندا دادند که خداوند به تولد یحیی مژده ات میدهد که تصدیق کننده کلمه ای از خداوند است ، و آقا ، و تنها ، و پیغمبری از صالحان است (۳۹) گفت پروردگارا چطور ممکن است پسری داشته باشم در حالیکه به سن و سال رسیده ام و زنم هم نازا است؟ گفت چنین است . خداوند آنچه بخواهد میکند (۴۰) گفت پروردگارا برایم علامتی قرار ده . گفت علامت این است که سه روز با مردم ، جز با اشاره ، حرف نمیزنی . و پروردگارت را یاد کن و شبها و صبحها تسبیح گوی (۴۱) و ای پیامبر! یاد کن هنگامی را که ملائکه می گفتند ای مریم خداوند تو را برگزیده و تو را پاک نموده و تو را بر همه زنان معاصرت برتری داده است (۴۲) ای مریم برای پروردگارت فروتنی کن و سجده و رکوع کن و با رکوع کنندگان باش (۴۳) این از خبرهای غیبی است . و ای پیامبر! تو نزد آنها نبودی که قرعه های خویش را می انداختند که کدامشان کفیل مریم شود و نزدشان نبودی که با هم ستیزه می کردند (۴۴) هنگامیکه ملائکه گفتند ای مریم خداوند تو را به کلمه ای از خویش که اسمش مسیح عیسی پسر مریم باشد مژده میدهد که در دنیا و آخرت آبرومند ، و از مقربان خواهد بود (۴۵) چه آن هنگام که در گهواره است ، و چه هنگام بزرگسالی ، با مردم سخن میگوید و از شایستگان است (۴۶) گفت پروردگارا چگونه ممکن است فرزندی داشته باشم در حالیکه بشری بمن دست نزده؟ گفت چنین است . خداوند آنچه بخواهد می آفریند . هنگامیکه به وجود چیزی تصمیم گرفت ، جز این نیست که میگوید: باش ، پس میشود (۴۷) و او را کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد (۴۸) و رسولی بسوی بنی اسرائیل قرارش میدهد که خواهد گفت من با معجزه ای از پروردگارتان بسویتان آمده ام و اینکه از گل چیزی مانند پرند میسازم و در آن میدم و به اذن خدا پرند ای میشود ، و کور مادرزاد و پیس را شفا میدهم ، و مردگان را به اذن خدا زنده میکنم ، و به شما خبر میدهم چه میخورید و چه در خانه هاتان ذخیره می کنید . البته در این برایتان نشانه ای است اگر ایمان داشته باشید (۴۹) و آنچه از تورات را که قبل از من بوده تصدیق میکنم ، و بعضی چیزها را که بر شما حرام شده بود حلال می کنم ، و با معجزه ای از جانب پروردگارتان بسویتان آمده ام . پس از خداوند پروا کرده و اطاعتم کنید (۵۰) زیرا که خداوند پروردگار من و شماست . و عبادتش کنید که راه راست همین است (۵۱) پس چون عیسی از آنها احساس کفر

کرد گفت چه کسانی در راه خدا یاران منند؟ حواریون گفتند ما یاران راه خدائیم . به خدا ایمان آوردیم و تو نیز شهادت ده که ما مسلم میباشیم (۵۲) پروردگارا به آنچه فرو فرستادی ایمان آوردیم و از رسول پیروی کردیم پس ما را همراه گواهان منظور فرما (۵۳) و مخالفان عیسی نیرنگ زدند و خداوند نیز نیرنگ زد و خداوند بهترین نیرنگ زن است (۵۴) هنگامیکه خداوند گفت ای عیسی تو را به تمامی دریافت خواهم کرد ، و نیز بالابرنده ات بسوی خویش ، و پاک کننده ات از کافران هستم ، و پیروانت را برکافران تا روز قیامت برتری خواهم داد ، آنگاه بازگشت شما بسوی من است ، و بین شما درباره آنچه اختلاف میکردید حکم خواهم کرد (۵۵) ولی کافران را به عذابی شدید در دنیا و آخرت عذاب خواهم نمود و یارانی نخواهند داشت (۵۶) و مومنانی که عمل شایسته کنند پاداششان بطور کامل به آنان داده خواهد شد و خداوند ظالمان را دوست ندارد (۵۷) ای پیامبر! این چیز است که از آیات و پندهای محکم بر تو میخوانیم (۵۸) البته مَثَل عیسی نزد خداوند مانند مثل آدم است که از خاک آفریدش سپس به او گفت: باش پس شد (۵۹) حق از جانب پروردگار توست ، پس مبدا از دو دِلان باشی (۶۰) پس هر کس که درباره او پس از اینکه آن علم بسویت آمد ، با تو ، به چون و چرا می پردازد ، بگو بیائید پسرانمان و پسرانتان ، و زنانمان و زنانتان ، و خودهامان و خودهاتان را فرا بخوانیم ، سپس مباحله کنیم ، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم (۶۱) این البته از قصه های حق است و جز خدا هیچ خدائی نیست و البته خداوند پیروزمند فرزانه است (۶۲) و اگر روی گرداندند خداوند به حال مفسدان داناتر است (۶۳)

آل عمران ۴ آیات ۶۴ تا ۷۸

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا
يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾ يَا أَهْلَ
الْكِتَابِ لِمَ تَحْجُجُونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنْزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٥﴾
هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا
تَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ
الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾ إِنَّ أَوَّلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾ وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا
يَشْعُرُونَ ﴿٦٩﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧٠﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ
لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧١﴾ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
آمَنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَآكُفُّوا أَعْرَاجَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَا تَتُومِنُوا
إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ أَنْ يُؤْتَى أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ
قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو
الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ وَمَنْ أَهْلُ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُودِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ
بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ
وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ بَلَى مِنْ أَوْفَى بَعْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
الْمُتَّقِينَ ﴿٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا
يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٧﴾ وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا
يَلُؤُنَ الْأَسِنَّاتِھُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا
هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی شخصیت مسلمانان از طریق صدور آیات احکامی و اخلاقی و ساختن سلبی آنان از طریق ارائه الگوهای لازم الاجتناب (مانند کفار و منافقان) برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای اهل کتاب! بجای فرقه‌گرایی بیائید حول اصول مشترکمان جمع شوید و ای مسلمانان! برخی از رفتارهای اهل کتاب چنین است، شما مواظب رفتار خودتان باشید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحْجُونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٥﴾ هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾ إِنَّ أَوَّلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾

ریز‌درب: ای پیامبر! اهل کتاب را در باره مشترکات تان دعوت به همکاری کن

۲

وَذَتْ طَائِفَةً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَصِلُونَكُمْ وَمَا يَصِلُونَ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ وَمَا يَسْعُرُونَ ﴿٦٩﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٧٠﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبَسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧١﴾ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَآكُفُّوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَا تَتُومِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبَعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنِ الْهُدَى هَدَى اللَّهُ أَن يُؤْتَى أَخَذَ مَثَلًا مَا أَوْثَقْتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنِ الْفَضْلُ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَن إِنْ تَأْمَنَهُ بَقِطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَن إِنْ تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيَنَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكِبَرُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ بَلَى مَن أَوْفَى بَعْدِهِ وَأَتَقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٧﴾ وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ

مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! اهل کتاب چنین اند، نسبت به آنها محتاط باشید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید توجه به خداوند و نعمت وحی و دقت در محتوای قرآن کریم از سبب های اعتلاء شخصیت است و یکی دیگر از محورهای ساخته شدن شخصیت، درک ترجیح بهشت بر نعمت های فانی و توجه و استغفار است و اینکه کفار اعم از گذشتگان و معاصران از رشد شخصیتی بازماندند و در دنیا و آخرت زیانکار شدند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! توجه پیروانت را به این آیات و صفات و افعال الهی جلب کن و به نکوهش اهل کتاب پرداخته، که با علم و عمد در دین خدا اختلاف کردند و به آیات خدا کافر شدند و پیامبرشان و اهل عدالت را کشتند و از اینکه کتاب خدا بین آنها حکم کند سر پیچیدند. و ای پیامبر! به پیروانت توصیه کن از اهل کتاب فاصله بگیرند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! نگذار اهل کتاب با مغلطه گری پیروان «مکتب ندیده» ات را بفربیند و آنها را به روش دیگر درمیدانی متفاوت به چالش بکش.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر اهل کتاب را دعوت به گفتگو حول مشترکات اعتقادی کن و ای مسلمانان! اهل کتاب چنین اخلاق و رفتار زشتی دارند (والبتّه بعضی از آنها خوب هم هستند اما در اقلیت می باشند) لذا شما نسبت به آنها نه تنها محتاط باشید بلکه بهتر است آنها را به چشم دشمن نگریسته و فعلاً از آنها دوری کنید.

۴- سوالات

۱- چرا بجای «إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ» (آیه ۷۳) فرموده «ان هدی الله هو الهدی»؟

- ۲- در آیه ۷۲ دو کلمه «آمنوا» می بینید فرق آنها را بیان کنید.
- ۳- در این پاراگراف یک جمله بلندپرانتزی هست، با دلیل آن را نشان دهید.
- ۴- منظور اهل کتاب از «امیین» چه بوده؟

۵ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۷۷ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۶۹ تا ۷۱ و ۷۶ و ۷۷، بقیه آیه های این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

دریافت های مستقیم و کوتاه

آیه ۶۵: موضوع «دلیل آوری» مطرح شده در آیه، همان چیز است که در آیه ۶۷ به آن اشاره شده که هر یک از یهودیان و مسیحیان ابراهیم را به خویش مربوط می-کردند و در این باره به اصطلاح خود دلایلی ارائه می کردند.

آیات ۶۹-۷۴: بیشتر اشاره به یهودیان دارد و قبلاً هم در سوره بقره دیده ایم و همچنین است آیه های ۷۷-۷۸. و نیز موضوع آیه ۷۳ را قبلاً در سوره بقره دیدیم و به این معنی است که یهودیان بین خودشان چنین می گفتند که مطالب دینی مسلمانان را تصدیق نکنید زیرا از یکطرف حسد می ورزیدند که چرا به دیگران (یعنی غیریهودیان) چیزی داده که همیشه مایه افتخار یهودیان بر دیگران بوده و با این ترتیب یهودیان مایه افتخار انحصاری خود را از دست می دادند و دیگر اینکه بین خودشان می گفتند مطالب این مسلمانان را تصدیق نکنید زیرا در آنها مطالبی است که مسلمانان با استفاده از آنها می توانند علیه یهودیان نزد پروردگار به دلیل آوری بپردازند.

آیه ۷۴: «فضل و رحمت» مطرح شده در آیه به وحی معنی می شود.

خودتان انجام دهید

- ۱ - در ۶۰ سال اخیر، کتاب های مختلفی منتشر شده، که مطلب آنها این بوده که اگر این ۲۰۰ کلمه را بلد باشید ۸۰٪ مطالب قرآن را می فهمید، فرض میکنیم شما از آنها هستید که آن ۲۰۰ کلمه را بلدید،
- ۲ - درس و درب را هم که من استخراج کرده ام و به نام «خود آموز قرآن» در سایت هست، «ریز درب» ها را هم خودتان میتوانید استخراج کنید،
- ۳ - اگر بلدید موضوعات فرعی و پرانتزی را از موضوعات اصلی تشخیص بدهید، که فیهما، و اگر هم نمیتوانید عیبی ندارد، و فقط ریزدرب های شما بیشتر میشود،
- ۴ - با استفاده از اینها، خودتان میتوانید راسا متن قرآنی را بفهمید.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! بگو ای اهل کتاب بیائید بسوی کلمه ای که بین ما و شما مورد توافق است همراه شویم، که جز خداوند را نپرستیم و با او هیچ شریک نگیریم و بعضی از ما بعضی دیگر را بجای خداوند به پروردگاری نگیرد. پس اگر پشت کردند به آنان بگوئید گواه باشید که ما مُسلم میباشیم (۶۴)

ای اهل کتاب چرا درباره ابراهیم چون و چرا می کنید؟ در حالیکه تورات و انجیل پس از او نازل شده، آیا نمی اندیشید؟ (۶۵)

شما که به چون و چرا درباره آنچه علمش را دارید پرداخته اید چرا به چون و چرا درباره چیزی می پردازید که علمش را ندارید؟

خداوند میداند و شما نمیدانید (۶۶)

ابراهیم نه یهودی و نه مسیحی بود، ولیکن معتدل و تسلیم خداوند بود، و از مشرکان هم نبود (۶۷)

سزاوارترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که پیرویش کرده اند و این پیامبر و مومنان چنانند، و خداوند دوست و سرپرست مومنان است (۶۸)

طائفه ای از اهل کتاب دوست دارند کاش گمراهتان میکردند، و گمراه نمی کنند مگر خودشان را و متوجه نیستند (۶۹)

ای اهل کتاب چرا به آیات خدا کفر میورزید در حالیکه خودتان میدانید؟ (۷۰)

ای اهل کتاب چرا باطل را لباس حق می پوشانید و حق را کتمان می کنید در

حالی که میدانید؟ (۷۱)

و عده ای از اهل کتاب به خودهاشان میگویند اول روز به آنچه که بر مسلمانان نازل شده اظهار ایمان کنید، و آخر روز اعلام کفر کنید، شاید عده ای از آنان از دین خویش برگردند (۷۲)

و همچنین میگویند به کسی اظهار ایمان نکنید مگر اینکه از دین شما پیروی کند. بگو هدایت واقعی هدایت خدائی است. آنها همچنین به خودهاشان میگویند مبدا کسی بیندارد که مانند آنچه از دین که به شما داده شده به دیگران هم ممکن است داده شود و مبدا مسلمانان بتوانند نزد پروردگارتان با شما چون و چرا کنند. بگو فضل بدست خداست. به هر کس خواهد میدهد، و او وسعت بخش داناست (۷۳)

هر کس را که بخواهد به رحمتش اختصاص میدهد و خداوند صاحب آن فضل بزرگ است (۷۴)

و از اهل کتاب کسانی هستند که اگر مال زیادی نزدش امانت بگذاری به تو پس میدهند و از آنان کسانی هم هستند که اگر دیناری نزد آنها به امانت بگذاری به تو پس نمیدهند، مگر اینکه بالای سر آن بمانی. این به آن علت است که میگویند ما درباره مردم معمولی مورد سرزنش قرار نمیگیریم، و بر خدا دروغ می بندند در حالی که میدانند (۷۵)

بله. هر کس که به عهدش وفا کند و تقوا پیشه نماید البته خداوند تقوا پیشگان را دوست میدارد (۷۶)

آنها که عهد خدا و قسم هایشان را به قیمتی اندک می فروشند، در آخرت نصیبی ندارند، و خداوند با آنها سخن نمی گوید، و در روز قیامت به آنان نظر رحمت نمی کند، و رشدشان هم نمیدهد، و عذابی دردناک خواهند داشت (۷۷)

و از آنان کسانی هم هستند که زبانهایشان را طوری تکان میدهند که فکر کنی از کتاب خدا است، در حالیکه از کتاب نیست، و میگویند این از جانب خداست، در حالیکه از جانب خدا نیست، و بر خدا دروغ می بندند در حالیکه میدانند (۷۸)

آل عمران ۵ آیات ۷۹ تا ۹۹

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨٠﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَآخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾ فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾ أَفَغَيَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾ قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾ كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٨٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ نَقْبَلَ تَوْبَتَهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الصَّالُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلَّةُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ عَذَابُ أَلِيمٌ وَمَا هُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٩١﴾ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا بِمَا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٢﴾ كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنْزَلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٣﴾ فَمَنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩٤﴾ قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٥﴾ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩٦﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ حَيْثُ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٩٧﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٨﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبَّغَوْهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَاللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی شخصیت مسلمانان از طریق صدور آیات احکامی و اخلاقی و ساختن سلبی آنان از طریق ارائه الگوهای لازم اجتناب (مانند کفار و منافقان) برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: یکی از عناصر مهم رشد شخصیت انفاق است بخصوص از چیزهایی که شخص بسیار دوستش دارد، و حج و اعمال عبادتی مرتبط با آن یکی از عناصر سازندگی برای مسلمانان است، و با آیات الهی باید صادقانه برخورد کرد نه گزینشی، و اهل کتاب در اعتقاداتشان مشکل عدم حقانیت دارند، و نكوهش رفتارهای دشمنانه اهل کتاب نسبت به مسلمین.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

مَا كَانَ لِيَشِرَ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨٠﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضُكُمْ وَأُخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾ فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾ أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾ قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾

ریزدرپ: ای مسلمانان! با ضوابط پیام پیامبران آشنا شوید تا بتوانید صحیح را از دروغین بازشناسی کنید.

۲

كَفَى يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرُّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾ أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٨٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ يُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَى بِهِ أُولَئِكَ هُمُ عَذَابُ أَلِيمٍ وَمَا هُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٩١﴾

ریزدرب: ای مردم! برای پیوستن به دین حق مبادا آنقدر تاخیر کنید که ...

۳

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٢﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! علاوه بر احکام، به اخلاق نیز توجه جدی داشته باشید

۴

كُلِّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ فَلَنْ تَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٣﴾ فَمَنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩٤﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! راجع به حلال و حرام در خوراکی ها، به سخن یهود اهمیت ندهید

۵

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٥﴾ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩٦﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٩٧﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! راجع به حج جدی و ساعی باشید

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٨﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبِعُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! به اهل کتاب، از این لحاظ که از راه صحیح منحرف شده اند، چندان بها ندهید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

تَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید توجه به خداوند و نعمت وحی و دقت در محتوای قرآن کریم از سبب های اعتلاء شخصیت است و یکی دیگر از محورهای ساخته شدن شخصیت، درک ترجیح بهشت بر نعمت های فانی و توجه و استغفار است و اینکه کفار اعم از گذشتگان و معاصران از رشد شخصیتی بازماندند و در دنیا و آخرت زیانکار شدند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! توجه پیروان را به این آیات و صفات و افعال الهی جلب کن و به نكوهش اهل کتاب پرداخته، که با علم و عمد در دین خدا اختلاف کردند و به آیات خدا کافر شدند و پیامبرشان و اهل عدالت را کشتند و از اینکه کتاب خدا بین آنها حکم کند سر پیچیدند. و ای پیامبر! به پیروان توصیه کن از اهل کتاب فاصله بگیرند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! نگذار اهل کتاب با مغلطه گری پیروان «مکتب ندیده»ات را بفربیند و آنها را به روش دیگر درمیدانی متفاوت به چالش بکش.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر اهل کتاب را دعوت به گفتگو حول مشترکات اعتقادی کن و ای مسلمانان! اهل کتاب چنین اخلاق و رفتار زشتی دارند (والبتة بعضی از آنها خوب هم هستند اما در اقلیت می باشند) لذا شما نسبت به آنها نه تنها محتاط باشید بلکه

بہتر است آنها را به چشم دشمن نگریسته و فعلاً از آنها دوری کنید.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! اهل کتاب از لحاظ «حقانیت» مشکل های جدی دارند، سعی کن مسلمانان را به شدت از آنها دور نگه داری، و پیروانت را به اهمیت حج آگاه کن و توانمندی های آنان را به بجا آوری آن تحریض کن، و با رفتارهای کافران و خصمانه اهل کتاب بطور آشکار برخورد کن، و ای مردم! تا از آن چیزهائی را که دوست می دارید در راه خدا نبخشید به رشد و ارتقاء شخصیتی که سزاوارش هستید نمی رسید، و نکوهش اهل کتاب که حکم تورات را بر مبنای خواسته دل تغییر دادند.

۴ - سوالات

- ۱ - منظور آیه ۸۶ چه کسانی است؟ (مشرکان؟ یهودیان؟ یا ...؟)
- ۲ - از دو آیه ۷۹ و ۸۰ چه تلقیی از آنچه روحانیان یهودی و مسیحی از دین داشتند فهمیده میشود؟
- ۳ - از کدام بخش از آیه ۷۹ مربوط به انبیاء و کدام بخش مربوط به روحانیان یهودی و مسیحی است؟
- ۴ - مفهوم «دین الله» (آیه ۸۳) با توجه به آیات ۷۹ تا ۹۱ چیست؟
- ۵ - «بیت وضع للناس» (آیه ۹۶) یعنی چه؟
- ۶ - امنیتی که در آیه ۹۷ ذکر شده از چه نوع است؟ (تشریعی؟ تکوینی؟ یا ...)
- ۷ - کفری که در آیه ۹۷ به آن اشاره شده، را، توضیح دهید.
- ۸ - منظور از اهل الکتاب در دو آیه ۹۸ و ۹۹ چه کسانی است؟
- ۹ - منظور از راه خدا در آیه ۹۹ چیست؟
- ۱۰ - چگونه سعی میکردند راه خدا را کج و معوج جلوه دهند؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۸۶ فهمیده میشود عده ای پس از ایمان آوری به آنحضرت به دین سابق خویش بر میگشتند، این عده به صراحت آیاتی از همین سوره (مثلاً آیه ۷۲ و آیات زیاد دیگری از همین سوره و سوره بقره) یا از اهل کتاب بودند و یا مسلمانانی بوده اند که تحت تاثیر القائات و مزاحمت های آنها قرار میگرفتند.

چرا اهل کتاب چنین میکردند؟

از دو آیه ۷۹ و ۸۰ فهمیده میشود تلقیی که روحانیان دو دین یهودیت و مسیحیت از دین داشتند با تلقی خدا و پیامبر ما متفاوت بود و تلقی آنها از دین، دکان و شکارگاه و امثال آن بود.

از آیه های ۹۳ تا ۹۵ فهمیده میشود یهودیان در داخل خویش بگو مگوئی داشتند که چرا فلان خوراک برای ما حرام است ولی مسلمانان آن را حلال میدانند و طبعاً باید از طرف خاخام هایشان این پاسخ را شنیده باشند که این دینی که محمد تبلیغ میکند یک دین دروغین و من درآری است و از این نوع پاسخ ها.

از آیه ۹۳ فهمیده میشود با وجود تحریفی که مقارن نزول سوره انعام صورت گرفته، (ودر همان سوره به آن اشاره کرده ایم) آن نسخهء تحریف نشده کاملاً معدوم نشده و هنوز در دسترس بود.

با توجه به درس و درب، منظور از بپا کردن کعبه، رشد و تعالی انسانها بوده، و اینکه عده ای از متمکنین مردم در جائی جمع شوند، خودش، یک اتفاق خوب است که سبب تاثیر پذیری متقابل و یا اصلاح یک موضوع ناپسند میشود، که با توجه به آیه های ۹۶ و ۹۷ صریحاً به عنوان یک حکم دینی تشریع شده، و گرچه در سوره بقره هم ذکری از حج شده، اما با نزول آیه های مذکور به وجوب آن تصریح گردیده است. از آیه های ۹۸ و ۹۹ معلوم میشود یهودیان در جلوگیری از ایمان آوردن مردم، و یا لاقلاً در ارائه تفسیر مخدوش از اسلام خیلی فعال بودند.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۹۷ پیشگوئی به تحقق پیوسته ای دارد که بزودی مسلمانان مهاجر خواهند توانست به حج مشرف شوند.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۸۵ به دلایل بسیار مکرر پیشگفته از آیات برجسته قرآنی است. نیز آیه ۹۲. و همچنین آیه های ۹۶ و ۹۷.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۸۱ از آنجا که موضوعش در فضائی غیر قابل دسترسی برای بشر وقوع یافته قابل درک هیچ بنی بشری (غیر از انبیاء (ع) نمیباشد و به طریق اولی مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه ۸۳ از آنجا که از تسلیم آنچه در آسمانها و زمین است سخن میگوید، چون مکانیزم مطلب فعلا برای بشر روشن نشده، برای ما و طبعاً برای مخاطبان اولیه قابل درک نیست.

آیه ۸۵ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. همچنین است آیه های ۸۷ و ۸۸ و ۹۱.

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه های ۸۱ و ۸۲ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشند پُرانتری هستند.

موضوع آیه ۶۲ سوره بقره مربوط به مردم عادی است

چنین بنظر می آید که مطلب آیه ۸۵ مغایر آیه ای باشد که در سوره بقره (آیه ۶۲) دیده ایم که ترجمه آن این است «البته مسلمانان و یهودیان و مسیحیان و ستاره-پرستان، هر کس که به خدا و روز آخرت ایمان آورده و عمل شایسته کند پاداششان نزد پروردگارشان است و نه نگرانی داشته و نه اندوهگین باشند».

باید توجه داشت که در آنجا موضوع به مردم عادی و در اینجا موضوع به علماء مربوط است. زیرا همانطور که در ضمن مطالب آیات این پاراگراف دیده اید موضوع «دلیل آوری» بشدت مطرح است و در پاراگراف قبل نیز موضوع «مباهله» را دیدیم و واضح است که دلیل آوری به علماء مربوط می شود. و آیه می گوید برای علماء که در موضعی هستند که می توانند به حقایق دسترسی داشته باشند پس از روشن شدن حقیقت، نپذیرفتن اسلام جایز نیست.

«بر» و رشد شخصیتی

آیه ۹۲: با توجه به «درس»، «بر» باید همان رشد شخصیتی باشد که دین می‌خواهد متوسط مردم به آن رسیده باشند و چنین بنظر می‌آید که صرفاً با احکام حاصل نمی‌شود بلکه با اخلاق بدست می‌آید زیرا انفاق موردنظر یک امر مستحبی است.

ترجمه تفسیری آزاد

به هیچکس نرسد که خداوند به او کتاب و حکم و نبوت بدهد آنگاه او به مردم بگوید بجای خدا مرا عبادت کنید، ولیکن چنین کسی میگوید شما که کتاب را آموزش داده و درسش را میخوانید گراشتان مخصوص به پروردگار باشد (۷۹) و چنین کسی به شما نمی‌گوید که ملائکه و پیغمبران را پروردگاران خویش بگیرید. آیا شما را پس از اینکه تسلیم خدا شده باشید به کفر امر میکنند؟ (۸۰) و هنگامیکه خداوند از پیامبران پیمان گرفت که وقتی که چیزی از کتاب و حکمت به شما دادم، سپس رسولی بسویتان آمد که تصدیق کننده آن چیزی است که نزد شماست، حتماً باید به او ایمان آورده و یاریش کنید، و از آنها پرسید آیا به این موضوع اقرار دارید و در این مورد تعهد میدهید؟ گفتند اقرار داریم، گفت گواه باشید که من نیز با شما از گواهانم (۸۱) پس هر کس که پس از آن به این پیمان پشت کند از فاسقان است (۸۲)

ای پیامبر! آیا مخالفت غیر از دین خدا چیزی میخواهند؟ در حالیکه هر کس که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه تسلیم او هستند و بسوی او باز میگردند (۸۳) بگو به خدا ایمان آوردیم، و نیز به آنچه بر ما نازل شده، و نیز آنچه بر ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده، و هیچیک از آنان را از دیگران جدا نمی‌کنیم و تسلیم خداوند هستیم (۸۴) و هر کس که بخواهد غیر از اسلام دینی بپذیرد هرگز از او پذیرفته نخواهد شد، و همو در آخرت از زیانکاران است (۸۵)

چگونه خداوند قومی را هدایت خواهد کرد در حالیکه پس از ایمانشان کفر ورزیدند، در حالی که شاهد بودند که آن رسول حق است، و آن دلایل روشن بسویشان آمده

بود؟ و خداوند ظالمان را هدایت نخواهد نمود (۸۶)

سزای آنها این است که خداوند و ملائکه و همگی مردم لعنتشان کنند (۸۷) که در آن جاودان باشند و آن عذاب تخفیفی برایشان نداشته باشد و مهلتی نیابند (۸۸)

مگر کسانی که پس از آن توبه نموده و روش شان را اصلاح کنند که البته خداوند آمرزگار مهربان است (۸۹)

البته کسانی که پس از ایمانشان کافر شدند، سپس کفرشان زیاد شد، توبه شان قبول نمیشود و آنها جزء ظالمانند (۹۰) و البته آنانکه کفر ورزیدند و در کفرمردند، هرگز از هیچیک آنها عوض قبول نمیشود، حتی اگر به اندازه زمین طلا دهند. آنها عذابی دردناک خواهند داشت و یاورانی ندارند (۹۱)

ای مردم! هرگز به نیکی نمی رسید مگر اینکه از آنچه که دوست میدارید انفاق کنید، و هر چه انفاق کنید خداوند به آن داناست (۹۲)

همه غذاها بر بنی اسرائیل حلال بود، مگر آنچه را که یعقوب قبل از آنکه تورات نازل شود بر خویش حرام کرده بود. بگو پس تورات را بیاورید و تلاوتش کنید اگر راست میگوئید (۹۳) پس اگر کسی پس از آن به خداوند دروغ ببندد از ظالمان است (۹۴)

بگو خدا راست گفت، دین ابراهیم را پیروی کنید که معتدل بود و از مشرکان نیز نبود (۹۵)

اولین خانه ای که برای مردم قرار داده شده، همان است که در مکه واقع است که پر برکت میباشد، و برای همه جهانیان موجب هدایتی است (۹۶) در آن نشانه های روشن است. و نیز مقام ابراهیم و هر کس که داخل آن شود در امان است و برای خداوند برعهده مردم این است که قصد آن خانه کنند، اگر استطاعت رفتن بسوی آن را داشته باشند. و هر کس که کفر ورزد خداوند البته از تمام جهانیان بی نیاز است (۹۷)

بگو ای اهل کتاب چرا به آیات خدا کفر میورزید در حالیکه خداوند به آنچه میکنید گواه است؟ (۹۸) بگو ای اهل کتاب چرا مردم را از راه خدا و اینکه کسی به آن ایمان بیاورد باز میدارید در حالیکه خودتان هم گواه حقانیت آن هستید؟ و البته خداوند از

آنچه میکنید غافل نیست (۹۹)

آل عمران ۶ آیات ۱۰۰ تا ۱۰۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا قَرِيبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ﴿١٠٠﴾ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَن يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿١٠١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ فُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾ وَلَنْ تَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ هُم عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٠٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٧﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٨﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿١٠٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی شخصیت مسلمانان از طریق صدور آیات احکامی و اخلاقی، و ساختن سلبی آنان از طریق ارائه الگوهای لازم الاجتناب (مانند کفار و منافقان)
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای مسلمانان! چسبیدن به معارف حق، و وحدت، و امر بمعروف و نهی از منکر، از عناصر اصلی ساخته شدن شخصیت شما است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ﴿١٠٠﴾ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَن يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿١٠١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُم آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! این دین شما سبب قوت و عزت شماست

۲

وَلَتَكُن مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! برای بهبود امور، داوطلب شوید، و گروه پیشتار درست کنید

۳

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٠٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٧﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! اختلاف و تفرقه، علاوه بر ذلت دنیوی، عذاب اخروی هم دارد

۴

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٨﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿١٠٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! عمل کردنِ قومت به این اصول به نفع خودشان است

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید توجه به خداوند و نعمت وحی و دقت در محتوای قرآن کریم از سبب های اعتلاء شخصیت است و یکی دیگر از محورهای ساخته شدن شخصیت، درک ترجیح بهشت بر نعمت های فانی و توجه و استغفار است و اینکه کفار اعم از گذشتگان و معاصران از رشد شخصیتی بازماندند و در دنیا و آخرت زیانکار شدند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! توجه پیروانت را به این آیات و صفات و افعال الهی جلب کن و به نکوهش اهل کتاب پرداخته، که با علم و عمد در دین خدا اختلاف کردند و به آیات خدا کافر شدند و پیامبرشان و اهل عدالت را کشتند و از اینکه کتاب خدا بین آنها حکم کند سر پیچیدند. و ای پیامبر! به پیروانت توصیه کن از اهل کتاب فاصله بگیرند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! نگذار اهل کتاب با مغلطه گری پیروان «مکتب ندیده»ات را بفریبند و آنها را به روش دیگر درمیدانی متفاوت به چالش بکش.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر اهل کتاب را دعوت به گفتگو حول مشترکات اعتقادی کن و ای مسلمانان! اهل کتاب چنین اخلاق و رفتار زشتی دارند (والبته بعضی از آنها خوب هم هستند اما در اقلیت می باشند) لذا شما نسبت به آنها نه تنها محتاط باشید بلکه بهتر است آنها را به چشم دشمن نگریسته و فعلاً از آنها دوری کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیامبر! اهل کتاب از لحاظ «حقانیت» مشکل های جدی دارند، سعی کن مسلمانان را به شدت از آنها دور نگهداری، و پیروانت را به اهمیت حج آگاه کن و توانمندیهای آنان را به بجا آوری آن تحریض کن، و با رفتارهای کافران و خصمانه اهل کتاب بطور آشکار برخورد کن، و ای مردم! تا از آن چیزهایی را که دوست می دارید در راه خدا نبخشید به رشد و ارتقاء شخصیتی که سزاوارش هستید نمی رسید، و نکوهش اهل کتاب که حکم تورات را بر مبنای خواسته دل تغییر دادند.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! از کفار اهل کتاب اطاعت نکنید و تقوای حقیقی پیشه کنید و اهل دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر باشید و به

ریسمان خداوند چنگ بزنی و مبادا از راه حق متفرق شده و اختلاف پیشه کنید.

۴ - سوالات

۱ - از کلمه «فریقا» (آیه ۱۰۰) چه استنباطی دارید؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اینک مسلمانان از آزار و اذیت و توطئه‌های تمام نشدنی مشرکان مکه آزاد شده و همراه راهنمای دوست‌داشتنی خویش در سرزمینی جدید در آغوش برادرانی که به عقیده آنها هستند و در کار زندگی یاریشان می‌کنند، روزگاری پرنشاط و پرامید می‌گذرانند و در یک جنگ نابرابر نیز پیروز شده‌اند و پر از امید و شادی هستند.

در بین آنها منافقانی هم هستند که در اندیشه بستن بار خود و استفاده از فرصت‌ها و سواری بر امواج مطلوب می‌باشند و نه به اصل عقیده کار دارند و نه به مهاجر و انصار. آنها فقط در این فکرند که از این شرایط جدید چگونه می‌توانند حداکثر استفاده را به نفع خویش بکنند. اما مسلمانان که توده عظیمی هستند، عظمتی تشکیل داده‌اند که هم در چشم منافقان ترسان‌کند و هم در چشم همسایگان یهودی خویش که درباره آنها چنین فکر نمی‌کردند.

یهودیان خود را «قوم برتر» و «قوم برگزیده» تصور می‌کردند و انتظار ظهور پیغمبری را هم داشتند اما تصور آنها این بود که آن پیغمبر و پیروانش همگی تابع آنها باشند نه اینکه جامعه‌ای تشکیل دهند مستقل و خود اتکا و متوجه به یک جهت خاص که با جهت آنها همجهت نیست و بدتر از همه هم آنکه جهت آنها از جهت خودشان (یهودیان) بهتر است و این درد را چه کنند.

لذا یهودیان این استراتژی را در پیش می‌گرفتند که ظاهراً با مسلمانان اظهار همراهی کنند اما واقعاً اگر بشود، تیشه را به ریشه آنها بزنند و اگر شد بکلی نابودشان کنند.

علاوه بر اینها یهودیان هم فعالند و مطابق آنچه از آیه ۱۰۰ فهمیده می‌شود عده‌ای از یهودیان دنبال تک‌تک بعضی از مسلمانان که تصور می‌کردند ظرفیت اغوا دارند راه می‌افتادند که آنها را به وسایل مختلف از اسلام خارج کنند.

در این اوضاع و احوال است که توصیه فرموده «انجمن‌های نخبگان» تشکیل دهید و بطور سازمان یافته به چیزهای خوب وادارید و از چیزهای بد جلوگیری کنید.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه های ۱۰۲ تا ۱۰۴ به دلایل مکرر پیشگفته از آیات برجسته قرآنی است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

چسبیدن به معارف حق، و وحدت، امر بمعروف و نهی از منکر، از عناصر اصلی ساخته شدن شخصیت بشر است.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۰۸ و ۱۰۹، بقیه آیه های این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

دریافتهای کوتاه مستقیم

آیه ۱۰۲: فهمیده می شود که تقوا درجات مختلفی دارد و هر کس هم ظرفیت خاصی دارد. و هر کس باید مطابق حداکثر ظرفیت خویش به دنبال تقوا باشد.
آیه ۱۰۳: اشاره به شرایط قبل از اسلام است که آنها دائماً بر سر چیزهای واقعاً جزئی و بی اهمیت در جنگ و جدال و از لحاظ عقیدتی نیز در گمراهی مطلق بودند اما اینک در سایه قرآن و پیامبر چنان شده اند که خودشان بر آن واقفند. آنها موجب رشک و حسد یهودیان و سبب ترس منافقان و سبب امید خویشان شده اند و همه اینها بدست نیامده مگر در اثر اعتقادات صحیح حاصله از این قرآن و این پیامبر.

امر به معروف و نهی از منکر از آنچه تصور می شود بالاتر است

آیه ۱۰۴ نشان می دهد که دستور امر بمعروف و نهی از منکر یک دستور عمومی نیست و تک تک افراد ملزم به انجام آن نیستند بلکه فرموده «عده ای از شما»

این «عده» چطور باید شناسائی و چطور تشکیل و چطور سازماندهی و چطور عمل کنند؟

این جزئیات را معین نکرده اما همین مقدار هم که ذکر کرده از آن چنین فهمیده می‌شود که امر بمعروف و نهی از منکر عمل اشخاصی متفرق و پراکنده نیست بلکه نوعی انسجام سازمانی از کلمه «امت» که کلمه «عده‌ای» بعنوان ترجمه آن گذاشته شده، فهمیده می‌شود.

در جانِ کلمه «امت» همگرایی‌های خاص فکری نهفته است و یعنی اینکه در توده‌های عظیم «امت اسلامی» که آیات قرآن و رهنمودهای رسول همگرایی آنها را تأمین می‌کند، باید یک «امت کوچکتر» دارای ویژگیهای برتر و بالاتر وجود داشته باشند که آنها همگان را به معروف امر و از منکر نهی کنند. عبارت دیگر نوعی «انجمن نخبگان» در داخل «امت بزرگ» توصیه شده است که از ویژگیهای آنها باید اهل خیر بودن، اهل چیزهای پسندیده بودن، تنفر از چیزهای ناپسند داشتن، انسجام سازمانی داشتن، مواضع تعریف شده هماهنگ داشتن، بوده باشد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای مسلمانان! اگر از عده ای از اهل کتاب پیروی کنید شما را پس از ایمانتان به کفر بازمیگردانند (۱۰۰)

و چگونه به کفر بازگردید در حالیکه آیات خدا بر شما خوانده میشود و رسولش در بین شماست؟ و کسی که خود را به خداوند بسپارد بسوی صراط مستقیم هدایت شده است (۱۰۱)

ای مسلمانان! از خداوند چنان پروا کنید که سزاوار پروا کردن است، و مبادا بمیرید مگر اینکه مُسلم باشید (۱۰۲) و همگی به ریسمان خداوند چنگ بزنید، و متفرق نشوید، و نعمت خدا را بر خویش بیادآورید، آن هنگامی که دشمنان یکدیگر بودید، و خداوند بین شما الفت برقرار کرد، و به نعمت او برادران یکدیگر شدید، و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید، و شما را از آن برگرفت. خداوند آیاتش را چنین برایتان بیان می کند شاید هدایت یابید (۱۰۳) و باید از میان شما عده ای باشند که بسوی امور خیر دعوت کنند، و به چیزهای پسندیده فرمان دهند، و از چیزهای ناپسند جلوگیری کنند، و آنها همان رستگارانند (۱۰۴) و مانند کسانی نباشید که متفرق شدند و اختلاف کردند، آنهم پس از اینکه آن دلیل های روشن بسویشان آمد، که

عذابی بزرگ خواهند داشت (۱۰۵)

در روزی که چهره هائی سفید و چهره هائی سیاه است، به روسیاهان خطاب میشود آیا پس از ایمانتان کافر شدید؟ پس آن عذاب را بسبب آن کفری که مرتکب شدید بچشید (۱۰۶) و به روسفیدان نیز خطاب میشود داخل رحمت خدا شوید که در آن جاودانید (۱۰۷)

ای پیامبر! این آیات خداست که به حق بر تو میخوانیم، و خداوند هیچ ظلمی برای جهانیان نمیخواهد (۱۰۸) و آنچه در آسمانها و زمین است مال خداست و همه امور بسوی او برمیگردد (۱۰۹)

آل عمران ۷ آیات ۱۱۰ تا ۱۲۰

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١١٠﴾ لَنْ يَضُرَّكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلْكُمْ يُولُوْكُمْ الْأُدْبَارَ ثُمَّ لَا يَضُرُّوْنَ ﴿١١١﴾ ضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةَ أَيْنَ مَا تَفَقَّوْا إِلَّا يَحِثُّ مِنَ اللَّهِ وَحِثْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَآؤُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿١١٢﴾ لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿١١٣﴾ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٤﴾ وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿١١٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١٦﴾ مَثَلٌ مَا يُقْفُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونَكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْثَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٨﴾ هَآأَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّوهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُثُوْا بِغَضِّكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١١٩﴾ إِنْ تَمَسَّسْتُمْ حَسَنَةً تَسْؤُهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٢٠﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ساختن ثبوتی شخصیت مسلمانان از طریق صدور آیات احکامی و اخلاقی، و ساختن سلبی آنان از الگوهای لازم اجتناب (مانند کفار و منافقان)
 برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای مسلمانان! به آنچه خودتان (از معارف) دارید چنگ بزنید و کلاً از کافران دوری کنید تا رشد یابید.

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١١٠﴾ لَنْ يَضُرَّكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤْلُوكُمْ الْأَذْبَارُ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ ﴿١١١﴾ ضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الدِّلَّةَ أَتَيْنَ مَا تَقْفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَآؤُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَلِكَ بَأْهُمْ كَانُوا يُكْفَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿١١٢﴾

ریزدرپ: ای مسلمانان! اگر چنین باشید، برایتان خوب است، و لازم نیست
اهمیتی به اهل کتاب بدهید

۲

لَيْسُوا سَوَاءً مِمَّنْ أَهْلُ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿١١٣﴾ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَهُمْ سَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٤﴾ وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿١١٥﴾

ریزدرپ: ای مسلمانان! البته در میان اهل کتاب آدم خوب هم پیدا میشود

۳

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١٦﴾ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٧﴾

ریزدرپ: ای مسلمانان! اهل کتاب از اموال و نفرات خویش فائده واقعی
نخواهند برد

۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٨﴾ هَآأَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّوهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَفُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَصَوْا عَلَيْكُمْ

الْأَنَامِلَ مِنَ الْفَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بِعَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١١٩﴾ إِنَّ تَسْسُكُمُ حَسَنَةً تَنْوَهُهُمْ وَإِنْ تُصِيبُكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصِيبُوا سَبْرًا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٢٠﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! در مجموع، بطور کلی، اهل کتاب را دشمن تلقی کنید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید توجه به خداوند و نعمت وحی و دقت در محتوای قرآن کریم از سبب های اعتلاء شخصیت است و یکی دیگر از محورهای ساخته شدن شخصیت، درک ترجیح بهشت بر نعمت های فانی و توجه و استغفار است و اینکه کفار اعم از گذشتگان و معاصران از رشد شخصیتی بازماندند و در دنیا و آخرت زیانکار شدند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! توجه پیروانت را به این آیات و صفات و افعال الهی جلب کن و به نکوهش اهل کتاب پرداخته، که با علم و عمد در دین خدا اختلاف کردند و به آیات خدا کافر شدند و پیامبرشان و اهل عدالت را کشتند و از اینکه کتاب خدا بین آنها حکم کند سر پیچیدند. و ای پیامبر! به پیروانت توصیه کن از اهل کتاب فاصله بگیرند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! نگذار اهل کتاب با مغلطه گری پیروان «مکتب ندیده» را بفریبند و آنها را به روش دیگر درمیدانی متفاوت به چالش بکش.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر اهل کتاب را دعوت به گفتگو حول مشترکات اعتقادی کن و ای مسلمانان! اهل کتاب چنین اخلاق و رفتار زشتی دارند (والبتّه بعضی از آنها خوب هم هستند اما در اقلیت می باشند) لذا شما نسبت به آنها نه تنها محتاط باشید بلکه بهتر است آنها را به چشم دشمن نگریسته و فعلاً از آنها دوری کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیامبر! اهل کتاب از لحاظ «حقانیت» مشکل های جدی دارند، سعی کن مسلمانان را به شدت از آنها دور نگهداری، و پیروانت را به اهمیت حج آگاه کن و توانمندیهای آنان را به بجا آوری آن تحریر کن، و با رفتارهای کافران و خصمانه اهل کتاب

بطور آشکار برخورد کن، و ای مردم! تا از آن چیزهائی را که دوست می دارید در راه خدا نبخشید به رشد و ارتقاء شخصیتی که سزاوارش هستید نمی رسید، و نکوهش اهل کتاب که حکم تورات را بر مبنای خواسته دل تغییر دادند.

در پاراگراف ۶ می فرماید: ای مسلمانان! از کفار اهل کتاب اطاعت نکنید و تقوای حقیقی پیشه کنید و اهل دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر باشید و به ریسمان خداوند چنگ بزنید و مبادا از راه حق متفرق شده و اختلاف پیشه کنید.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! آنچه خودتان دارید بسی بالاتر است از آنچه نزد اهل کتاب است، از آنها دوری کنید.

۴ - سوالات

- ۱ - منظور از «کنتم» (آیه ۱۱۰) چه کسانی است؟
- ۲ - با توجه به آیه های ۱۱۸ تا ۱۲۰، سطح آگاهی و خودآگاهی و انقیاد عمومی مسلمانان نسبت به آموزه های وحی چقدر بود؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۱۱۰ تا ۱۱۲ فهمیده میشود یهودیان در مقطع نزول این آیات واقعا از حد گذرانده بودند.

از آیه های ۱۱۸ تا ۱۲۰ فهمیده میشود که هوشیاری متوسط شمار زیادی از مسلمانان و اطاعت آنان از نزولات وحی به نحو شرم آوری پایین بوده، زیرا قبل از این پاراگراف نیز، قرآن از مدتی طولانی قبل، دائما رفتار اهل کتاب (که قسمت موثرش یهودیان بودند) را به وضوح برای مسلمانان شفاف کرده بود، اما، تغییر چندانی مشاهده نشده که باز هم لزوم نزول چنین آیاتی وجود داشت.

از آیات اخیر الذکر معلوم میشود علیرغم آنهمه هشدار های واضح قبلی، هنوز هم عده قابل توجهی از مسلمانان با یهودیان روابط فوق نزدیک (در حد رازگوئی) داشته اند.

همچنین آیات مذکور نشان می دهد که یهودیان دو نقش را در یک زمان ایفا می کردند، یعنی هم نقش منافقان را داشتند که در ظاهر اظهار دوستی می نمودند و هم ماهیت کافرانیشان آنها را به شدیدترین دشمنی ها و می داشت.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۱۰ به دلایلی که مکرراً قبلاً گفته ایم از آیات برجسته قرآنی است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۱۶ و ۱۱۷ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۱۲ و ۱۱۶، بقیه آیه های این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

ریسمانی از خدا و ریسمانی از مردم

آیه ۱۱۲ می‌فرماید برای آنها (یعنی یهودیان) خواری مقرر شده (که واقعاً هم در طول تاریخ چنین بوده و یهودیان همه جا خوار بودند و این موضوع معلوم است و اگر بخواهیم شرح دهیم طولانی می‌شود و ضرورتی هم ندارد) اما اگر به «ریسمانی از خدا و ریسمانی از مردم» چنگ زنند خوار نخواهند بود. واقعاً این وضع فعلی ۱/۵ میلیارد مسلمانان و این ۶ میلیون اسرائیلی عجیب نیست؟ ۶ میلیون نفر جلوی چشم ۱/۵ میلیارد، همه کاری می‌کنند و همه نوع جنایتی مرتکب می‌شوند و این ۱/۵ میلیارد نمی‌توانند جلوی آنها را بگیرند. دلیلش همان «ریسمانی از مردم» است. آنها در داخل خویش یک دموکراسی قرص و قوی و تعریف شده دقیقی دارند و اگر اینطور نبود، حکومتشان همان روزهای اول سرنگون گشته بود.

آنها بطور قطع هیچ «ریسمانی از خدا» را ندارند زیرا آنها همه جنایت با «ریسمانی از خدا» هیچ سازگاری ندارد اما «ریسمانی از مردم» را بطور حداکثری دارند. خداوند با هیچ کسی خویش و قومی ندارد. و با همه مطابق «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» کار می‌کند. اگر ما مسلمانان می‌خواهیم از این وضع خجالت‌آور در بیاییم باید آن «ریسمانی از مردم» را بسازیم.

ترجمه تفسیری آزاد

ای نخبه های اردوگاه ایمان! شما بهترین گروهی هستید که برای مردم پدید آورده شده، که به چیز های پسندیده فرمان می دهید و از چیزهای ناپسند جلوگیری می کنید، و به خدا ایمان دارید،

و اگر اهل کتاب هم ایمان می آوردند برایشان بهتر بود. بعضی از آنها مومن میباشند و اکثرشان گناهکارند (۱۱۰) جز اذیت و آزاری که به شما برساند ضرر مهمی نمیتواند به شما بزنند، و اگر هم با شما بجنگند به جنگ پشت میکنند، و آنگاه یاری نمیشوند (۱۱۱) هر جا که یافت شوند بر آنها خواری مقرر شده، مگر اینکه به ریسمانی از خدا و ریسمانی از مردم چنگ زنند، و دچار خشمی از جانب خداوند گشته اند، و نیز بر آنها تهی دستی رقم زده شده، زیرا که به آیات خداوند کفر میورزیدند و پیغمبران را به ناحق می کشتند، و این به آن جهت بود که عصیان ورزیده بودند و تجاوز میکردند (۱۱۲)

آنها مساوی نیستند. از میان اهل کتاب کسانی هم هستند که به حق قیام میکنند و آیات خدا را در لحظات شب ها میخوانند و سجده میکنند (۱۱۳) و به خداوند و روز آخرت ایمان دارند، و به کارهای پسندیده فرمان میدهند و از امور ناپسند جلوگیری می کنند، و در کارهای خیر از یکدیگر سبقت میجویند، و آنها از صالحانند (۱۱۴) و هر کار خیری که کنند حتما در نظر گرفته میشود و خداوند به حال متقیان داناست (۱۱۵)

البته اموال و اولاد کافران در مقابل خداوند کاری برایشان نمیسازد و اهل آن آتشند و در آن جاودانند (۱۱۶) مثال آنچه در این جهان خرج می کنند مانند بادی است دارای سوز سرما که به کشت قومی که به خویش ظلم کرده اند میوزد و نابودش می کند، و خداوند ظلمی به آنها نکرده، ولیکن آنها به خویش ظلم می کنند (۱۱۷)

ای مسلمانان! از غیر خودتان دوست نزدیک مگیرید، که لحظه ای از شر رسانی به شما کوتاهی نمی کنند، و دوست دارند شما به زحمت بیفتید، و البته بغض و دشمنی از زبانشان آشکار است، ولی آنچه در دل پنهان میکنند بزرگتر است. البته

آیات خویش را چنین برایتان بیان کردیم اگر در آن تعقل کنید (۱۱۸)
شما کسانی هستید که دوستشان میدارید در حالیکه آنها دوستان نمیدارند و شما
به همه کتاب های آسمانی ایمان دارید ولی آنها به کتاب آسمانی شما کفر می
ورزند، و هنگامیکه شما را می بینند میگویند ایمان داریم و وقتیکه به خلوت میروند
از شدت خشم نسبت به شما انگشت به دندان میگزند، بگو با خشم خویش بمیرید
که خداوند به حقیقت دل ها داناست (۱۱۹)

اگر چیز خوبی به شما برسد ناراحت میشوند، و اگر چیز بدی به شما برخورد کند
خوشحال میشوند، و اگر صبر کنید و تقوا در پیش گیرید حيله هایشان ضری به
شما نمیرساند، که خداوند به آنچه می کنند احاطه دارد (۱۲۰)

آل عمران ۸ آیات ۱۲۱ تا ۱۲۹

وَإِذْ عَدُوَّتْ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾ إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٢﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُدْعَكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزِلِينَ ﴿١٢٤﴾ بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَآئِبِينَ ﴿١٢٧﴾ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٢٨﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ساختن ثبوتی شخصیت مسلمانان از طریق صدور آیات احکامی و اخلاقی، و ساختن سلبی آنان از طریق ارائه الگوهای لازم الاجتناب (مانند کفار و منافقان)
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: در امور سخت پایداری کنید و سست نشوید و به خداوند توکل کنید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِذْ عَدُوَّتْ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾ إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! علیرغم مشکلاتی که در اردوگاهت داشتی به آماده

نگهداشتن مسلمانان برای مضاف می پرداختی

۲

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! در جنگ بدر ضعیف تر بودید و خداوند یاریتان کرد، پس در مقابل همان خداوند رفتار صحیح در پیش گیرید

۳

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُدْعِيَكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ ﴿١٢٤﴾ بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فُورِهِمْ هَذَا يُدْخِلْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَآئِبِينَ ﴿١٢٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! تو مسلمانان را به یاری مجدد الهی امیدوار میکردی

۴

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٢٨﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! علیرغم علاقه ای که به رفتار صحیح مسلمانان داری، بدان که چگونگی رفتار ما با آنان در دست تو نیست

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرمایید توجه به خداوند و نعمت وحی و دقت در محتوای قرآن کریم از سبب های اعتلاء شخصیت است و یکی دیگر از محورهای ساخته شدن شخصیت، درک ترجیح بهشت بر نعمت های فانی و توجه و استغفار است و اینکه کفار اعم از گذشتگان و معاصران از رشد شخصیتی بازماندند و در دنیا و آخرت زیانکار شدند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! توجه پیروانت را به این آیات و صفات و افعال الهی جلب کن و به نکوهش اهل کتاب پرداخته، که با علم و عمد در دین خدا اختلاف کردند و به آیات خدا کافر شدند و پیامبرشان و اهل عدالت را کشتند و از اینکه کتاب خدا بین آنها حکم کند سر پیچیدند. و ای پیامبر! به پیروانت توصیه کن از اهل کتاب فاصله بگیرند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! نگذار اهل کتاب با مغلطه گری پیروان «مکتب ندیده» ات را بفربیند و آنها را به روش دیگر درمیدانی متفاوت به چالش بکش.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر اهل کتاب را دعوت به گفتگو حول مشترکات اعتقادی کن و ای مسلمانان! اهل کتاب چنین اخلاق و رفتار زشتی دارند (والبته بعضی از آنها خوب هم هستند اما در اقلیت می باشند) لذا شما نسبت به آنها نه تنها محتاط باشید بلکه بهتر است آنها را به چشم دشمن نگریسته و فعلا از آنها دوری کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیامبر! اهل کتاب از لحاظ «حقانیت» مشکل های جدی دارند، سعی کن مسلمانان را به شدت از آنها دور نگهداری، و پیروانت را به اهمیت حج آگاه کن و توانمندیهای آنان را به بجا آوری آن تحریض کن، و با رفتارهای کافران و خصمانه اهل کتاب بطور آشکار برخورد کن، و ای مردم! تا از آن چیزهایی را که دوست می دارید در راه خدا نبخشید به رشد و ارتقاء شخصیتی که سزاوارش هستید نمی رسید، و نکوهش اهل کتاب که حکم تورات را بر مبنای خواسته دل تغییر دادند.

در پاراگراف ۶ می فرماید: ای مسلمانان! از کفار اهل کتاب اطاعت نکنید و تقوای حقیقی پیشه کنید و اهل دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر باشید و به ریسمان خداوند چنگ بزنید و مبادا از راه حق متفرق شده و اختلاف پیشه کنید.

در پاراگراف ۷ می فرماید: ای مسلمانان! آنچه خودتان دارید بسی بالاتر است از آنچه نزد اهل کتاب است، از آنها دوری کنید.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! با اینکه نزد ما عزیز و محترمی، به تو هشدار میدهم مبادا درباره چیزی که اختیارش با تو نیست به کسی تعهدی بسپاری.

۴- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از مطالب این پاراگراف چنین معلوم می شود که:

۱- دو طائفه از مسلمانان «تصمیم به سستی» گرفتند (آیه ۱۲۲)

۲- عده‌ای از مسلمانان کمک‌های مستقیم آسمانی را می‌خواستند (آیه ۱۲۴)

۳- یاری خداوند مشروط به وجود شرایطی است که تا آن شرایط تحقق نیابد، آن یاری هم نازل نخواهد شد. (آیه ۱۲۵)

۴- آن عده از مسلمانان، که در آن مقطع چنان رفتار می‌کردند گناه بزرگی مرتکب شده بودند که کارشان فقط بدست خدا بود و ظالم هم بودند (آیه ۱۲۸)

از مجموع موارد فوق فهمیده می‌شود مسلمانان جنگ احد، همان مسلمانان جنگ بدر نبودند. مسلمانان جنگ بدر، پر از ایمان و امید و تقوا و اطاعت از خدا و رسول بودند، اما مسلمانان جنگ احد، مغرور و طلبکار از پیغمبر و تعیین‌کننده شرط و شروط شده بودند.

در این مدت منافقان و یهودیان هم داشتند با تمام قوا به تخریب روحیه می‌پرداختند و نتیجه آن شد که در جنگ احد هفتاد نفر از خالص‌ترین مؤمنان از میان مسلمانان رخت برپستند و جامعه‌شان با از دست دادن آن سرمایه‌های ایمانی ضعیف شد.

در این پاراگراف مقدمات آن نتیجه را دارد برای مسلمانان آنروز و برای ما تحلیل می‌کند. یعنی واقعه وقوع یافته است، و این آیات، پس از وقوع دارد آنها را برای مسلمانان تحلیل می‌کند تا «گذشته چراغ راه آینده» شود.

آیه ۱۲۱: پیامبر(ص) در نقش یک سردار جنگی، در آیه ۱۲۱، به سازماندهی مسلمانان مشغول شده و در اولین فرصت‌های روز به این کار پرداخته، و هیچ کوتاهی از او مشاهده نمی‌شود.

آیه‌های ۱۲۴-۱۲۵: فهمیده می‌شود آنها از پیامبر اکرم(ص) تقاضای «کمک‌های آسمانی» می‌کردند و دفاع و جهاد خویش را مشروط به آن نموده بودند و می‌خواستند سر جای خودشان بنشینند و خطری متوجه آنها نشود و ملائکه از آسمان بیایند و دشمنان آنها را از بین ببرند.

۵- در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه‌های ۱۲۴ و ۱۲۵ از آنجا که سخن از مداخله ملائکه دارد، و مکانیزم این امر برما که ساکن قرن بیست و یکم هستیم، نیز، روشن نیست، بطریق اولی بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه بوده است.

۶ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

در امور سخت پایداری کنید و سست نشوید و به خداوند توکل کنید.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

دریافتهای کوتاه مستقیم

آیه ۱۲۲: «والله ولیهما» نوعی تشریف است و این معنی را نمیدهد که خداوند مانند «الله ولی الذین آمنوا» نسبت به آنان هم «ولی» است بلکه چون خداوند ولی همه است (اعم از مومن و کافر و منافق و حتی حیوانات و گیاهان و حتی جمادات) ولی آنها هم هست، و خلاصه اینکه درجه عادی و معمولی ولایت در اینجا مورد نظر است، و این بدیهی است که ولایت خداوند نسبت به مومنین که در «الله ولی الذین آمنوا» آمده یک درجه بسیار بالائی از ولایت است.

آن دو طائفه‌ای که «تصمیم به» سستی گرفتند که بودند؟

در رابطه با آیه ۱۲۲ آن دو طائفه‌ای که تصمیم به سستی گرفتند بطور قطع منافقان بودند که طبعاً همیشه مترصد فرصتی هستند و بودند که ضربه‌شان را بزنند ولی چرا فرموده «دو طائفه»؟

البته از کلمه «طائفه» نوعی وحدت درونی و انسجام فهمیده می‌شود. بنابراین آنها با یکدیگر جلسات هماهنگی داشته‌اند و تجزیه و تحلیل می‌کرده و نظراتشان را با یکدیگر نزدیک و رفتارشان را هماهنگ می‌کرده‌اند. به همین خاطر است که فرموده «تصمیم به سستی» گرفتند.

واضح است کسی که علیرغم اهمیتی که رسول خدا به دفاع و جهاد می‌دهد «تصمیم به سستی» می‌گیرد از مسلمانان معمولی و مؤمن نیست بلکه حتماً جزء منافقان است. بنابراین هر دو طائفه منافق بوده‌اند.

از همین آیه معلوم می‌شود در آن روزها منافقان به دو دسته تقسیم می‌شدند. تا آنجا که می‌دانیم، یکدسته از منافقان کسانی بودند که به طمع ریاست و آلاف

والف همراه مسلمانان شدند و چنانکه دیدیم، بعداً، هم به ریاست رسیدند، و هم به آلف و الوف.

قابل فهم است دسته دیگر منافقان، آنهایی باید باشند که ساکن مدینه بوده و از سیل هجرت مهاجران مسلمان بسوی مدینه ناراضی بودند و آنها را مزاحم خویش حساب می کردند و آرزو می کردند کاش هجرتی واقع نمی شد و آنها می توانستند به روش مالوف خویش زندگی کنند.

طبعاً «تصمیم» آنها به سستی نیز می باید متفاوت باشد و قاعدتاً دسته دوم باید انگیزه های قوی تری برای ایستادگی در مقابل پیامبر و مؤمنان و لذا «تصمیم به سستی» داشته باشند.

اما انگیزه منافقان از نوع دسته اول، برای «تصمیم به سستی»، بعلت ماهیت خودشان یعنی «مگسان گرد شیرینی» بودن آنها بود و آنها از جنگ و جهاد و ایثار و فداکاری خوششان نمی آمد. آنها فکر می کردند جنگ بدر بالاخره هر طور بود تمام شد اما چیزی نگذشته سخن از یک جنگ با ابعاد وسیعتر است و اگر کار همینطور پیش برود و همیشه در جنگ باشیم ممکن است در یکی از این جنگها تیری هم به ما بخورد. در آنصورت اینهمه طرح و نقشه و حيله و دو دوزه بازی کردن به چه درد ما می خورد؟

بنابراین منافقان نوع اول که می توانیم آنها را «منافقان مهاجر» بنامیم از ترس جان و با هدف جلوگیری از جنگهای آینده، و منافقان نوع دوم که می توانیم آنها را «منافقان انصار» بنامیم بعنوان «خود نشان دادن» و بقول خودشان «دفع شر این مزاحمان» به جمع بندی واحدی رسیده و «تصمیم به سستی» گرفته باشند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! آن هنگام را به یاد آر که صبح از خانواده ات جدا شدی که محل جنگ را برای مسلمانان مشخص کنی و خداوند شنوای داناست (۱۲۱)

و آن هنگام که دو طائفه از منافقان شما تصمیم به سستی گرفتند، در حالیکه خداوند سرپرستشان بود، و مومنان باید به خداوند توکل کنند (۱۲۲)

و خداوند بود که در جنگ بدر یاریتان داد، در حالیکه شما ناتوانتر بودید.

پس، از خدا پروا کنید شاید شکر بگزارید (۱۲۳)

آن هنگام که به مسلمانان می گفتی آیا کافی نیست که پروردگارتان به سه هزار

ملائکهء فرود آینده کمکتان کند؟ (۱۲۴)

بله. اگر صبر کنید و تقوا در پیش گیرید، و کافران از زور خشم شان شتابان به اینجا بیایند پروردگارتان با پنج هزار ملائکه نشاندار کمکتان می کند (۱۲۵)
و خداوند آن را جز مژده ای برایتان قرار نداد، و اینکه دلتان به آن مطمئن شود، و یاری جز از ناحیه خداوند نیست، که خداوند پیروزمند فرزانه است (۱۲۶)
تا اینکه قسمتی از کافران را هلاک کند، یا اینکه خوارشان کند، و نا امید شوند (۱۲۷)

ای پیامبر! تو درباره آن امر، که عاقبت کسانی باشد که نافرمانیت کردند، چیزی که در اختیار خودت باشد نداری. یا خداوند توبه شان را می پذیرد یا عذابشان میکند و البته آنها ظالمند (۱۲۸)
و هر چه در آسمانها و زمین است مال خداست، هر که را خواهد می آمرزد و هر که را خواهد عذاب میکند، و خداوند آمرزگار مهربان است (۱۲۹)

آل عمران ۹ آیات ۱۳۰ تا ۱۳۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٣٠﴾ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿١٣١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٣٢﴾ وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُهم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهم وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿١٣٦﴾ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿١٣٧﴾ هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ساختن ثبوتی شخصیت مسلمانان از طریق صدور آیات احکامی و اخلاقی، و ساختن سلبی آنان از طریق ارائه الگوهای لازم الاجتناب (مانند کفار و منافقان)
 برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: از ربا دوری نموده، و اطاعت خدا و رسول بجا آورده، و در امور خیر سبقت گیرید.

۲- استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٣٠﴾ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿١٣١﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! رباخواری ضد تقوا و جلب کننده عذابی است که برای کافران است

۲

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٣٢﴾ وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَحِجَّةَ عَرْضِهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿١٣٦﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! اطاعت خدا و رسول کنید تا به نعمت های تقواداران برسید

۳

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿١٣٧﴾

ریزدرب: ای مردم! در تاریخ بشر دقت کنید و عاقبت تکذیبگری را ببینید

۴

هَٰذَا بَيِّنَاتٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾

ریزدرب: ای مردم! این قرآن برای شما حقایق را بیان میکند و مایه هدایت است و برای پرواداران موعظه است

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرمایید توجه به خداوند و نعمت وحی و دقت در محتوای قرآن کریم از سبب های اعتلاء شخصیت است و یکی دیگر از محورهای ساخته شدن شخصیت، درک ترجیح بهشت بر نعمت های فانی و توجه و استغفار است و اینکه کفار اعم از گذشتگان و معاصران از رشد شخصیتی بازماندند و در دنیا و آخرت زیانکار شدند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! توجه پیروانت را به این آیات و صفات و افعال الهی جلب کن و به نکوهش اهل کتاب پرداخته، که با علم و عمد در دین خدا اختلاف کردند و به آیات خدا کافر شدند و پیامبرشان و اهل عدالت را کشتند و از اینکه کتاب خدا بین آنها حکم کند سر پیچیدند. و ای پیامبر! به پیروانت توصیه کن از اهل کتاب فاصله بگیرند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! نگذار اهل کتاب با مغلطه گری پیروان «مکتب ندیده»ات را بفریبند و آنها را به روش دیگر درمیدانی متفاوت به چالش بکش.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر اهل کتاب را دعوت به گفتگو حول مشترکات اعتقادی کن و ای مسلمانان! اهل کتاب چنین اخلاق و رفتار زشتی دارند (والبته بعضی از آنها خوب هم هستند اما در اقلیت می باشند) لذا شما نسبت به آنها نه تنها محتاط باشید بلکه بهتر است آنها را به چشم دشمن نگریسته و فعلا از آنها دوری کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیامبر! اهل کتاب از لحاظ «حقانیت» مشکل های جدی دارند، سعی کن مسلمانان را به شدت از آنها دور نگهداری، و پیروانت را به اهمیت حج آگاه کن و توانمندیهای آنان را به بجا آوری آن تحریض کن، و با رفتارهای کافران و خصمانه اهل کتاب بطور آشکار برخورد کن، و ای مردم! تا از آن چیزهایی را که دوست می دارید در راه خدا نبخشید به رشد و ارتقاء شخصیتی که سزاوارش هستید نمی رسید، و نکوهش اهل کتاب که حکم تورات را بر مبنای خواسته دل تغییر دادند.

در پاراگراف ۶ می فرماید: ای مسلمانان! از کفار اهل کتاب اطاعت نکنید و تقوای حقیقی پیشه کنید و اهل دعوت به خیر و امریه معروف و نهی از منکر باشید و به ریسمان خداوند چنگ بزنید و مبادا از راه حق متفرق شده و اختلاف پیشه کنید.

در پاراگراف ۷ می فرماید: ای مسلمانان! آنچه خودتان دارید بسی بالاتر است از آنچه نزد اهل کتاب است، از آنها دوری کنید.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای پیامبر! با اینکه نزد ما عزیز و محترمی، به تو هشدار میدهم مبادا درباره چیزی که اختیارش با تو نیست به کسی تعهدی بسپاری.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان از ربا بهره‌زید و در امور خیر مسابقه دهید.

۴ - سوالات

- ۱ - چرا این پاراگراف (۱۳۰ تا ۱۳۸) نسبت به پاراگراف های قبل و بعد خویش (که تحلیل جنگ احد میباشند) ناهمگون به نظر میرسد؟
- ۲ - آیات فرعی این پاراگراف را از آیات اصلی متمایز کنید.
- ۳ - کل «نهی» های این پاراگراف را در ستونی لیست کنید و کل «امر»ها را نیز به همچنین و از مقایسه آنها نتایجی تفسیری بگیرید.

۵ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

از ربا دوری نموده، و اطاعت خدا و رسول بجا آورده، و درامور خیر سبقت گیرید.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۸، بقیه آیه های این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

اگر چشم خویش را بر این پاراگراف ببندیم و انتهای آیه ۱۲۹ را به ابتدای آیه ۱۳۹ وصل کنیم، خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست و بی اعوجاج میباشد. اما، در داخل این پاراگراف نیز آیاتی فرعی است، مثلاً آیه های ۱۳۱ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ بطوریکه آیه های اصلی پاراگراف عبارت خواهد شد از ۱۳۰ و ۱۳۲ و ۱۳۳.

چرا روال سخن تغییر کرد؟

نگاه ساده و گذرائی به محتوای پاراگراف قبل و تقریباً تمام پاراگراف های بعد از این، نشان میدهد که همه آنها درباره تحلیل جنگ اُحد اند، غیر از این پاراگراف، که در روال سخن پاراگراف های قبلی یک پرانتز به حساب می آید. چنین به نظر می آید که در لحظه نزول این آیات اتفاقی افتاده بوده که سیستم وحی رسانی فعلاً ادامه تحلیل جنگ اُحد را ول کرده و به یک «بحث روز» پرداخته است.

ظاهراً می باید اینطور بوده باشد که در آن لحظه یک معامله بزرگ ربائی اتفاق افتاده، و در همان حین نیز فردی که تنگدستی او عیان و مشهور بوده، ایشاری در

حق کسی نموده، که با توجه به موقعیت او چشمگیر بوده، و نیز عده ای که در طی جنگ احد رفتار درخور بروز نداده بودند، و حتی بر عکس، رفتار نا صحیح (مثلا فرار از جنگ و امثال آن) بروز داده و حین نزول آیات پاراگراف قبل منقلب شده بودند، و به آنحضرت برای استغفار مراجعه کرده بودند، و امثال این اتفاقاتی که در نزد مخاطبان مورد مشاهده بوده و پرداختن به آنها بار موعظه ای و تاثیر قلبی بیشتری داشته، سبب شده که سیستم وحی رسانی ابتدا به آنها بپردازد و تحلیل جنگ احد را به پس از آن موکول کند.

اما، اگر بر اساس سوال ۳ فوق، در متن دقت کنیم می بینیم که در مقابل یک نهی هفت امر وجود دارد که نهی عبارت باشد از ترک ربا و امر عبارت باشد از اتقوا الله و اتقوا النار و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و سارعوا الی مغفره و سیروا فی الارض و انظروا کیف کان عاقبه ..

لذا، میتوان حدس زد که در گرماگرم فضای پس از جنگ احد یک یا چند معامله ربائی در بین مسلمانان وقوع یافته که از نظر صاحب وحی به معنی زیرپا گذاشتن همه توصیه ها و تاکیدات الهی بوده است.

ترجمه تفسیری آزاد

ای مسلمانان! ربا مخورید که چندین برابر شود. و از خدا پروا کنید شاید رستگار شوید (۱۳۰)

و از آن آتش که برای کافران تهیه شده بپرهیزید (۱۳۱)
و خدا و رسول را اطاعت کنید شاید مورد مهر قرار گیرید (۱۳۲)
و بسوی آمرزشی از جانب پروردگارتان، و بهشتی که عرض آن به پهنای آسمانها و زمین است، و برای تقواداران تهیه شده، بشتابید (۱۳۳)
همان کسانی که چه در حال توانگری و چه در حال تنگدستی انفاق می کنند و خشم خویش فرو میخورند، و مردم را می بخشند، و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد (۱۳۴)

و نیز همان کسانی که وقتی کار زشتی کردند یا به خویش ظلم نمودند خدا را یاد می کنند و از گناهانشان آمرزش میخواهند، و چه کسی غیر از خداوند گناهان را می آمرزد، و بر آنچه کرده اند آگاهانه اصرار نمی ورزند (۱۳۵)
پاداش آنها آمرزشی از جانب پروردگارشان و بهشتی است که در کف آنها جوی ها

روان است، که در آن جاودان باشند، و پاداش عمل کنندگان چه نیکوست (۱۳۶)

قبل از شما سنت هائی بوده که از میان رفته اند، پس در زمین بگردید و ببینید
عاقبت تکذیبگران چه بود (۱۳۷) این بیانی برای مردم و هدایتی و موعظه ای برای
تقوادران است (۱۳۸)

آل عمران ١٠ آيات ١٣٩ تا ١٥٨

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ إِنْ يَسْتَسْكِمُ فَرَحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرَحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿١٤١﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَقَدْ كُنْتُمْ مَتَّوْنِ الْمَوْتِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿١٤٣﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبِهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَيَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٥﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٧﴾ فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسُنَ ثَوَابُ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ طَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُزِيدُوكُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا حَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ﴿١٥٠﴾ سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ ﴿١٥١﴾ وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّوهُمُ بِأَذِينِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تَحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَنْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٢﴾ إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نَاعَسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٥٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْبَقْعَةِ الْجُمُعَةِ إِذْ أُسْتُزُّهُمْ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٥٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غَزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُخَيِّمُ وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾ وَلَكِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَغْفِرَةً مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةً خَيْرٌ مِمَّا

يَجْمَعُونَ ﴿١٥٧﴾ وَلَكِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لِإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ساختن ثبوتی شخصیت مسلمانان از طریق صدور آیات احکامی و اخلاقی، و ساختن سلبی آنان از طریق ارائه الگوهای لازم الاجتناب (مانند کفار و منافقان) برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: علت این فراز و نشیب ها آزمودن صداقت ایمانی مردم است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَا يَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ إِنْ يَسْتَسْخِمُ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿١٤١﴾
ریزدرپ: ای مسلمانان! در سختی هاست که ایمانتان را باید بیشتر حفظ کنید.

۲

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَقَدْ كُنْتُمْ مَتَّوْنِ الْمَوْتِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿١٤٣﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٥﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبُّيَوْنَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا

فِي أَمْرِنَا وَتَبَيَّنَتْ أَفْئِدَاتُنَا وَانْصَرَفْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٧﴾ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَخَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٨﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! ایرادهای فکری را که اخیراً و به علت سختی‌ها پیدا کرده اید بشناسید و چاره کنید.

۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُزِدُوكُمْ عَلَى آغَابِكُمْ فَتَنَقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ﴿١٥٠﴾ سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ ﴿١٥١﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! کفار و مشرکان را دشمن جدی خویش تلقی کنید.

۴

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّوهُم بِأُذُنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَارَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِمَّنْ بَعْدَ مَا أَرَاكُمْ مَا يَقُولُونَ مِنْكُمْ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مِمَّنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٢﴾ إِذْ تَضَعُدُونَ وَلَا تَأْلُونُ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَحْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ عَمَّا بَغِمَ لَكُمْ لِيَكُونُوا تَخْزِنًا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِمَّنْ بَعْدَ الْغَمِّ أَمْنَةً نُعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٥٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجُمُعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٥٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُخَيِّبُ وَيُؤَيِّتُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾ وَلَكِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَغْفِرَةً مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةً خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٧﴾ وَلَكِنْ مَتُّمٌ أَوْ قُتِلْتُمْ لِإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! این افکار باطل را که در اثر خطای خودتان پیش آمده، رها کنید و به آغوش حق و حقیقت برگردید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید توجه به خداوند و نعمت وحی و دقت در محتوای قرآن کریم از سبب های اعتلاء شخصیت است و یکی دیگر از محورهای ساخته شدن شخصیت، درک ترجیح بهشت بر نعمت های فانی و توجه و استغفار است و اینکه کفار اعم از گذشتگان و معاصران از رشد شخصیتی بازماندند و در دنیا و آخرت زیانکار شدند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! توجه پیروانت را به این آیات و صفات و افعال الهی جلب کن و به نکوهش اهل کتاب پرداخته، که با علم و عمد در دین خدا اختلاف کردند و به آیات خدا کافر شدند و پیامبرشان و اهل عدالت را کشتند و از اینکه کتاب خدا بین آنها حکم کند سر پیچیدند. و ای پیامبر! به پیروانت توصیه کن از اهل کتاب فاصله بگیرند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! نگذار اهل کتاب با مغلطه گری پیروان «مکتب ندیده»ات را بفریبند و آنها را به روش دیگر درمیدانی متفاوت به چالش بکش.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر اهل کتاب را دعوت به گفتگو حول مشترکات اعتقادی کن و ای مسلمانان! اهل کتاب چنین اخلاق و رفتار زشتی دارند (والبتّه بعضی از آنها خوب هم هستند اما در اقلیت می باشند) لذا شما نسبت به آنها نه تنها محتاط باشید بلکه بهتر است آنها را به چشم دشمن نگریسته و فعلاً از آنها دوری کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیامبر! اهل کتاب از لحاظ «حقانیت» مشکل های جدّی دارند، سعی کن مسلمانان را به شدت از آنها دور نگهداری، و پیروانت را به اهمیت حج آگاه کن و توانمندیهای آنان را به بجا آوری آن تحریض کن، و با رفتارهای کافران و خصمانه اهل کتاب بطور آشکار برخورد کن، و ای مردم! تا از آن چیزهائی را که دوست می دارید در راه خدا نبخشید به رشد و ارتقاء شخصیتی که سزاوارش هستید نمی رسید، و نکوهش اهل کتاب که حکم تورات را بر مبنای خواسته دل تغییر دادند.

در پاراگراف ۶ می فرماید: ای مسلمانان! از کفار اهل کتاب اطاعت نکنید و تقوای حقیقی

پیشه کنید و اهل دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر باشید و به ریسمان خداوند چنگ بزنید و مبادا از راه حق متفرق شده و اختلاف پیشه کنید.

در پاراگراف ۷ می فرماید: ای مسلمانان! آنچه خودتان دارید بسی بالاتر است از آنچه نزد اهل کتاب است، از آنها دوری کنید.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای پیامبر! با اینکه نزد ما عزیز و محترمی، به تو هشدار میدهیم مبادا درباره چیزی که اختیارش با تو نیست به کسی تعهدی بسپاری.

در پاراگراف ۹ می فرماید: ای مسلمانان از ربا بپرهیزید و در امور خیر مسابقه دهید.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! فکر نکنید که یک شهادتین به زبان آورده اید و همه چیز تمام شد، نه! بلکه امتحان هائی هم هست که باید از آنها سربلند بیرون بیائید.

۴ - آیات برجسته این پاراگراف

سه آیه ۱۳۹ تا ۱۴۱ مطابق آنچه قبلا بارها عرض کرده ایم، جزء آیات برجسته قرآنی است. همچنین است آیه ۱۴۴ که بسیار مشهور هم هست.

۵ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۴۰ از آنجا که مکانیزم دست به دست دادن روزگاران بین جماعت های مختلف تشریح نشده، بطور قطع بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه بوده است.

آیه ۱۴۵ از این لحاظ که به مرگ و ممات اشاره دارد، از آنجا جزئیات مکانیزم برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

آیه های ۱۴۶ و ۱۴۷ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

دریافت‌های کوتاه مستقیم

آیه ۱۴۳: آرزوی مرگ، در اینجا، بمعنی آرزوی شهادت در راه خداست و مربوط به مؤمنان است. اما آنچه در آخر آیه آمده به این معنی است که شما از لحاظ عقیده‌تان دارید امتحان می‌شوید.

آیه ۱۴۸: فهمیده می‌شود مجموعه ایمان و پایداری علاوه بر نتایج مطلوب آخرتی، به نتایج مطلوب دنیوی هم می‌رساند.

آیه ۱۵۴: عبارت «چیزی از آن امر» یعنی چیزی از مقدرات. به این معنی که بسیاری از مسلمانان چنین فکر می‌کردند که بمحض ادای شهادتین از اولیاء خدا شده‌اند و مثلاً نصف امور جهان تحت تأثیر اراده آنهاست در حالیکه تاکنون از اول نزول وحی تا این سوره آنقدر اشاره به لزوم وجود لیاقت برای اینکه خواسته خدا تعلق گیرد، شده، که می‌باید کافی بوده باشد و مسلمانان نمی‌باید چنین فکری کرده باشند، اما البته چنانکه می‌دانیم این شبهات حتی تاکنون نیز ادامه یافته و الان هم اکثر مسلمانان چنین‌اند که وقتی یک گرفتاری برایشان پیش می‌آید فوراً چنین فکری می‌کنند.

تصویرسازی چون آینه برای ما مسلمانان ۱۴۰۰ سال بعد

جنگ بدر در آن حالت عجیبِ نابرابر، با پیروزی عجیب مسلمانان خاتمه یافت، و چیزی نگذشت که جنگ اُحد شروع شد که آن دو دسته منافق سعی جدی نمودند که در صفوف مسلمانان سستی ایجاد کنند و شکست سختی نصیب مسلمانان شد، در حالیکه می‌توانست آنطور نباشد و اینک خداوند است که کم‌کم دارد پس از وقوع واقعه موضوع را برای آنان و برای ما تحلیل می‌کند، و مطابق مطالب این پاراگراف، این نکات قابل توجه است:

۱- بسیاری از مسلمانان فکر می‌کردند به صرف اظهار کلمه توحید اهل بهشتند (آیه‌های ۱۴۲ و ۱۴۳)

۲- بسیاری از مسلمانان راجع به اینکه مرگ مقدر است تصورات صحیحی نداشتند (آیه‌های ۱۴۵ و ۱۵۶)

۳- پایداری نکردن یکی از مشکلات اساسی مسلمانان در جنگ بود (آیه‌های ۱۴۶ و ۱۴۷)

۴- مسلمانان تا وقتی که چیزهای دلخواهشان را در دسترس ندیدند اطاعتشان از

رسول خدا و پیگیری‌شان در جنگ خوب بود و نافرمانی آنها تنها پس از احتمال موفقیت بروز کرد (آیه ۱۵۲)

۵- مسلمانان چنان فراری کردند که هیچ چیز آنها را متوقف نمی‌کرد (آیه ۱۵۳)

۶- بعضی از مسلمانان پس از جنگ احد مشکل فکری پیدا کردند و شبهه‌دار شدند (آیه ۱۵۴)

۷- فهمیده می‌شود که پیامبر اکرم(ص) چنان در جنگ درگیر شده بود که نزدیک بود کشته شود (آیه ۱۴۴)

۸- مسلمانان چه چیزی را دوست داشتند؟ واضح است. پیروزی و کسب غنائم را دوست داشتند. مطابق آیه، پیروزی و احتمال کسب غنائم را دیدند و پس از اینکه دیدند نافرمانی کردند. آن چه فرمانی بود که آنها آنرا نافرمانی کردند و در نتیجه شکست خوردند؟ البته اطلاعات تاریخی بما می‌گوید که موضوع چه بوده ولی اگر هم آن اطلاعات را نداشتیم همین آیه برای اینکه بما اطلاعات بدهد کفایت می‌کند (اگر کمی در جزئیات آن دقت کنید به سهولت متوجه می‌شوید) (آیه ۱۵۲)

۹- کسانی در جریان آن جنگ خیلی مواظب جان خویش بودند و باصطلاح بطور جدی با جنگ درگیر نمی‌شدند. (البته اینها یا همان منافقان هستند که بطور ظاهری در جنگ شرکت کرده بودند یا اگر منافق نبودند مسلمان سُست ایمان بودند) (آیه ۱۵۴)

البته اینهایی که عرض کردیم راجع به مسلمانان است اما آنچه که قبلاً راجع به منافقان عرض کردیم موضوع جداگانه‌ای است و در جای خودش صحیح است. آنها می‌خواستند ایجاد سستی کنند اما موفقیت آنها محدود و مشروط بود و اکثر مردم که مسلمانان معتقد بودند اجازه نمی‌دادند آنها هر کاری می‌خواستند بکنند اما همین اکثریت مردم نیز چون این صحنه‌ها را ندیده بودند، زود استحکام خود را از دست می‌دادند و روحیه‌شان را باختند. در چنین شرایطی موفقیت منافقان برای همراه کردن افرادی که مسئله‌دار شده بودند زیاد شد و القائات آنها تأثیر بیشتری- کرد.

نتایج معنوی جنگ احد، با بازیگرانی از مومن و دو صنف منافق

اینک جنگ اُحد تمام شده و هفتاد نفر از بهترین مؤمنان از میان مسلمانان غایب‌اند. از بقیه مسلمانان نیز عده‌ای بشدت خجالت زده و مستغفrend و عده‌ای نیز مشکل فکری پیدا کرده‌اند و می‌گویند مگر ما بر حق نبودیم پس چرا پیروز نشدیم و مگر خدا با کافران است که آنها را پیروز کرده و منافقان نیز بیشترین لذت را از اوضاع

آماده‌ای که برای پیشبرد القائنات مفسدانه آنها پیش آمده می‌برند.
این نتایجی است که پس از جنگ احد پیش آمد، یعنی ظاهر کردن درجه خلوص
ایمانی بازیگران سه گانه آن رخداد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای مسلمانان! در مواجهه با کفار سست نشوید و اندوهگین نباشید و شما بالاترید اگر
ایمان داشته باشید (۱۳۹)

اگر به شما آسیبی رسید، به آن قوم نیز آسیبی مانند آن رسید.

و ما این روزگار را بین مردم دست به دست می‌چرخانیم،

و تا اینکه خداوند ایمان داران را مشخص کند، و از شما گواهی‌ها بگیرد،

و خداوند ظالمان را دوست ندارد (۱۴۰)

و نیز اینکه مومنان را پاک کند و کافران را نابود فرماید (۱۴۱)

آیا فکر کرده اید داخل بهشت خواهید شد در حالی که خداوند کسانی از شما را که

جهاد کرده و صبر نموده اند مشخص ننموده باشد؟ (۱۴۲)

و همین شما بودید که قبل از اینکه با آنان برخورد کنید آرزوی شهادت میکردید.

پس چه شد که اینک که مرگ را دیده اید نگرانید (۱۴۳)

و محمد کسی نیست جز فرستاده ای که قبل از او نیز فرستادگانی بوده اند و گذشته

اند. پس اگر او بمیرد یا کشته شود آیا شما بر پاشنه هایتان خواهید چرخید؟ و هر

کس که بر پاشنه هایش بچرخد به خداوند ضرری نمیزند، و البته خداوند بزودی

شکرگزاران را پاداش میدهد (۱۴۴)

و هیچکس را نمیرسد که مگر به اذن خدا بمیرد.

سرنوشتی است سررسیدار.

و هر کس که متاع دنیا خواهد از آن به او میدهیم،

و هر کس بهره آخرت خواهد از آن به او میدهیم،

و بزودی شکرگزاران را پاداش خواهیم داد (۱۴۵)

و چه بسا پیامبرانی بودند که خدا پرستان زیادی همراه آنها جنگیدند، و از آنچه در

راه خدا به آنان رسید سست نشدند و تسلیم نگردیدند، و خداوند پایداران رادوست میدارد (۱۴۶) و سخن آنها، جز این نبود که میگفتند پروردگارا گناهانمان و اسرافى را که در امر خویش کردیم ببخش، و قدمهایمان را ثابت کن، و ما را علیه کافران یارى فرما (۱۴۷) پس خداوند نیز بهرمندى دنیا و برخورداری نیکوی آخرت را نصیب آنها فرمود، که خداوند نیکوکاران را دوست میدارد (۱۴۸)

ای مسلمانان! اگر کافران را اطاعت کنید شما را بر پاشنه هایتان می چرخاند و زیانکار میشوید (۱۴۹) بلکه خداوند دوست دلسوز شماست و همو بهترین یاریگر است (۱۵۰) بزودی در دلهای کافران بواسطه شرکی که نسبت به خدا ورزیدند، و خداوند دلیلی برای آن نفرستاده است، ترس می اندازیم، و جایگاهشان آن آتش است، و جایگاه ظالمان چه بد است (۱۵۱)

و البته خداوند وعده اش را وفا کرد. آنها گم گشتند که به فرمانش در جستجوی کافران بودید. تا اینکه سست شدید، و در آن امر کشمکش کردید، و پس از اینکه آنچه را دوست داشتید به شما نشان داد نافرمانی کردید. از شما کسانی بودند که فقط دنیا را میخواستند، آنگاه شما را از آنها منصرف کرد تا امتحانتان کند، و از شما در گذشت، و خداوند نسبت به مومنان صاحب بخشش است (۱۵۲)

آن هنگام را به یاد آورید که از صحنه جنگ به بالا می گریختید، و هیچ برنمی گشتید، و رسول خدا پشت سرتان بود و صدایتان میزد، پس از آن که بخود آمدید، نگرانی روی غمی بر شما فرود آمد، تا اهمیت واقعه را دریابید و خودتان را فراموش کنید و بر آنچه از غنائم که از دستتان رفت، و شکست که بر سرتان آمد، اهمیتی مدهید، و خداوند به آنچه می کنید آگاه است (۱۵۳) آنگاه، پس از آن غم، چُرت آرامش بخشی بر شما فرستاد، که طائفه ای از شما را فرا گرفت. و طائفه ای دیگر که بفکر جان خود بودند و راجع به خدا گمانهای نا حق نموده بودند، که همان گمان های جاهلیت بود، میگفتند آیا چیزی از آن امر بدست ما هست؟ بگو آن امر همه اش بدست خداست. چیز هائی را در خویش پنهان می کنند که برای تو بروز نمیدهند، و میگویند اگر چیزی از آن امر بدست ما بود در اینجا کشته نمیشدیم. بگو اگر در خانه هایتان هم بودید آنهائی که برایشان قتل مقدر شده بود در خوابگاههایشان نیز برایشان پیش می آمد و خداوند به حقیقت دل ها آگاه است

روزی که آن دو گروه با هم برخورد نمودند، کسانی که به جنگ پشت کردند، جز این نیست که شیطان بسبب بعضی چیزها که کسب نموده بودند آنها را لغزاند، و البته خداوند بخشیدشان، که خداوند آمرزشگر حلیم است (۱۵۵)

ای مسلمانان! مانند کسانی نباشید که کافر شدند و درباره برادرانشان که زمین را به مسافرت در نوردیده، و یا به جنگ رفته بودند، میگفتند اگر نزد ما مانده بودند نمیردند و کشته نمیشدند. تا خداوند آنها حسرتی در دلهایشان قرا دهد، در حالیکه خداوند است که زنده میکند و میمیراند و خداوند به آنچه می کنید بیناست (۱۵۶) و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، البته آمرزشی و رحمتی از جانب خدا از آنچه جمع می کنید بهتر است (۱۵۷) و اگر مردید یا کشته شدید البته بسوی خداوند محشور خواهید شد (۱۵۸)

آل عمران ١١ آيه ١٥٩ تا ١٨٨

فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾ إِنْ يَنْصَرِكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصَرِكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا عَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾ أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦٢﴾ هُمْ ذَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿١٦٤﴾ أَوَلَمَّْا أَصَابَكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْتُمْ أَىْ هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٦٥﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجُمُعَانِ فَيَاذَنْ لِلَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٦٦﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ﴿١٦٧﴾ الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَمَّاعُنَا مَا قَاتِلُوا فَلْأَدْرُوهُمَا عَنْ أَنْفُسِكُمْ الْمَوْتُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٦٨﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿١٦٩﴾ فَرِحَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَنْبِشُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾ يَسْتَنْبِشُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧١﴾ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٢﴾ الَّذِينَ قَالُوا هُمْ النَّاسُ إِنْ النَّاسُ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾ وَلَا يَحْزَنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ خَطًّا فِي الْآخِرَةِ وَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٦﴾ إِنْ الَّذِينَ اشْتَرَوْا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٧﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّامُ تَمْلِكُهُمْ خَيْرٌ لَأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا تَمْلِكُهُمْ لِيَزِدَّادُوا إِنَّمَا وَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿١٧٨﴾ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمَتُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٩﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٨٠﴾ لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلُهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿١٨١﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿١٨٢﴾ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٨٣﴾ إِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿١٨٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَن زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿١٨٥﴾ لَتَبْلُوَنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٨٦﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْهُ بِثَمًا قَلِيلًا قِيَسَ مَا يَشْتَرُونَ ﴿١٨٧﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُجِبُونَ أَنَّ تُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ساختن ثبوتی شخصیت مسلمانان از طریق صدور آیات احکامی و اخلاقی، و ساختن سلبی آنان از طریق ارائه الگوهای لازم الاجتناب (مانند کفار و منافقان) برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مردم! نعمت رسول خدا را ارج نهید و ناشکری نکنید و از صفات منافقانه دوری کنید و فروختن ایمان به کفر، و بی توجهی به امتحانات الهی، و بخل از انفاق مال در راه های خداپسندانه، و تکذیب رسولان، و داشتن اعتقادات شبیه اهل کتاب، از عناصر سقوط است، و ای پیامبر برای رشد دادن پیروانت چنین کن، و مؤمنان واقعی که در شددات ثابت قدم اند، مورد تحسین الهی اند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾ إِنْ يَتَصَرَّكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصَرُّكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾ أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦٢﴾ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿١٦٤﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! قدردان این نعمت عظیم الهی باشید.

أَوَلَمْ أَصَابِكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِنْهَا فَلْتَمَّ أَتَى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٦٥﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ فَيَا ذُنَّ اللَّهِ وَلْيَعْلَمْ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٦٦﴾ وَلْيَعْلَمْ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمِنَا أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ﴿١٦٧﴾ الَّذِينَ قَالُوا لِلْإِخْوَانِ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرُؤُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٦٨﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿١٦٩﴾ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧١﴾ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٢﴾ الَّذِينَ قَالِ هُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾ إِنَّمَا دَلَّكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! فکرتان را راجع به موت اصلاح کنید، زیرا آنطور که بسیاری از شما می اندیشند نیست.

وَلَا يَخْزُنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَصُرُوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي
 الْآخِرَةِ وَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَصُرُوا اللَّهَ شَيْئًا وَهُمْ
 عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٧﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا غُلِّيَ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا غُلِّيَ لَهُمْ لِيُذَادُوا
 إِنَّمَا وَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٧٨﴾ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ
 مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ
 وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٩﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ
 فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ
 الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿١٨١﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ
 بِظَالِمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿١٨٢﴾ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْآنٍ تَأْكُلُهُ
 النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
 ﴿١٨٣﴾ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ
 ﴿١٨٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! کفار و تکذیبگران را چندان جدی مگیر، و کارشان را
 بما واگذار.

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ
 فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿١٨٥﴾ لَتَبْلُوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ
 أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ
 الْأُمُورِ ﴿١٨٦﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ
 ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيِّنَ مَا يَشْتَرُونَ ﴿١٨٧﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُوتُوا
 وَيُحِبُّونَ أَن يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨٨﴾

ریزدرب: ای مردم! فراموش مکنید که دائما در حال امتحانید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید توجه به خداوند و نعمت وحی و دقت در محتوای قرآن کریم از سبب های اعتلاء شخصیت است و یکی دیگر از محورهای ساخته شدن شخصیت، درک ترجیح بهشت بر نعمت های فانی و توجه و استغفار است و اینکه کفار اعم از گذشتگان و معاصران از رشد شخصیتی بازماندند و در دنیا و آخرت زیانکار شدند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! توجه پیروانت را به این آیات و صفات و افعال الهی جلب کن و به نکوهش اهل کتاب پرداخته، که با علم و عمد در دین خدا اختلاف کردند و به آیات خدا کافر شدند و پیامبرشان و اهل عدالت را کشتند و از اینکه کتاب خدا بین آنها حکم کند سر پیچیدند. و ای پیامبر! به پیروانت توصیه کن از اهل کتاب فاصله بگیرند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! نگذار اهل کتاب با مغلطه گری پیروان «مکتب ندیده»ات را بفریبند و آنها را به روش دیگر درمیدانی متفاوت به چالش بکش.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر اهل کتاب را دعوت به گفتگو حول مشترکات اعتقادی کن و ای مسلمانان! اهل کتاب چنین اخلاق و رفتار زشتی دارند (والبته بعضی از آنها خوب هم هستند اما در اقلیت می باشند) لذا شما نسبت به آنها نه تنها محتاط باشید بلکه بهتر است آنها را به چشم دشمن نگریسته و فعلا از آنها دوری کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیامبر! اهل کتاب از لحاظ «حقانیت» مشکل های جدی دارند، سعی کن مسلمانان را به شدت از آنها دور نگهداری، و پیروانت را به اهمیت حج آگاه کن و توانمندهای آنان را به بجا آوری آن تحریض کن، و با رفتارهای کافران و خصمانه اهل کتاب بطور آشکار برخورد کن، و ای مردم! تا از آن چیزهایی را که دوست می دارید در راه خدا نبخشید به رشد و ارتقاء شخصیتی که سزاوارش هستید نمی رسید، و نکوهش اهل کتاب که حکم تورات را بر مبنای خواسته دل تغییر دادند.

در پاراگراف ۶ می فرماید: ای مسلمانان! از کفار اهل کتاب اطاعت نکنید و تقوای حقیقی پیشه کنید و اهل دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر باشید و به ریسمان خداوند چنگ بزنید و مبادا از راه حق متفرق شده و اختلاف پیشه کنید.

در پاراگراف ۷ می فرماید: ای مسلمانان! آنچه خودتان دارید بسی بالاتر است از آنچه نزد اهل کتاب است، از آنها دوری کنید.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای پیامبر! با اینکه نزد ما عزیز و محترمی، به تو هشدار میدهم مبدا درباره چیزی که اختیارش با تو نیست به کسی تعهدی بسپاری.

در پاراگراف ۹ می فرماید: ای مسلمانان از ربا بپرهیزید و در امور خیر مسابقه دهید.

در پاراگراف ۱۰ می فرماید: ای مسلمانان! فکر نکنید که یک شهادتین به زبان آورده اید و همه چیز تمام شد، نه! بلکه امتحان هائی هم هست که باید از آنها سربلند بیرون بیائید.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! بالاترین نعمت را از سوی خداوندتان دارید که همان نعمت بزرگ وحی و این رسول گرامی باشد پس شکرگزار باشید و درباره موارد ناچیز و کم اهمیتی مانند آن مصیبتی که دو برابر آن را به طرف مقابل وارد کردید گله گزاری نکنید و این شیطان است که کشتگان راه خدا را در دل دوستان خویش مرده قلمداد می کند. و ای پیامبر! ازاینکه می بینی بعضی از آنها کافر شده اند، و عده ای از آنها به بخل می پردازند، و نوعا درحالتی هستند که گوئی امتحانی درکار نیست چندان محزون مباش، همه این موارد امتحانشان است و این خیانت ها و این تکذیب ها و این . . هم که از کفار اهل کتاب می شنوید جزء ابتلائات و امتحانات شماست، و برای پیشبرد بهتر رسالت چنین رفتاری پیشه کن.

۴ - سوالات

- ۱ - «شورا»ئی که در آیه ۱۵۹ مورد اشاره است، از چه نوع است و چه تفاوتی با آیه مربوط در سوره شوری (امرهم شوری بینهم) دارد؟
- ۲ - با توجه به نیمه انتهایی آیه فوق، و با توجه به سوال قبل، نقش شرکت کنندگان درشورا، در تصمیم نهائی چیست؟
- ۳ - آیه ۱۶۱ اشاره به چه اتفاقی دارد؟
- ۴ - منظور از «لو نعلم قتالا» (آیه ۱۶۷) چیست؟ (اگر میدانستیم جنگی در پیش است؟ یا اگر به فنون جنگ آشنا بودیم؟ یا . . ؟)
- ۵- در آیه ۱۷۳ دوبار کلمه «ناس» آمده، فرق آنها را با دلیل بیان کنید .
- ۶- منظور از « الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ » (آیه ۱۷۶) چه کسانی است؟
- ۷ - آیه ۱۸۸ اشاره به چه کسانی دارد؟
- ۸ - طعنه هائی که یهودیان و منافقان به پیروان آنحضرت میزدند، چه ها بود؟
- ۹ - در کجای این پاراگراف دلداری به پیامبر(ص) را ملاحظه میفرمایید؟
- ۱۰ - کدام آیه در سوره بقره را همسخن قسمت اول آیه ۱۸۶ می بینید؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اینک که جنگ احد تمام شده و حباب غرور عده زیادی از مسلمانان ترکیده، پر از حالتی مخلوط از شرمساری و استغفار و توبه و امثال این هستند و در چنین حالتی است که آغوش باز و خلق خوش محمدی از آنان استقبال میکند.

بطور کلی، تصویری که از محتوای آیات ۱۶۸ تا ۱۶۸ میتوان بدست آورد تصویر مردمی است که «مسئله دار» شده اند، که جواب «مسئله» هاشان در این آیات داده میشود.

یک مسئله شان این بود که چرا خدا در جنگ طرف آنها را نگرفت و شکست خوردند که جوابشان اینطور داده شد که پیروزی در جنگ ها ربطی به دین اشخاص ندارد بلکه رعایت های الزامات جنگی، طرف پیروز را پیروز میکند (آیه ۱۶۰)

مسئله دیگرشان این بود که چرا پیامبر بهشان کلک زد و جوابشان این بود که پیامبر هیچ کلکی به شما نزد (آیه ۱۶۱) بعید نیست اصل این خطای آنها ناظر به آیات ۱۲۴ تا ۱۲۸ باشد که پیامبر (ص) به آنان بطور مشروط از امداد الهی توسط ملائکه سخنی گفته و آنها آن را وعده قطعی تلقی کرده بودند و اینک میدیدند خبری نشده و تلقی کلک از سوی آنحضرت را نموده بودند که جواب خویش را دریافت نمودند.

مسئله دیگرشان تعداد قابل توجه کشته هایشان بود که میگفتند چرا خدا این کار را با ما کرد (آیه ۱۶۵) که جوابشان اینطور داده شد که فقط خودتان مسئول این ضایعه هستید زیرا اگر مطابق توصیه ها و تاکیدات آنحضرت رفتار میکردید این نتیجه حاصل نمیشد.

و نیز اگر دقت شود آیات ۱۶۷-۱۶۵ گویای این نکته است که اگر در پی همین حوادثی که برایتان تلخ و ناگوار بنظر می آید نیز دقت کنید حکمت هائی می بینید (مثلاً مشخص شدن مؤمن واقعی از مؤمن زبانی، و مؤمنان از منافقان، و کسی که بین کشته شدن و شهادت در راه خدا فرقی نمی گذارد، از بقیه) از جمله آنهاست.

در پاراگراف های قبل به جنبه های مختلف جنگ احد پرداخته، و در آیات ۱۶۹ تا ۱۷۵ به تجلیل از مومنان واقعی پرداخته، در باره شهداء و اینکه چه وضع عالی و تحسین برانگیزی دارند و در این دنیا نیز چه اخلاق محکم و با ثباتی داشته اند، و اینکه آنها آن ثبات و استحکام روحی و نیز آن عاقبت آرزویی را در اثر ایمان بدست آورده اند.

یکی از نتایج جنگ احد این بود که عده ای راه خود را از مسلمانان جدا کرده و کافر شدند، معلوم نیست چه نوع کفری را انتخاب کردند، به مشرکان پیوستند یا به یهودیان، و این نتیجه ای بود که از «امتحان» جنگ احد نصیبشان شد (آیه ۱۷۹)

هرچه باشد تعداد اینها قابل توجه بوده که در قرآن ذکر شده، و اگر مطابق نحو عربی فقط سه نفر بودند که «الذین» را درست در میآورد در قرآن ذکر نمیشد، با توجه به ادبیات خاص قرآنی که لزوماً همیشه بر ادبیات عربی رایج منطبق نیست، تعداد آنها قابل توجه بوده که در قرآن ذکر شده، و چنانکه از همین آیات ۱۷۶ تا ۱۸۰ فهمیده میشود، هیچ پیگردی برای آنها تمهید نشده، و این، با توجه به بحث های جاری این روزها، در باره مرتد و ارتداد، خیلی قابل تأمل است.

چنانکه از آیات این قسمت فهمیده می شود، هم یهودیان و هم منافقان، پس از پیروز نشدن مسلمانان در جنگ احد خیلی روحیه شان بالا رفته و زبانشان دراز شده بود و طعنه های سنگینی به مسلمانان واقعی می زدند و آنها را نکوهش می کردند و خودشان را حق قلمداد می نمودند، و با این چارچوب اگر به مطلب این پاراگراف نگاه کنیم همه فقرات آن روشن است و شرحی نمی طلبد، مگر یکی دو مطلب:

مثلاً این طعنه یهودیان که در آیه ۱۸۱ منعکس شده که می گفتند مگر «خداوند فقیر است؟» که در قرآن (چه در همین سوره و چه در سوره های قبل مانند بقره و محمد(ص) و غیره) از مؤمنان خواسته که «به خداوند قرض الحسنه دهند»!

البته همه چیز مال خداوند است و حتی وجود همه انسانها و اصلاً همه جهان هستی. و این طرز دعوت و بیان خدا، نوعی احترام گذاری به مقام ایمان و مقام اختیار انسانی است، و شنونده باید عاقل باشد و مخاطب باید فهم داشته و قدر سخن را بفهمد.

و نیز اینکه منافقان این طعنه را میزدند که آنهایی که به جنگ رفته و کشته شدند اگر گوش به حرف ما داده بودند کشته نمیشدند و ..

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۵۹ فوق العاده مشهور است و از این لحاظ برجستگی خاصی دارد.
همچنین است آیه ۱۶۴. نیز همچنین است آیه ۱۸۵.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۶۹ از این لحاظ که به مرگ و ممات اشاره دارد، از آنجا جزئیات مکانیزم برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

آیه ۱۷۵ از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست. آیه ۱۸۳ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل. آیه ۱۸۵ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۸- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۶۹ و ۱۷۷، بقیه آیه های این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۱۶۱ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشد پُرانتزی است. آیه ۱۸۵ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشد پُرانتزی است، دلیلش هم اینکه اگر انتهای آیه ۱۸۴ را به ابتدای آیه ۱۸۶ وصل کنید می بینید روال سخن صاف و یکدست است.

دریافت های کوتاه مستقیم

آیه ۱۶۴: خداوند در تمام قرآن در مقابل نعمت های خویش هرگز کلمه «منت گذاشت» را بکار نبرد مگر در این آیه که صحبت از نعمت نبوت و رسالت است و دلیل آن هم واضح است، زیرا نعمت های دیگر درباره وجود است که همه موجودات در آن شریک و مساوی هستند، و نعمت نبوت و رسالت مربوط به رشد شخصیتی و کمال انسانی است.

خلق خوش محمدی

از ۴ دستور فوق، چهارمی فرع بر سومی است و لذا سه دستور فوق به اینصورت دسته بندی می شود که:

۱- ببخش،

۲- از خدا هم برایشان بخشش بخواه،

۳- مشورت کن.

دستور اول قابل فهم است که یکی از ابزارهای ریاست است. رئیسی که نسبت به زبردستان خویش بخشش نداشته باشد نمی‌تواند محبت آنها و در نتیجه اطاعتشان را جلب کند.

دستور دوم سخت‌ترین قسمت است. زیرا دعای پیامبر به درگاه خدا نمی‌تواند همینطوری و بدون توجیه باشد و باید کاملاً واقعی و حقیقی باشد و این نهایت عظمت روحی پیامبر را می‌رساند که آنهمه اشخاص (که در میان آنها منافق هم کم نبود) با بی‌شرمی خود را به او می‌چسباندند و از اخلاق او سوء استفاده می‌کردند و پیامبر می‌باید آنها را تحمل می‌کرد و خود را به ندیدن و نشنیدن و نفهمیدن می‌زد و با آنها نیز می‌باید مانند مؤمنان واقعی که از مصاحبتشان لذت می‌برد رفتار می‌کرد و تازه علیرغم همه اینها می‌باید برای آنها استغفار هم می‌کرد.

شورا

سوره شوری خیلی قبل از این سوره نازل شده است و در آن «امرهم شوری بینهم» را داشته‌ایم که چنانکه در جای خویش عرض شد پایه و اساس دموکراسی است. اما «شورا»ی مطرح شده در این آیه با آن فرق دارد. در اینجا، شرکت‌کنندگان در شورا نظرشان را می‌دهند، آنگاه پیامبر است که تصمیم را می‌گیرد.

بعبارت دیگر در قرآن دو نوع شورا می‌شناسیم: یکی بر مبنای «امرهم شوری بینهم» که تصمیم از خودِ شورا در می‌آید و دیگر «شاورهم فی الامر» که تصمیم از رسول یا کسی که جای او نشسته است بر می‌آید.

و جداً باید روی این دو حالت، کارِ کارشناسی مفصلی بشود که جای آن خالی است. کمترین چیزی که در این خصوص می‌توان گفت این است که وحی (یا جانشینی گیرنده وحی) فقط خاص معصوم است، اما اولی هم به «همه مردم» مربوط نمی‌شود، یعنی فقط کسانی میتوانند «اهل شورا» باشند که آن خواص مندرج در سوره شورا را داشته باشند.

پیامبر و کلک؟

از آیه ۱۶۱ معلوم می‌شود عده‌ای از مسلمانان از پیامبر انتظار داشتند کلک و نیرنگ بزند. واقعاً آنها انتظار داشتند پیامبر در چه موردی کلک بزند و چه کلکی بزند؟

آنچه که از «درب» و نیز آیات این بند بر می‌آید تصحیح فکر مسلمانان درباره پیروزی یا شکست است و می‌خواهد این را جا بیاندازد که شکست شما از بطن طرز کار خودتان درآمده است و آنچه که در روز احد پیش آمد براساس حکمت بوده است.

بنابراین «کلک» مورد بحث را نیز باید در این چارچوب جستجو کنیم. یعنی رفتار خلاف اخلاقی که هر طور هست پیروزی را حاصل کند.

البته در این پاراگراف چنین چیزی نمی‌بینیم. اما در قبل، در موضوع مشورت ممکن است چنین چیزی پیدا کنیم.

و موضوع از این قرار می‌شود که پیامبر می‌توانست برای اینکه پیروزی را حتمی کند، موضوع مشورت را طوری مطرح کند که جواب مردم به آن، همان جوابی باشد که آنحضرت ترجیح می‌داد.

اینک که جنگ تمام و البته شکست هم حاصل نشده، عده‌ای به یاد این موضوع افتاده‌اند که کاش ما در آن روز به پیشنهاد پیامبر رأی داده بودیم و بجای اینکه برای جنگ به خارج از شهر می‌رفتیم در شهر می‌ماندیم و از آن دفاع می‌کردیم و اگر این کار را کرده بودیم نتیجه جنگ آنطور نمی‌شد.

و بعد به این نتیجه می‌رسیدند که کاش پیامبر صورت مسئله را آنطور که مطرح کرد نمی‌کرد و طوری مطرح می‌کرد که جواب شورا مطابق نظر خودش می‌شد.

در این آیه به آنان جواب می‌دهد که برای پیامبران شایسته نیست از صداقت کامل ذره‌ای نیز تخطی کنند و کوچکترین نیرنگی بزنند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! به سبب مهربانی از جانب خداوند به آنان نرم گشته‌ای، و اگر تند خوی سخت دلی بودی حتما از دور و برت پراکنده میشدند. پس بر آنان ببخش، و برایشان استغفار کن، و درباره کارها با آنان مشورت کن. و هنگامی که تصمیم گرفتی بر خداوند توکل کن که خداوند متوکلان را دوست میدارد (۱۵۹)

اگر خدا یاریتان کند کسی بر شما پیروز نخواهد شد و اگر شما را بحال خود رها کند، غیر از او چه کسی است که یاریتان کند؟ و مومنان باید به خدا توکل کنند (۱۶۰)

و هیچ پیامبری را نمیرسد که نیرنگ زند. و کسی که نیرنگ زند در روز قیامت با آن نیرنگش همراه خواهد بود. سپس هر کس آنچه را که کسب کرده بطور کامل دریافت خواهد کرد و هیچ ظلمی نمیشوند (۱۶۱)

آیا کسی که از چیزهای مورد پسند خدا پیروی کرد مانند کسی است که چیزی آورده که موجب خشم خداست و جایگاهش جهنم است؟ و چه بد سرانجامی است (۱۶۲) آنها نزد خدا درجاتی دارند و خداوند به آنچه میکنید بیناست (۱۶۳)

البته خداوند بر مسلمانان منت گذاشت که در بین آنها رسولی از خودشان برانگیخت، که بر آنان آیاتش را تلاوت میکند، و رشدشان میدهد، و کتاب و حکمت می آموزدشان، و گرچه قبلا در گمراهی آشکار بودند (۱۶۴)

آیا وقتی که مصیبتی به شما اصابت کرد که دو برابر آن را به آنان رساندید باز هم میگوئید این از کجاست؟ بگو از جانب خودتان است که البته خداوند بر هر چیزی تواناست (۱۶۵)

و آنچه که در روز برخورد دو گروه به شما رسید به فرمان خدا بود، تا مومنان را مشخص کند (۱۶۶) و منافقان را نیز مشخص کند.

همان کسانی که وقتی به آنان گفته شد بیائید در راه خدا جنگ یا دفاع کنید، جواب دادند اگر میدانستیم جنگی در راه است حتما از شما پیروی میکردیم.

آنها در آن موقع به کفر نزدیک تر بودند تا به ایمان. با دهانهایشان چیزی می گفتند که در دلهاشان نبود، و خداوند به آنچه پوشیده میداشتند دانایتر است (۱۶۷)

همانها که به برادرانشان و کسانی که برجای خویش نشستند میگفتند اگر شهیدان اطاعتمان کرده بودند کشته نمیشدند. بگو پس مرگ را از خود دور کنید اگر راست میگوئید (۱۶۸) و مبادا کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده بپندارید، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی دارند (۱۶۹)

و به آنچه خداوند از فضلش به آنها داده شادمانند، و به آنانی که پشت سرشان هستند و هنوز به آنان نرسیده اند مژده میدهند، که نترسیدو اندوهگین هم مباشید (۱۷۰)

به نعمتی از جانب خداوند و فضلی مژده می‌دهند، و اینکه خداوند پاداش مومنان را ضایع نخواهد گزارد (۱۷۱)

کسانی که خداوند و رسولش را حتی پس از اینکه آن آسیب به آنان رسید اجابت کردند، برای نیکوکاران و تقواداران آنها پاداشی بزرگ خواهد بود (۱۷۲) همان کسانی که وقتی مردم به آنان می‌گفتند که آنها برای جنگ با شما اجتماع کرده‌اند لذا از آنان بترسید، بجای ترسیدن ایمانشان زیاد میشد و میگفتند خدا ما را بس است و خوب و کیلی است (۱۷۳) پس بسوی نعمتی از جانب خدا چرخیدند، و فضلی که بدیی به آن نمیرسد، و از راه‌های رضایت خدا پیروی کردند، و خداوند صاحب فضلی بزرگ است (۱۷۴)

جز این نیست که شیطان است که دوستانش را می‌ترساند، پس، از آنان نترسید، و مرا بترسید اگر مومن می‌باشید (۱۷۵)
و آنانکه در راه کفر با سرعت راه می‌سپارند اندوهگینتان نکند،
آنها به خداوند ضرری نمی‌رسانند،
خداوند می‌خواهد که بهره‌ای از آخرت برایشان قرار ندهد و عذابی عظیم داشته باشند (۱۷۶)

البته کسانی که کفر را به قیمت ایمان خریدند به خداوند ضرری نمی‌زنند و عذابی دردناک خواهند داشت (۱۷۷)
و کافران می‌پندارند که مهلتی که به آنها داده ایم بنفعشان است. جز این نیست که مهلت می‌دهیم تا گناه زیاد کنند و عذابی خوار کننده خواهند داشت (۱۷۸)
و اینطور نیست که خداوند مسلمانان را در این حالی که بر آن هستید رها کند، مگر اینکه خراب را از پسندیده جدا کند، و اینطور نیست که خداوند شما را بر غیب آگاه کند، ولیکن اینطور است که خداوند از میان فرستادگانش کسانی را که بخواهد برمی‌گزیند. پس به خدا و رسولانش ایمان بیاورید و اگر ایمان آوردید و تقوا پیشه نمودید آنگاه اجری بزرگ خواهید داشت (۱۷۹)

و مبادا آنانکه خداوند از فضل خویش به آنان داد، و بخل می‌ورزند، اینطور خیال کنند که این بخل بنفعشان است، بلکه به ضررشان است. زیرا آنچه که در آن بخل ورزیده‌اند در روز قیامت طوق گردنشان خواهد شد،

و میراث آسمانها و زمین مال خداست و او به آنچه می‌کنید آگاه است (۱۸۰)

البته خداوند قول آنها را شنید که گفتند خداوند فقیر است و ما غنی هستیم.

بزودی آنچه را که گفته اند می نویسیم،

و نیز اینکه پیامبران را به ناحق می کشتند، و خواهیم گفت عذاب آن آتش را

بچشید (۱۸۱)

این بخاطر آن چیز هائی است که قبلاً انجام دادید و البته خداوند نسبت به بندگان

ظالم نیست (۱۸۲)

همانهای که گفتند خداوند با ما عهد کرده که به هیچ پیغمبری ایمان نیاوریم مگر

اینکه برای ما یک قربانی بیاورد که آتش آن را بخورد، بگو رسولانی قبل از من با

نشانه های روشن و نیز آنچه که میگوئید بسویتان آمدند، پس چرا آنها را کشتید اگر

راست میگوئید (۱۸۳)

پس اگر تکذیب کردند، ناراحت مباش، زیرا قبل از تو نیز فرستادگانی که با نشانه

های روشن و نیز کتاب ها و آن کتاب نورافشان آمده بودند، تکذیب شدند (۱۸۴)

هر کسی چشنده مرگ است، و جز این نیست که پادشاهایتان در روز قیامت بطور

کامل به شما داده خواهد شد. پس اگر کسی از آن آتش دور شد و داخل بهشت

گردید برنده است. و زندگی دنیا جز بر خورداری فریبده نیست (۱۸۵)

البته در اموالتان و جانهایتان امتحان هائی خواهید شد، و از کسانی که قبل از شما

به آنان کتاب داده شده، و نیز از مشرکان، آزارهای زیادی خواهید دید و اگر صبر

کنید و تقوا پیشه نمائید، آن صبر و تقوا از جمله نشانه های محکم کردن کارهاست

(۱۸۶)

و هنگامیکه خداوند از اهل کتاب پیمان گرفت که حتما باید مطالب آن کتاب را

برای مردم بیان کنید و نباید کتمان کنید، اما آنها آن پیمان را پشت سرشان

انداختند و آن را به قیمت ناچیزی فروختند، و چه معامله بدی کردند (۱۸۷) ای

پیامبر! مبدا فکر کنی آنهائی که به آنچه بدست آوردند شادند و دوست دارند بخاطر

کاری که نکرده اند ستایش شوند، از عذاب رهایی خواهند داشت، نه! بلکه عذابی

دردناک خواهند داشت (۱۸۸)

آل عمران ۱۲ آیات ۱۸۹ تا ۲۰۰

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلاَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تَدْخُلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ ذَكَرَ أَوْ أَنشَىٰ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْقَوَابِ ﴿١٩٥﴾ لَا يَغُرُّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ﴿١٩٦﴾ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ وَيُسِسُ الْمِهَادُ ﴿١٩٧﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ ﴿١٩٨﴾ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشَتَّرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ مِمَّا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ هُمُ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٠٠﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ساختن ثبوتی شخصیت مسلمانان از طریق صدور آیات احکامی و اخلاقی و ساختن مسلیبی آنان از طریق ارائه الگوهای لازم الاجتناب (مانند کفار و منافقان)
 برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: تفکر در حقایق، و گرایش قلبی به سوی خدا، و معامله با او، و تقوا، و ارتباط دادنِ دلها، و عبادات، آدمی را رشد میدهد.

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾
ریز درپ: توجه به شئون خاص الهی موجب رشد است

۲

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُم مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَأَلَّيْنِ هَاجِرُوا وَأَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَوَدُّوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٩٥﴾

ریز درپ: توجه به آیات الهی و سپس گرایش به سوی او موجب رشد است

۳

لَا يَغُرُّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ﴿١٩٦﴾ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَاؤَاهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٩٧﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ هُمْ جَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نَزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ ﴿١٩٨﴾

ریز درپ: ای پیامبر! از اینکه کسانی لیاقت راه یافتن به حقایق را پیدا نکرده اند، ناراحت مباش

۴

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ هُمُ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اشخاص رشد یافته، ممکن است حتی در بین کسانی که به نظر میرسد در اردوگاه مقابل باشند، نیز، یافت شوند

۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۲۰۰﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! رشد شما در این مقطع زمانی موكول به این است که هم خودتان پایدار باشید و هم در بین سایر مسلمانان به تحکیمش پردازید، و نیز دلهای آنان را به هم نزدیک کنید، و از خداوند پروا داشته باشید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید توجه به خداوند و نعمت وحی و دقت در محتوای قرآن کریم از سبب های اعتلاء شخصیت است و یکی دیگر از محورهای ساخته شدن شخصیت، درک ترجیح بهشت بر نعمت های فانی و توجه و استغفار است و اینکه کفار اعم از گذشتگان و معاصران از رشد شخصیتی بازماندند و در دنیا و آخرت زیانکار شدند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! توجه پیروانت را به این آیات و صفات و افعال الهی جلب کن و به نكوهش اهل کتاب پرداخته، که با علم و عمد در دین خدا اختلاف کردند و به آیات خدا کافر شدند و پیامبرشان و اهل عدالت را کشتند و از اینکه کتاب خدا بین آنها حکم کند سر پیچیدند. و ای پیامبر! به پیروانت توصیه کن از اهل کتاب فاصله بگیرند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! نگذار اهل کتاب با مغلطه گری پیروان «مکتب ندیده»ات را بفریبند و آنها را به روش دیگر درمیدانی متفاوت به چالش بکش.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر اهل کتاب را دعوت به گفتگو حول مشترکات اعتقادی کن و ای مسلمانان! اهل کتاب چنین اخلاق و رفتار زشتی دارند (والته بعضی از آنها

خوب هم هستند اما در اقلیت می باشند) لذا شما نسبت به آنها نه تنها محتاط باشید بلکه بهتر است آنها را به چشم دشمن نگریسته و فعلاً از آنها دوری کنید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیامبر! اهل کتاب از لحاظ «حقانیت» مشکل های جدی دارند، سعی کن مسلمانان را به شدت از آنها دور نگهداری، و پیروان را به اهمیت حج آگاه کن و توانمندیهای آنان را به بجا آوری آن تحریض کن، و با رفتارهای کافران و خصمانه اهل کتاب بطور آشکار برخورد کن، و ای مردم! تا از آن چیزهایی را که دوست می دارید در راه خدا نبخشید به رشد و ارتقاء شخصیتی که سزاوارش هستید نمی رسید، و نکوهش اهل کتاب که حکم تورات را بر مبنای خواسته دل تغییر دادند.

در پاراگراف ۶ می فرماید: ای مسلمانان! از کفار اهل کتاب اطاعت نکنید و تقوای حقیقی پیشه کنید و اهل دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر باشید و به ریسمان خداوند چنگ بزنید و مبادا از راه حق متفرق شده و اختلاف پیشه کنید.

در پاراگراف ۷ می فرماید: ای مسلمانان! آنچه خودتان دارید بسی بالاتر است از آنچه نزد اهل کتاب است، از آنها دوری کنید.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای پیامبر! با اینکه نزد ما عزیز و محترمی، به تو هشدار میدهم مبدا درباره چیزی که اختیارش با تو نیست به کسی تعهدی بسپاری.

در پاراگراف ۹ می فرماید: ای مسلمانان از ربا بپرهیزید و در امور خیر مسابقه دهید.

در پاراگراف ۱۰ می فرماید: ای مسلمانان! فکر نکنید که یک شهادتین به زبان آورده اید و همه چیز تمام شد، نه! بلکه امتحان هایی هم هست که باید از آنها سربلند بیرون بیائید.

در پاراگراف ۱۱ می فرماید: ای مسلمانان! بالاترین نعمت را از سوی خداوندتان دارید که همان نعمت بزرگ وحی و این رسول گرامی باشد پس شکرگزار باشید و درباره موارد ناچیز و کم اهمیتی مانند آن مصیبتی که دو برابر آن را به طرف مقابل وارد کردید گله گذاری نکنید و این شیطان است که کشتگان راه خدا را در دل دوستان خویش مرده قلمداد می کند. و ای پیامبر! از اینکه می بینی بعضی از آنها کافر شده اند، و عده ای از آنها به بخل می پردازند، و نوعا درحالتی هستند که گوئی امتحانی درکار نیست چندان محزون مباش، همه این موارد امتحانشان است و این خیانت ها و این تکذیب ها و این... هم که از کفار اهل کتاب می شنوید جزء ابتلائات و امتحانات شماس، و برای پیشبرد بهتر رسالت چنین رفتاری پیشه کن.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! در دقایق و حقایق آفرینش تفکر و با چنین خداوندی معامله کنید تا رشد یابید و ای پیامبر! موفقیت های ظاهری کفار تو را به اشتباه نیندازد زیرا موفقیت واقعی، موفقیت اخروی است.

۴ - سوالات

۱ - در آیه ۱۹۵ عبارت «بعضکم من بعض» چه نقشی دارد؟

۲ - برای عبارت فوق، در سوره های قبل ، چه سابقه ای سراغ دارید؟

۳ - در همان آیه، عبارت «من ذکر او انثی» چه وجه گرامری دارد؟

۴ - مجموع دو عبارت فوق، چه وجهی دارد (تاکید؟ یا ...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

پیامبر(ص) میدید بعد از آنهمه وقایع مهم، از قبیل پیروزی عجیب در بدر و شکست نخوردن در احد و قضیه مباحله و قضیه بنی نضیر و چه و چه، هنوز در جهت تحقق وعده الهی «لیظهره علی الدین کله» اتفاق محسوسی نیفتاده، و مسلمانان همان مهاجران و انصارند و منافقان هم فعالند و یهودیان نیز تغییر موضع محسوسی نشان نداده اند، که خداوند در آیه ۱۹۶ او و پیروانش را دلداری میدهد و میگوید اینطورها هم نیست، و در آیه ۱۹۹ برخی از اهل کتاب را که رفتارهای تحسین برانگیزی دارند را به یادش می آورد، و در آیه ۲۰۰ خاطر نشان میسازد که هنوز کار تمام نشده و برخوردهای دیگری در پیش است و باید خود را برای آنها آماده نگهدارید.

۶ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۹۲ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۷ و ۱۹۸ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

۷ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

تفکر در حقایق و گرایش قلبی به سوی خدا، و معامله با او، و تقوا، و ارتباط دلها، و عبادات، آدمی را بالا می برد.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۷ و ۱۹۸، بقیه آیه های این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۱۹۸ بدون اینکه فرع بر آیه‌ای باشد پُرانتزی است.

خداوند به همه نظر لطف دارد

دو جمله «من ذکر و انشی» و «بعضکم من بعض» به اصطلاح ما «پُرانتزی» است، که از استثناء واقعی (أنشی و بعضکم من بعض) نسبت به عمومیت «عمل عامل منکم» رفع استثناء میکند، یعنی علیرغم اینکه بطور ظاهری، آن دو دسته جزء «عمل عامل منکم» به نظر نمی آیند، آنها را نیز جزء عاملین محسوب میفرماید و میگوید آنها نیز مُثاب هستند.

رفتار ما انسانها معمولاً اینطور است که وقتی یک مشکل عمومی و یا بحران عمومی پیش می آید، سعی میکنیم همه چیز و همه کس را در جهت رفع مشکل و بحران بسیج کنیم و در این راه معمولاً چیزها و کسانی را که مستقیماً در جهت رفع مشکل و بحران دخیل میباشند بزرگ و برجسته نموده، و به بقیه اگر تعریض و نکوهشی هم نکنیم، آنها را امیدوار و مورد لطف هم قرار نمیدهیم.

اما اینجا خداوند است که دارد سخن میگوید و میداند که گرچه در جنگ احد مردان بودند که شهید و مجروح دادند، اما زنان هم پا به پای آنها خدمات (از قبیل پرستاری و خدمات پشت جبهه ای و چه و چه) ارائه داده اند و نگران نتیجه بودند و برای حصول نتیجه مطلوب و احتراز از نتیجه نامطلوب هرچه در توان داشتند در طبق اخلاص گزاردند و تقدیم حضور خدا و رسول کردند.

از طرف دیگر، کسانی بودند که به علل متنوع هنوز (تا زمان نزول این سوره) نتوانسته بودند هجرت کنند، اما دلشان بطور کامل با رسول خدا (ص) و مومنان بود و بدترین خبر برای آنان خبر هزیمت جبهه اسلام، و خوش ترین خبر، خبر پیروزی یا لااقل عدم شکست آنان بود، و آنها هم هر کاری میتوانستند (مانند دعای علنی و ایجاد جوّ امید در بین خویش و نگران کردن کفار که نسبت به آنها احاطه داشتند) میکردند، خداوند اینها را نیز صراحتاً مورد لطف خویش قلمداد کرده است.

ترجمه تفسیری آزاد

و فرمانروائی آسمانها و زمین مال خداست و همو بر چیزی تواناست (۱۸۹) البته در آفرینش آسمانها و زمین و گردش شب و روز برای خردمندان نشانه هائی است (۱۹۰) همان کسانی که خداوند را ایستاده و نشسته و بر پهلوها یاد کرده و در آفرینش آسمانها و زمین تفکر می کنند و میگویند پروردگارا اینها را به باطل نیافریده ای، پس ما را از عذاب آن آتش حفظ کن (۱۹۱) پروردگارا هر کس را که داخل آن آتش کنی خوارش نموده ای و ظالمان هیچ یآوری ندارند (۱۹۲) پروردگارا گوش به منادیی سپردیم که ما را به ایمان میخواند، که به پروردگارتان ایمان آورید، و ما ایمان آورده ایم، پس گناهانمان را بیامرز و بدی هایمان را بپوشان و ما را با نیکان دریافت کن (۱۹۳) پروردگارا و بما آنچه که به رسولانت وعده داده ای بده، و روز قیامت خوارمان مکن، که تو البته وعده ات را خلاف نخواهی کرد (۱۹۴) پس پروردگارشان دعای آن خردمندان را شنید و اجابتشان کرد که البته عمل عاملی از شما را، چه زن و چه مرد، که به سبب ایمان از از جنس یکدیگرید، ضایع نخواهم کرد. و کسانی که هجرت کردند و از شهرهاشان اخراج شدند، و در راهم آزار شدند، و جنگ کردند و کشته شدند، حتما بدی هایشان را خواهم پوشاند و حتما به بهشت هائی وارد شان خواهم نمود که نهرها در آن جاری است که برخورداری از جانب خداوند است و البته برخورداری خوب نزد خداست (۱۹۵)

ای پیامبر! جنب و جوش کفار در شهرها گولت نزند (۱۹۶) برخورداری اندک است، سپس جایگاهشان جهنم است و بد آرامگاهی است (۱۹۷) لیکن اهل تقوا نزد پروردگارشان بهشت هائی دارند که در کف آنها نهرها جاری است که در آن جاودانند، و این پیشکشیی است از جانب پروردگارشان، و چیزی که نزد خداست برای خوبان بهتر است (۱۹۸)

و البته از اهل کتاب هم کسانی هستند که به خدا، و نیز به آنچه که بر شما نازل شده، و آنچه بر خودشان نازل شده، ایمان دارند، و برای خدا متواضعند، و آیات خدا را به قیمتی ناچیز نمی فروشند. پاداش آنها نیز نزد پروردگارشان محفوظ بوده و خداوند تند حساب است (۱۹۹)

ای مسلمانان! صبر کنید و دیگران را نیز به صبر سفارش کنید، و دلها را به یکدیگر
وصل کنید، و تقوا داشته باشید، شاید رستگار شوید (۲۰۰)